



مرکز تحقیقات اسلامی

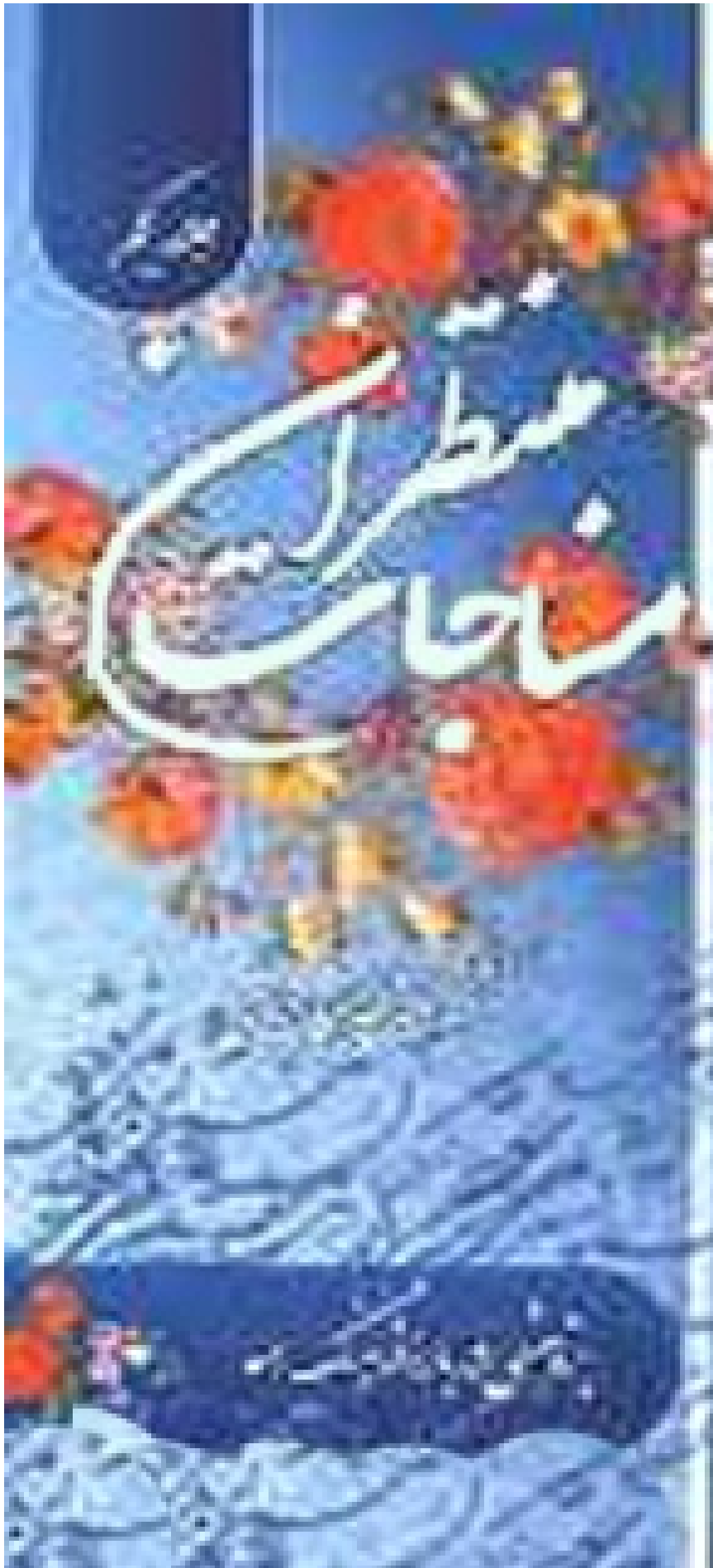
اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



جلد دوم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# مناجات منتظران

نویسنده:

محمد بنی هاشمی

ناشر چاپی:

منیر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۲	مناجات منتظران جلد ۲
۱۲	مشخصات کتاب
۱۲	بخش دوم: دعا در حقّ حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف
۱۳	اشاره
۱۵	فصل ۱- انگیزه ها و محتوای دعا برای امام زمان علیه السلام
۱۵	اشاره
۱۵	انگیزه های دعا برای دیگری
۱۷	۱- دعای شفقت و رحمت برای امام زمان علیه السلام
۲۲	۲- دعا برای امام عصر علیه السلام به خاطر تلافی کردن احسان ایشان
۲۷	۳- دعا در حقّ امام عصر علیه السلام از روی امید به احسان ایشان
۲۹	۴- دعا برای امام زمان علیه السلام به انگیزه تعظیم و تجلیل ایشان
۳۱	۵- دعا در حقّ ولی عصر علیه السلام در پاسخ به التماس دعای ایشان
۳۳	برخی مضامین دعا برای امام عصر علیه السلام
۳۳	اشاره
۳۳	۱- دعا برای دفع شرور از امام زمان علیه السلام
۳۳	۲- دعا در جهت حفظ امام علیه السلام
۳۴	۳- دعا برای دوستان و علیه دشمنان امام علیه السلام
۳۵	۴- دعا برای شادی امام علیه السلام به خاطر رعیتش
۳۶	۵- دعا برای تعجیل فرج امام علیه السلام
۳۷	فصل ۲- ضرورت دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام
۳۷	اشاره
۳۷	الف- رفع بلای غیبت به وسیله دعا
۳۷	تذکر به بلا و مصیبت غیبت

- ۳۸ ..... احساس نیاز به دعا برای تعجیل فرج
- ۳۹ ..... سستی نکردن در مورد این دعا
- ۴۰ ..... اطمینان به نزدیک شدن ظهور
- ۴۱ ..... یقین به اجابت دعای تعجیل فرج
- ۴۲ ..... تأثیر اعتقاد به خدایی بودن امر ظهور در کیفیت دعا برای آن
- ۴۳ ..... ب- امثال امر امام علیه السلام به اکتار دعا
- ۴۴ ..... معنای دقیق عبارت توقیع امام علیه السلام
- ۴۵ ..... ضرورت اهتمام به امثال امر امام علیه السلام
- ۴۷ ..... فصل ۳- آثار و فوائد دعا در حق حضرت ولی عصر علیه السلام
- ۴۷ ..... اشاره
- ۴۷ ..... الف- فوائد دعاهای ما برای امام عصر علیه السلام
- ۴۷ ..... عدم احتیاج امام زمان علیه السلام به دعاهای ما
- ۴۸ ..... فایده بخش بودن دعای ما در حق امام علیه السلام به برکت خود ایشان
- ۴۸ ..... اشاره
- ۵۲ ..... فایده اول: رفع و دفع بلا یا از امام عصر علیه السلام به دعای ما
- ۵۴ ..... فایده دوم: بالا رفتن مقام امام زمان علیه السلام به دعای ما
- ۵۵ ..... فایده سوم: جلو افتادن ظهور امام علیه السلام به دعای ما
- ۵۵ ..... اشاره
- ۵۶ ..... مشروط بودن تعجیل فرج به انجام عمل بنی اسرائیل
- ۶۰ ..... گریه و ضجه بنی اسرائیل برای تعجیل فرج
- ۶۱ ..... وجدان عذاب بودن غیبت امام عصر علیه السلام
- ۶۳ ..... حال گریه و ضجه: نشانه عمق معرفت امام زمان علیه السلام
- ۶۵ ..... لزوم اهتمام بیشتر به تعمیق معرفت مؤمنان در زمان غیبت
- ۶۷ ..... آیا ممکن است جلو افتادن فرج امام زمان علیه السلام محبوب مؤمن نباشد؟
- ۶۸ ..... تعجیل فرج یا تعجیل در آنچه خداوند به تأخیر انداخته است؟
- ۷۲ ..... لزوم تفکیک دو جهت در مقتضای عدل الهی

۷۴	تقاضای سطح بالا در دعای توقیع امام علیه السلام
۷۵	نفی استعجال در مورد ظهور امام عصر علیه السلام
۷۷	ب- آثار دعا در حقّ ولیّ عصر عجل الله تعالی فرجه الشّریف برای دعاکننده
۷۷	۱۰۲ فایده دعا در حقّ امام زمان علیه السلام برای دعاکننده
۷۹	فرج دعاکننده به سبب دعا و احسان امام عصر علیه السلام
۸۲	فرج دعاکننده به خاطر یاری کردن امام زمان علیه السلام
۸۴	فرج دعاکننده از طریق صبر بر دینداری در زمان غیبت
۸۶	اکتثار دعا بر تعجیل فرج: فرجی بزرگ برای دعاکننده
۹۱	حصول تقوی: فرج دیگری برای دعاکننده
۹۲	فصل ۴- چگونگی دعا برای امام مهدی علیه السلام
۹۲	اشاره
۹۲	۱- یأس کامل از خلق
۹۵	۲- اقبال قلبی در دعا
۹۵	اشاره
۹۶	اولین عامل مؤثّر در اقبال قلبی: مهم بودن تعجیل فرج امام عصر علیه السلام برای دعاکننده
۹۷	دومین عامل مؤثّر در اقبال قلبی: اعتقاد عمیق به تأثیر دعا در تعجیل فرج امام زمان علیه السلام
۹۹	۳- رقت قلب
۹۹	اشاره
۹۹	موانع پیدایش رقت قلب در انسان
۱۰۱	استفاده از حال رقت قلب در دعا برای تعجیل فرج
۱۰۳	۴- تحصیل تقوی و تهذیب نفس
۱۰۳	اشاره
۱۰۴	پرهیز از گناه به خاطر مستجاب شدن دعا در حقّ امام زمان علیه السلام
۱۰۷	۵- برعهده نداشتن حقّ التّاس
۱۱۰	۶- معرفت به امام عصر علیه السلام و شکر نعمت وجودی ایشان
۱۱۱	۷- الحاح و اصرار و دوری از سستی

- ۱۱۱ ..... اشاره
- ۱۱۲ ..... عوامل مؤثر در پیدایش حالت اصرار در دعا
- ۱۱۳ ..... نموده های مختلف اصرار در دعا
- ۱۱۵ ..... توسل به اهل بیت علیهم السلام در دعای عبرات
- ۱۲۰ ..... ۸- بکاء، ضجّه، تضرّع و ابتهال
- ۱۲۰ ..... اشاره
- ۱۲۱ ..... زمینه سازی برای ایجاد حال بکاء در دعا
- ۱۲۲ ..... چگونگی پیدایش حال ضجّه و تضرّع
- ۱۲۴ ..... بکاء و ابتهال امام عصر علیه السلام در دعای عبرات
- ۱۲۷ ..... ۹- دعا در حالات مختلفی که وعده اجابتش داده شده
- ۱۳۳ ..... ۱۰- نیابت از زندگان و مردگان
- ۱۳۶ ..... فصل ۵- دعای مأثور و غیرمأثور برای امام زمان علیه السلام
- ۱۳۶ ..... اشاره
- ۱۳۶ ..... الف- دعهای غیر مأثور
- ۱۳۶ ..... اشاره
- ۱۳۸ ..... مقایسه دعای غیرمأثور همراه با حضور قلب با دعای مأثور بدون آن
- ۱۴۰ ..... ب- دعهای مأثور
- ۱۴۰ ..... برتری دعهای مأثور بر غیرمأثور
- ۱۴۲ ..... اهتمام ائمه طاهرين عليهم السلام به دعا در حق امام عصر علیه السلام
- ۱۴۴ ..... دعای امام عصر علیه السلام برای تعجیل فرج خویش
- ۱۴۷ ..... دعای ارواح پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه عليهم السلام در حق امام عصر علیه السلام
- ۱۵۰ ..... ۱- دعا در قنوت نماز
- ۱۵۰ ..... اشاره
- ۱۵۱ ..... دعا در قنوت نماز وتر
- ۱۵۲ ..... دعای قنوت نماز جمعه
- ۱۵۳ ..... ۲- دعا در حال سجده



- ۱۵۴ ----- ۳- دعا در تعقیب نماز
- ۱۵۴ ----- اشاره
- ۱۵۶ ----- تعقیب اول برای نماز واجب
- ۱۵۷ ----- تعقیب دوم برای نماز واجب
- ۱۶۰ ----- تعقیب سوم در نمازهای واجب
- ۱۶۰ ----- تجدید عهد با امام عصر علیه السلام بعد از نماز واجب
- ۱۶۲ ----- تعقیب نماز ظهر
- ۱۶۵ ----- تعقیب نماز عصر
- ۱۷۱ ----- تعقیب نماز صبح و ظهر
- ۱۷۲ ----- تعقیب دو رکعت اول نماز شب
- ۱۷۳ ----- ۴- دعا در زمان های مناسب
- ۱۷۳ ----- اشاره
- ۱۷۳ ----- دعا در صبح و شام
- ۱۷۵ ----- پیدا کردن فرصت برای دعا
- ۱۷۶ ----- دعای عهد روزانه
- ۱۷۷ ----- دعا در شب و روز جمعه
- ۱۸۳ ----- دعا در عصر روز دوشنبه و پنجشنبه
- ۱۸۸ ----- دعا در روز عید غدیر
- ۱۸۸ ----- اشاره
- ۱۹۲ ----- دعای ندبه در عید غدیر
- ۱۹۴ ----- دعا در عید فطر و قربان
- ۱۹۴ ----- اشاره
- ۱۹۵ ----- عدم توفیق کامل مسلمانان برای عید فطر و قربان
- ۱۹۷ ----- دو نمونه از دعاهای مأثور در روز عید
- ۱۹۹ ----- دعا در روز عرفه
- ۲۰۳ ----- دعا در ماه مبارک رمضان

- دعا در شب و روز نیمه شعبان ..... ۲۱۰
- دعای روز دحوالارض ..... ۲۱۲
- دعا در روز عاشورا ..... ۲۱۳
- خداوند: طالب خون حسین علیه السلام ..... ۲۱۴
- امام عصر علیه السلام: خونخواه ابی عبدالله الحسین علیه السلام ..... ۲۱۵
- مؤمنان: طلب کنندگان خون امام حسین علیه السلام ..... ۲۱۶
- بهترین عمل در روز عاشورا ..... ۲۱۸
- ۵- دعا در مکان های مناسب ..... ۲۲۴
- اشاره ..... ۲۲۴
- دعا در مسجدالحرام ..... ۲۲۴
- دعا در سرزمین عرفات ..... ۲۲۶
- دعا در حرم مطهر سامرا و سرداب ..... ۲۳۰
- دعا در حرم مطهر رضوی ..... ۲۳۶
- دعا در زیر قبه سیدالشهداء علیه السلام ..... ۲۳۷
- دعا در مشاهد مشرفه ..... ۲۴۰
- دعا در مساجد کوفه، سهله و ... ..... ۲۴۱
- ۶- دعاهای غیر مقتید به زمان یا مکان خاص ..... ۲۴۳
- اشاره ..... ۲۴۳
- ذکر صلوات بر حضرت زهرا علیها السلام ..... ۲۴۳
- دعای امام رضا علیه السلام در حقّ حضرت صاحب الزّمان علیه السلام ..... ۲۴۴
- صلوات ابوالحسن ضراب اصفهانی ..... ۲۴۵
- ۷- دعای عهد با امام زمان علیه السلام ..... ۲۵۰
- بخش سوم: برخی دعاهای مأثور برای امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۲۵۲
- اشاره ..... ۲۵۲
- ۱- دعای عبرات ..... ۲۵۴
- ۲- دعای قنوت امام عصر علیه السلام ..... ۲۶۰

- ۳- دعای دیگر امام عصر علیه السلام در قنوت ..... ۲۶۱
- ۴- دعای قنوت نماز وتر ..... ۲۶۳
- ۵- دعای صبح و شام ..... ۲۶۴
- ۶- دعای «اللهم عَزِّفْنِي نَفْسِكَ...» ..... ۲۶۵
- ۷- دعای عید غدیر ..... ۲۶۹
- ۸- دعای عید فطر، قربان و جمعه ..... ۲۷۵
- ۹- دعای عید فطر ..... ۲۷۶
- ۱۰- دعای صبح روز بیست و یکم ماه رمضان ..... ۲۷۸
- ۱۱- دعای شب بیست و سوم ماه رمضان ..... ۲۷۹
- ۱۲- دعا در روز عاشورا ..... ۲۸۰
- ۱۳- دعای دیگر در روز عاشورا ..... ۲۸۳
- ۱۴- دعای امام رضا علیه السلام ..... ۲۸۷
- فهرست منابع ..... ۲۹۲
- دیگر آثار مؤلف ..... ۲۹۷
- درباره مرکز ..... ۲۹۸

مشخصات کتاب

سرشناسه: بنی هاشمی، سیدمحمد، ۱۳۳۹ -

عنوان و نام پدیدآور: مناجات منتظران/ محمد بنی هاشمی.

مشخصات نشر: تهران: منیر، ۱۳۸۷-

مشخصات ظاهری: ج.

شابک: ۷۰۰۰۰ ریال (دوره)؛ ج. ۱: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۹-۰۴۰-۰؛ ج. ۲، چاپ دوم ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۹-۰۶۹-۱:

وضعیت فهرست نویسی: برونسپاری (فاپا/ چاپ دوم)

یادداشت: چاپ دوم.

یادداشت: ج. ۲ (چاپ دوم: ۱۳۸۷).

یادداشت: کتابنامه.

مندرجات: ج. ۱. پژوهشی درباره فرهنگ دعا. - ج. ۲. جایگاه دعا در باورداشت مهدویت

موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - - غیبت

موضوع: مهدویت-- انتظار

موضوع: دعاهای امام زمان (عج).

رده بندی کنگره: BP۲۲۴/۴ب/م۹ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۶۹۷۶۳

ص: ۱

بخش دوم: دعا در حقّ حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف



پس از بیان کلیّاتی درباره دعا (جایگاه اعتقادی- آثار و نتایج - اجابت و کیفیت آن) و نیز عدم منافات آن با رضا به قضای الهی اکنون در بخش دوم کتاب می خواهیم در خصوص دعا برای وجود مقدّس امام زمان علیه السلام مباحثی را طرح کنیم. البتّه هدف اصلی کتاب همین موضوع بوده است و آنچه در بخش اول گذشت نیز به همین بهانه طرح گردید.

ص: ۲

### اشاره

اولین بحثی که درباره دعا در حق امام زمان علیه السلام مطرح می شود، انگیزه های این دعاست. ابتدا انگیزه های مختلفی که برای دعا در حق دیگری وجود دارد را معرفی می کنیم و سپس یک یک آنها را در مورد مولای از یاد رفته مان تطبیق می دهیم. (۱)

به طور معمول دعای انسان در حق دیگری ۵ انگیزه می تواند داشته باشد:

### انگیزه های دعا برای دیگری

۱- شفقت و رحمت: دعا از روی دلسوزی و ترحم مثل دعای پدر و مادر در حق فرزند و دعای برادر در حق برادر می باشد. همچنین است دعای فرشتگان برای زائران قبر سیدالشهداء علیه السلام.

۲- تلافی کردن احسان: دعا برای کسی که به انسان نیکی نموده یا یک بدی را از او دفع کرده، از این قبیل است. همچنین دعای شاگرد در حق معلم و امثال آن. به طور کلی وقتی کسی به انسان احسانی می کند، یکی از مراتب شکرگزاری از آن احسان کننده، دعای خیر در حق اوست. نیز اگر کسی انسان را از یک گرفتاری نجات دهد یا از ۱.

ص: ۳

---

۱- در این قسمت از مطالبی که در کتاب گرانقدر «مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام» آمده کمال استفاده را می نمایم، ج ۱، ص ۴۴۹ تا ۴۵۱.

رسیدن شری به او جلوگیری نماید، آن فرد عاقل فطرتاً خود را مدیون او دانسته و برایش دعا می کند. معلّم هم چون به شاگردانش احسان کرده، آنها برای تلافی کردن خیر او برایش دعا می نمایند.

۳- چشم دوختن به احسان: گاهی انسان به امید اینکه خیری از دیگری به او برسد، برایش دعا می کند. انگیزه دوم این بود که احسانی صورت گرفته و انسان برای تلافی آن برای احسان کننده دعا می کند، ولی سومی این است که هنوز احسانی صورت نگرفته و دعا به انگیزه چشم دوختن به احسان دیگری است. مثال این قسم دعایی است که فقرا و مستمندان برای جلب کمک دیگران در حقّ آنان می کنند. گاهی فقیر وقتی می خواهد کسی را به صدقه دادن تحریک و ترغیب نماید، درباره او دعاهای خیر می کند، مثلاً «خدا خیرت بدهد، خدا سایه ات را از سر خانواده ات کم نکند، خدا عمرت بدهد و ...» اینها دعاهای رجا است، یعنی چون امید دارد که به او احسانی شود، چنین دعاهایی می کند. اگر امید نداشت، دعا هم نمی کرد. این دعاها را می کند تا مورد ترحم کسی که در حقش دعا کرده، قرار بگیرد.

۴- بزرگداشت و اظهار تواضع: دعایی که در حقّ بزرگان و اشراف و علمای بزرگ می شود، می تواند به این انگیزه باشد. خود دعا کردن در این موارد مصداق تعظیم و بزرگداشت کسانی است که در حقشان دعا می شود. حتی در مواردی که چنین بزرگداشتی توقّع می رود، کوتاهی کردن در دعا می تواند موجب هتک حرمت و توهین به آن بزرگان شود. به عنوان مثال در مجلسی که برخی از علمای بزرگ حاضر هستند، تعظیم و تکریم ایشان به وسیله سخنران بجا و بلکه لازم است. کوتاهی کردن در این امر مصداق بی احترامی و بی اعتنایی به ایشان می باشد.

این چهار انگیزه را مرحوم صاحب مکیال المکارم به مناسبت بحثی که درباره «تواضع» داشته اند، طرح کرده اند. ما می توانیم یک انگیزه دیگر را به اینها اضافه کنیم:

۵- پاسخ به التماس دعا: گاهی انگیزه انسان برای دعا در حقّ دیگری التماس



دعای او به انسان است. وقتی مؤمنی از انسان می خواهد که برایش دعا کند، وظیفه برادری ایمانی حکم می کند که به درخواست او پاسخ مثبت داده شود. لذا اگر هیچ یک از انگیزه های قبلی هم نباشد، التماس دعای شخص برای اینکه دیگران دعایش کنند، کافی است.

این پنج انگیزه ممکن است به تنهایی یا با هم، مؤثر در دعای انسان باشند. گاهی فقط یکی از آنها هست و گاهی بیشتر. مثلاً اگر فرزندی به پدر یا مادرش احسان نماید، دعای آنها در حق او هم به انگیزه اول است و هم دوم. هم از روی شفقت و رحمت است و هم تلافی کردن احسان. اگر فرزند به والدین خود التماس دعا گفته باشد، انگیزه پنجم هم در دعای آنها مؤثر خواهد بود. به همین ترتیب ممکن است دو انگیزه دیگر هم در همین مورد وجود داشته باشد و به این ترتیب جمع بین همه آنها یا برخی از آنها در یک مورد خاص امکان پذیر است. البته ناگفته نماند که ما دلیلی برای منحصر کردن انگیزه های دعا در این پنج عنوان نداریم. ممکن است برخی انگیزه های دیگر هم در دعای انسان مؤثر باشد ولی شاید بتوان گفت که مهم ترین انگیزه های دعاها همین ها هستند. حال که اهم این انگیزه ها بیان شد، باید ببینیم کدام یک از آنها بر دعای انسان در حق امام زمانش تطبیق می نماید.

#### ۱- دعای شفقت و رحمت برای امام زمان علیه السلام

اولین انگیزه، شفقت و رحمت دعاکننده است که در مورد دعا در حق امام زمان علیه السلام هم مصداق پیدا می کند. به تعبیر مؤلف کتاب مکیال المکارم همه موجبات رحمت و شفقت نسبت به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در وجود مقدس ایشان جمع شده است. آنگاه برخی از آنها را که هر کدام می تواند مستقلاً انگیزه دعا برای ایشان باشد، را ذکر می فرماید که مجموع آنها دوازده عنوان می شود:

۱- پدر حقیقی بودن برای اهل ایمان: انسان برای پدرش از سر شفقت و رحمت دعای خیر می کند. اگر پدری خود اهل دلسوزی و شفقت بر فرزندانش باشد، این انگیزه برای فرزند قوی تر و شدیدتر می شود. به فرموده امام هشتم علیه السلام وجود مقدس امام

زمان علیه السلام «الوالد الشفیق»<sup>(۱)</sup> برای همه اهل ایمان هستند. پس این انگیزه در خصوص دعای مؤمنان برای پدر حقیقی خود، بسیار قوی و عمیق است.

۲- برادر واقعی بودن برای اهل ایمان: هر انسانی هرچند بی ایمان به طور طبیعی و فطری برای برادرش از سر شفقت و حمایت کننده از او، این انگیزه برای دعا در حق او پرنسنگ تر خواهد شد. امام رضا علیه السلام در ادامه فرمایش خود که امام علیه السلام را معرفی می کنند، فرموده اند: «و الأخ الشقیق»<sup>(۲)</sup>. «شقیق» یعنی نصف شده و منظور برادری است که گویی نیمه دیگر برادرش است. دو برادری که چنان به فکر یکدیگر و دلسوز هم هستند که هیچ گاه چیزی را منحصرأً برای خود نمی خواهند، بلکه در همه امور مساوی اند؛ گویی دو نیمه از یک چیز هستند. آری امام عصر علیه السلام چنین برادری برای اهل ایمان هستند، پس جا دارد که مؤمنان برای ایشان از روی شفقت و رحمت به صورت جدی دعا نمایند.

۳- غربت و کم بودن یاران: اگر کسی غریب و بی کس باشد و چنانچه شایسته اوست، مورد توجه و مراجعه و یاد کردن و ... قرار نگیرد، انسان در حقش دلسوزی و ترحم می کند و برایش دعا می نماید. به نظر می رسد که اگر به معانی «غربت» آگاه باشیم، کسی را در روی زمین غریب تر از امام زمانمان پیدا نمی کنیم.<sup>(۳)</sup>

۴- غیبت و دوری از دوستان و سرزمین: امام عصر علیه السلام در زمان غیبت از جمع دوستان و سرزمین مورد علاقه خود دور هستند. کسی که جایگاهش در همه عالم منحصر به فرد است، از اینکه در میان دوستان خود حاضر باشد و چون دیگران در خانه و سرزمین محبوب خویش آشکارا زندگی نماید، محروم است و به خاطر رضای خداوند این عزلت و تنهایی را تحمل می فرماید. آیا این شرایط شفقت و رحمت انسانند.

ص: ۶

---

۱- اصول کافی، کتاب الحجّه، باب نادر جامع فی فضل الامام و صفاته، ح ۱.

۲- همان.

۳- معانی مختلف «غربت» و اثبات غربت امام عصر علیه السلام به همه معانی آن را می توانید در کتاب «آفتاب در غربت» مطالعه فرمایید.

را بر نمی انگیزد که برای چنین بزرگواری به پیشگاه الهی دعا کند؟

۵- مظلوم بودن به خاطر غصب شدن حقوقش: حقوق امام عصر علیه السلام همچون اجداد بزرگواریشان غصب شده و ستمگران عالم، ایشان را از بسیاری از حقوقشان محروم داشته اند. این ویژگی هم موجب شفقت انسان بر ایشان می شود که دست به دعا بلند کند و از خدای مَنان یاری این بزرگ ترین مظلوم عالم را طلب نماید.

۶- مظلوم بودن به علّت اینکه پدر و اجداد و ارحام و نزدیکانش به شهادت رسیده و ایشان خونخواه همه آنها هستند: این جهت دیگری از مظلومیت مولا و سرور ماست که پدران ایشان و نزدیکانشان توسط ظالمان به ناحق کشته شده اند و منتقم خون های همه آنها، امام زمان علیه السلام ما هستند، ولی هنوز زمان آن فرا نرسیده و اجازه این خونخواهی به ایشان داده نشده است. همین امر موجب دلسوزی و رقت بر حال این بزرگوار است که می تواند انگیزه دعا در حق ایشان باشد.

۷- ایمان: مؤمن بودن امام زمان علیه السلام کفایت می کند که انسان بر حال ایشان شفقت و رحمت آورد و هر مؤمنی بر سایر اهل ایمان این حق را دارد که برایش دلسوزی کنند و به فکر حال و وضع او باشند. هرچه درجه ایمانی شخص بالاتر باشد، حق او بر دیگران بیشتر خواهد بود. آیا کسی را در رتبه ایمانی امام علیه السلام سراغ داریم؟

۸- زیادی دشمنان و ناتوانی دوستان ایشان: همه ستمگران عالم و پیروان آنها اعم از مسلمان و غیر مسلمان به خصوص کسانی که به نام اسلام و قرآن با اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و شخص امام زمان علیه اسلام دشمن هستند، متأسفانه همیشه تعداد زیادی داشته اند و در مقابل، دوستان حضرت و کسانی که با حقوق ایشان به خوبی آشنا هستند، نسبت به گروه اول تعدادشان بسیار کمتر بوده است. آیا حال کسی که دشمنانش زیاد و دوستانش کم و ناتوان هستند موجب شفقت و رحمت نیست؟

۹- گرفتاری و هم و غم زیاد ایشان به خاطر آنچه در زمان غیبت بر دوستان و شیعیان ایشان وارد می شود: از چند جهت می توان یقین کرد که امام زمان علیه السلام به خاطر مصیبت های شیعیان خود، زیاد غم و غصه می خورند: یکی از جهات، ایمان ایشان

است. هر کس ایمانش بالاتر باشد، غم و غصه اش به خاطر وقوع معصیت بیشتر است، به خصوص اگر دوستان و پیروان خود را مبتلا به گناه ببیند. جهت دیگر، پدر بودن ایشان است که وقتی فرزندان خود را گرفتار می بیند، نمی تواند بی تفاوت باشد بلکه بیش از خود فرزند ناراحت و غمناک می شود. جهت دیگر، امام بودن ایشان است که خود را مسئول هدایت و دستگیری خلق می داند و وقتی مشاهده می کند که همین خلق محتاج و گرفتار چگونه از سفینه نجات و باب هدایت الهی اعراض می کنند، چقدر اندوهگین می شود؟ و بسیاری جهات دیگر در این امر مدخلیت دارد که این جا مجال طرح آنها نیست ولی با کمال تأسف باید بگوییم اگر همه غم و غصه های اهل ایمان را که به خاطر ایمان و غیرت دینی خود متحمل می شوند، روی هم بریزیم، به اندازه ناراحتی و غم مولایمان نمی شود. حال در نظر بگیرید که این یگانه دوران و نادره روزگار، چندین و چند سال و بلکه چندین قرن است که چنین غم هایی را در سینه دارد. قطعاً کم و کیف آن برای هیچ یک از ما قابل درک و تصوّر هم نیست. (۱) اما همین قدر هست که دل های ما را به درد آورد و رحمت و شفقت ما را برانگیزد که برای رفع این غم و غصه ها به پیشگاه خداوند دعا کنیم. اگر دعای ما ذره ای از ناراحتی های ایشان بکاهد، عبادت بسیار بزرگی انجام داده ایم.

نویسنده رو سیاه این سطور واقعاً در خود احساس خجالت و شرمندگی می کند که مبادا اعمال و رفتارش موجب ازدیاد غم و غصه های امام عصر علیه السلام بوده باشد. و اگر چنین بوده است، باید ابتدا از وجود مقدّس آن عزیز به خاطر ایذاء ایشان عذرخواهی کند و با توبه واقعی خود، موجبات رفع هم و غم ایشان را فراهم آورد. آنگاه از دیگران بخواهد که برای تسکین آلام و غم های آن سرور دعا کنند.

۱۰- طولانی بودن زمان گرفتاری ایشان: هر چه مدّت زمان گرفتاری مؤمنی بیشتر باشد، دلسوزی و رقت انسان بر حال او بیشتر می شود. آیا با توجه به حجم عظیم.

ص: ۸

---

۱- گوشه ای از گرفتاری های امام عصر علیه السلام به خاطر شیعیانسان را می توانید در کتاب «سلوک منتظران» بخش ۲، فصل ۲ ملاحظه فرمایید.

گرفتاری های حضرت، کس دیگری را سراغ داریم که تاکنون نزدیک به دوازده قرن متحمل اینها بوده باشد؟

۱۱- ناشناخته بودن منزلت ایشان بین مردم و منحرف بودن آنها از مسیر آن حضرت: یکی از وجوه غربت عزیز و سرور ما این است که قدر و منزلت ایشان حتی در میان دوستانش ناشناخته مانده است. متأسفانه انحرافات عقیدتی زیادی در شناخت صحیح امام علیه السلام در میان شیعیان وجود دارد که همین انسان مؤمن را به حال شفقت و ترحم بر حال امام ناشناخته اش درمی آورد.

۱۲- کوتاهی کردن مؤمنان به ایشان در پیروی و خدمتگزاری به آن حضرت: قطعاً انتظاری که حضرت بقیه الله ارواحنا فداه از معتقدین به خود دارند، این است که فقط در ایام نیمه شعبان به شرکت در جشن میلاد یا پخش گل و شیرینی اکتفا نکنند، بلکه باید اعمال و رفتارشان گویای اقتدا به آن حضرت باشد. متأسفانه همان درصد بسیار کمی از مسلمانان که با امام زمان خود آشنا هستند و حداقل لازم از معرفت ایشان را دارند، در عمل، بسیار بسیار از آنچه باید باشند دورند و گاهی حتی در مراسم جشن مربوط به امام زمان علیه السلام، کارهایی می کنند که قطعاً و یقیناً دل مقدس ایشان را به درد می آورد. چه رسد به اینکه در خدمت به آن حضرت بخواهند حق ایشان را ادا نمایند. نویسنده خود را بیش از هر کس در این زمینه شرمنده و مقصیر می بیند و از آن مولای عزیز می خواهد که با بزرگواری از سر تقصیراتش بگذرد و اجازه خدمت خالصانه به محضرش را برای او و سایر دوستان خود صادر فرماید.

این دوازده عنوان را نویسنده فقیه مکیال المکارم در توضیح موجبات شفقت و رحمت بر امام عصر علیه السلام مطرح کرده و سپس افزوده اند که اگر کسی در احوال آن امام بزرگوار تأمل کافی کند، بسیاری جهات دیگر از همین قبیل را پیدا می کند که باید بر این وجوه بیفزاید. ما عرض می کنیم که توجه و تفتن به این امور شایستگی و لیاقت و معرفت عمیقی لازم دارد که در میان عالمان هم به ندرت پیدا می شود، چه رسد به افراد جاهلی چون حقیر که اگر تذکرات امثال صاحب مکیال نبود، هرگز به این امر توجه نداشتم و حالا هم که نوشته هایش هست یا به آنها مراجعه نمی کنم و یا اگر هم

می خوانم و می فهمم، چنان که باید حَقِّش را ادا نمی کنم. خداوند می تواند با کسانی همچون مرحوم میرزا محمد تقی اصفهانی (نویسنده مکیال المکارم) بر ما احتجاج نماید و راه هرگونه عذر آوردن در تفسیر را بر ما ببندد.

در پایان این قسمت فرموده اند که اگر مؤمنی با هر یک از این انگیزه ها، برای امامش با اخلاص دعا کند، فوایدی که در هر یک از این دوازده عنوان اشاره شد را درک خواهد کرد. مثلاً- اگر به انگیزه جهت اول (پدر حقیقی بودن امام زمان علیه السلام) برای ایشان دعا کند، ثواب نیکی کردن به پدر را می برد. اگر جهت دوم (برادر واقعی بودن امام علیه السلام) انگیزه دعا را در او به وجود آورد، ثواب رعایت حق برادر را در راه خدا می برد و همچنین ثواب یاری رساندن به غریب و مظلوم و نصرت مؤمن واقعی و رفع گرفتاری از گرفتار و غمگین و ... .

تذکر این نکته هم لازم است که دعا به انگیزه هر کدام از این وجوه، فواید و آثار ارزنده زیادی دارد و اگر همه اینها با هم جمع شوند، برکات فوق العاده ای خواهند داشت که قلم، توان بیان آنها را ندارد؛ فقط باید از خدا خواست که معرفت شایسته برای ایجاد همه این انگیزه ها را به انسان عنایت کند که در این صورت حال و هوا و فکر و ذکر انسان در همه لحظات زندگی اش بودن امام زمان علیه السلام را می گیرد. رزقنا الله بفضله و کرمه.

## ۲- دعا برای امام عصر علیه السلام به خاطر تلافی کردن احسان ایشان

دومین انگیزه دعا در حق دیگری، تلافی کردن احسان او به دعا کننده است. از این جهت هم می توان ضرورت دعا برای امام عصر علیه السلام را اثبات نمود. در این بحث هم از تذکرات سازنده و ارزشمند صاحب کتاب مکیال المکارم استفاده می کنیم. اولین تذکر این است که بدانیم همه نعمت هایی که در اختیارمان بوده است، هست و خواهد بود، به وساطت و برکت وجود آن امام همام علیه السلام است. (۱) علاوه بر این ایشان انواع و اقسام احسان ها را در حق ما انجام می دهند. یکی از مصادیق آن، دعایی است که در حَقِّد.

ص: ۱۰

---

۱- توضیح این مطلب را می توانید در کتاب «آفتاب در غربت»، بخش دوم مطالعه فرمایید.

دوستان خود می کنند. خود ایشان در ضمن توقیعی که به مرحوم شیخ مفید - اعلی الله مقامه الشریف - مرقوم فرموده اند، چنین آورده اند:

... يَعْمَدُ بِكَيْدِهِ أَهْلَ الْإِيمَانِ وَلَا يَبْلُغُ بِذَلِكَ غَرَضَهُ مِنَ الظُّلْمِ وَالْعُدْوَانِ، لِأَنَّنا مِنْ وَرَاءِ حِفْظِهِم بِالذُّعَاءِ الَّذِي لَا يُحْجَبُ عَن مَلِكِ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ فَلَيَطْمَئِنُّ بِذَلِكَ مِنَ أَوْلِيَاءِنَا الْقُلُوبِ. (۱)

... (آن منافق) با نیرنگ خود اهل ایمان را قصد می کند ولی به هدفش که ظلم و تجاوز است نمی رسد، زیرا ما در پی محافظت از آنانیم با دعایی که از پادشاه زمین و آسمان پوشیده نمی ماند، پس دل های دوستان ما بر این امر مطمئن باشد.

ایشان در نامه خود به جناب شیخ مفید از منافق پلیدی سخن گفته اند که از راه مکر و نیرنگ خواسته است که اهل ایمان را مورد ظلم و تجاوز خویش قرار دهد ولی امام علیه السلام اطمینان داده اند که او به هدفش نمی رسد و علت ناکامی او را دعای خود در حق مؤمنان دانسته اند. همان دعایی که از خداوند آسمان و زمین پوشیده نمی ماند و قطعاً به هدف اجابت می رسد و سپس تأکید فرموده اند که مؤمنان باید به این امر اطمینان کامل داشته باشند.

حقیقتاً اگر دعاهای خیر آن عزیز غایب از نظر نبود، مؤمنان مورد تجاوز انواع دشمنان اعم از انس و جن قرار گرفته و نمی توانستند در دین و دنیای خود در عافیت به سر برند. البته این سخن معنایش این نیست که هیچ درد و بلا و مصیبتی گریبان گیر هیچ مؤمنی در هیچ زمانی نمی شود. این ادعا قطعاً صحیح نیست و ما هم چنین ادعایی نداریم. سنت خدای متعال بر امتحان و ابتلای خلاق است به خصوص اهل ایمان که مطابق قرآن و احادیث بیشتر از هر کس مورد بلا و آزمایش الهی قرار می گیرند. این جا سخن در این است که اگر می بینیم بحمدالله مؤمنانی هستند که با وجود اینکه ناشکری و معصیت در بین ایشان کم نیست، می توانند ایمان و معرفت خود را حفظ کنند و به ۵.

ص: ۱۱

طور نسبی در امتیّت و عافیت خوبی به سر ببرند، همین نعمت را به برکت دعاهاى حضرت ولّی عصر علیه السلام دارا هستند وگرنه، اگر قرار بود اهل ایمان به تناسب کوتاهی های خود، به گرفتاری و مصیبت مبتلا می شدند، آن وقت درصد زیادی از ایشان به بدبختی و فلاکت و بیچارگی دینی و دنیوی دچار می شدند. این عبارت از سخنان خود امام زمان علیه السلام است که در یکی از توقیعات شریف خود فرموده اند:

إِنَّا غَيْرِ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِدِكْرِكُمْ وَلَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ أَوْ اصْطَلَكُمُ الْأَعْدَاءُ. (۱)

همانا ما در محافظت و توجه به شما اهمال نمی کنیم و یاد (کردن) شما را فراموش نمی کنیم و اگر چنین نبود، بلاهای سخت بر سر شما فرود می آمد یا دشمنان شما را ریشه کن می کردند.

این جا به طور کلی فرموده اند که اگر مراقبت و محافظت و توجه این پدر عزیز امت نبود، یا شیعیان به سختی های بزرگ گرفتار می شدند و یا دشمنان ریشه آنها برمی کنند. آری همین قدر امتیّت و سلامت و عافیت که برای شیعیان در زمان غیبت آقایشان در سطح دنیا وجود دارد، به برکت عنایات و توجهات مولایشان می باشد. پس به امر خود آقا و امام علیه السلام باید مطمئن باشیم که دعاهاى مستجاب ایشان بدرقه راهمان هست و این تنها یکی از احسان های آن عزیز در حقّ دوستانشان است.

یکی دیگر از مصادیق احسان ایشان، «حلم» آن حضرت نسبت به مؤمنان است. ما با خطاها و گناهان خود، اینقدر بی معرفتی و ناشکری می کنیم که جا دارد امام علیه السلام با ما قهر و بی اعتنایی کنند؛ اما حلم و بردباری می ورزند و باز هم ما را تحویل می گیرند و از خودشان طردمان نمی کنند.

احسان دیگر آن بزرگوار، افاضات علمی به مؤمنان است. هم نعمت های مادی و هم معنوی افاضه امام علیه السلام بر ماست و یکی از بزرگ ترین این نعمت ها، الطاف علمی ایشان است. باید یقین داشته باشیم که اگر علوم و معارف الهی و صحیحی به ما می رسد، ۳.

ص: ۱۲



لطف امام عصر علیه السلام در حقّ ماست که جدّ شریفشان حضرت زین العابدین علیه السلام در تشریح این مطلب به ابو حمزه فرمودند:

... إِنَّ اللَّهَ يُقَسِّمُ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ أَرْزَاقَ الْعِبَادِ وَ عَلَى أَيْدِينَا يُجْرِيهَا. (۱)

... همانا خداوند در آن وقت (بین الطلوعین) روزی های بندگان را تقسیم می کند و آنها را به دست ما جاری می سازد.

روزی هایی که به دست امام علیه السلام جاری می شود، هم مادی است و هم معنوی و علوم و معارف نیز یکی از همین روزی هاست.

از دیگر مصادیق احسان امام علیه السلام به ما، شفاعت ایشان در حقّ ماست. این شفاعت فقط در قیامت نیست بلکه در دنیا هم وجود دارد و ما ایشان را برای حوائج مادی و معنوی خود واسطه قرار می دهیم و به وساطت ایشان حاجت هایمان برآورده می شود.

این پنج مصداق احسان حضرت به ما (دعا، دفع دشمنان، حلم، افاضات علمی و شفاعت) فقط از باب نمونه ذکر شده و گرنه به تعبیر نویسنده کتاب مکیال المکارم، زبان از بیان همه احسان های ایشان عاجز و قلم از نوشتن آن قاصر می باشد. پس از تذکر این الطاف باید به این دو آیه کریمه قرآن توجه کنیم که:

هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ، فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ. (۲)

آیا احسان جز با احسان تلافی می شود؟ پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب می کنید؟!

در کتاب مکیال المکارم پس از ذکر این آیات شریفه، تذکرات بجایی آمده است که ما ترجمه آن را عیناً نقل می کنیم:

پس ای کسی که قدرت تلافی کردن نعمت های مولایت را - که آنچه آرزویت بوده به تو احسان فرموده - نداری، آیا قدرت این را هم نداری که لحظاتی از ساعات شب یا روزت را - که بدون اختیار تو می گذرد - به دعا برای ۱.

ص: ۱۳

۱- بصائر الدرجات، جزء ۷، باب ۱۴، ح ۹.

۲- الرّحمن / ۶۰ و ۶۱.

صاحب الزمان علیه السلام اختصاص بدهی؟ به همان کسی که انواع نعمت ها را عطایت کرده و به صورت های مختلفی که قابل شمارش و توصیف نیست، احسانت نموده است. بلکه در تمام عمرت آنچه به دست می آوری، نعمتی است از نعمت های خداوند که به واسطه ایشان به تو داده است.

این عبارات نشانگر کمال توجه و قدرشناسی نویسنده آن است که این طور دلسوزانه فرد غافل از امام عصر علیه السلام را خطاب می کند و به او توجه می دهد که بدان: اولاً توان تلافی کردن احسان های امامت را نداری، ثانیاً فراموش نشود که روزی تمنا می کردی که جزء دوستان و دلسوختگان آن حضرت باشی و در زمره دلدادگان به ایشان قرار بگیری، حال ببین که به لطف و عنایت خود آن بزرگوار لذت محبت و انس با ایشان را حس کرده ای و اگر قدر نعمت بدانی، معرفت و محبت ایشان را با هیچ یک از نعمت های دنیوی تعویض نمی کنی. آیا این کم نعمتی است که همه آرزویت پذیرفته شدن خدمتگزاری در درگاه ایشان است؟ آیا در خود لیاقت این همه نعمت را می دیدی؟ آیا عقلت به این گونه الطاف معنوی که اکنون نصیبت شده، می رسید؟ اینها و امثال اینها همه و همه به برکت مولایت به تو عطا شده است، آیا تلافی احسان های آن بزرگوار اقتضا نمی کند که در شبانه روز لحظاتی را به دعا کردن در حق این ولی نعمت هایت اختصاص دهی؟ آیا این مقدار قدرشناسی هم در وجودت نیست؟ این جاست که آن عارف واقعی به امام علیه السلام، از این همه ناسپاسی دوستانش به ستوه می آید و بر من غافل نهیب می زند و می فرماید:

پس چقدر جفاکاری! باز هم چقدر جفاکاری! اگر قلبت از آنچه به گوشت رساندیم، تکان نخورد و زبانت برای دعا در حق مولایت به حرکت درنیامد! از خواب لهو (سرگرمی) بیدار شو و بایست و آرزوهای طولانی واهی را از مقابل دیدگانت دور کن و بدان که پیشوا (آنکه جلوتر می رود) به اهل خود دروغ نمی گوید و وظیفه ما جز ابلاغ نیست. (۱)

سفارشات مهمی است از زبان کسی که به قول خودش جلو می رود و خاضعانه ۱.

ص: ۱۴

می گوید: آنکه پیشاپیش می رود، به اهل خود دروغ نمی گوید. یعنی آنها که خالصانه این نصیحت ها را می کنند، جز خیر اهل خود را نمی خواهند. ما هم باید باور کنیم که آنها که راه را بلد هستند با ما دروغ نمی گویند و صادقانه سخن می گویند.

### ۳- دعا در حقّ امام عصر علیه السلام از روی امید به احسان ایشان

یکی از انگیزه های دعا در حقّ دیگری این است که به این وسیله توجه و احسان او را به سوی خود جلب کنیم. مثالی که برای این نوع دعا بیان شد، فقیری است که به خاطر جلب صدقه دیگری در حقش دعا می کند. واقعیت این است که ما نسبت به امام عصر علیه السلام از هر گدایی محتاج تر هستیم. بنابراین کسی که ذره ای از الطاف بیکران حضرت را به دوستانش چشیده باشد، دیگر در خانه ایشان را رها نمی کند و با هر وسیله ای از جمله دعا در حقّ ایشان، خواهان جلب توجه و تصدّق ایشان می گردد.

نکته لطیفی را مؤلف کتاب ارزشمند «مکیال المکارم» در این باب تذکر داده اند که شنیدنی است. می فرمایند:

دعای ما در حقّ امام عصر علیه السلام از باب هدیه ای است که یک شخص حقیر فقیر به یک پادشاه بزرگ گرانقدر تقدیم می کند و بدون شک این کار نشانگر نیاز این فقیر به عطا و پاداش آن سلطان بزرگ است و این عادت است که بردگان نسبت به ارباب خود و هر فرد دانی نسبت به عالی دارد. (۱)

در مقام تمثیل می توانیم موری را ذکر کنیم که در روز عید، ران ملخی را به حضرت سلیمان علیه السلام تقدیم کرد، سپس چون خودش می دانست که هدیه اش در مقایسه با سایر هدایای بی ارزش است، این عبارت را بر لب زمزمه می کرد:

إِنَّ الْهَدَايَا عَلَى مِقْدَارِ مُهْدِيهَا. (۲)

همانا هدیه ها به قدر و منزلت هدیه کننده اش بستگی دارند.

ص: ۱۵

---

۱- همان، ص ۲۹۹.

۲- همان.

این جمله از جملات حکیمانه ای است که بنا به نقل، به زبان مورچه ای جاری شده و درس بزرگی است برای کسانی که می خواهند به طریقی ارادت و محبت خود را به مولایشان عرضه بدارند.

آری دعا در حق امام زمان علیه السلام توفیقی است برای شخص دعاکننده و نشانه احتیاج اوست به کرم و لطف مولایش. کسی که چشم به احسان آن کریم دوخته است، با دعاهای خود در حق آن بزرگوار می خواهد به ایشان عرض کند که: من هم جزء دوستداران و ارادتمندان شما هستم، بنابراین بی لیاقتی من باعث نشود تا از لطف و کرم خویش دورم کنید. می گویند وقتی حضرت یوسف صدیق علیه السلام را برای فروختن به بازار بردگان آوردند، هر کس به اندازه وسع و توانایی خود طالب خرید ایشان بود. پیرزنی را دیدند که با یک کلاف نخ در آنجا حضور دارد. از او پرسیدند که برای چه آمده ای، گفت: برای خرید یوسف! گفتند: با چه چیزی می خواهی او را بخری؟ گفت: با این کلاف نخ! گفتند: مگر با این کلاف یوسف را به تو می دهند؟ گفت: می دانم نمی دهند اما می خواهم وقتی خریداران یوسف را می شمرند، مرا هم جزء آنان به حساب آورند!!

این داستان هرچند که مدرک و منبعی موثقی ندارد ولی آموزه خوبی برای دوستداران مهدی عالم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می باشد. چه درس زیبایی آن پیرزن به همه ما داده است. حقیقت این است که ما چیزی نداریم که بتوانیم به خاطر آن لیاقت دوستی و خدمتگزاری امام عصر علیه السلام را داشته باشیم. دست ما از آن کلاف نخ هم تهی است. حسن آن پیرزن در این بود که خود و بضاعت مزجاش را کمتر از این می دید که در خور آقایی همچون یوسف علیه السلام باشد، ما هم باید باور داشته باشیم که هرچند گاه گاهی به عرض خدمتی به محضر مولایمان سعادت مند شده ایم، اما اینها لیاقت و استحقاق نمی آورد که مورد توجه آن بزرگ قرار گیریم، هرچه هست لطف و کرم ایشان است و از جانب ما جز کوتاهی و عرض تقصیر، هیچ نه!

اما دعای ما در حق آن بزرگوار به هیچ وجه قابل ایشان نیست و به قدر و اندازه ناچیز خودمان است. ما با دعای خود در حق اماممان می خواهیم بگوئیم: در زمانی که بسیاری از مسلمانان و حتی شیعیان ولی نعمت خود را فراموش کردند و با پنهانی اش،

خودش را هم کنار گذاشتند و از یاد بردند، ما جزء کسانی نبودیم که به این مقدار کفران نعمت کنیم و لذا چشم به کرم و احسان مولایمان دوخته ایم تا با لطفش - نه به خاطر استحقاق ما که استحقاقی در کار نیست - ما را جزء خریدارانش بپذیرد و از درگاهش مردودمان نکند.

#### ۴- دعا برای امام زمان علیه السلام به انگیزه تعظیم و تجلیل ایشان

اگر هیچ یک از انگیزه های قبلی برای دعا در حق امام زمان علیه السلام نباشد، صرف تعظیم و بزرگداشت ایشان ایجاب می کند که برایشان دعا کنیم. قطعاً تجلیل از این بزرگوار از بهترین مصادیق عبادت و بندگی خدا شمرده می شود. در این جا هم مرحوم صاحب مکیال تذکرات مفید و سازنده ای داده اند، می فرمایند:

آیا کسی را می شناسی که قدر و منزلتش از ایشان بالاتر و بلند مرتبه تر و کریم النفس تر و بزرگوارتر و آبرومندتر و مسن تر و نَسَبِ بَشِ شریف تر و مرتبه اش رفیع تر و برهان حَقَّائِیتش واضح تر و احسانش بیشتر و علمش برتر و حلمش عظیم تر و کمالاتش بیشتر و جلال و هیمنه اش بالاتر و زیباتر از مولایت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه و ظهوره) باشد؟

اگر کسی در پاسخ بگوید: آری (می شناسم)، می گویم: تو گمراه و احمق هستی و اگر بگوید: نه (نمی شناسم)، می گوید: «مَالِكُمْ لَا تَرَجُونَ لِلَّهِ وَقَاراً» (۱). چرا حرمت خداوند را نگه نمی دارید؟ مگر فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را نشنیده ای که فرمود: از مصادیق بزرگداشت خدا، احترام گذاشتن به مسلمان سپید پوست... پس اگر تجلیل بزرگترها و سن و سال داراهای مسلمان چنین فضیلتی دارد، پس چه کسی می تواند فضیلت عملی را بیان کند که با انجام آن تجلیل از بهترین مشایخ مسلمان و آقا و امام و عالم ترین ایشان حاصل می شود؟ همان بزرگواری که قلم از توصیف ایشان عاجز است و خداوند هر زمان بخواهد او را برای آشکار کردن عدل خود، ظاهر می فرماید. (۲) ۱.

ص: ۱۷

۱- نوح/۱۳.

۲- ترجمه مکیال المکارم، ج ۱، ص ۴۵۱.

پس از بیان این تذکرات، بحث زیبایی در کتاب «مکیال المکارم» مطرح شده که ما خلاصه و عصاره آن را در این جا می آوریم. محور بحث ایشان این است که همه عالم هستی محضر امام عصر علیه السلام است و همان طور که دعا برای بزرگان وقتی در محضر ایشان باشیم، مصداق بزرگداشت و اظهار فروتنی نسبت به آنان است، پس دعا در حق امام علیه السلام نیز از مصادیق تعظیم و تجلیل ایشان است. بنابراین مؤمن در هر مکان و موقعیتی باید در انجام این امر مقدس بکوشد.

ایشان برای اثبات اینکه همه اقطار عالم محضر امام زمان علیه السلام می باشد، احادیث متعددی را ذکر کرده اند تا اثبات کنند که هرچند ایشان از دیدگان مردم در ظاهر پنهان هستند ولی در دل‌های ایشان حضور دارند و بر همه خلایق در هر جای عالم که باشند، شاهد و ناظر هستند. این مسأله در اعتقادات شیعه مسلم و قطعی است و ما در این جا به ذکر دو حدیث اکتفا می کنیم. (۱) حدیث اول از امام جعفر صادق علیه السلام است که فرمودند:

إِنَّ الدُّنْيَا تَمَثَّلُ لِلْإِمَامِ فِي فَلَقِهِ الْجَوْزِ فَمَا تَعَرَّضَ لِشَيْءٍ مِنْهَا وَ إِنَّهُ لَيَتَنَاوَلُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا كَمَا يَتَنَاوَلُ أَحَدُكُمْ مِنْ فَوْقِ مَائِدَتِهِ مَا يَشَاءُ فَلَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِنْهَا شَيْءٌ. (۲)

همانا دنیا برای امام علیه السلام در نصف گردو تمثّل یافت ولی متعرض چیزی از آن نشد و او از این طرف و آن طرف دنیا برمی دارد، همان طور که یکی از شما از روی سفره اش آنچه را می خواهد، برمی گیرد. پس چیزی از آن (دنیا) از امام علیه السلام پوشیده نیست.

احاطه امام علیه السلام بر همه اطراف دنیا چنان است که از آن - همچون ما که از سفره غذا برمی داریم - هرچه می خواهد به سادگی برمی دارد و استفاده می کند. ۳.

ص: ۱۸

---

۱- دو حدیث دیگر در این باب در کتاب «معرفت امام عصر علیه السلام»، ص ۴۱۴ و کتاب «سلوک منتظران»، ص ۹۰ آمده است.

۲- بصائر الدرجات، جزء ۸، باب ۱۴، ح ۳.

حدیث دوم از امام موسی بن جعفر علیهما السلام است که فرمودند:

إِنَّمَا مَنَزَلُهُ الْإِمَامُ فِي الْأَرْضِ بِمَنَزَلِهِ الْقَمَرِ فِي السَّمَاءِ وَ فِي مَوْضِعِهِ هُوَ مُطَّلَعٌ عَلَى جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ كُلِّهَا. (۱)

جز این نیست که جایگاه امام علیه السلام در زمین به منزله ماه در آسمان و او در جایگاه خود از همه اشیا مطلع و آگاه است.

همان طور که ماه در آسمان در جایگاه بلندی است که بر همه زمین اشراف و آگاهی دارد، جایگاه امام علیه السلام نیز چنین است و از منظری بالا- بر همه زمین می نگرد و احاطه دارد. با این ترتیب می توان پذیرفت که شرق و غرب عالم محضر امام عصر علیه السلام است و احاطه ایشان بر انسان ها و اعمالشان مسلم و قطعی است. اگر کسی به این واقعیت یقین پیدا کند و با لطف و عنایت حضرت، وجدانی اش شود؛ آن گاه در او انگیزه تجلیل و بزرگداشت ایشان برای دعا در حَقَّشان ایجاد می شود و در حالی که خود را در محضر آن امام علیه السلام احساس می کند، در حَقَّش دعا می نماید.

انصافاً اگر انسان در حال زیارت امام زمان علیه السلام و دعای برای ایشان به این حقیقت توجه کند که در حضور ایشان ایستاده و مشغول زیارت یا دعاست، معنویت و لذت خاصی در قلب خود احساس می کند و حال بهتری در دعا خواهد داشت. دعایی که در حضور یک بزرگی به قصد تجلیل و تعظیم از ایشان می شود، بسیار شیرین و دلنشین است و اگر این انگیزه با انگیزه های قلبی جمع شود، اتصال روحی قوی تری در حال دعا پیدا می شود که خود زمینه استجاب آن را بیشتر فراهم می سازد.

#### ۵- دعا در حق ولی عصر علیه السلام در پاسخ به التماس دعای ایشان

یکی از انگیزه های دعا برای دیگری می تواند درخواست خود او باشد و این امر در مورد دعا برای حضرت ولی عصر علیه السلام صادق است. یکی از شواهد نقلی بر این مطلب را مرحوم شیخ صدوق به این صورت نقل فرموده که کسی از امام صادق علیه السلام سؤال می کند: ۸.

ص: ۱۹

شخصی در نماز واجب، خود را با تکلف به گریه می آورد تا اینکه گریه اش می گیرد.

حضرت می فرمایند:

قُرَّةُ عَيْنٍ وَاللَّهِ وَ قَالَ: إِذَا كَانَ ذَلِكَ فَادْكُرْنِي عِنْدَهُ. (۱)

قسم به خدا چشم روشنایی است ... اگر چنین حالی پیدا شد، مرا در آن حالت یاد کن.

در بخش اول کتاب یکی از آداب دعا را «تباکی» دانستیم یعنی وقتی انسان به طور معمول گریه اش نمی گیرد با زحمت و تکلف خود را به حال گریه درمی آورد، مثلاً با یاد کردن از مصیبت های شخصی خود. این کار نه تنها اشکالی ندارد بلکه مورد تأیید و تأکید اهل بیت علیهم السلام نیز هست. حال اگر این کار در ضمن خواندن نماز واجب باشد، به فرموده امام صادق علیه السلام باعث چشم روشنی است. شاهد بحث ما در حدیث فوق این است که امام علیه السلام پس از تأیید و تصویب کلی «تباکی» در حال نماز واجب، به سؤال کننده فرمودند که اگر چنین حالی پیدا شد، در همان وقت ایشان را یاد کند و قطعاً یکی از آثار و نشانه های یاد کردن از امام علیه السلام دعا در حق ایشان می باشد. نتیجه ای که از حدیث شریف می گیریم این است که به قول مرحوم میرزا محمد تقی اصفهانی، امر امام صادق علیه السلام به آن شخص به این جهت بوده که ایشان امام زمان او و صاحب حق بر او بودند، پس خوب است که هر مرد و زن مؤمنی به این امر نسبت به امام زمان خویش عمل نماید تا حق آن حضرت را با قلب و زبان خود ادا کرده باشد. (۲)

ملاحظه می کنیم که امام معصوم علیه السلام خود از شیعه اش می خواهد که در حالات معنوی اش به یاد ایشان باشد. بنابراین خوب است که همه دوستان امام عصر علیه السلام به خواسته ایشان ترتیب اثر داده و در حالات خویش معنوی خود - به خصوص در ضمن نماز و بعد از آن - امامشان را یاد کنند و برای وجود مبارکشان دعا نمایند. ۸.

ص: ۲۰

۱- وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۲۵۰، باب ۵، ح ۱.

۲- مکیال المکارم، ج ۲، ص ۴۷، ذیل حدیث ۱۰۹۸.



## اشاره

حال که اهم انگیزه های دعا برای امام عصر علیه السلام را شناختیم، خوب است در حد اشاره به محتوای دعا برای ایشان هم پردازیم. آنچه در دعاهای مأثور (صادر شده از معصومین علیهم السلام) درباره امام زمان علیه السلام آمده، نشان می دهد که انواع دعا در حق ایشان با مضامین متنوع و مختلف، مطلوب و محبوب خداوند است.

### ۱- دعا برای دفع شرور از امام زمان علیه السلام

به عنوان نمونه می توانیم به دعایی که حضرت امام رضا علیه السلام به یونس بن عبدالرحمن تعلیم کرده، اشاره کنیم. ایشان امر فرموده اند که این دعا در حق حضرت ولی عصر علیه السلام خوانده شود. ابتدای دعا با جمله «اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنَّا وَوَلِيِّكَ وَ خَلِيفَتِكَ...» آغاز می شود و مضامین آن متنوع و متعدد است. اولین درخواست، دفع شرور از وجود مقدس آن امام عزیز است. «دفع» به این است که شرّی به ایشان نرسد و حضرتش از انواع و اقسام بلاها مصون و محفوظ بمانند.

### ۲- دعا در جهت حفظ امام علیه السلام

در ادامه دعا به زبان دیگری برای ایشان طلب عافیت شده است. عبارت دعا این است:

وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ... .

معنای این عبارت این است که خداوند امام علیه السلام را از پیش رو و پشت سر و راست و چپ و بالا و پایین حفظ فرماید. وقتی دعا می کنیم که ایشان از شش جانب در پناه خداوند حفظ شوند، در واقع سلامت و عافیت کامل حضرت را از گزند هر آفتی طلب می کنیم. این محافظت فقط شامل حفظ جسمانی و مادی نیست بلکه شامل حفظ شئون معنوی و مقامات الهی ایشان هم می گردد. لذا چنین دعا می کنیم:

وَحَفَظَ فِيهِ رَسُولَكَ وَآبَاءَهُ أَئِمَّتَكَ وَدَعَائِمَ دِينِكَ ... .

مقصود از حفظ رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم در وجود مقدّس امام عصر علیه السلام این است که ایشان وارث حقیقی و جامع همه کمالات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و جانشینانش علیهم السلام هستند، بنابراین از خدا می خواهیم که شئون آن بزرگواران را در این تنها باقیمانده خاندان عصمت و طهارت حفظ فرماید. حفظ ایشان حفظ همه آنها و مقامات و کمالاتشان می باشد.

جنبه دیگری که در دعا برای حفظ آن حضرت می تواند مدنظر باشد این است که خداوند وجود مقدّس حضرت بقیه الله ارواحنا فداه را برای انجام رسالت بی نظیری که بر عهده اش گذاشته شده، حفظ فرماید. آنچه این آخرین وصی حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم متحمّل شده و قرار است که با ظهور خود به طور کامل ادا نماید، مسئولیت و رسالت بسیار بسیار بزرگی است که برای حسن انجام آن، عنایت خاصّ و ویژه الهی لازم است. از ما خداوند می خواهیم ایشان را برای تحمّل این بار سنگین در حال غیبت و ظهور حفظ فرماید. به دوش کشیدن ودایع بزرگ امامت، هم در زمان غیبت - که به امر خداوند بدون آشکار شدن علنی برای مردم است - بسیار سنگین می باشد و هم در هنگامه ظهور که امیدها و آرزوهای همه انبیا و اولیای الهی را از ابتدای خلقت حضرت آدم علیه السلام بر روی زمین محقق خواهد فرمود و هر دوی اینها نیاز به حفظ و مراقبت ویژه خداوند از این تنها ولیّ حیّ خود دارد.

### ۳- دعا برای دوستان و علیه دشمنان امام علیه السلام

فراز بعدی دعا مربوط به دوستان و دشمنان ایشان است. عرضه می داریم:

«وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ».

از خدا می خواهیم که با دوستان امام زمان علیه السلام دوستی و با دشمنان ایشان دشمنی کند. این درخواست، دعا در حقّ خود امام عصر علیه السلام هم هست. وقتی خداوند دوستان حضرت را دوست بدارد و آنها را در جهت پیشبرد اهداف مقدّس ولیّش یاری فرماید،

در حقیقت خود امام علیه السلام را یاری فرموده است و همچنین وقتی دشمنان حضرت را دشمن بدارد و آنان را خوار و ذلیل نماید، در واقع شرّ آنان را از وجود امام علیه السلام دور ساخته است.

#### ۴- دعا برای شادی امام علیه السلام به خاطر رعیتش

یکی دیگر از فرازهای این دعای مبارک، عبارت زیبای ذیل است:

«اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَ أَهْلِهِ وَ وُلْدِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ أُمَّتِهِ وَ جَمِيعِ رَعِيَّتِهِ مَا تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ وَ تَسُرُّ بِهِ نَفْسُهُ».

یعنی خدایا در مورد خود وجود مقدّس امام علیه السلام و نزدیکان و فرزندان و نسل و اّمّت ایشان و نیز همه کسانی که رعیت آن حضرت هستند، آن چیزهایی را که باعث چشم روشنی و شادمانی ایشان می گردد؛ به حضرتش عطا بفرما. انصافاً دعای جامع و زیبایی است؛ هم بهترین دعا در حقّ نزدیکان و فرزندان و اّمّت امام علیه السلام است و هم طلب یکی از بهترین خیرات برای خود آن عزیز. مانند این است که برای یک پدر دعا کنیم که خداوند در مورد فرزندش چیزی را که باعث خوشحالی او می شود، به او عطا نماید. البته یک پدر معمولی ممکن است به چیزی برای فرزندش خوشحال شود که به صلاح او نباشد، ولی در مورد امام عصر علیه السلام چنین فرضی منتفی است. اگر ایشان به چیزی در مورد یکی از فرزندان و رعیتش خوشحال شود، قطعاً آن چیز به خیر و صلاح فرزند هم هست. پس بهترین دعاها در حقّ اّمّت امام زمان علیه السلام همین دعاست که هم طلب خیر و صلاح برای آحاد اّمّت است و هم اجابت آن موجب خوشحالی و سرور امام علیه السلام می گردد.

در این گونه دعا کردن، مشخص نمی کنیم که چه چیزی را برای اّمّت آن حضرت می خواهیم و چه بسا همین مشخص نکردن، برای خودمان بهتر باشد، گاهی ممکن است از روی جهل و نادانی بر درخواست چیزی تأکید و اصرار بورزیم که به صلاح خودمان یا دیگران نباشد. ولی وقتی به طور مبهم و کلی می خواهیم که خداوند آنچه

باعث سرور و شادمانی امام علیه السلام می شود، به امت ایشان و با واسطه به خود ایشان عطا فرماید، در حقیقت از شر آنچه به صلاحمان نیست، در امان می مانیم.

## ۵- دعا برای تعجیل فرج امام علیه السلام

در همین دعای شریف علاوه بر چهار عنوان گذشته، عبارات متعددی وجود دارد. که در هر کدام به زبانی تعجیل فرج امام عصر علیه السلام درخواست شده است. به عنوان نمونه:

اللَّهُمَّ... أَمِّتْ بِهِ الْجَوْرَ وَ أَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ... وَ أْبْرِ بِهِ الْكَافِرِينَ وَ جَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا حَتَّى لَا تَدَعَّ مِنْهُمْ دَيَّاراً وَ لَا تُبْقِيَ لَهُمْ آثَاراً. (۱)

وقتی از خداوند می خواهیم که به دست ایشان ظلم را بمیراند و عدل را آشکار فرماید یا اینکه کافران و ملحدان را در سراسر گیتی - اعم از خشکی و دریا و دشت و کوه - نابود و هلاک گرداند و اثری از هیچ یک از آنان باقی نگذارد، در واقع فرج نهایی و کامل امام زمان علیه السلام را درخواست کرده ایم. این دعا بالاترین و کامل ترین تقاضایی است که می توانیم در حق امام علیه السلام به درگاه ایزد متان عرضه بداریم. اگر خداوند این دعا را مستجاب فرماید، همه دعاهای قبلی و بالاتر از آن، هم در حق خود ایشان و هم دوستانشان برآورده خواهد شد. بنابراین می توانیم جامع ترین و کامل ترین دعا را برای امام عصر علیه السلام، دعا برای تعجیل فرج ایشان بدانیم و به همین جهت بیشترین بحث خود را در فصول آینده کتاب بر محور همین دعا قرار دهیم. ۹.

ص: ۲۴

### اشاره

اولین بحث درباره دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام توجّه به ضرورت آن است. این ضرورت را از دو جهت می توانیم اثبات کنیم: یکی برای رفع بلاّی غیبت امام علیه السلام، دوم از جهت امتثال امر ایشان به اکتثار دعا برای تعجیل فرج.

### الف- رفع بلاّی غیبت به وسیله دعا

#### تذکر به بلا و مصیبت غیبت

در درجه اول باید به این واقعیت تلخ اذعان کنیم که غیبت امام زمان علیه السلام از بلاها و گرفتاری هایی است که خداوند به وسیله آن مردم زمان غیبت را می آزماید. اگر بخواهیم از این امتحان موفق و سربلند خارج شویم، قدم اول این است که درد و رنج این بلا و مصیبت را وجدان کنیم. کسی که به مصیبتی گرفتار می شود، اگر درد آن را احساس نکند، به فکر چاره نمی افتد و به دنبال یافتن راه نجات از آن نمی گردد. اما هر قدر عمق مصیبت را بیشتر حس کند، تلاش بیشتری برای خلاصی از آن انجام می دهد و به هر وسیله ای که امید بخش رهایی از آن بلاست، متوسّل می شود. یکی از کارسازترین وسایل برای رفع گرفتاری ها دعاست و بنابراین قدم دوم - پس از وجدان درد غیبت امام عصر علیه السلام - روی آوردن به دعا برای رفع آن است.

در فصل پایانی از بخش گذشته هشدار نهیب گونه قرآن را نقل کردیم که فرمود:

قُلْ مَا يَعْجُؤُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ (۱)

و فهمیدیم که تا دست به دعا بلند نکنیم و پایان غیبت امام عصر علیه السلام را از خداوند نخواهیم، مورد اعتنای او قرار نمی گیریم. همچنین دانستیم که یکی از حکمت های خداوند در گرفتار کردن بندگانش به بلاها و سختی ها این است که آنان به زاری و تضرع در پیشگاه خدا بیفتند و اگر چنین نکنند، مورد مؤاخذه او قرار خواهند گرفت. کلام حق الهی را در این خصوص بار دیگر به گوش جان بشنویم که فرمود:

... فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ\* فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بِأَسِينَا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲)

می بینیم با لحن بسیار شدید و تندی تضرع نکردن امت را در هنگام نزول بلا و گرفتاری مذمت فرموده و آن را معلول قساوت قلب آنها و بازیچه شیطان شدنشان دانسته است. بنابراین جا دارد که به خود بگوییم: تاکنون برای رفع بلای غیبت امام زمان علیه السلام چقدر به پیشگاه خداوند تضرع کرده ایم؟ آیا اصلاً چنین فکری به خاطرمان خطور کرده است؟ نکند مبتلا به سنگدلی و بازیچه شیطان شده باشیم؟ آیا باور کرده ایم که در صورت دعا نکردن برای تعجیل فرج امام علیه السلام خداوند هیچ اعتنایی به ما نخواهد فرمود؟

### احساس نیاز به دعا برای تعجیل فرج

انسان اگر احساس نیاز به کاری نکند به آن روی نمی آورد و دعا کردن هم از این قاعده مستثنا نیست. اگر احساس نیاز به دعا نکنیم، یا اصلاً دعا نمی کنیم و یا به صورت تصنعی و با تکلف به آن رو می آوریم. احساس نیاز به دعا وقتی پیدا می شود که انسان سختی و شدت بلا را بیشتر حس کند و این احساس هر قدر قوی تر شود، کم و کیف ۳.

ص: ۲۶

۱- فرقان/۷۷.

۲- انعام/۴۲ و ۴۳.

دعای انسان هم بهتر می شود، البتّه به شرطی که عقیده به کارگشایی و تأثیر دعا برای رفع بلا داشته باشد. پس اگر می خواهیم اهل دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام شویم، باید اولاً درد غیبت ایشان را بچشیم و ثانیاً در تلاش برای رفع آن از طریق دعا احساس سستی نکنیم، به عبارت دیگر یقین داشته باشیم که با دعا به پیشگاه خدا و اهتمام و اصرار داشتن بر آن می توانیم افق طلوع فرج امامان را مشاهده نماییم.

### سستی نکردن در مورد این دعا

این جاست که باید هشدار و تذکر امام هشتم علیه السلام را برای خود زنده کنیم که از قول جدّشان امام باقر علیه السلام نقل فرمودند:

لَيْسَ إِذَا ابْتُلِيَ فِتْرًا (۱)

(مؤمن) وقتی گرفتار می شود، سست نمی گردد.

ایمان مؤمن اجازه نمی دهد که در وقت گرفتاری، سستی نشان دهد و برای رفع آن تلاش نکند. او می داند که گرفتاری ها زمینه امتحان الهی است و برای موفقیت در این امتحان باید به دعا روی آورد. این را هم می داند که نباید از دعا به پیشگاه خدا خسته و ملول شود، چون از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلّم شنیده است که خداوند خسته و ملول نمی گردد مگر آنکه بنده اش چنین شود:

... فَإِذَا فَتَحَ لِأَحَدِكُمْ بَابَ دُعَاءٍ فَلْيَجْهَدْ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَمَلُّ حَتَّى تَمَلُّوا. (۲)

به همین خاطر است که مؤمن در دعایش جدّ و جهد می کند تا حاجتش را که فرج مولایش امام عصر علیه السلام است، محقق ببیند. پس تا وقتی به مطلوب خود نرسیده از دعا کردن و اعمال جهد در راه تحقق آن کوتاهی نمی کند.

ص: ۲۷

۱- بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۶۷، ح ۱، به نقل از قرب الاسناد.

۲- همان، ص ۳۶۴، ح ۸، به نقل از امالی طوسی.

نکته دیگر اینکه: مطابق احادیثی که برخی از آنها در بخش اول کتاب گذشت، اگر انسان در هنگام بلا به فکر دعا بیفتد می تواند مطمئن شود که باب اجابت باز شده و رفع بلا نزدیک است و برعکس اگر از دعا کردن کوتاهی نماید، باید از طولانی شدن بلا بترسد. کلام نورانی امام هفتم علیه السلام در این باب چنین بود:

مَا مِنْ بَلَاءٍ يَنْزِلُ عَلَى عَبْدٍ مُؤْمِنٍ فَيُلْهِمُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الدُّعَاءَ إِلَّا كَانَ كَشَفُ ذَلِكَ الْبَلَاءِ وَشِيكًا وَ مَا مِنْ بَلَاءٍ يَنْزِلُ عَلَى عَبْدٍ مُؤْمِنٍ فَيَمْسِكُ عَنِ الدُّعَاءِ إِلَّا كَانَ ذَلِكَ الْبَلَاءُ طَوِيلًا فَإِذَا نَزَلَ الْبَلَاءُ فَعَلَيْكُمْ بِاللُّدْعَاءِ وَ التَّضَرُّعِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (۱)

طبق این فرمایش و امثال آن می توانیم از وضعیت مؤمنان در ارتباط با بلا غیبت امام عصر علیه السلام به طولانی یا کوتاه بودن مدّت زمان آن پی ببریم. اگر دیدیم که اهل ایمان برای رفع آن به تکاپو افتاده و از جان و دل دست به دعا بلند می کنند، می توانیم به نزدیک بودن ظهور امام زمان علیه السلام دلگرم شویم و اگر مشاهده کردیم که عنایت کافی به دعا برای تعجیل فرج نمی شود، باید خود را برای طولانی تر شدن غیبت امامان آماده نماییم. شاید در احادیث هیچ معیار دیگری که به این روشنی، طولانی یا کوتاه بودن زمان غیبت را مشخص کند، به دست نداده باشند. خود امام صادق علیه السلام وقتی خواسته اند برای اصحاب خود این نکته را روشن نمایند، آن را به عنوان نشانه طولانی یا کوتاه بودن مدّت بلا، معرفی فرمودند. ابتدا پرسیدند:

هَلْ تَعْرِفُونَ طُولَ الْبَلَاءِ مِنْ قَصَرِهِ؟

و آنگاه در پاسخ به پرسش خود فرمودند:

هرگاه در هنگام بلا به کسی (از شما) الهام شد که دعا کند، بدانید که زمان آن بلا کوتاه است. (۲) ۱.

ص: ۲۸

۱- اصول کافی، کتاب الدعاء، باب الهام الدعاء، ح ۲.

۲- همان، ح ۱.



پس ما از میزان اهتمام یا عدم اهتمام مؤمنان در دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام می توانیم به زود یا دیر بودن آن پی ببریم. البتّه کاملاً توجّه داریم که مقصود در این جا دعا با حفظ همه شرایط اجابت و رفع همه موانع آن است و گرنه کثرت دعاهایی که به اجابت نمی رسند، ملاک قضاوت نیست.

### یقین به اجابت دعای تعجیل فرج

یکی از مهم ترین شرایط برای اجابت دعا این است که انسان به تأثیر عمیق دعا در رفع بلا یقین داشته باشد و آن را به تعبیر امام صادق علیه السلام از سر نیزه تیزکاری تر بداند:

الدُّعَاءُ أَنْفَذَ مِنْ السِّنَانِ الْحَدِيدِ. (۱)

نیز از آن به عنوان سلاح انبیاء و سپر مؤمن یاد کرده اند. (۲)

آیا ما در زمان غیبت مولایمان با چنین اعتقادی برای تعجیل فرج دعا می کنیم؟ آیا باور کرده ایم که دعاهای ما در جلو انداختن ظهور امام عصر علیه السلام از هر سلاح برنده ای کارسازتر است؟ اگر واقعاً چنین باوری وجود داشته باشد، نوع اهتمام و کم و کیف دعاهایمان با آنچه اکنون شاهد هستیم تفاوت جدی خواهد کرد.

اعتقاد دیگری که تأثیر عمیقی در روی آوردن ما به دعای واقعی با همه شرایط لازمش دارد، این است که بدانیم با شروع و استمرار در دعا، خداوند جریان اجابت آن را به راه می اندازد و ما نباید از دعا کردن خسته و ملول شویم یا دچار «استعجال» گردیم. فراموش نکنیم فرمایش امام صادق علیه السلام را که فرمودند:

إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا دَعَا لَمْ يَزَلِ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِي حَاجَتِهِ مَا لَمْ يَسْتَعْجِلْ. (۳)

اگر این حدیث شریف و امثال آن را باور کرده باشیم، وقتی برای تعجیل فرج مولایمان دعا می کنیم، از صمیم جان معتقد می شویم که خداوند در کار اجابت ۱.

ص: ۲۹

۱- اصول کافی، کتاب الدعاء، باب أَنَّ الدُّعَاءَ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ، ح ۷.

۲- همان، ح ۵۴ و ۵.

۳- اصول کافی، کتاب الدعاء، باب الالْحَاحِ فِي الدُّعَاءِ وَ التَّنَبُّثِ، ح ۱.

دعایمان است و وقتی چنین باشد حال و هوا و جدّیت دیگری برای دعا در انسان پیدا می شود.

احتمال دیگری که در اجابت همه دعاها وجود دارد، تأخیر آن از زمان مورد انتظار است. گاهی انسان دعایش مستجاب می شود ولی اثر آن را سال ها بعد می بیند. در بخش اول کتاب بیان کردیم که طبق احادیث، وقتی دعای حضرت نوح علیه السلام مستجاب شد، پنجاه سال بعد طوفان واقع گردید. (۱) بنابراین ممکن است دعایی که الآن برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام می شود، مستجاب باشد ولی اثر اجابت آن سال ها بعد دیده شود. اگر انسان دعایش را مستجاب ببیند، با اعتقاد و عمق بیشتری به دعا کردن می پردازد.

یکی از آداب دعا - مطابق آنچه در احادیث آمده - یقین دعاکننده به اجابت آن است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

أَدْعُوا اللَّهَ وَ أَنْتُمْ مُوقِنُونَ بِالْإِجَابَةِ. (۲)

اگر انسان با علم و یقین به اجابت دعا کند، قطعاً طرز دعا کردنش با وقتی که امیدی یا اطمینانی به اجابت ندارد، تفاوت می کند. روشن است که یقین به اجابت خود عامل مؤثری در اجابت دعاست. حال از خود پرسیم: چند درصد از دعاهایی که برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام می شود، با یقین به اجابت آن است؟

### تأثیر اعتقاد به خدایی بودن امر ظهور در کیفیت دعا برای آن

متأسفانه شاهدیم که بسیاری از شیعیان و دوستان امام عصر علیه السلام نه تنها یقین به اجابت دعا برای تعجیل فرج ایشان ندارند، بلکه در ذهن خود برای ظهور حضرت پیش شرط هایی را فرض گرفته اند که براساس آنها احتمال اجابت فوری دعای خود و دیگران را هم نمی دهند، چه رسد به اطمینان و یقین به اجابت. بنابراین لازم است بهی.

ص: ۳۰

۱- کمال الدین، باب ۲، ح ۲.

۲- بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۰۵، ح ۱، به نقل از عدّه الدّاعی.

این حقیقت با همه وجود معتقد شده باشیم که فرج کلی و نهایی امام زمان علیه السلام هیچ گونه پیش شرط بشری ندارد و زمینه و مقدمه ای که ایجاد آن به دست بشر باشد، لازم ندارد. یعنی امر ظهور ایشان بیش از هر کار دیگری «خدایی» است نه «بشری». توضیح و اثبات این موضوع مهم در محل مناسب خود آمده است. (۱)

ما انسان ها هرچه کاری خدایی تر باشد، برای تحقق آن بیشتر روی دعا حساب می کنیم و از آنجا که ظهور امام زمان علیه السلام هیچ مقدمه و پیش نیاز ضروری ندارد، بنابراین هیچ عاملی امید انسان را از اجابت دعا برای تعجیل فرج کمرنگ نمی کند. پس در این دعای خاص حال «انقطاع الی الله» می تواند بسیار زیاد باشد. این سخن هرگز به معنای کم اهمیت دانستن سایر وظایف دوستداران حضرت در زمان غیبت نیست، بلکه صرفاً برای بالا بردن اهتمام ایشان در وظیفه دعا برای تعجیل فرج است. تا این جا اشاره ای داشتیم به ضرورت دعا برای تعجیل فرج از جهت وظیفه ای که برای رفع بلا به طور کلی به خصوص برای رفع بلا و مصیبت غیبت امام عصر علیه السلام داریم. اما از جهت دیگری هم می توانیم این ضرورت را اثبات نماییم.

### ب- امثال امر امام علیه السلام به اکتار دعا

حضرت ائمه اطهار علیهم السلام با لحن اکیدی به دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام سفارش فرموده اند. ما در این جا صرفاً دستور خود امام عصر علیه السلام را نقل می کنیم و از آنچه پدران بزرگوار ایشان فرموده اند فعلاً صرف نظر می نماییم. عبارتی که در توفیق شریف ایشان آمده این است:

اَكثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ. (۲)

برای تعجیل فرج زیاد دعا کنید زیرا آن فرج شماست.

این عبارت در ضمن توفیق مفصلی خطاب به اسحاق بن یعقوب صادر شده که ۴.

ص: ۳۱

۱- رجوع کنید به کتاب «راز پنهانی و رمز پیدایی» بخش سوم، فصل سوم.

۲- کمال الدین، باب ۴۵، ح ۴ و احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۴.

مرحوم شیخ صدوق با دو واسطه از او نقل فرموده است. واسطه اول جناب محمّد بن یعقوب کلینی است که اعتماد ایشان و سایر مشایخ امامیه به اسحاق بن یعقوب خود دلیل جلالت قدر و وثاقت آن بزرگوار می باشد. علاوه بر اینکه در انتهای همین توقیع امام زمان علیه السلام بر او سلام داده اند.

### معنای دقیق عبارت توقیع امام علیه السلام

عبارات خود توقیع نشان می دهد که منظور از کلمه «الفرج» در کلام حضرت، فرج نهایی و پایان یافتن غیبت ایشان است. اما در اینکه مشارّالیه کلمه «ذلک» چیست، سه احتمال وجود دارد:

احتمال اول: مراد از «ذلک»، فرج امام زمان علیه السلام باشد، یعنی کلمه «الفرج» در عبارت توقیع مشارّالیه باشد. در این صورت معنای عبارت «فانّ ذلک فرجکم» چنین است: فرج امام عصر علیه السلام فرج شماست. این مطلب به عنوان علت امر امام به دعا کردن (یا زیاد دعا کردن) برای فرج ایشان ذکر شده و مفاد آن این است که: برای تعجیل فرج زیاد دعا کنید چون با فرج ایشان، فرج شما حاصل می شود. منظور این است که فرج همه اهل ایمان به فرج امام زمان علیه السلام محقق و عملی خواهد شد و این مطلب حق و صحیحی است که احادیث متعدّدی آن را تأیید می کند. (۱)

در این فرض دو احتمال در معنای کلّ عبارت وجود دارد: یکی اینکه جمله «فانّ ذلک فرجکم» علت برای امر به اصل دعا کردن برای تعجیل فرج باشد و دوم آنکه این جمله علت امر به زیاد دعا کردن برای تعجیل فرج باشد. در هر دو صورت مشارّالیه کلمه «ذلک» فرج امام عصر علیه السلام است، هر چند که معنای کلّ عبارت با این دو احتمال متفاوت می شود.

احتمال دوم: مراد از «ذلک» دعا کردن باشد، یعنی کلمه «الدعاء» در عبارت توقیعت.

ص: ۳۲

---

۱- به عنوان نمونه رجوع کنید به بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۱۵۸ و ۱۵۹، به نقل از اقبال الاعمال، توضیح این حدیث شریف در کتاب «معرفت امام عصر علیه السلام» ص ۴۰۲ آمده است.

مشارزالیه باشد. در این صورت معنای جمله «فانّ ذلك فرجکم» این است: دعا کردن برای تعجیل فرج، فرج شماس است.

احتمال سوم: مراد از «ذلك» زیاد دعا کردن باشد، یعنی معنای اکتار در دعا که از جمله «اکثر و الدعاء» فهمیده می شود، مشارزالیه باشد. در این فرض مرجع اسم اشاره، معنوی است نه لفظی و معنای جمله «فانّ ذلك فرجکم» چنین خواهد بود: زیاد دعا کردن برای تعجیل فرج، فرج شماس است.

تفاوت سه احتمال با یکدیگر کاملاً روشن است و به نظر قاصر حقیر احتمال سوم ترجیح دارد چون «ذلك» اسم اشاره به بعید است و مرجع دورتر در این سه احتمال، همان معنای «اکتار دعا» است که در احتمال سوم مطرح می شود. البته احتمال دوم را رد نمی کنیم، همان طور که مرحوم صاحب مکیال المکارم هر دو احتمال را با هم پذیرفته اند؛<sup>(۱)</sup> ولی شاید احتمال سوم ارجح باشد. بنابراین از کلّ عبارت چنین برداشت می شود که زیاد دعا کردن برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام فرج دعاکننده خواهد بود.

### ضرورت اهتمام به امتثال امر امام علیه السلام

به هر حال مهم این است که امام علیه السلام در این توفیق شریف امر به زیاد دعا کردن فرموده اند و این نشانگر کمال عنایت ایشان به لزوم اهتمام اهل ایمان به دعا برای تعجیل فرج امامشان است. حضرت در این عبارت به دعای کم رضایت نداده و به اکتار آن دستور فرموده اند. وقتی کثرت کاری محبوب و مأمور به باشد، قطعاً آن کار عبادت بسیار بزرگ و بابرکتی است و اگر کسی از زیاد انجام دادن آن معذور یا محروم است، نباید از اصل و مقدار کم آن دریغ ورزد.

اگر بخواهیم درباره مفاد این امر (اکتار دعا) از دیدگاه فقهی بحث کنیم، علی القاعده نظر مرحوم صاحب مکیال را ترجیح می دهیم که آن را امر استحبابی دانسته اند نه وجوبی.<sup>(۲)</sup> اما صرفنظر از جنبه فقهی، وقتی به انجام عملی با قید «اکتار»<sup>۹</sup>.

ص: ۳۳

۱- مکیال المکارم، ج ۱، ص ۳۰۸.

۲- همان، ص ۳۰۹.

امر می شود، روشن است که آن عمل به طور مؤکد مطلوب و محبوب خداست. بنابراین کوتاهی کردن در آن به هیچ وجه پذیرفتنی نیست. در اوامر استجابی هم اگر کسی حالت بی‌اعتنایی و بی‌توجهی و خدای ناکرده اعراض از یکی از آنها داشته باشد، قطعاً کار صحیحی انجام نداده است هر چند که به لحاظ فقهی مرتکب معصیت نشده باشد. از این رو با این همه تأکیدی که بر دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام صورت گرفته، حداقل این است که فرد مؤمن نسبت به آن حالت بی‌تفاوتی و بی‌اعتنایی نداشته باشد و آن را یکی از برنامه‌های جدی زندگی اش قرار دهد. کم یا زیاد آن به میزان معرفت و درجه ایمانش مربوط می‌شود.

### اشاره

دعاهایی که ما در حق امام زمانمان به پیشگاه خدای متعال عرضه می داریم، دارای دو گونه فایده و نتیجه است. یکی آثار و نتایجی که به مولایمان می رسد و دیگر آنچه نصیب خودمان می شود. ما هریک از این دو را جداگانه بسط و شرح می دهیم.

### الف- فوائد دعاهای ما برای امام عصر علیه السلام

قبل از بیان برخی از فوائدی که از طریق دعاهای ما ممکن است به مولایمان امام عصر علیه السلام برسد، خوب است به این دو پرسش پاسخ دهیم:

۱- اگر همه خیرات و برکات به خاطر وجود مقدس امام علیه السلام به ما می رسد، ایشان چه نیازی به دعاهای امثال ما دارند؟

۲- مگر ممکن است ما که در همه کمالاتمان نیاز به امام علیه السلام داریم، واسطه حصول فایده و کمالی برای ایشان باشیم؟

ما این دو سؤال را به صورت جداگانه پاسخ می دهیم.

### عدم احتیاج امام زمان علیه السلام به دعاهای ما

۱- اگر بگوییم که دعای ما می تواند مفید فایده و اثری برای امام زمان علیه السلام باشد، این مطلب به هیچ وجه نیاز ایشان را به دعاهای ما ثابت نمی کند. خدای متعال می تواند

همه آثار و نتایج دعا‌های ما را بدون آنکه دعای ما را واسطه تحقق آنها قرار دهد، برای امامان حاصل فرماید. بنابراین اگر بنا به حکمت و مصلحتی بخواهد دعا‌های ما را مقدمه و زمینه آنها قرار دهد، این امر نیاز امام علیه السلام را به ما نمی‌رساند.

به تعبیر دیگر می‌توانیم بگوییم: امام عصر علیه السلام برای رسیدن به کمالات خود نیازمند خدا هستند نه ما و خداوند می‌تواند از راه‌های مختلفی حجت خود را به کمال برساند. یکی از این راه‌ها این است که دعا و درخواست امثال ما را مقدمه و زمینه اعطای آن کمال به امام علیه السلام قرار دهد و اگر چنین کند، حضرت محتاج ما نمی‌شوند. احتیاج وقتی است که فردی بدون کمک «محتاج الیه» (کسی که نیاز به او هست) به کمالی نائل نشود، اما در این جا چنین چیزی اتفاق نمی‌افتد. ما نمی‌توانیم ادعا کنیم که اگر دعای ما نباشد، امام علیه السلام به فلان کمال نائل نمی‌شوند، چه بسا خداوند - در فرض دعا نکردن ما - همان کمال یا بالاترش را به بهانه دیگری به امام علیه السلام اعطا فرماید. در واقع دعا‌های ما بهانه‌ای است که خداوند از طریق آن حجت حیّ خویش را به مراتب بالاتری از کمالات می‌رساند. وجود این بهانه عمدتاً برای خودمان مفید است، هرچند که به لطف و فضل الهی زمینه ساز عنایت بیشتر پروردگار به امام زمان علیه السلام هم می‌شود.

### فایده بخشی بودن دعای ما در حق امام علیه السلام به برکت خود ایشان

#### اشاره

۲- مفید بودن دعا‌های ما برای امام زمان علیه السلام منافاتی با واسطه بودن حضرت در همه فیوضات الهی برای ما ندارد. ما بنا بر ادله متعدّد نقلی - اعمّ از کتاب و سنّت - معتقدیم که همه کمالات برای ما به واسطه حضرت بقیّه الله ارواحنا فداه حاصل می‌گردد و همه خلائق روزی مادی و معنوی خود را از داستان با برکت آن حضرت دریافت می‌کنند. (۱)

حتی دعا‌های ما در حق ایشان هم به برکت خودشان مستجاب می‌شود. این یک اصل مسلمی است که هیچ شیعه متفقّه در دین شکی نسبت به آن روا نمی‌دارد. (حال ۹)

ص: ۳۶

۱- اشاره به فرمایش امام سجّاد علیه السلام ابو حمزه: إِنَّ اللَّهَ يُقَسِّمُ... أَرْزَاقَ الْعِبَادِ وَ عَلَيَّ أَيْدِينَا يُجْرِيهَا. (بصائر الدرجات، جزء ۷، باب ۱۴، ح ۹)



اگر خداوند خواسته باشد که دعاهای ما برای امام زمان علیه السلام را به خاطر خود ایشان مستجاب فرماید، آیا وساطت آن حضرت در اعطای کمالات به ما نقض می شود؟ هرگز. بهترین مثالی که برای روشن شدن این موضوع می توانیم مطرح کنیم، مثال «صلوات» است. مطابق آنچه در روایات آمده، دعای صلوات همیشه مستجاب است. (۱) یعنی هر کس - چه مسلمان و چه کافر - در هر شرایطی و به هر نیتی صلوات بفرستد، خدا دعایش را به اجابت می رساند. محتوای صلوات، درخواست رحمت از خداوند برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و عترت ایشان علیهم السلام است. خداوند این درخواست را به خاطر لطفی که به خود اهل بیت علیهم السلام دارد مستجاب می فرماید و به دعاکننده کاری ندارد. استجاب همین دعا هم به وساطت این انوار مقدسه صورت می گیرد. اهل بیت علیهم السلام محبوب های بالذات خدای متعال هستند، چنانچه در زیارت آل یس از زبان امام عصر علیه السلام می خوانیم:

لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَ أَهْلَهُ. (۲)

یعنی محبوب های خداوند کسی جز پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و عترت ایشان علیهم السلام نیستند و هر کس دیگر هم اگر محبوب خداوند باشد، به دلیل اتصال و ارتباط با این انوار پاک خواهد بود. بنابراین خداوند به هر بهانه ای می خواهد خیر و رحمت بیشتری به آنان برساند. در واقع چه من دعا بکنم و چه نکنم، خدای متعال مقام ایشان را بالاتر می برد؛ حال اگر من بخواهم فایده ای ببرم و بهره ای نصیبم شود، با فرستادن صلوات، خود را در طریق بهره بردن از جریان رحمت بیکران الهی که به سوی اهل بیت علیهم السلام سرازیر است، قرار می دهم.

همان طور که گذشت مقام و منزلت کسی که صلوات می فرستد، در اصل اجابت آن تأثیری ندارد، هر چند در زود یا دیر شدن آن می تواند مؤثر باشد. اگر یک شخص فاسق و فاجر یا حتی کافر صلوات بفرستد، خدای متعال به خاطر محبتی که به اهل بیت علیهم السلام ۷.

ص: ۳۷

---

۱- رجوع شود به بخش اول کتاب، فصل ۵، عنوان ۸.

۲- احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۱۷.

دارد، دعای او را در حقّ ایشان مستجاب می فرماید. همان طور که در بخش اوّل کتاب بیان شد، خداوند ممکن است دعای یک یهودی را در حقّ مؤمنان مستجاب کند، در حالی که دعای او را در حقّ خودش مستجاب نکند. (۱) اهل بیت علیهم السلام در صدر اهل ایمان هستند و خداوند دعای کافران را هم در حق پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و عترت ایشان علیهم السلام به اجابت می رساند. این منافاتی با واسطه فیض بودن آنان در مورد همه کمالات به خلاق ندارد.

همینبانی که در مورد دعای صلوات و استجاب آن گفتیم، در مورد هر دعای دیگری هم که در حقّ اهل بیت علیهم السلام و بالأخص وجود مقدّس امام عصر علیه السلام بشود، می توانیم مطرح کنیم. خداوند دعاها را در حقّ آن بزرگوار را به خاطر محبّتی که به خود آن حضرت دارد، مستجاب می فرماید و ما - هرچند که شرایط لازم برای اینکه دعایمان به هدف اجابت برسد را نداشته باشیم اما - نباید از اجابت آن ناامید باشیم. به همین جهت با دعا در حقّ امام زمان علیه السلام سعی می کنیم که خود را در مسیر ریزش رحمت بیکران الهی بر وجود مقدّس ایشان قرار دهیم. در واقع می خواهیم خودمان فایده ای ببریم و بهانه برای عنایت خدای متعال به حجّت بی نظیر خود شویم.

جالب این جاست که همین بهانه شدن هم لطف و عنایتی است که به برکت و وساطت امام زمان علیه السلام نصیب ما می شود. خداوند می تواند از غیر این مسیر و بدون آنکه دعای ما را بهانه لطف بیشتر خود به امامان کند، کمالات بیکرانی به آن حضرت عطا فرماید. اما اگر خدا خیر کسی را بخواهد، توفیق دعا برای امام عصر علیه السلام را نصیبش می کند تا از این طریق، به آثار و نتایج این عبادت بزرگ نائل شود. پس با اینکه دعاها را می تواند در حقّ امام علیه السلام مفید باشد، اما همین مفید بودن هم به خاطر خود حضرت است. چون خداوند دعای هر کس را که برای ایشان دعا کند، به سبب محبّتی که به آن حضرت دارد، مستجاب می فرماید. لذا مفید بودن دعای ما برای ایشان ۴.

ص: ۳۸

---

۱- رجوع شود به بخش ۱، فصل ۳، در توضیح فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام در بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۲۹۴.

منافاتی با وساطت فیض آن بزرگوار در همه نعمت های الهی ندارد. به همین دلیل می توانیم بگوییم که هر چند با دعای در حقّ امام علیه السلام خدمتی و کاری برای ایشان انجام می دهیم، اما در حقیقت خود حضرت بر ما منت دارند که اجازه این خدمتگزاری را به ما می دهند. اگر لطف ایشان بر ما نبود، اصلاً اهل چنین دعاهایی نمی شدیم. این حکم در هر نوع خدمت دیگری - غیر از دعا کردن - که در حقّ امامان انجام دهیم نیز جاری و ساری می باشد. از اصل معرفت و محبت به آن بزرگوار گرفته تا عرض ارادت به ایشان به اشکال مختلف، همه و همه الطاف خود حضرت است که در حقّ دوستانشان مبذول می فرمایند. با این ترتیب هیچکس واسطه فیض خداوند - به معنای واقعی کلمه - به امام زمان علیه السلام نمی تواند باشد و اصولاً در نظام جاری عالم که هر فیضی از ناحیه خداوند به سبب امام علیه السلام به ما می رسد، اصلاً امکان ندارد که کار برعکس شود و نعمتی به خاطر دیگری به آن حضرت برسد.

پس اگر می گوییم دعای ما می تواند برای امام عصر علیه السلام مفید باشد، منظور نوع فایده رساندنی که نسبت به دیگران داریم نیست. ایشان با هر کس دیگری در عالم، تفاوت دارند. تنها معنای صحیح آن همان است که بیان شد: خدای متعال دعای ما را بهانه رساندن حضرت به کمالات بالاتر قرار می دهد و این کار خدا حکمت ها و فوایدی دارد از جمله اینکه می خواهد از این طریق خیری به دعاکننده برسد.

تا این جا پاسخ دو پرسش مقدماتی را بیان کردیم. اکنون با توجه به نکات مطرح شده، می خواهیم برخی از فوائد دعای در حقّ امام عصر علیه السلام را برای ایشان برشمردیم؛ در عین حال اذعان می کنیم که اینها اموری است که با الهام از روایات به عقل ناقص ما می رسد و هرگز مدعی نمی شویم که این فوائد جامع همه خیراتی است که می تواند بر دعای ما در حقّ ایشان مترتب شود. با توجه به این نکته و با استمداد از بحثی که در کتاب شریف «مکیال المکارم» در همین خصوص مطرح شده (۱)، به سه فایده دعاهایمان برای امام زمان علیه السلام در این جا اشاره می کنیم. ۲.

ص: ۳۹

ائمه علیهم السلام چون بشر هستند، برخی از بلایا و مصائبی که در دیگران هست، برای آنها هم اتفاق می افتد. مثلاً ایشان مریض می شوند، غم و غصه پیدا می کنند و به خاطر عواطفی که در وجودشان هست ناراحتی هایی برایشان بوجود می آید. امیرالمؤمنین علیه السلام - چنانچه معروف است - در روزهای اول جنگ خیبر چشم درد سختی داشتند. به طوری که نمی توانستند از جای خود حرکت نمایند. هم ایشان وقتی در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان با شمشیر زهرآلود ابن ملجم فرق مبارکشان شکافته شد، در محراب مسجد افتادند و با کمک دیگران به خانه آمدند، آنگاه طبیعی آوردند تا ایشان را معالجه نماید.

به طور کلی امامان علیهم السلام به مقتضای بشر بودنشان یک سری ناراحتی ها و رنج ها و غصه را متحمل می شوند و از این بابت گرفتاری پیدا می کنند. خداوند برای رفع انواع گرفتاری ها اسباب و وسائلی قرار داده که ائمه علیهم السلام هم خودشان به آنها متوسل می شدند و هم برای دیگران رجوع به اسباب را توصیه می فرمودند. به عنوان مثال برای رفع بیماری هم معالجات پزشکی مؤثر و مفید است و هم دعا، و ائمه علیهم السلام هر دو کار را تجویز می فرمودند؛ خودشان هم بر همین روال عمل می کردند. بنابراین اگر انسان خودش یا نزدیکانش بیمار شوند، برای رفع آن می تواند - بلکه باید - به اسبابی که خداوند آنها را مؤثر در رفع بیماری قرار داده، متوسل شود. یعنی هم به پزشک رجوع نماید و هم دست به دعا بلند کند. چنانچه در بخش اول کتاب گذشت یک بار وقتی حضرت صادق علیه السلام بیمار شده بودند، کسی را به حرم حسینی علیه السلام روانه کردند تا برای رفع بیماری آن حضرت در آن مکان مقدس دعا کند. با توضیحی که خود امام صادق علیه السلام دادند، معلوم می شود که ایشان دعای آن فرد عادی را زیر قبه سیدالشهداء علیه السلام برای رفع بیماری خود مؤثر می دانستند. (۱)

با این بیان روشن می شود که دعاها می تواند در رفع بلایا و گرفتاری های امام ۷.

ص: ۴۰

زمان علیه السلام مؤثر باشد. قطعاً امامی که نزدیک به هزار و صد و هفتاد سال از امامتش می گذرد، در این مدّت طولانی گرفتاری های زیادی داشته و غم و غصّه های فراوانی متحمّل شده و می شود. هر مؤمنی به اندازه عشق و علاقه ای که به مولایش دارد، از ناراحتی ایشان ناراحت می شود. حتّ اگر احتمال بدهد که مولایش به خاطر ناملایمات زمان غیبت در رنج و غصّه و نگرانی می باشد، از هر طریقی که فکر می کند مؤثر باشد، برای رفع آلام امام علیه السلام یا حدّ اقل تسکین و کاستن از آنها تلاش می کند. مسلماً یکی از بهترین راه ها برای رسیدن به این مقصود، دعا در حقّ ایشان است.

با توجّه به آنچه در بخش اوّل گذشت، دعا به اذن پروردگار در رفع بلائی نازل شده و تغییر مقدرات بسیار مؤثر است. همچنین با دعا می توانیم بلاهای مقدر و غیر مقدر را که هنوز نازل نشده اند، دفع کنیم. پس چه خوب است که برای رفع بلاهای وارد شده به امام عصر علیه السلام یا دفع مصیبت های وارد نشده، برای ایشان دعا کنیم و امیدوار باشیم که خداوند دعاهایمان را به خاطر خود آن حضرت - نه لیاقت و شایستگی ما - در حقّ ایشان مستجاب می فرماید. ضمناً همان طور که اگر پدرمان یک گرفتاری خاصّی داشته باشد و غصّه و رنجی ایشان را ناراحت کرده باشد، با سوز دل برای او دعا می کنیم و با اصرار و الحاح از خداوند رفع گرفتاری او را درخواست می کنیم، اگر امامان را بیشتر از پدرمان - یا حدّ اقل همانقدر - دوست داریم، باید همان جدّ و جهد را در دعا برای حضرت هم به خرج دهیم و به طور طبیعی - نه تصنّعی - هنگام دعا برای ایشان بسوزیم و بگرییم و از خدا راحتی و آسایش ایشان را طلب کنیم.

البته خوب می دانیم که آنچه همه دردها و رنجهای امامان را یکجا برطرف می کند، چیزی جز مژده ظهور ایشان از جانب خداوند نمی باشد. بنابراین بهترین دعایی که برای رفع همه گرفتاری های حضرتش می توانیم بکنیم، دعا برای تعجیل فرج آن بزرگوار است. لذا در صدر همه دعاها و بیش از آنها، برای تعجیل فرج ایشان دعا می کنیم و می دانیم اگر این دعا مستجاب شود، همه خواسته های دیگر هم در ضمن آن محقق می گردد.

فایده دیگری که دعاهای ما می تواند برای امام عصر علیه السلام داشته باشد، بالا رفتن مرتبه ایشان نزد خداوند و تقرب بیشتر به ذات مقدّس ربوبی است. برای اینکه حصول این فایده را به خوبی تصدیق نماییم، لازم است به این حقیقت توجه کنیم که: اولاً فضل و رحمت خداوند به امام علیه السلام حدّ و سقف معینی جز خواست خود خدا ندارد؛ یعنی از جهت افاضه کمالات از طرف خدا به امام علیه السلام محدودیتی نیست. هر درجه ای از علم، قدرت، معرفت نسبت به پروردگار و ... که خدا به امام عصر علیه السلام عنایت کند، می تواند آنها را بالاتر ببرد و کمالات بیشتری به ایشان ارزانی بدارد.

ثانیاً از جانب امام علیه السلام نیز محدودیتی برای پذیرش کمالات خدادادی وجود ندارد. چنین نیست که قبول امام علیه السلام نسبت به کمالات سقف معینی داشته باشد و اگر ایشان تا آن درجه بالا رفت، دیگر نتواند ترقی کند. پس نه از جهت افاضه خداوند حدّ و سقفی وجود دارد و نه از جهت قبول این افاضه از طرف امام علیه السلام.

با توجه به این دو نکته می توانیم بگوییم مقام امام عصر علیه السلام نزد خداوند هر قدر بالا برود، باز هم می تواند بالاتر برود و مرتبه تقرب ایشان نزد پروردگار به هیچ چیز جز مشیت و اراده خود خدا منوط نمی باشد. با این ترتیب ما چون امامان را دوست داریم، تقرب بیشتر ایشان را در پیشگاه الهی طلب می کنیم و به همین دلیل برای ایشان دعا می کنیم. دعاهای ما در حقّ امام زمان علیه السلام مقام ایشان را نزد خداوند بالا و بالاتر می برد. صلوات های ما هم دقیقاً همین اثر را دارد. وقتی از خدا می خواهیم تا بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و آل او علیهم السلام درود و رحمت نازل فرماید، معنایش این است که خدا رحمت خود را بر آنان افزون فرماید و در هر مقامی که دارند، بالاتر بروند. همچنین وقتی در تشهد نماز برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دعا می کنیم که:

وَ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ وَ اَرْفَعْ دَرَجَتَهُ. (۱) ۴.

ص: ۴۲

به صراحت از خداوند می خواهیم شفاعت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را در حق کسانی که مورد شفاعت آن حضرت قرار می گیرند، قبول فرماید و درجه و مقام ایشان را نزد خود بالا- ببرد. بالا- بردن درجه اهل بیت علیهم السلام به صورت های مختلفی می تواند باشد که بسیاری از آنها ممکن است برای ما قابل تصوّر هم نباشد.

به طور کلی درجه و رتبه هر کس در پیشگاه خداوند به درجه معرفت او به خدا بستگی دارد و هر قدر معرفت کسی به پروردگارش بیشتر شود، درجه بندگی اش بالاتر می رود و همین، معیار حدّ تقرب او به خداست. قرب به خداوند، نزدیکی مکانی و امثال آن نیست، بلکه به رتبه معرفتی بنده نسبت خدا بستگی دارد. پس می توان گفت که تقرب هر کس به خداوند به اندازه درجه معرفت او نسبت به خداست. بنابراین هر عاملی که باعث ازدیاد معرفت انسان به خدایش شود، درجه او را در پیشگاه خدا بالاتر می برد.

بر این اساس می توانیم بگوییم که معرفت امام عصر علیه السلام به پیشگاه خداوند می تواند با استجاب دعاها و در حق ایشان بالاتر برود و عمیق تر شود. نتیجه معرفت بیشتر این است که مقام بندگی آن بزرگوار به درگاه الهی بالا- می رود. به عنوان مثال خوف و رجای ایشان به خدای بزرگ بیشتر و بیشتر می شود. خوف از خدا و امید به او از مهم ترین نشانه های معرفت به اوست و ما وقتی در حق امامان دعا می کنیم یکی از آثارش می تواند بالا رفتن معرفت ایشان باشد که نتیجه اش ازدیاد خوف و رجای آن بزرگوار به خداوند است.

تقرب بیشتر امام علیه السلام به خداوند آثار و جلوه های دیگری هم می تواند داشته باشد که ما نه می توانیم و نه می خواهیم به بیان و توضیح همه آنها پردازیم. آنچه بیان کردیم صرفاً مثالی بود تا حقیقت مطلب برایمان تا حدّ امکان روشن شود.

**فایده سوم: جلو افتادن ظهور امام علیه السلام به دعای ما**

**اشاره**

فایده بسیار مهمّ دیگری که دعاها و در حق امام عصر علیه السلام می تواند داشته باشد، جلو افتادن ظهور آن حضرت به اذن خدای متعال است. این فایده می تواند بر انواع

ص: ۴۳

دعاهایی که در حق ایشان می شود، مترتب گردد. مثلاً دعاهایی که برای رفع غم و غصه های امام علیه السلام یا کاهش مصائب ایشان می شود، استجاب کاملشان به ظهور حضرت است. قطعاً مزده ظهور بیش از هر چیز دیگری، ایشان را خوشحال می سازد و در این خصوص دعاهایی که مستقیماً درخواست تعجیل فرج امام علیه السلام را از خدای متعال مطرح می سازد، صریح تر و روشن تر است.

نکته مهمی که باید در این جا مورد توجه قرار گیرد این است که وقت ظهور امام عصر علیه السلام مطابق روایات متعدّد، از امور «بدایی» است، یعنی امکان تقدیم و تأخیر آن از طرف خداوند وجود دارد. اموری که قابل «بداء» هستند، وقوعشان حتمی و ضروری نیست. بدائیات به طور کلی دو دسته هستند: یا تقدیری در مورد وقوعشان صورت گرفته که قابل تغییر است و یا قبل از وقوع، هیچ تقدیری در موردشان وجود ندارد. وجه مشترک این دو نوع این است که پیش از واقع شدن امر بدائی، تقدیر حتمی ولا یتخلف نسبت به آن وجود ندارد. در مورد وقت ظهور امام زمان علیه السلام نیز چه احتمال اول را بدهیم و چه احتمال دوم، حدّ مشترک هر دو این است که پیش از وقوع آن، تقدیر حتمی و غیر قابل بداء نسبت به آن وجود ندارد. (۱) بر این اساس می توان گفت که چون یکی از آثار دعا، تغییر مقدرات الهی است، پس وقت ظهور نیز ممکن است با دعای منتظران، جلو بیفتد و با عدم دعای آنان به تأخیر افتد.

### **مشروط بودن تعجیل فرج به انجام عمل بنی اسرائیل**

امّا مطلب بالا-تر از این است: علاوه بر اینکه وقت ظهور امام زمان علیه السلام از امور بدایی است که دعا بر تعجیل فرج می تواند آن را جلو بیندازد، از برخی احادیث استفاده می شود که تعجیل فرج امام علیه السلام منوط و مشروط به اهتمام اهل ایمان و جدّ و جهد ایشان در دعا نسبت به این امر می باشد.ت.

ص: ۴۴

---

۱- بیان ادله نقلی این بحث همراه با توضیحات آن در کتاب «سلوک منتظران»، فصل یکم از بخش سوم آمده است.



صریح ترین دلیل در این خصوص حدیث منقول از امام صادق علیه السلام است که مطابق آن می توان گفت: خداوند برای فرزندان حضرت ابراهیم از همسرش ساره (بنی اسرائیل) چنین مقدر فرموده بود که مدت چهارصد سال در رنج و عذاب باشند. اما بنی اسرائیل با ضجه زدن و گریستن به پیشگاه خداوند توانستند، ظهور منجی خود (حضرت موسی علیه السلام) را صد و هفتاد سال به جلو اندازند. عین عبارت امام صادق علیه السلام چنین است:

فَلَمَّا طَالَ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ الْعَذَابُ ضَجُّوا وَبَكَوا إِلَى اللَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَى مُوسَى وَ هَارُونَ أَنْ يُخَلِّصَهُمْ مِنْ فِرْعَوْنَ فَحَطَّ عَنْهُمْ سَبْعِينَ وَمِائَةً سَنَةً.

پس وقتی مدت عذاب بر بنی اسرائیل طولانی شد، چهل صباح به پیشگاه الهی ضجه و گریه کردند تا اینکه خداوند به موسی و هارون وحی فرمود که آنها را از (شرّ) فرعون خلاص کند. به این ترتیب صد و هفتاد سال از (عذاب) ایشان کم کرد.

امام صادق علیه السلام پس از نقل این ماجرای بنی اسرائیل، اضافه فرمودند:

هَكَذَا أَنْتُمْ لَوْ فَعَلْتُمْ لَفَرَّجَ اللَّهُ عَنَّا فَأَمَّا إِذَا لَمْ تَكُونُوا فَإِنَّ الْأَمْرَ يَنْتَهِي إِلَى مُنْتَهَاهُ. (۱)

وضع شما نیز همین طور است؛ اگر چنین کنید (می کردید)، خداوند فرج ما را می رساند (می رساند)، اما اگر چنین نباشید، کار به آخرین حدّ خود خواهد رسید.

در عبارات اخیر حدیث، قضیه شرطیه اول، با کلمه «لو» به کار رفته است. این کلمه در اصل بر وقوع شرط و جواب آن در زمان گذشته دلالت می کند؛ ولی با وجود قرینه، بر تحقق شرط و جزا در آینده نیز می تواند دلالت داشته باشد.

در این عبارات وجود کلمه «إذا» در جمله دوم - که بر وقوع شرط در آینده ۹.

ص: ۴۵

دلالت می کند - می تواند قرینه ای باشد برای اینکه جمله شرطیه اول را بر معنای آینده حمل کنیم. البته احتمال تحقق شرط و جزا در گذشته را با قطعیت رد نمی کنیم، چون اگر یک جمله معنای گذشته بدهد و جمله بعد معنای آینده، عبارت نادرست نخواهد بود. ولی این احتمال نسبت به احتمال اول مرجوح است. بنابراین بهتر است همه عبارت را از اول تا آخر با یک سیاق واحد معنا کنیم.

به هر تقدیر آنچه در بحث فعلی مهم است، آخرین جمله امام صادق علیه السلام است که یک قضیه شرطیه مربوط به زمان آینده می باشد. فرمودند: اگر این گونه نباشید، کار به آخرین حد خود می رسد. توجه به تعبیر «عنا» هم در حدیث، آموزنده است. این تعبیر نشان می دهد که دعای مؤمنان می تواند در تعجیل فرج امام عصر علیه السلام مؤثر باشد. آنچه در مجموع از فرمایش امام صادق علیه السلام استفاده می شود این است که شیعیان باید از عمل بنی اسرائیل الگو بگیرند و به همان کاری که آنان برای رفع زودتر عذاب از خود انجام دادند، اقدام نمایند و اگر نکنند، به بیشترین زمان عذابی که خدا برایشان مقدر فرموده، مبتلا خواهند شد.

این مطالب به دو جمله تحلیل می شود: یکی اینکه اگر مؤمنان کار بنی اسرائیل را انجام دهند، فرج مولایشان محقق می گردد، دوم اینکه اگر چنین نکنند، غیبت امام علیه السلام یا عذاب مؤمنان به آخرین حد خود می رسد؛ به عبارت دیگر در فرج مولایشان تعجیل صورت نمی پذیرد. پس خلاصه فرمایش امام صادق علیه السلام این است که: اگر مؤمنان کار بنی اسرائیل را انجام دهند، در فرج امام عصر علیه السلام تعجیل می شود و اگر نکنند، نمی شود. پس این جا یک قضیه دو شرطی به کار رفته است و معنای آن به زبان منطقی گزاره ها این است: فرج امام عصر علیه السلام به این شرط و فقط به این شرط تعجیل می شود که مؤمنان در مورد آن دعا کنند. (۱) ت.

ص: ۴۶

۱- اگر بخواهیم مطالب را با نماد ریاضی بیان کنیم، در صورتی که جمله «مؤمنان کار بنی اسرائیل را انجام دهند» را  $P$  و جمله در «در فرج امام عصر علیه السلام تعجیل می شود» را  $Q$  فرض کنیم، آنگاه فرمایش امام صادق علیه السلام را باید  $P-Q$  بدانیم، چون جمله اول این است:  $P-Q$  و جمله دوم.  $P-Q$  و اگر عکس نفیض جمله دوم را که هم ارز آن است در نظر بگیریم، می شود:  $Q-P$  و مجموع دو قضیه شرطیه  $P-Q$  و  $Q-P$  معادل یک قضیه دو شرطی  $P-Q$  است.

این جاست که تأثیر ژرف دعا در تعجیل فرج امام عصر علیه السلام به خوبی برجسته می شود. در حقیقت جلو افتادن ظهور حضرت دائر مدار دعای مؤمنان برای تعجیل فرج ایشان خواهد بود. باید توجه داشت که مقتضای حدیث مورد بحث همین است، اما در کنار این مطلب، بدایی بودن ظهور امام زمان علیه السلام را هم نباید از نظر دور بداریم و با عنایت به این امر باید بگوییم: اگر خداوند بخواهد طبق ضابطه ای که خود به زبان حجّتش امام صادق علیه السلام فرموده، عمل نماید؛ در صورتی که مؤمنان مطابق عمل بنی اسرائیل به ضجّه و بکاء نپردازند، ظهور امام عصر علیه السلام را به جلو نمی اندازد. اما خدا برای خود حقّ بداء در زمان این امر قائل شده و بنابراین دست او برای آنکه زمان ظهور حضرت را محدود و مشروط به عمل مؤمنان نکند (یعنی خلاف ضابطه ای که خود قرار داده، عمل کند) کاملاً باز است. (۱) پس احتمال دارد که خدا به خاطر دعای یک فرد فاسق و یا حتّی بدون هیچ گونه دعایی از جانب مؤمنان در وقت ظهور، بداء فرماید و آن را به جلو بیندازد. روح اعتقاد به حقّ بداء برای خداوند، این باور را لازم می آورد. بنابراین در مجموع باید گفت که تعجیل در فرج امام زمان علیه السلام در واقع مشروط به هیچ شرط لازمی نیست و ما در صورت کوتاهی کردن مؤمنان در دعا برای تعجیل فرج مولایشان، باز هم نمی توانیم در هیچ لحظه ای از تحقّق آن ناامید و مأیوس باشیم.د.

ص: ۴۷

---

۱- توجه شود که ضابطه اعلام شده دو قسمت دارد: یکی اینکه اگر مؤمنان عمل بنی اسرائیل را انجام دهند، در فرج امام زمان علیه السلام تعجیل می شود و دوم آنکه اگر چنین نکنند، در فرج مولا تعجیل صورت نمی پذیرد. قسمت اوّل «وعده» خدا و قسمت دوم «وعید» اوست. خلف وعده از جانب هر کس (حتّی خدا) عقلاً قبیح است اما خلف وعید قبیح نیست. آنچه در متن مورد تأکید قرار گرفته مربوط به قسمت دوم است نه اوّل. یعنی اگر خداوند با وجود دعا نکردن مؤمنان، فرج امام زمان علیه السلام را به جلو اندازد، خلف وعید شده نه خلف وعده، بنابراین در فرض عمل بر خلاف قسمت دوم ضابطه اعلام شده، قبیحی در فعل خداوند لازم نمی آید.

حال با توجه به اهمیت منحصر به فرد عمل بنی اسرائیل خوب است با دقت بیشتری در آن تأمل نماییم. آنها چه کردند که خداوند عذاب خود را با تعجیل فرج حضرت موسی علیه السلام بر آنان خاتمه داد؟ طبق فرمایش امام صادق علیه السلام چهل صباح به بکاء و ضجه پرداختند. آیا اصل گریه و ضجه آنان در این جا مورد تأکید است یا چهل روز بودن آن هم در این امر مؤثر است؟ پاسخ را ما به طور دقیق نمی توانیم معین کنیم. قدر مسلم این است که گریه و ضجه در تعجیل فرج مؤثر است اما چه بسا چهل روز بودن آن، همچنین صبح دعا کردن هم در تأثیر آن مدخلیت داشته باشد. بنابراین بهتر است برای عمل به این حدیث شریف حداقل چهل صبح به گریه و ضجه اختصاص داده شود، اما اگر کسی توفیق عمل به این مقدار را نداشت؛ هر تعداد روزی که می تواند را از دست ندهد.

اما صرف نظر از مدت گریه و ضجه، خوب است در معانی و ملزومات این دو واژه دقت کنیم. بکاء یا گریه چیزی نیست که به طور مصنوعی از انسان سرزند. اگر به فرض هم کسی بتواند به صورت تصنعی گریه کند، این کار او هیچ ارزشی ندارد و قطعاً مراد امام صادق علیه السلام چنین گریه ای نبوده است. اما چه موقع انسان به طور طبیعی گریه اش می گیرد؟

عوامل مختلفی در بروز این حال مؤثر است که در این جا با توجه به سیاق حدیث می توانیم بگوییم: درک و وجدان شدت عذاب قطعاً عامل مؤثری در گریه انسان است. چه بسا عذاب بزرگی نازل شود ولی انسان به گریه نیفتد. یکی از علت هایش این است که عمق و شدت آن را وجدان نکرده است. چنین نیست که هر کس به عمق هر عذابی، دقیقاً پی ببرد. اگر فهم انسان از شدت و عمق عذاب وجدانی شود، آنگاه تحمل آن برایش سخت و سنگین شده و چه بسا به گریه بیفتد. آستانه تحمل افراد هم با یکدیگر متفاوت است ولی هر قدر هم تحمل کسی زیاد باشد، باز شدت عذاب می تواند بالاتر از آن حد برود. پس بالاخره نوع افراد وقتی سختی و عمق عذاب از یک حدی - که برای هر کس ممکن است با دیگری متفاوت باشد - بیشتر شود، معمولاً به

امّا ضجّه یعنی چه و در چه صورت اتّفاق می افتد؟ ضجّه در زبان عرب به معنای داد و فریاد زدن است. داد و فریادی که به خاطر شدّت ناراحتی و مصیبت باشد. یکی از واکنش های معمولی و طبیعی افراد در وقتی که به مصیبتی گرفتار می آیند، گریستن است. امّا گاهی انسان مصیبت زده علاوه بر گریه، جیغ و فریاد هم می زند. برای تجسّم این حالت مثالی ذکر می کنیم: فرض کنید در یک مجلس ترحیمی شرکت می کنیم، صاحبان عزا را مشاهده می کنیم که برای ادای احترام به شرکت کنندگان - که برای عرض تسلیت آمده اند - تشکر و قدردانی می کنند. ناگهان صدای جیغ و فریادی در مجلس توجّه ما را جلب می کند، می فهمیم که یک نفر حالش عادی و طبیعی نیست و شدّت مصیبت او را از خود بی خود کرده، کنترلش را از دست داده و مرتّب داد و فریاد می زند. این جا احتمال زیاد می دهیم که او هم جزء صاحب عزاها باشد ولی حالش مانند بقیه نیست که بتواند کنار در بایستد و به شرکت کنندگان خوشامد بگوید. اصلاً توجّه چندانی هم به مجلس ندارد. اگر او را از قبل شناسیم، حدس می زنیم که باید یکی از نزدیک ترین افراد به مرحوم از دست رفته باشد که مصیبت فوت عزیزش او را به ضجّه آورده است. اگر متوفی جوان باشد و مادر آن جوان چنین حالی داشته باشد، تعجّب نمی کنیم، می گوئیم کسی که جوان از دست بدهد، این گونه می شود. یا اگر متوفی پدر بوده باشد و این ضجّه زننده فرزند او باشد، باز هم تعجّب نمی کنیم، می گوئیم پدرش را از دست داده که به این حال افتاده است. این مثال تا حدّی شرایطی که حال ضجّه را در انسان ایجاد می کند، روشن می سازد. وابستگی شدید صاحب عزا به شخص فوت شده از یک طرف و عمق تأثر او از این مصیبت از طرف دیگر، موجب پیدایش ضجّه در آن فرد صاحب عزا شده استم.

### وجدان عذاب بودن غیبت امام عصر علیه السلام

حال از خود پرسیم؛ چگونه ممکن است کسی در فراق امام زمانش و به سبب غیبت ایشان به حال گریه و ضجّه بیفتد؟ آیا چنین چیزی امکان دارد؟ باز هم تأکید

می‌کنیم که منظور حالتی است که نه گریه اش تصنعی باشد و نه ضجه اش. آیا اولین شرط پیدایش این احوال آن نیست که انسان غیبت امام زمانش را «عذاب» بداند و این عذاب بودن را «وجدان» کند. وقتی می‌گوییم عذاب بدانند یعنی به محرومیت‌ها، دردها و مصیبت‌هایی که به خاطر غیبت امامش، دامنگیر خودش و دیگران شده توجه داشته باشد. خوشی‌ها و لذت‌های زندگی روزمره، او را از وجود آن بلاها غافل نسازد. فراموش نکند که خشنودی خداوند ابتداء در این نبوده که گل سرسبد عالم خلقت و گمشده همه اولیای الهی، بیش از یازده قرن در پس پرده غیبت باشد و نسل‌های متوالی از مردمان - اعم از مسلمان و غیر مسلمان و شیعه و غیر شیعه - از دیدار آن یگانه و دُرْدانه هستی محروم باشند. از این بالاتر بدانند که خود آن مولای پرده‌نشین و حتی پدران گرامی ایشان و نیز مادر بی‌نظیرش در عالم حضرت امّ‌الائمه علیها السلام از غیبت آن عزیز و طولانی شدن آن در رنج و ناراحتی هستند و چه عذابی برای یک شیعه دوستدار اهل بیت علیهم السلام بالاتر از اینکه موالی خود را به خاطر وقوع چیزی در عذاب و رنج ببینند. تصدیق می‌کنید که عذاب دانستند غیبت امام عصر علیه السلام چیزی نیست که در همه دوستان ایشان وجود داشته باشد، معرفت و محبتی شایسته و درخور می‌باید تا چنان درکی حاصل شود.

اما وقتی می‌گوییم عذاب بودن را، «وجدان» کنیم یعنی اینکه به خاطر غیبت مولایمان آب خوش از گلویمان پایین نرود. لااقل در ساعاتی و بلکه دقائقی، عذاب محرومیت از ایشان را «حس» کنیم. آری حس کردن غیر از مطلق دانستن است. انسان خیلی چیزها را می‌داند ولی آنها را وجدان نمی‌کند. یکی از مراتب وجدان، حس کردن است. حس کردن یک مصیبت یعنی چشیدن تلخی آن و سوختن و آب شدن از شدت آن. این چیزی نیست که به طور عادی و معمولی برای انسان حادث شود. آیا ما مؤمنان در مورد پنهانی امام عصر علیه السلام چنین حالی داریم؟ شما را به خدا تاکنون چند روز در طول زندگی، مصیبت غیبت ایشان را حس کرده ایم؟ نمی‌گوییم چند روز! چند ساعت این حال را داشته ایم یا حتی چند دقیقه؟!!

نویسنده شرمنده این سطور از طرح این پرسش‌ها احساس خجالت می‌کند که خود را بیش از دیگران از این احوال دور می‌بیند و آرزوی دیدار کسانی را دارد که چنین اوصافی داشته باشند. کسی که برای فهم عذاب بودن غیبت مولایش نیاز به استدلال و برهان دارد، چگونه می‌تواند آن را حس نماید؟! حس نمودن این عذاب از آن کسانی است که هم معرفت و محبتشان به مولایشان عمیق است و هم اهل تقوی و مراقبت در اعمال خود هستند. اگر هیچ‌یک از این شرایط نباشد، به طور معمول چنان حالی پیدا نمی‌شود، مگر لطف خاص الهی شامل حال کسی بشود. بگذریم؛ این تنها شرط اول برای پیدایش حال ضجّه در انسان است.

### حال گریه و ضجّه: نشانه عمق معرفت امام زمان علیه السلام

گریه و ضجّه در خصوص غیبت امام عصر علیه السلام تنها وقتی بروز می‌کند که حال انسان به خاطر وجدان شدت این مصیبت، نظیر حال آن عزاداری باشد که عزیزترین عزیزان خود را از دست داده است. آیا می‌شود چنین بود؟ آیا ممکن است دوری از امام عصر علیه السلام کسی را چنان بی‌تاب کند که به طور طبیعی به جیغ و فریاد افتد و از سویدای دل در عذاب غیبت امامش بسوزد؟

پاسخ این است که: آری، بوده اند و هستند مؤمنانی که چنین حالی را داشته اند، اما انصافاً باید تصدیق کرد که به سادگی این حال پیدا نمی‌شود. البته نمی‌گوییم که باید از هر راهی تلاش کنیم تا به حال گریه و ضجّه بیفتیم. خیر، هرگز چنین توصیه ای نمی‌کنیم و پیدایش این حال از هر طریقی مطلوب نیست. بلکه معتقدیم که اگر انسان از راه‌های انحرافی و نادرست بکوشد تا به این گونه احوال دست یابد، خطرات خاصی تهدیدش می‌کند که چه بسا او را به طور کامل و برای همیشه از راه امام زمان علیه السلام دور کند و جدا سازد.<sup>(۱)</sup>

ص: ۵۱

---

۱- توضیح بیشتر را در مورد این گونه خطرات می‌توانید در کتاب «راز پنهانی و رمز پیدایی»، ص ۱۱۱ تا ۱۱۴ مطالعه فرمایید.

راه صحیح برای اینکه انسانی به این درجه از ارادت و محبت نسبت به امام زمانش نائل شود، این است که مو به مو به انجام وظایف و تکالیف شرعی خود ملتزم باشد. علاوه بر این همه آنچه را که معرفت او را نسبت به امامش عمیق تر می سازد، بجوید و سعی نماید تا به همه آنها عامل باشد. آنچه محور همه خیرات و برکات الهی در این خصوص و در سایر زمینه هاست، چیزی جز اکسیر معرفت امام عصر علیه السلام نیست. محبت، انتظار فرج، دعا ... و تمامی اوصافی که یک منتظر واقعی آن حضرت باید داشته باشد، به برکت همین معرفت برای او حاصل می شود. باید توجه داشت که تأکید بر حال گریه و ضجه در مورد امام زمان علیه السلام و غیبت ایشان، به هیچ وجه نباید به نحوه تفسیر شود که توجه به انجام وظایف فردی و اجتماعی و مسئولیت هایی که یک منتظر واقعی امام علیه السلام در ابعاد مختلف زندگی اش - اعم از همسر و فرزند و ارحام و برادران ایمانی و حتی غیر مؤمنان - دارد، کم رنگ شود. چنین چیزی قطعاً مطلوب خدا و امام زمان علیه السلام نیست و هرگز کنار گذاشتن حتی یک واجب شرعی (مثلاً اهتمام به امر تربیت فرزند) به بهانه رسیدن به حال گریه و ضجه مجاز نمی باشد (توجه فرمایید)؛ آنچه مهم است اینکه دغدغه انسان فقط و فقط انجام تکالیف دینی اش (اعم از واجب و مستحب) باشد و به شدت از محرمات الهی پرهیز نماید. چنین کسی اگر به انجام وظایف خود در قبال امام زمانش توجه خاص و ویژه نماید، به لطف الهی به حال گریه و ضجه نزدیک می شود و خودش وجدان می کند که به طور طبیعی به آن سمت و سو کشیده می شود.

بر همه این مطالب، یک نکته را هم می افزایم و آن اینکه پیدایش حال گریه و ضجه برای مصیبت غیبت امام عصر علیه السلام با اینکه مطلوب است و محبوب، امّا هدف اصلی و نهایی نیست. چنین نیست که همه فعالیت ها و انجام وظایف در ارتباط با امام علیه السلام باید به پیدایش چنین حالی ختم شود تا نزد خدا ارزش داشته باشد، هرگز!

این حال صرفاً نشانه و علامت عمق معرفت کسی است که در انجام مسئولیت های فردی و اجتماعی عیش در قبال دین و امام زمان علیه السلام کوتاهی نمی کند. آن



معرفت است که هدف اصلی و نهایی محسوب می شود و سایر ویژگی ها نسبت به آن، میوه و محصول به شمار می آیند. برخی از آثار و نشانه های معرفت امام علیه السلام نسبت به سایر آنها اصلی تر و کلیدی تر به شمار می آیند، همچون انتظار فرج و رسیدگی به حوائج مؤمنان و دعا و ... آنوقت در مسیر دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام برخی از علائم نشانه اوج اتصال روحی دعاکننده با آن حضرت شمرده می شود که گریه و ضجّه از این نوع هستند.

### **لزوم اهتمام بیشتر به تعمیق معرفت مؤمنان در زمان غیبت**

نتیجه کلی بحث این است که مطالب حدیث شریف امام صادق علیه السلام اگر مؤمنان در زمان غیبت امام دوازدهم علیه السلام چنان معرفتی به ایشان پیدا کنند که در اثر تحمّل عذاب غیبت مولایشان به حال گریه و ضجّه بیفتند، می توانیم به تعجیل فرج آن حضرت بسیار بسیار امیدوار باشیم و اگر چنین احوالی در شیعیان نباشد - اعم از اینکه معرفتشان صحیح و عمیق نباشد یا به دعا برای تعجیل فرج اهمیتی ندهند و یا اهل گریه و ضجّه در این امر نباشند - این امیدواری کاهش می یابد. هرچند طبق سفارشات متعدّد خود اهل بیت علیهم السلام انسان مؤمن هیچ گاه در هیچ شرایطی - هرچند بسیار اسفبار و دردآور باشد - از تعجیل فرج مولایش ناامید نمی شود، امّا به هر حال فرق است بین اینکه انسان نشانه ای از نزدیک شدن فرج امام علیه السلام را - طبق وعده امام صادق علیه السلام - ببیند با وقتی که چنین چیزی مشاهده نکند. در حالت اول به طور طبیعی امیدش به تعجیل فرج مولایش بسیار بیش از حالت دوم خواهد بود. درس مهمی که از این بحث می گیریم اینکه ما باید به تعمیق معرفت امام زمان علیه السلام در میان اهل ایمان اهمّیت خاصی بدهیم.

در درجه اول از خودمان آغاز نموده و سعی کنیم در مسیر آنچه به این تعمیق می انجامد، برای خود و دیگران تلاش نماییم. کثرت جمعیت مؤمنان در زمان غیبت برای تحقّق آنچه در حدیث امام صادق علیه السلام آمده کافی نیست. ممکن است در میان تعداد زیادی از اهل ایمان، تنها عدّه کمی یافت شوند که عمق معرفتشان به امام

عصر علیه السلام آنها را به حال دعا، گریه و ضجّه در آورد. بنابراین باید در کنار اهتمام به تبلیغ تشیّع و رواج دادن آن برای ازدیاد جمعیت مؤمنان، برای عمیق تر کردن معرفت آنان به امامشان نیز به طور خاص برنامه ریزی و تلاش کنیم تا بر تعداد اهل معرفت عمیق، روز به روز افزوده گردد و فرهنگ دعا و گریه و ضجّه - در کنار اهتمام به انجام مسئولیت های فردی و اجتماعی - در آنان نهادینه شود.

اگر یک نفر اهل معرفت عمیق به امام عصر علیه السلام تربیت شود که به خاطر عذاب غیبت ایشان بسوزد و با سوختنش، خود و دیگران را به حال دعای همراه با گریه و ضجّه در آورد، ارزشش بیش از آن است که عدّه زیادی صرفاً به صورت صوری و شعاری - بدون تفقه و معرفت لازم - به اظهار محبت و انجام کارهای سطحی در مورد امام زمان علیه السلام روی آورند. گاهی عدم تفقه و نداشتن بصیرت کافی در دین باعث می شود مؤمنی با وجود اعتقاد به امام زمان علیه السلام، در اظهار محبت به ایشان (مثلاً در ایام نیمه شعبان) کارهایی را انجام دهد که نه تنها محبوب و مرضی آن حضرت نیست، بلکه بعضاً به دلیل حرمت آن، مبعوض ایشان است. چنین کسی اگر هم با زبان «اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيِّكَ الْفَرَجَ» بگوید، دعایش فاقد شرایط استجاب است و معرفت درستی هم ندارد که عذاب غیبت مولایش را وجدان کند و بنابراین حال گریه و ضجّه هم ندارد. این فاصله زیادی دارد با آنچه امام صادق علیه السلام در مورد عمل بنی اسرائیل تأکید فرموده اند. بنابراین دعای یک مؤمن متّقی و با معرفت عمیق در مورد تعجیل فرج امام زمان علیه السلام که اهل گریه و ضجّه هم هست، تأثیرش بیش از دعاهای جمعی است که چنین اوصافی ندارند. البتّه به سفارش خود ائمه علیهم السلام ما دعای هیچکس را نباید کم اهمیت و کوچک بشماریم، امّا آنچه به عنوان وظیفه و ایجاد شرایط مطلوب برای تأثیر دعا بر تعجیل فرج از مجموع احادیث برداشت می شود، چنین چیزی است. ما دنبال تشخیص وظیفه و تکلیف خود هستیم و صلاحیت تشخیص دعاهای مستجاب را از غیر مستجاب نداریم. در مقام تعیین وظیفه - البتّه در بحث دعا برای تعجیل فرج - باید بدانیم که بیشتر روی چه عواملی باید تأکید کنیم تا امید بیشتری به استجاب

دعاهایمان داشته باشیم. حال اگر خداوند به فضل خود بخواهد دعاهای فاسقان در تعجیل فرج را هم اجابت فرماید، ما نه تنها ناراحت نمی شویم، بلکه بسیار خوشحال هم می گردیم. بنابراین بحث فعلی ما ناظر به تشخیص اهم تکالیف و وظایفمان برای ایجاد امید بیشتر به استجاب دعاها (در تعجیل فرج) است نه تعیین اینکه چه دعایی مستجاب می شود، و چه دعایی نمی شود.

### آیا ممکن است جلو افتادن فرج امام زمان علیه السلام محبوب مؤمن نباشد؟

اکنون که مسیر بحث به این جا رسید که یکی از فوائد دعاهای ما می تواند تعجیل فرج مولایمان باشد و عذاب بودن غیبت امام علیه السلام برای اهل ایمان روشن شد، باید به پاسخ سئوالی که در همین خصوص مطرح می شود بپردازیم. این سئوال گاهی صورت اشکال و ایراد پیدا می کند. در دعای معروفی که از ناحیه مقدسه خود امام زمان علیه السلام به دست نایب اول ایشان جناب شیخ عمری صادر شده، چنین می خوانیم:

فَصَبِّرْ نِي عَلَى ذَلِكَ حَتَّى لَا أَحِبُّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ. (۱)

پس به من برای تحمل غیبت امام زمان علیه السلام صبر بده تا جلو انداختن آنچه به تأخیر انداخته ای و نیز به عقب انداختن آنچه جلو انداخته ای را دوست نداشته باشم.

مضمون دعا طلب صبر از خداوند بر غیبت امام عصر علیه السلام است. صبر در هنگام مصیبت معنا دارد و این جا هم چون غیبت امام علیه السلام نوعی عذاب و مصیبت است. خواستن صبر از خداوند در مورد آن بجا و مناسب می باشد. اما ادامه دعا سئوال انگیز است. از خداوند می خواهیم به ما صبر بدهد تا اینکه تعجیل آنچه را که به تأخیر انداخته، دوست نداشته باشیم. خوب مگر ما تعجیل فرج را از خداوند طلب نمی کنیم؟ پس قطعاً تعجیل فرج محبوب ماست، اگر محبوب نبود که آن را از خداوند ۳.

ص: ۵۵

نمی‌خواستیم. حال چگونه می‌شود از طرفی تعجیل فرج امام عصر علیه السلام محبوب ما باشد، که آن را از خداوند درخواست می‌کنیم و از طرف دیگر از خدا بخواهیم که تعجیل آنچه به تأخیر انداخته، محبوب ما نباشد، مگر فرج امام علیه السلام از چیزهایی نیست که خداوند آن را به تأخیر انداخته است؟ اگر نبوده پس چرا تاکنون فرج ایشان محقق نشده است و اگر هست پس دوست نداشتن تعجیل آن با دعا برای تعجیل فرج چگونه سازگار است؟ در واقع اشکال این است که چگونه می‌شود چیزی هم محبوب انسان باشد و هم نباشد. اگر تعجیل فرج امام عصر علیه السلام محبوب ما هست که هست، عبارت دعای مورد بحث چه معنایی دارد؟

اشکال را از جانب دیگر مسأله هم می‌توانیم مطرح کنیم و آن اینکه اگر غیبت امام زمان علیه السلام مصداق عذاب خدا و نوعی مصیبت است که هست، بنابراین باید برای ما تلخ و ناگوار باشد و اگر چنین است، پس چرا تعجیل آنچه را که خداوند به تأخیر انداخته را دوست نداشته باشیم؟ مگر تعجیل در این امر، باعث رفع غیبت - که برای مؤمنان ناخوشایند است - نمی‌شود؟ پس چه وجهی برای دوست نداشتن این تعجیل می‌توانیم قائل شویم؟

### **تعجیل فرج یا تعجیل در آنچه خداوند به تأخیر انداخته است؟**

پاسخ به این سؤال یا اشکال بسیار ساده است. کافی است توجه کنیم که در عبارت منقول از دعای امام عصر علیه السلام، گفته اند که ما تعجیل در آنچه خداوند به تأخیر انداخته را دوست نداشته باشیم و نگفته اند که تعجیل در فرج امام علیه السلام را دوست نداشته باشیم. برای اینکه تفاوت ظریف بین این دو روشن شود، مثالی ذکر می‌کنیم.

فرض کنید فرزندمان بیمار شده یعنی قضای تکوینی خداوند به بیماری او تعلق گرفته است. در این صورت وظیفه ما به عنوان یک بنده متعبد خدا چیست؟ همان طور که در بخش اول کتاب به تفصیل بیان شد، خداوند طلب عافیت را برای بندگانش می‌پسندد و یکی از حکمت‌های مبتلا شدن آنان به بلاهایی چون بیماری این است که به درگاه خدا تضرع کنند. بنابراین دعا کردن برای رفع بیماری قطعاً مطلوب و

محبوب خداوند است. به بیان دیگر انسان بیمار برای حفظ سلامت خود باید به اسباب و وسائط آن متوسل شود که یکی از این اسباب دعا کردن است. در واقع لازمه تسلیم به قضای تشریحی پروردگار، روی آوردن به دعا برای طلب عافیت می باشد. چنانچه قبلاً گذشت لزوم تسلیم به قضای الهی اقتضا می کند که هم به قضای تکوینی و هم به قضای تشریحی او راضی باشیم و طبق آنها عمل کنیم. قضای تکوینی خدا همان چیزی است که در عالم تکوین واقع می شود و قضای تشریحی اش عبارت است از امر و نهی او. چون می دانیم که خداوند در هنگام نزول بلا (مانند بیماری) به دعا برای رفع بلا امر فرموده است، پس لازمه تسلیم شدن به قضای تشریحی او، امتثال این امر می باشد.

اَمَّا تسلیم شدن به قضای تکوینی خداوند چگونه می شود؟ اگر خواست تکوینی او به وقوع چیزی تعلق بگیرد، باید به آن راضی و خشنود بود. لذا اکنون که فرزندمان بیمار شده، راضی بودن به قضای الهی این است که به بیماری فرزند تاکنون راضی باشیم، اَمَّا نسبت به آینده چطور؟ چون مقدرات الهی در مورد آینده را نمی دانیم، باید به مقتضای اراده تشریحی خداوند، برای شفای فرزندمان دعا کنیم، آنگاه اگر او شفا پیدا کرد، به سلامتش راضی باشیم و اگر شفا نیافت به بیماری اش رضایت بدهیم. بنابراین اگر کسی یک هفته پس از شروع بیماری فرزندش برای سلامت او دعا کند ولی اثری از شفا نبیند، باید به بیماری فرزندش در این یک هفته راضی و خشنود باشد و از تقدیرات الهی در این یک هفته گذشته ناخشنود نباشد؛ اَمَّا نباید از دعا برای عافیت فرزندش دست بردارد، باید به دعاهایش ادامه دهد، اگر باز هم قضای تکوینی خداوند به بیماری فرزند تعلق گرفت، باز هم به آن راضی باشد.

نکته مورد توجه در این مثال این است که راضی بودن به قضای تکوینی خدا معنایش این نیست که اگر فعلاً بلایی نازل شده، برای رفع آن بلا دعا نکنیم. بلکه باید به آنچه تا الآن خدا اراده (تکوینی) فرموده، راضی بود اَمَّا نسبت به از این به بعد باید طبق اراده تشریحی خداوند برای رفع بلای نازل شده تلاش کرد و دعا هم یکی از همین تلاش هاست. حال پس از دعا کردن، هرچه تکویناً مقدر شد باید به آن راضی و

خشنود بود. اگر بلا رفع شد به رفع بلا و اگر باقی ماند به بقای آن باید راضی شد. البته بلا و گرفتاری برای انسان عموماً تلخ و ناخوشایند است. اما مؤمنی که راضی به قضای الهی است، هرچه ایمانش قوی تر و معرفتش به خداوند عمیق تر باشد، صبر بر بلا-برایش راحت تر و تلخی آن برایش قابل تحمیل تر می شود. ممکن است ایمان شخص به درجه ای برسد که خواست تکوینی خدا برایش محبوب گردد و در نتیجه تلخی بلا-یی که بر او نازل شده در کامش از بین برود. این درجه هرچند به سادگی حاصل نمی شود، اما رسیدن به آن محال نیست و کسی که به این مرتبه نائل نشده، نمی تواند وقوع آن را نفی نماید. در مثال مورد بحث هرچند که بیماری فرزند برای انسان تلخ و ناگوار است، اما انسان با ازدیاد درجه ایمانش می تواند به رتبه ای برسد که این تلخی در کامش کمتر و کمتر شود و در نهایت، به خاطر اینکه می فهمد خداوند برایش چنین پسندیده، چون محو در رضای اوست، تحمل بیماری فرزند برایش آسان می گردد و همان را برای خود می پسندد. این جاست که می توانیم ادعا کنیم که آن بلا و مصیبت (از جهت اینکه یقین کرده خدا برایش آن حال را می خواهد نه از جهت بلا و مصیبت بودنش) برایش محبوب شده است.

این حالت وقتی اتفاق می افتد که انسان مؤمن یقین پیدا کند که خداوند برای او بلا و مصیبت را پسندیده است و این تنها نسبت به گذشته پیش می آید نه آینده. یعنی وقتی شخص برای رفع بلائی نازل شده دعا می کند، نمی داند که خدا دعایش را مستجاب می کند یا خیر و نمی داند که آن بلا رفع می شود یا نه. اگر بلا رفع نشد، آن وقت یقین می کند که خدا - فقط در مدت زمانی که آن بلا رفع نشد- برایش حال بلا را پسندیده است، اما نسبت به آینده باز هم نمی داند که تقدیر الهی و قضای او چیست و راضی بودن به قضای تکوینی او چه اقتضایی دارد. با این ترتیب همیشه صرفاً نسبت به آنچه تا هنگام دعا کردن واقع شده، می توانیم - از جهت لزوم رضایت به قضای الهی - راضی و خشنود باشیم، اما نسبت به آینده نمی توانیم چنین قضاوت کنیم چون قضای خدا را در آینده نمی دانیم. فقط به صورت مبهم و کلی می توانیم بگوییم که هرچه خداوند

برایمان بخواهد، به آن راضی هستیم. اما آن چیز بلاست یا رفع بلا، از قبل نمی دانیم. در هر حال وظیفه ما - از جهت تسلیم به قضای تشریحی خداوند - تا وقتی که بلا هست، دعا کردن برای رفع آن است.

این مطلب را عیناً می توانیم در مورد غیبت امام عصر علیه السلام نیز ساری و جاری بدانیم. اما نکته این است که این غیبت نوعی عذاب الهی است که ما به مقتضای عدل او گرفتارش شده ایم. پس این امر - از جهت مصیبت بودنش - خوشایند ما نیست و نباید باشد. حال که به چنین بلایی گرفتار شده ایم، چه وظیفه ای داریم؟ نمی توانیم بگوییم که چون باید به قضای تکوینی خداوند راضی باشیم، پس دست روی دست بگذاریم و برای رفع این بلا اقدامی نکنیم، این برداشت قطعاً نادرست است. ما وظیفه داریم که برای جلب رحمت الهی و اینکه از سر تقصیرات ما بگذرد، تلاش کنیم و یکی از تلاش ها این است که برای خاتمه یافتن غیبت مولایمان دست به دعا بلند کنیم. این عمل مقتضای تسلیم شدن به قضای تشریحی خداست که او امر متعددی درباره دعا برای رفع بلا - و به طور خاصّ برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام فرموده است. بنابراین ما باید برای رفع بلای غیبت امامان دعا کنیم، نتیجه آن هرچه می خواهد باشد. اگر خدا در امر فرج امام علیه السلام تعجیل فرمود، به آن راضی باشیم و اگر نفرمود، باز هم راضی باشیم. پس اگر به فرض یک سال دعا کردیم ولی در این مدّت تعجیل فرج صورت نگرفت و خدا آن را از یک سال به تأخیر انداخت، ما باید به این تأخیر انداختن راضی باشیم.

دعایی که در توقیع شریف امام عصر علیه السلام آمده، ناظر به همین فرض است. عرضه می داریم:

حَتَّى لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أُخِّرَتْ.

«تَعْجِيلَ مَا أُخِّرَتْ» یعنی اینکه اگر چیزی مصداق «ما أُخِّرَتْ» شد، آن وقت تعجیل در آن را دوست نداشته باشیم. چه موقع این فرض اتفاق می افتد؟ وقتی یک سال بگذرد و در این مدّت فرج امام عصر علیه السلام واقع نشود یا به تعبیر دیگر فرج از این یک سال به

تأخیر افتد. اگر چنین شد، مقتضای تسلیم بودن به قضای تکوینی الهی این است که جلو افتادن آن را دوست نداشته باشیم. به زبان ساده تر اگر تا یک سال که ما دعا کردیم، فرج امام زمان علیه السلام واقع نشد، به واقع نشدن ظهور در این یک سال گذشته راضی و خشنود باشیم و در دل نگوییم: چرا حضرت ظهور نکردند؟ در این صورت اگر ایمان ما در درجه بالایی باشد، نه تنها می توانیم تلخی طولانی شدن غیبت را در این یک سال تحمل کنیم بلکه همان چیزی که خداوند تکویناً خواسته است، محبوب ما می شود. یعنی با وجود آنکه غیبت امام علیه السلام یک امر دوست داشتنی نیست اما چون خدا آن را خواسته است، می تواند محبوب انسان شود به اعتبار اینکه خدا خواسته نه اینکه فی نفسه محبوب باشد. ممکن است در چیزی دو جهت وجود داشته باشد که از یک جهت محبوب باشد و از یک جهت نباشد. غیبت امام عصر علیه السلام از جهت اینکه مصداق عذاب الهی است، دوست داشتنی نمی باشد، اما در مدت زمانی که خداوند وقوع آن را بخواهد، به دلیل اینکه او خواسته، می تواند محبوب باشد.

### **لزوم تفکیک دو جهت در مقتضای عدل الهی**

برای روشن تر شدن این نکته به صورت کلی، عرض می کنیم که اگر خداوند کسی را تنبیه کند، به مقتضای عدلش با او رفتار کرده است. تنبیه و عقوبت الهی فضل او نیست بلکه مصداق عدل خداست. در این جا دو جنبه وجود دارد: یک جنبه آن این است که شخص گناهی کرده که مستحق تنبیه الهی شده است و جنبه دیگرش کاری است که خدا در حق او انجام می دهد. حال، این فرد گناهکار اگر بخواهد راضی به قضای خدا باشد، باید چگونه عمل کند؟ از هر یک از این دو جهت یک وظیفه خاص دارد: از جهت اول نباید به آنچه اتفاق افتاده راضی باشد، چون منشأ تنبیه شدنش گناه خودش است و نباید به گناهی که نتیجه اش عقوبت الهی بوده، راضی باشد. به تعبیر دیگر باید از گناهی که انجام داده و در نتیجه به بلای خداوند گرفتار آمده، ناراضی و ناراحت باشد. اما از جهت دوم باید به آنچه اتفاق افتاده راضی باشد.

جنبه دوم، کار خدا و تنبیه اوست. بنده خدا باید به آنچه خدا می خواهد و



انجام می دهد، راضی باشد. یعنی اگر بخواهد با عدلش با بنده ای رفتار کند، به عدل او راضی باشد و اگر هم با فضل خود رفتار نمود، به فضلش راضی باشد. پس اکنون که بنده گرفتار عدل الهی شده، باید به اینکه خداوند با عدلش با او رفتار می کند، راضی و خشنود باشد. البتّه تحمّل عقوبت و تنبیه، سخت و ناگوار است ولی هرچه ایمان می چشد، بلکه ممکن است به درجه ای برسد که تحمّل آن برایش محبوب شود به خاطر آنکه مورد رضای خداست نه اینکه فی نفسه امر مطلوب و محبوبی است.

غیبت امام عصر علیه السلام هم یک نوع تنبیه و عقوبت برای ما به شمار می آید: همان دو جنبه ای که به صورت کلی در هر تنبیهی مطرح کردیم، این جا هم مصداق پیدامی کند. جنبه اوّل به تقصیرات ما برمی گردد که ما را مستحقّ این عقوبت کرده و جنبه دوم به اینکه خداوند خواسته با عدل خود با ما رفتار نماید. از جنبه اوّل نباید به این عذاب و تنبیه الهی راضی باشیم و از جنبه دوم باید به آن رضا دهیم. جهت اوّل به خودمان برمی گردد که می دانیم اگر شکر نعمت های الهی را - به خصوص در مورد نعمت وجود امام زمان علیه السلام - چنانچه باید ادا می کردیم، قطعاً گرفتار عذاب غیبت امامان نمی شدیم و این بلای بزرگ بر ما نازل نمی شد. بنابراین از این جهت به آنچه پیش آمده (غیبت امام عصر علیه السلام) راضی نیستیم و نباید باشیم. در واقع از اینکه به خاطر ناشکری هایمان مستحقّ این عقوبت شده ایم، راضی و خشنود نیستیم.

اما از طرف دیگر از تنبیه خدا و چوب زدن او نمی توانیم ناراضی باشیم. چون می دانیم که این عقوبت مقتضای عدل خداست باید به عدل او هم راضی باشیم، همان طور که به فضل او راضی هستیم و این جا هم چنین است. ما می دانیم که به قهر الهی گرفتار آمده ایم و ایمان ما اجازه نمی دهد که از قهر خداوند ناخشنود باشیم. در واقع ما باید به عدل خدا راضی باشیم صرف نظر از مقتضای آن. پس در مورد غیبت امام زمان علیه السلام چون می دانیم که عدل الهی چنین اقتضایی داشته، به آن راضی هستیم. بنابراین غیبت مولایمان فی نفسه برای ما محبوب نمی شود، بلکه اگر مقتضای عدل و قهر خدا چنین شد، به آن اعتبار محبوب می شود. بنابراین آنچه محبوب می گردد،

قضای الهی است نه پنهانی امام عصر علیه السلام. عبارت دعا هم بر چیزی بیش از این دلالت نمی کند.

البته همان طور که گفتیم این مربوط به وقتی است که کار از کار گذشته و ما یقین کرده باشیم که خداوند دوست دارد ما را مبتلا به غیبت امام زمان علیه السلام ببیند. یقین ما نسبت به این امر مربوط به چه زمانی می شود؟ فقط گذشته تا حال را شامل می شود و آینده را در بر نمی گیرد. ما در حال حاضر نمی دانیم که آیا از این به بعد هم خداوند، مبتلا بودن ما به غیبت مولایمان را می پسندد یا خیر. چون نمی دانیم پس نمی توانیم از جهت راضی بودن به قضای الهی به تأخیر افتادن فرج امام علیه السلام در آینده هم راضی باشیم، بلکه - به خاطر سفارشات متعددی که در مورد لزوم دعا برای تعجیل فرج وارد شده - باید تعجیل فرج را دوست داشته باشیم و در واقع به تأخیر نیفتادن فرج را در آینده دوست بداریم. بنابراین آنچه در دعای امام عصر علیه السلام آمده این است که ما جلو انداختن آنچه خداوند به تأخیر انداخته (در گذشته) را دوست نداشته باشیم، اما تعجیل در فرج را (در آینده) باید دوست داشته باشیم و این دو با یکدیگر هیچ تعارضی ندارند.

### **تقاضای سطح بالا در دعای توفیق امام علیه السلام**

البته این عبارت دعا که مورد بحث ماست، یک تقاضای سطح بالا می باشد که نصیب هرکسی نمی شود. بسیاری از مؤمنان ممکن است به مقام رضا به قضای الهی برسند، اما آن امر برایشان محبوب نشود.

لازمه راضی شدن به چیزی این نیست که آن چیز برای انسان محبوب هم بشود. بلا و مصیبت محبوب آدمی نیست ولی انسان مؤمن به آن راضی می شود. راضی شدن می تواند در این حد باشد که اعتراض و ناخشنودی نسبت به آن نداشته باشد. حد بالای رضایت این است که آنچه خدا برایش پسندیده را دوست بدارد، به این دلیل که خدا پسندیده است. ما در دعای منقول از توفیق امام عصر علیه السلام چنین سطحی از رضایت به قضای الهی را از خداوند طلب می کنیم که می گوییم: حَتَّى لَا أُحِبَّ. اگر کسی این دعا

برایش مستجاب شود، آن وقت به بالاترین مرتبه رضا و تسلیم به حکم پروردگار رسیده است. اما اگر به این حد هم نرسد، ممکن است مرتبه پایین آن را به دست آورده باشد که از آنچه خداوند خواسته، ناراضی نباشد. این رتبه برای حفظ ایمان هم کافی است و هم لازم چون ولی اگر به این حد هم نرسد، به ایمانش لطمه وارد می شود، زیرا نشانه ایمان - چنانچه در بخش اول کتاب گذشت - رضا و تسلیم به خواست خداوند است.

### نفی استعجال در مورد ظهور امام عصر علیه السلام

برای تکمیل بحث درباره عبارت توفیق امام عصر علیه السلام و نتیجه گیری نهایی از آن باید به جملات قبل و بعد آن هم یک نگاه مجموعی بیندازیم:

أَنْتَ الْعَالِمُ غَيْرُ الْمُعَلَّمِ بِالْوَقْتِ الَّذِي فِيهِ صَيَّرَ لِي أَمْرًا وَوَلَّيْتَنِي فِي الْإِذْنِ لَهُ بِإِظْهَارِ أَمْرِهِ وَ كَشَفَ سِتْرَهُ فَصَيَّرَنِي عَلَى ذَلِكِ حَيَّتِي لِأَجَبِّ تَعْجِيلٍ مَا أَخَّرْتَ وَلَا تَأْخِيرٍ مَا عَجَّلْتَ وَلَا أَكْشَفَ عَمَّا سَتَرْتَهُ وَلَا أَبْحَثَ عَمَّا كَتَمْتَهُ وَلَا أَنْزِعَكَ فِي تَدْبِيرِكَ وَلَا أَقُولَ: لِمَ وَ كَيْفَ وَمَا بَالُ وَلِيِّ الْأَمْرِ لَا يَظْهَرُ وَقَدْ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ؟ وَأَفْوُضُ أُمُورِي كُلَّهَا إِلَيْكَ. (۱)

تو دانای بدون (نیاز به) تعلّم هستی به آن زمانی که اجازه دادن به ولایت برای آشکار کردن امرش و پرده برداری از رازش، به مصلحت کار اوست. پس به من برای تحمّل آن صبر بده تا جلو انداختن آنچه به تأخیر انداخته ای و نیز به عقب انداختن آنچه جلو انداخته ای را دوست نداشته باشم و از آنچه پوشانده ای، پرده بردارم و از آنچه کتمان کرده ای، جستجو نکنم و در تدبیرت با تو به نزاع در نیایم و نگویم: چرا و چگونه و چه شده که ولی امر ظاهر نمی شود در حالی که زمین از ستم پر شده است؟! و همه کارهایم را به تو واگذار نمایم. ۳.

ص: ۶۳

در این عبارات عرضه می‌داریم: خدایا ما تو را به آن زمانی که مصلحت ظهور امام زمان علیه السلام هست، دانا و عالم می‌دانیم. یعنی ما هرچند که از غیبت ایشان ناراحتیم و تعجیل در فرجشان را می‌خواهیم، اما به زمانی که ظهور ایشان مصلحت خودشان هست، آگاه نیستیم. چون چنین است، پس به ما صبر بده تا جلو انداختن آنچه را که تو (خدا) به تأخیر انداخته‌ای را دوست نداشته باشیم. منظور این است که اگر غیبت مولایمان طولانی شد و آن طور که ما می‌خواستیم و برای تحققش دعا می‌کردیم، در زمان آن تعجیل نشد؛ بی‌تابی نکنیم، صبر خود را از دست ندهیم، از آنچه علمش را از ما پوشانده‌ای جستجو و کاوش نکنیم، در چگونگی اراده و تدبیرت با توبه نزاع در نیاییم و خلاصه هیچ‌گونه اعتراضی به کار تو و رضای تو نداشته باشیم، بلکه همه امور خود را به تو (خدا) واگذار نماییم.

آنچه در این عبارات ظهور و بلکه صراحت دارد این است که ما به دلیل اینکه نمی‌دانیم چه موقع ظهور امام عصر علیه السلام به مصلحت ایشان است و اسرار پشت پرده الهی را مطلع نیستیم، نباید در ظهور آن حضرت به «استعجال» بیفتیم. این استعجال ایمان انسان را تباه می‌کند چون او را از اصل ایمان که همان تسلیم به مقدرات الهی است، خارج می‌سازد. راه نجات در زمان غیبت کبری امام عصر علیه السلام، تسلیم بودن است، چنانچه امام جواد علیه السلام فرمودند:

يَهْلِكُ فِيهَا الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ يَنْجُو فِيهَا الْمُسْلِمُونَ. (۱)

(در زمان غیبت کبری) شتاب کنندگان هلاک می‌شوند و تسلیم شوندگان نجات می‌یابند.

با این ترتیب روشن است که شتاب ورزیدن در وقت ظهور امام زمان علیه السلام امر مذمومی است و دعا برای تعجیل فرج ربطی به این استعجال مذموم ندارد. این بحث را با نقل مطلبی از کتاب شریف «مکیال المکارم» به پایان می‌بریم. مؤلف گرانقدر آن فرموده‌اند: استعجال دو نوع است، یکی مذموم و دیگری ممدوح. مذموم آن است که ۳.

ص: ۶۴

پیش از رسیدن وقت چیزی، وقوع آن را طلب کنیم که این عقلاً و نقلاً قبیح است. استعجال ممدوح آن است که چیزی را در اولین وقتی که امکان وقوع دارد، طلب نماییم. از آنجا که ظهور حضرت صاحب الامر علیه السلام از اموری است که امکان جلو افتادن زمانش به اراده خداوند، وجود دارد (به اصلاح از امور بداء پذیر است) و ضمناً منافع بی شماری هم بر آن مترتب می باشد، ایمان مؤمن ایجاب می کند که به دعا برای تعجیل ظهور اهتمام ورزد تا در اولین زمانی که مصلحت هست، واقع شود و تا رسیدن این زمان صبر و تسلیم را پیشه خود قرار دهد. (۱)

### ب- آثار دعا در حق ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف برای دعاکننده

دعا در حق امام عصر علیه السلام علاوه بر فوایدی که برای خود آن حضرت دارد، برای دعا کننده نیز آثار و نتایج دارد که اکنون به بیان این بحث می پردازیم.

### ۱۰۲ فایده دعا در حق امام زمان علیه السلام برای دعاکننده

در کتاب گرانقدر «مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام» چنانچه از عنوانش پیداست، ۱۰۲ فایده دعا در حق امام زمان علیه السلام برای دعا کننده با استناد با ادله نقلی معتبر بیان شده است. (۲) چون توضیح کافی برای هر یک در این کتاب شریف ذکر شده، ما از نقل و شرح آنها در این جا خودداری می کنیم و تنها به بیان یکی از این فواید که تحت عنوان «المکرمة الاولى» آمده است با ذکر توضیحات اضافی می پردازیم. (۳)

امّا پیش از بیان این فایده، خوب است اشکال و پاسخی را که مؤلف کتاب «مکیال المکارم» در همین خصوص آورده اند، عیناً از کتاب دیگر ایشان نقل نماییم تا ارزش دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام بیش از پیش روشن گردد: ۹.

ص: ۶۵

۱- مکیال المکارم، ج ۱، ص ۳۰۲ و ۳۰۳.

۲- مکیال المکارم، ج ۱، ص ۳۰۳ تا ۵۱۴: ابتدا ۹۰ مکرمه و در انتها ۱۲ مکرمه ذکر شده است.

۳- همان، ص ۳۰۹.

بسا هست که بعضی از کوتاه نظران استبعاد کنند، و بگویند: چگونه به ازای عمل کوچک مختصری، این همه ثوابات و منافع داده می شود، و جواب از این شبهه از سه راه است:

اول: آنکه این عمل شریف (۱) کوچک نیست در نزد اهل بصیرت تا آنکه جای این استبعاد باشد، بلکه در نهایت بزرگی و کمال عظمت شأن است، و کوچکی و بزرگی هر چیزی را عارف و عالم به آن می داند، مثل آنکه یک دانه جواهر کوچک، بسا می شود پنج هزار تومان قیمت دارد، لکن اهل خبره آن می داند، و شخص ناشی را نمی رسد که به آن دانا اعتراض کند که چرا این دانه را این قدر زیاد قیمت کردی، و عالم به شأن و قیمت این دعا، خلاق عالمیان و خاتم پیغمبران و ائمه طاهرین علیهم السلام می باشند. و مثل دعای به امام زمان روحی و ارواح العالمین فدا، مَثَل کَلِمَتَيْن شهادتین است، هرچند کوچک و مختصر است، لکن به محض گفتن، شخص کافر، مسلم و پاک و محترم و بهشتی می شود، و هکذا سایر آثاری که دارد و کسی را نمی رسد که برای اختصار کلمه و آسانی آن، انکار آثار آن را نماید.

جواب دوم: آنکه ثواب هایی که حق تعالی به ازای هر عملی عطا می فرماید، از راه تفضّل است نه استحقاق شخص و مثل این دعا و سایر عبادات، مَثَل هدیه ای است که شخص محتاج به خدمت شخص کریم می برد، یقین است آن کریم ملاحظه قیمت هدیه را نمی کند، بلکه به مقتضای کرم خود انعام می فرماید؛ بسا هست یک گل به او تعارف می کنند، صد تومان انعام می دهد و همه کس او را تحسین می کند. در حدیث است که کنیزی از کنیزان حضرت امام حسین علیه السلام یک دانه گل به آن حضرت تعارف کرد، آن جناب او را آزاد نمودند.

جواب سوم: آنکه، تمام این عطاها و ثوابات که به دعاکننده در حقّ امام زمان علیه السلام عطا می شود، فی الحقیقه عطیه خداوند جلّ شأنه است به خود آن حضرت، و اکرام آن حضرت است، و واضح است که آن جناب استحقاقم.

ص: ۶۶

---

۱- یعنی دعا به جهت تعجیل در ظهور و فرج امام زمان علیه السلام.

این مراتب و ما فوق آنها را دارند. مثلاً هرگاه شخص بزرگی، شخص بزرگ دیگری را ضیافت نمود، نسبت به هر یک از خادمان و اتباع و غلامان او احسان ها و انعام هایی می کند که آنها به خودی خود، لیاقت آن گونه تجلیات را ندارند، لکن به جهت انتساب و تعلقشان به آن شخص بزرگ مورد آن الطاف می شوند و اینها در حقیقت تجلیل و احترام صاحب آنهاست و لهذا اگر اندکی کوتاهی در احترامات هر یک از آنها، علی حَسَبِ مراتبهم بشود، باعث تکدّر خاطر و گله آن شخص بزرگ می شود، چنانچه کثرت ثوابها و عطاهایی هم که به زیارت کنندگان و گریه کنندگان حضرت سیدالشهداء علیه السلام عنایت می شود، از جهت انتساب و تعلق ایشان است به آن حضرت نه از جهت استحقاق خودشان.

نثار حسن جمال حبیب اگر آرند دو عالمی ز کریمان عجب نیندارند(۱)

با عنایت به اهمیت این عبادت بزرگ (دعا برای تعجیل فرج) اکنون اولین فایده آن برای دعا کننده را توضیح می دهیم که عبارت است از: فرج دعا کننده. این فایده از صریح عبارت توفیق امام عصر علیه السلام استفاده می شود که فرمودند:

أَكثَرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ.

در این فرمایش دعا کردن برای تعجیل فرج یا بنابر احتمال ارجح زیاد دعا کردن برای آن، خود به عنوان فرج دعا کننده مطرح شده است. این فرج به پنج صورت می تواند محقق شود: (۲)

### فرج دعا کننده به سبب دعا و احسان امام عصر علیه السلام

۱- دعایی که انسان در حقّ امامش می کند، وسیله و بهانه جلب توجّه و عنایت آن حضرت به سوی اوست. این دعا نوعی احسان و هدیه به پیشگاه آقای کریم و بزرگوارت.

ص: ۶۷

۱- کنز الغنائم فی فوائد الدّعاء للقائم علیه السلام، ص ۱۰۰ تا ۱۰۲.

۲- سه صورت اوّل با الهام از مطالب «مکیال المکارم فی فوائد الدّعاء للقائم علیه السلام»، ج ۱، ص ۳۰۹ مطرح شده است.

است که آن احسان را به بهتر از خودش تلافی می کند. ما در معرّفی ائمه علیهم السلام آنها را به صفت کریم می خوانیم. در زیارت روز جمعه که متعلّق به مولایمان امام زمان علیه السلام است، به ایشان چنین خطاب می کنیم:

أَنْتَ يَا مَوْلَايَ كَرِيمٌ مِنْ أَوْلَادِ الْكَرَامِ. (۱)

همچنین در زیارت جامعه کبیره خطاب به همه امامان علیهم السلام عرضه می داریم:

عَادَتُكُمْ الْإِحْسَانَ وَ سَجِيَّتُكُمْ الْكَرَمَ. (۲)

شخص کریم اگر از جانب کسی مورد احسان قرار بگیرد نمی تواند احسان او را پاسخ بگوید، بلکه چون آقا و بزرگوار است آن را به لطف و احسانی برتر از آنچه در حقش صورت گرفته، تلافی خواهد کرد. در فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام در معرّفی کریم می خوانیم:

الكَرِيمُ يَرَى مَكَارِمَ أَعْمَالِهِ دَيْنًا عَلَيْهِ يَقْضِيهِ. (۳)

شخص کریم نیکی های اعمال خود را بدهی خود تلقی می کند که باید آن را ادا نماید.

افراد عادی عمل به نیکی ها و مکارم اخلاق را وظیفه و دین خود نمی شمارند و انتظار دیگران هم از هر کسی چنین نیست، ولی افراد کریم و بزرگوار چنین هستند که نیکی کردن را بر خود فرض و لازم می شمارند. چنین کسی اگر مورد محبت و احسان دیگری قرار بگیرد به طریق اولی خود را موظف می داند که آن احسان را به بهترین صورت تلافی کند و این تلافی کردن را بر خود دین و بدهی حساب می کند. لذاست که می توانیم بگوییم: اگر کسی در حق امام زمان علیه السلام دعا کند، با عرضه کردن این هدیه ناقابل خواسته است در حدّ توانش به مولای خود احسان و نیکی نماید و از همین جهت می تواند امیدوار باشد که به نحوی امام عصر علیه السلام را مدیون خود نموده است. ۶.

ص: ۶۸

۱- جمال الاسبوع، ص ۴۲.

۲- من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۱۶.

۳- غرر الحکم و درر الکلم، حدیث ۸۸۸۶.



البته می دانیم که هیچکس با انجام هیچ کار خیری در حقّ امامش، بر عهده ایشان حقی پیدا نمی کند، زیرا توفیق هر عمل خیری به یمن وجود آن حضرت نصیب انسان می گردد. ولی از آنجا که ایشان کریم و بزرگوار هستند، طبق فرموده جدّشان امیرالمؤمنین علیه السلام پاسخ دادن به احسان یکی از دوستان خود را بر خود لازم می شمارند و بنابراین کار خیر او را با خیر بهتری تلافی خواهند فرمود. از این جهت دعاکننده در حقّ ایشان می تواند امیدوار باشد که امام علیه السلام پاسخ دعای او را با دعای بهتر و کامل تری خواهند داد تا به آرزوهایش در دنیا و آخرت برسد و گرفتاری هایش رفع شود یا اینکه خود آن حضرت مستقیماً از او دستگیری فرموده و حاجتش را برآورده سازند.

البته ناگفته نماند که چنین رفتاری از جانب امام عصر علیه السلام بر ایشان ضرورت ندارد، یعنی لزومی ندارد که آن حضرت بر طبق کرم و آقایی خود با دعاکننده در حقّ خویش رفتار نمایند. کرم نمودن لطف و فضل است و لطف کردن بر ایشان واجب نیست. ما آنقدر در ادای حقوق مولایمان کوتاهی کرده ایم که اگر ایشان به کلی به ما بی اعتنایی فرموده و پاسخ سلام ما را هم ندهند، استحقاقش را داریم. اگر کسی در خود لیاقت اینکه آقا و مولا جواب سلام و احسانش را بدهند، می بیند، بسیار بسیار در اشتباه است. چنین کسی باید ابتدا با حقوق امام زمان علیه السلام بر خود آشنا شود و سپس بررسی کند و ببیند آیا در ادای آنها یا بخشی از آنها موفق بوده است یا خیر. با این بررسی خواهد فهمید که آنچه در حقّ امامش انجام داده در مقایسه با آنچه می بایست انجام می داده، اصلاً قابل ذکر و توجه نیست. این جاست که تصدیق می کند مورد لطف امام علیه السلام قرار گرفتن از جهت لیاقت و استحقاق نیست، بلکه صرفاً به آقایی و کرم خود ایشان مربوط می شود که از سر تقصیرات دعاکننده بگذرند و به روی او نیاورند و پاسخ احسان او را بدهند. پس اگر هم در موردی با او از در اکرام و احسان وارد نشدند، هیچ حقی را از او ضایع نکرده اند و چیزی بر عهده ایشان باقی نمی ماند. به هر حال اولین حالت فرج دعاکننده این است که به خاطر دعایش، احسان و کرم مولایش را - از طریق دعای آن حضرت یا هر نوع لطف دیگری - به سوی خود جلب نماید.

۲- صورت دیگری که برای فرج دعاکننده در حقّ امام زمان علیه السلام فرض می شود این است که خداوند به جای برآوردن حاجت او، به شکل دیگری دعایش را مستجاب فرماید. ما در بخش اول کتاب (فصل سوم) معنای عامّ اجابت دعا و انواع اجابت مثبت را با استناد به احادیث ائمه علیهم السلام برشمردیم. در آن بحث روشن شد که اجابت دعا فقط به این نیست که حاجت دعاکننده، مطابق آنچه خودش خواسته، محقق شود. بلکه گاهی عطایی بهتر از آنچه او طلبیده، نصیبتش می گردد یا شرّ و بلائی از او دفع می شود، یا آن دعا باعث آمرزش گناهانش می گردد یا ذخیره آخرت او خواهد شد و یا ... به هر حال دعا اگر با شرایطش واقع شود، بدون اجابت نمی ماند.

با این ترتیب اگر کسی برای تعجیل فرج مولایش دست به دعا بلند کند و با سوز دل خلاصی آن حضرت را از رنج ها و مصائب زمان غیبت طلب نماید، از دو حال خارج نیست: یا خداوند به دعای او فرج امام عصر علیه السلام را جلو می اندازد که در این صورت دعاکننده سهمی در تعجیل فرج آن حضرت پیدا می کند که این خود توفیق بسیار بزرگی برای اوست. یا اینکه خداوند دعای او را به صورت دیگری اجابت می فرماید، مثلاً بلا و مصیبتی را از او دفع می نماید، خود دعاکننده متوجه نمی شود که در پس پرده چه گذشت و چه بسا اصلاً نفهمد که چه بلائی برایش مقدر شده بود، ولی در واقع از بسیاری شرور و بدبختی ها در امان می ماند، به خاطر دعاهایی که خالصانه در حقّ امام زمانش کرده بود. نکته لطیفی را مرحوم صاحب مکیال در این فرض تذکر داده اند که بیان آن برایمان بسیار مفید است. ایشان می فرماید: دعا برای مولای مظلومان مصداق یاری کردن مظلوم است و یاری رساندن به مظلوم سبب یاری شدن شخص از ناحیه خداوند می باشد.

این بحث مستقلاً به عنوان چهل و پنجمین فایده دعا در حقّ امام زمان علیه السلام در کتاب شریف مکیال المکارم مطرح شده و ضمن آن توضیحات کافی هم آمده است. (۱) ۲.

ص: ۷۰

برای توجه کردن به این موضوع ابتدا باید مظلومیت امام عصر علیه السلام برایمان روشن و قطعی شود. مظلوم بودن به این است که حقوق کسی پایمال شود و هرکس حق بیشتری داشته باشد، ادای آنها هم سخت تر و مشکل تر است. در میان مخلوقات خداوند حقوقی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و عترت پاکش علیهم السلام بر ما دارند، از هرکس دیگری بیشتر است. تعداد این حقوق و عمق آنها به اندازه ای است که از حد درک و فهم ما بالاتر می باشد. چون این حقوق هم زیاد است و هم عمیق، رعایت آنها هم لازم تر و مهم تر است. امیای می توانیم با جرأت بگوییم که آنچه از این حقوق به خوبی ادا می شود در مقایسه با آنچه نمی شود، بسیار بسیار ناچیز است، تا آنجا که باید بگوییم اصلاً حق ایشان ادا نمی گردد. منظور این است که در کل جهان با توجه به اینکه امام عصر علیه السلام ولی نعمت همه خلائق هستند، آن حقوقی که از ایشان شناخته شده و ادا می شود، چیز قابل ذکر و توجهی نیست. بنابراین می توانیم ادعا کنیم که در حال حاضر در کل دنیا فرد زنده ای مظلوم تر از ایشان یافت نمی شود، یعنی امام زمان علیه السلام مظلوم ترین شخص عالم در حال حاضر هستند.

با توجه به این مقدمه، نگاهی به ثواب یاری کردن مظلوم بیندازیم. به عنوان نمونه از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند "

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي عَوْنِ الْمُؤْمِنِ مَا كَانَ الْمُؤْمِنُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ. (۱)

مادامی که مؤمنی مشغول یاری کردن برادر مؤمنش باشد، خداوند عز و جل مشغول یاری کردن اوست.

مؤمنی که مشغول یاری کردن برادر دینی اش است، مشمول نصرت و یاری خداوند قرار می گیرد. حال اگر آن برادر ایمانی مورد ظلم قرار گرفته باشد، یاری کردن او به این است که قدمی در راه رفع ظلم از او برداشته شود. قطعاً می توان گفت که دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام قدمی در راه یاری کردن امام مظلوم عالم محسوب می شود، ل.

ص: ۷۱

---

۱- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۲۰، ح ۱۶، به نقل از ثواب الاعمال.

چون خدای متعال دعا را مؤثر قرار داده و بر انجام آن تأکید ورزیده است. پس کسی که تعجیل فرج مولایش را از خداوند طلب کند، در واقع قدمی در راه رفع مظلومیت آن عزیز برداشته و مشغول یاری کردن ایشان شده است. چنین کسی طبق فرمایش امام صادق علیه السلام مشمول یاری کردن خداوند قرار می گیرد و در همه اموری که نیاز به کمک دارد، مورد رسیدگی و عنایت پروردگارش واقع می شود.

### فرج دعاکننده از طریق صبر بر دینداری در زمان غیبت

۳- سومین صورت فرج برای دعاکننده در حق امام عصر علیه السلام این است که اهل صبر و تحمل در سختی ها و مصیبت ها می شود. کسی که پشتوانه اش در هنگام هجوم مصائب، دعا برای تعجیل فرج مولایش است؛ به خاطر سختی ها از پا در نمی آید و همواره چشم به گشایش الهی دارد که اجابت دعاهایش می باشد. لازمه روی آوردن به دعا این است که دعاکننده حل مشکلات خود را از خدای متعال می طلبد و با وجود فراهم کردن مقدمات بشری، تکیه گاهش در رفع گره ها فقط و فقط پروردگارش است. چنین شخصی هیچ گاه در زیر فشار مصائب از پای در نمی آید و به ناامیدی و یأس نمی افتد.

معمولاً در هنگام هجوم مشکلات و سختی ها، یأس و ناامیدی انسان را شکست می دهد. یعنی پیش از آنکه خود مشکلات او را از پای در آورند، شکست روحی در برابر آنها او را به زمین می زند. در این صورت کسی که پشتوانه اش نیروی لایزال الهی است، می داند که هیچ قدرتی در برابر قدرت پروردگار توان برابری ندارد. پس اگر خدا بخواهد، او بر همه سختی ها و مصائب غلبه کرده و از رویارویی با آنها پیروز و موفق بیرون می آید. لذاست که تن به شکست نمی دهد و خود را نمی بازد و مقاوم و استوار می ایستد.

در زمان غیبت امام زمان علیه السلام، کسی که بخواهد در مسیر دین ورزی استقامت داشته باشد، به سختی ها و مشکلات زیادی مبتلا می شود. اموری که مشاهده اش برای دیگران سهل و آسان است، برای او قابل تحمل نیست و برای حفظ دین و انجام تکالیفش خود را موظف می داند که پای دینداری اش بایستد و در کوران حوادث بر

اعتقادات حقه اش ثابت قدم بماند. به فرموده امام حسن عسکری علیه السلام در زمان غیبت امام عصر علیه السلام تنها کسانی از هلاکت در دین نجات پیدا می کنند که اهل دو ویژگی باشند:

۱- بر اعتقاد به امامت امام غایب ثابت قدم بمانند.

۲- اهل دعا بر تعجیل فرج آن حضرت باشند. (۱)

بنابراین دعا بر تعجیل فرج امام زمان علیه السلام نقش بسیار کلیدی و بی بدیل برای حفظ دین انسان در زمان غیبت دارد. بیشترین خطرها در این زمان متوجه اصول دین (اعتقادات) و فروع اخلاقی و عملی (اخلاق و احکام) است. مسایل و مشکلات مادی و دنیوی تا وقتی انسان در دینش تزلزل پیدا نکند، نمی تواند او را از پای در آورد. اگر کسی اهل دعا برای تعجیل فرج امامش بشود، یعنی این عبادت بزرگ جزء برنامه زندگی اش در طول شبانه روز قرار گیرد؛ آنگاه به لطف الهی توان پایداری در برابر هجوم آن چیزهایی که دینش را هدف گرفته اند، پیدا می کند و در برابر همه آنها مقاوم می شود و به انحراف نمی افتد. البته این شرط - اهل دعا برای تعجیل فرج بودن - شرط لازم برای تباہ نشدن دین انسان است نه شرط کافی. باید - همان طور که حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند - ثابت قدم بودن در اعتقاد به امامت امام غایب هم در کنار آن قرار بگیرد تا حفظ دینداری تضمین شود. پس در کنار اهتمام ورزیدن به امر دعا برای امام زمان علیه السلام نباید از اهمیت و جایگاه منحصر به فرد امام شناسی - مطابق آنچه در کتاب و سنت آمده - غفلت کرد. باید امامت امام علیه السلام آن گونه که خود ائمه علیهم السلام معرفی فرموده اند برای انسان تبیین شده و مورد اعتقاد و باور عمیق قرار گیرد. این پایه اساسی ترین پایه حفظ دین در زمان غیبت است و دعا برای تعجیل فرج و همه ویژگی های دیگر منتظران راستین امام علیه السلام نیز بر همین پایه استوار است؛ و از فروع و شاخه های آن به حساب می آید.

به هر حال کسی که در زمان غیبت اهل دعا برای تعجیل فرج مولایش است، یات.

ص: ۷۳

---

۱- کمال الدین باب ۳۸، ح ۱، متن این حدیث همراه با ترجمه و توضیح در پیش گفتار کتاب آمده است.

همین خواسته اش برآورده می شود که بالاترین آرزو و فرج برای اوست و یا اینکه به برکت همین دعا فرج و گشایش در مشکلات برایش حاصل می شود که در رأس همه آنها حفظ دین و توفیق یاری امام زمان علیه السلام می باشد. پس بالاترین فرج ها از طریق دعای در حق امام عصر علیه السلام برایش حاصل می گردد.

### اکثار دعا بر تعجیل فرج: فرجی بزرگ برای دعاکننده

۴- علاوه بر آنچه بیان شد، با دقت مجدد در عبارت توفیق مبارک امام عصر علیه السلام می توانیم معنا و مصداقی لطیف برای فرج دعاکننده را از آن استنباط نماییم. ایشان فرموده اند که نفس اکثار دعا بر تعجیل فرج یعنی زیاد دعا کردن خود مصداق فرج دعا کننده است. اگر در این نکته تأمل کنیم که حالت اکثار دعا بر تعجیل فرج چگونه در انسان پیدا می شود، به حقیقت مهمی دست پیدا می کنیم. مسلم است که این حالت به طور تصنعی در کسی پیدا نمی شود و هرکس چنین حالی داشته باشد، احتیاج به تذکر درباره دعا کردن ندارد. ما می بینیم که نوع مؤمنان در امر دعا برای تعجیل فرج احتیاج به تذکر دیگری دارند و بسیار کم هستند افرادی که به طور خود جوش اهل این دعا هستند. معمولاً اگر کتابی در این باره بخوانیم یا وعظ و تذکری از یک سخنران بشنویم، تا یکی دو روز یا حداکثر یک هفته در ما اثر می گذارد و به دعا برای حضرت اهمیت خاص می دهیم. اما این حال پایدار نمی ماند و کم کم اثر آن مطالعه و موعظه کم رنگ می شود تا آنجا که اگر با تذکر مجددی مواجه نشویم، چه بسا دعا برای امام زمان علیه السلام را فراموش نماییم!

اگر چنین باشیم، هنوز اهل دعا بر تعجیل فرج نشده ایم و اکثار دعا در حق ما صادق نیست. اما گاهی افرادی را می بینیم که در این زمینه احتیاج به تذکر دیگری ندارند و به طور طبیعی درد دعای بر حضرت را در دل دارند و هیچ گاه از آن غافل نمی شوند. یکی از بهترین نمونه ها در این خصوص، خود مرحوم صاحب مکیال است که از مراجعه به کتاب هایش این امر روشن می شود. فقط یکی از کتاب های این بزرگوار (مکیال المکارم) - که به تصریح خود ایشان در پایان آن، ناتمام هم مانده است

- شامل ۱۷۵۹

حدیث از اهل بیت علیهم السلام است که همه آنها به نحوی با موضوع دعا برای امام عصر علیه السلام ارتباط پیدا کرده است.

بیشتر این احادیث مستقیماً ناظر به امام زمان علیه السلام و دعا برای ایشان نیست، اما توجه و عمق معرفت و ارادت مؤلف است که همه آنها را به موضوع دعا برای امام علیه السلام ارتباط داده است. همه این احادیث در کتب مرجع موجود بوده و بسیاری از علما و بزرگان از آنها در مباحث مختلف استفاده برده اند، اما درصد بسیار کمی از آنها به ارتباط آن احادیث با بحث دعا برای امام عصر علیه السلام متفطن شده اند. به عنوان مثال روایاتی که مربوط به ثواب یاری کردن مؤمن و اعانت مظلوم است، در نوع جوامع حدیثی موجود می باشد؛ اما اینکه انسان وقتی به تعبیر «مؤمن» برمی خورد، در درجه اول یاد امام زمانش بیفتد و اینکه از تعبیر اعانت و یاری کردن به مصداق خاصّ دعا برای ایشان متذکر شود، چیزی نیست که برای هرکسی اتفاق افتد. آیا خود ما بدون تذکر صاحب مکیال، از احادیث مربوط به یاری کردن مؤمن، به اینکه دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام مصداق یاری کردن ایشان است، پی می بردیم؟ چرا چنین است؟ چرا ما برای توجه به این مطلب نیاز به تذکر دیگری داریم ولی کسانی همچون صاحب مکیال این نیاز را نداشته اند؟

علّت آن روشن است. علّت این است که ما آن ارتباط قوی روحی و معنوی را که صاحب مکیال با امام زمان علیه السلام داشته است، نداریم و آنقدر که ایشان به یاد آن حضرت بوده، نیستیم. میزان توجه و تذکر انسان به یک امر بستگی کاملی به میزان و درجه معرفت و وابستگی روحی انسان با آن دارد. اگر محبت ما به کسی زیاد باشد، به هر مناسبت و بهانه ای از او یاد می کنیم و ناخودآگاه به یادش می افتیم. اگر علاقه چندانی به او نداشته باشیم، تنها وقتی به یادش می افتیم که کسی ما را به یاد او بیندازد. چون علاقه و محبت صاحب مکیال به امام عصر علیه السلام شدید و قوی بوده، همچون ما نیاز به تذکر نداشته بلکه خود متذکر دیگران بوده است. این علاقه معلول معرفت ایشان بوده که به طور طبیعی از آن تراوش می کرده است.

پس آنها که اهل زیاد دعا کردن برای امام زمان علیه السلام هستند، احتیاج ندارند که

مناسبت و بهانه ای آنها را به یاد ایشان و دعا در حَقشان بیندازد، بلکه خود بهانه می جویند تا از محبوبشان یاد کنند و در هر ظرف و موقعیتی برای آن حضرت دعا نمایند. هر کس هم که در شعاع وجودی آنها قرار بگیرد، از تشعشعات روحی آنها خودبه خود بهره مند می شود و اگر مدتی با آنها زندگی کند یا سخنی از آنان بشنود یا نوشته ای از ایشان بخواند، به طور موقت به دعا برای امام زمان علیه السلام روی می آورد.

نکته دیگر در اهل دعا شدن برای امام عصر علیه السلام و زیاد دعا کردن در حق ایشان، مربوط به کیفیت و حال دعاست. گاهی ما دعایی را می خوانیم ولی گاهی دعا می کنیم. دعا خواندن با دعا کردن تفاوت دارد. دعا خواندن ممکن است از دل نباشد و فقط به زبان جاری شود. به تعبیری که در بعضی روایات آمده، اقبال قلبی در آن نباشد و قلب انسان در حال «لهو» یا «سهو» باشد. (۱) این گونه دعا خواندن انسان را اهل دعا و اکثار در آن نمی کند و با سوز دل همراه نیست و طبق روایات، شرایط اجابت را ندارد.

برای روشن شدن مقصود به این مثال توجه فرمایید: اگر پدر یکی از ما کسالت پیدا کند و بیماری اش شدت بگیرد یا اینکه فرزندمان گرفتار و بیمار شود، برای رفع گرفتاری و بیماری پدر یا فرزند چگونه دعا می کنیم؟ آیا به دعا خواندن بدون سوز دل و توجه قلبی راضی می شویم؟ آیا تا شفای او را از خدا نگیریم، از دعا برای او دست می کشیم و آرام می گیریم؟ آیا لازم است کسی ما را به لزوم دعا برای پدر یا فرزندمان تذکر دهد؟ آیا مناسبت و شرایط خاصی لازم داریم تا برای ایشان دعا کنیم؟

پاسخ این پرسش ها وجداناً روشن است. در آن شرایط بهانه و مناسبتی لازم نیست تا ما را به یاد دعا برای پدر یا فرزندمان بیندازد، بلکه بهانه و مناسبت را فراهم می کنیم تا برای ایشان دعا کنیم. لزومی ندارد که در مجلسی شرکت کنیم تا در آنجا به یاد دعا برای پدر یا فرزند خود بیفتیم، بلکه دنبال مجلسی می گردیم که شرایط اجابت دعا برای آنان در آن فراهم تر باشد یا اصلاً مجلسی به تیت فراهم کردن مقدمات دعا برای آنان تشکیل می دهیم.۱.

ص: ۷۶

---

۱- رجوع کنید به بخش اول، فصل سوم، شرط اول از شرایط اجابت دعا.



حال اگر واقعاً امام زمانمان را به اندازه پدر یا فرزندمان دوست می داریم، آیا برای رفع گرفتاری های ایشان در زمان غیبت آن گونه دعا می کنیم یا به خواندن دعاهای بدون سوز دل و اقبال قلبی اکتفا می کنیم؟! آیا به انجام یکسری آداب و رسوم بدون اقبال قلبی درباره دعا برای امام عصر علیه السلام راضی می شویم؟ آیا بدون تذکر و یادآوری دیگران برای امامان دعا می کنیم؟ آیا منتظر پیش آمدن بهانه هستیم تا به یاد دعا برای ایشان بیفتیم یا اینکه بهانه می جوئیم تا برایش دعا کنیم؟ آیا تاکنون پیش آمده است که چند دقیقه - بلکه فقط چند دقیقه - همه چیز خود را فراموش کنیم و فقط به این موضوع فکر کنیم که چگونه از خداوند رفع گرفتاری های مولایمان را بگیریم و عزم خود را جزم کنیم که برای همان چند دقیقه با همه توان و دارایی خود، از خدا تعجیل فرج ایشان را بطلبیم؟

در وادی محبت، هرچه محبت پاک تر و خالص تر باشد، دعای در حق محبوب با سوز دل و اقبال قلبی بیشتر همراه است و به همین جهت تأثیرش هم بیشتر می باشد. اگر ما در انتهای زیارت آل یس خطاب به موالی خود عرضه می داریم:

مَوَدَّتِي خَالِصَةً لِّكُمْ. (۱)

آیا توجه داریم که این ادعا چه لوازمی دارد؟ منظور از اینکه مودت من خالص برای امام زمان علیه السلام باشد، این است که نه تنها ایشان را از هر کس و هر چیز دیگری در عالم بیشتر دوست بدارم، بلکه هر چیز و هر کس دیگر را هم به خاطر ایشان دوست داشته باشم. حال اگر کسی واقعاً چنین حالی داشته باشد، قطعاً دعاهایش، هم با سوز دل همراه خواهد بود و هم استمرار و اکثار خواهد داشت و نیاز به تذکر و یادآوری دیگران هم ندارد. ما می بینیم که نوعاً آن سوز دلی که در فراق یا گرفتاری پدر یا فرزندمان داریم، در بی خبری از امام زمان علیه السلام و اطلاع از گرفتاری های سخت ایشان در زمان غیبت، نداریم و به همین دلیل است که چنانچه باید و شاید اهل دعا برای تعجیل فرج ایشان و اکثار در آن هم نیستیم. اما خدا را شاکریم که پیدایش این درجه از ۷.

ص: ۷۷

معرفت و محبت به امام عصر علیه السلام را نعمت بسیار بزرگ الهی و بلکه بزرگ ترین نعمت او می شماریم و از اینکه این گونه نیستیم، ناراحتیم و خود را در ادای حقوق عظیم مولایمان قاصر و مقصّر می شماریم. پس بیایید با سوز دل، در خانه خداوند رازنیم و در پیشگاه مقدّسش زار بزیم و بنالیم و او را به حقّ مولای مظلوممان بخوانیم تا به آبروی او، چنان معرفت و محبتی عطایمان کند که ما هم همچون صاحب مکیال اهل سوز دل برای عزیزتر از جان و مال و فرزند و پدرمان گردیم و آنگاه که آن معرفت و محبت روزی ما شود، خودبه خود اهل دعا برای تعجیل فرج ایشان و اکثار در آن خواهیم شد و دیگر نیاز به تذکر دیگران برای دعا در حقّ مولایمان نخواهیم داشت.

خداوندا به خاطر محبتی که به مولای غایب از دیدگانمان داری، ما را اهل دعا برای تعجیل فرج ایشان قرار ده تا به این وسیله محبوب خود را زودتر از گرفتاری ها و سختی های زمان طولانی غیبت نجات بخشی، الهی آمین.

حال با این توضیحات تصدیق می کنیم که اگر کسی اهل اکثار در دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام گردد، همین ویژگی چه فرج بزرگی در روح و روان اوست و اگر هیچ خیر دیگری از این طریق نصیب دعاکننده نشود، همین حال او خود بزرگ ترین خیری است که خداوند نصیبتش می فرماید، به طوری که همه خیرات دیگر فرع بر آن است، زیرا همان طور که در احادیث ائمه علیهم السلام آمده، «معرفت امام عصر علیه السلام» منشأ و منبع همه کمالات معنوی است، به طوری که اگر کسی این اکسیر اعظم را داشته باشد، همه چیز دارد و اگر نداشته باشد، هیچ چیز ندارد. (۱)

حال سخن در این است که اهل اکثار در دعا برای حضرت بودن، بهترین نشانه و ثمره درخت معرفت ایشان است. این میوه ای است که بر آن درخت می روید و اگر آن شجره طیّبه به بار بنشیند، یکی از محصولات گرانبها و شیرینش، همین حال دعا و اکثار در آن برای تعجیل فرج می باشد. پس وجود این حال، علامت به ثمر رسیدن این شجره طیّبه است که:ت.

ص: ۷۸

---

۱- اثبات مستدلّ این مدّعا در کتاب «معرفت امام عصر علیه السلام» آمده است.

أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرَعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا. (۱)

### حصول تقوی: فرج دیگری برای دعاکننده

۵- جنبه دیگری که آن هم فرج بزرگی برای دعاکننده در حق امام عصر علیه السلام به شمار می آید، این است که اگر کسی با معنایی که گفتیم اهل دعا بر تعجیل فرج امام زمان علیه السلام گردد، خواهی نخواهی از گناهان و ناپاکی ها فاصله می گیرد و بدی هایش را به تدریج کنار خواهد گذاشت. نمی توان فرض کرد که کسی از سوز دل و به انگیزه محبت و علاقه به امامش برای تعجیل فرج ایشان به طور دائم و مستمر دعا کند، اما در عین حال اهل فسق و فجور هم باشد. کسی که به خاطر دوری از امامش می سوزد و به درگاه الهی می نالد، این را هم می داند که یکی از موانع جدی استجابت دعایش، گناهان اوست. بنابراین چون می داند که:

إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ. (۲)

و به خاطر محبتی که به امامش دارد، برای تعجیل فرجش دعا می کند؛ به خود می گوید: اگر بخواهد دعایم مستجاب شود، باید اهل تقوی بشوم. لذا می کوشد و به جهاد با نفس خویش می پردازد تا معاصی و مفساد را از خود دور کند و اهل مکارم اخلاق گردد تا از این طریق، تحقق خواسته اش نزدیک تر شود. در واقع چون رسیدن به مطلوب و محبوبش از هر امر دیگری برایش مهم تر است، ایجاد هر مقدمه و زمینه ای که بستر تحقق مرادش باشد؛ برایش سهل و گوارا می گردد. از این رو اکثر در دعا برای تعجیل فرج می تواند از یک فرد خطاکار و اهل گناه، یک مؤمن متقی و عقیف بسازد. پس اگر هم قبل از اینکه اهل دعا شود، کاستی هایی در این خصوص داشته باشد؛ به همین وسیله همه آنها رفع شده و به فضایل و کمالات اخلاقی و عملی لازم نائل خواهد شد و این خود فرج بسیار مهمی برای اهل دعا بر تعجیل فرج و اکثر در آن می باشد. ۷.

ص: ۷۹

---

۱- ابراهیم/۲۵.

۲- مائده/۲۷.

پس از آگاهی از انگیزه های دعا برای امام عصر علیه السلام و توجه به ضرورت و آثار این عمل شریف، اکنون به بیان آدابی درباره دعا در حق امام زمان علیه السلام می پردازیم که رعایت آنها شرایط بهتری برای اجابت آن فراهم می سازد. بیشتر این آداب در فصل های گذشته کتاب به مناسبت موضوع آن فصل به صورت کلی مطرح شده است. در این جا تأکید بیشتر بر رعایت آنها در خصوص دعا برای امام عصر علیه السلام می باشد و توضیحات خاصّ این موضوع مطرح می شود. ما اهمّ این آداب را ذیل ۱۰ عنوان ذکر می کنیم.

### ۱- یأس کامل از خلق

اولین شرطی که به عنوان یک ادب قلبی در دعا به پیشگاه الهی مطرح شد، ناامیدی از خلق خداست. (۱) مطابق حدیث قدسی، خدای متعال از حضرت عیسی علیه السلام خواسته بود که وقتی دعا می کند، حال غریقی را که هیچ فریادرسی ندارد، داشته باشد. (۲) به هیچکس جز خدای متعال امید نبندد، در این صورت است که هرچه از خدا بخواهد. ۱.

ص: ۸۰

---

۱- رجوع شود به بخش اول، فصل چهارم، ادب اول.

۲- بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۱۴، ح ۱۱.

رعایت این ادب در همه دعا‌های انسان هم ممکن است و هم مطلوب، چه دعا برای انجام کار بشری باشد و چه یک کار خدایی. (۲) در کارهای بشری مقدمات اختیاری ای که بشر فراهم می کند، انتظار طبیعی برای تحقق نتیجه را به وجود می آورد. اما در کارهای خدایی با وجود مقدمه چینی های بشری نتیجه ای که به دست می آید، بسیار برتر از انتظاری است که آن مقدمات ایجاد می کند. به عنوان مثال کسی که برای قبولی در کنکور دانشگاه زحمت زیادی می کشد و پایه علمی مناسبی هم دارد، طبیعتاً هم خودش و هم دیگران انتظار دارند که رتبه اش در کنکور، رتبه بالایی باشد. برعکس کسی که سطح علمی خوبی در طول تحصیل دبیرستان و پیش دانشگاهی نداشته و تلاش زیادی هم در جهت آماده کردن خود برای شرکت در کنکور نکرده است، به روال عادی و طبیعی انتظار کسب رتبه بالایی در کنکور ندارد. این دو فرد ممکن است برای قبولی و به دست آوردن رتبه خوب در کنکور دعا کنند، اما معمولاً حال متفاوتی در دعای خود دارند. اولی به دلیل شرایط خوبی که دارد، معمولاً حالت ناامیدی و یأس کامل از غیر خدا را ندارد؛ ولی دومی چون اتکای چندانی به خودش ندارد، علی القاعده امید بیشتری به دستگیری خداوند دارد. حالت انقطاع (بریدن) از خلق به سوی خداوند در وقتی که انسان دست خود را خالی می بیند، بیشتر و بهتر برایش حاصل می شود. از همین جهت است که دومی چون حسابی برای خود و تلاش هایش باز نمی کند، کسب رتبه خوب در کنکور را یک کار خدایی می بیند و با حال انقطاع بیشتری دعا می کند؛ در حالی که فرد اول چون خود را آنچنان نیازمند دعا احساس نمی کند، حال انقطاعش معمولاً کمتر است. البته سفارش ائمه علیهم السلام این است که انسان نباید فریب فراهم بودن شرایط - به حساب ظاهری - را بخورد و این باعث.

ص: ۸۱

---

۱- همان، ح ۱۹.

۲- تعریف کار بشری و کار خدایی در کتاب «راز پنهانی و رمز پیدایی» بخش سوم، فصل سوم آمده است.

شود که بر وجود اسباب و وسائط تکیه و اتکا ننماید. هرچه معرفت انسان به قدرت الهی بیشتر و عمیق تر باشد، حساب کمتری روی وجود شرایط و اسباب ظاهری باز می کند و در این صورت است که آن فرد اوّل هم می تواند - با داشتن معرفت صحیح - با حال انقطاع کامل به پیشگاه خداوند دعا کند.

با توجه به این مثال روشن می شود که هرچه کار خدایی تر باشد، حال یأس از خلق و انقطاع کامل به سوی خداوند بهتر و راحت تر حاصل می شود و شرایط اجابت دعا زودتر فراهم می گردد. با این ترتیب می توانیم بگوییم که چون طبق آیات و روایات، ظهور امام عصر علیه السلام و تحقق وعده های الهی در آن زمان یک کار خدایی و غیر بشری خواهد بود، دعا برای تعجیل فرج همراه با یأس کامل از خلق و انقطاع به سوی خداوند می باشد.

اگر انسان به الهی بودن امر ظهور حضرت توجه و باور عمیق پیدا کند، خود به خود برای آنچه به عنوان ادای تکلیف در زمان غیبت انجام می دهد - با وجود اهمّیت و لزوم آن - حسابی باز نمی کند و بر آن اتکایی نخواهد داشت. در این صورت وقتی تحقق فرج مولایش را از خداوند می طلبد، حال غریقی را دارد که هیچ فریادرسی برای خود نمی شناسد و امیدی به هیچ چیز و هیچکس جز خداوند متعال نمی بندد. این گونه دعا کردن برای تعجیل فرج حال خاصّی در فرد ایجاد می کند که همین حال شرایط بهتری برای اجابت دعا فراهم می آورد. اکنون سؤال این است که آیا دعاهای ما برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام این گونه است؟ چند درصد شیعیان، اهل دعا برای جلو افتادن ظهور امام علیه السلام هستند و از میان آنها چند درصدشان در دعاهای خود، چنین حالی دارند؟ آیا تاکنون اتفاق افتاده است که یک دعای ما - بله فقط یک دعا - برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام همچون دعای بیچاره و درمانده ای باشد که برای شفای بیمار سرطانی اش - وقتی از همه اسباب و راه های عادی شفا گرفتن قطع امید کرده است - خدا را می خواند؟

متأسفانه دوستداران امام زمان علیه السلام یا چنانچه باید، اهل دعا برای تعجیل فرج

نیستند و یا اگر هستند نوعاً با حال انقطاع کامل به سوی خداوند دعا نمی کنند. شاید یکی از عوامل مستجاب نشدن دعاهایشان، همین عدم انقطاع باشد. به هر حال خوب است در کیفیت دعاهایمان برای حضرت تجدیدنظر جدی کنیم و با عمق بخشیدن به باور خود، به استقبال حال یأس از خلق برویم و این ادب قلبی دعا کردن را بهتر در خود ایجاد نماییم تا امیدمان به اجابت دعاهایمان بیشتر گردد.

## ۲- اقبال قلبی در دعا

### اشاره

دومین عملی که رعایت آن در بهتر شدن دعا برای امام عصر علیه السلام بسیار مؤثر می باشد، اقبال قلبی در دعاست. این امر به عنوان اولین شرط اجابت دعا مورد بحث قرار گرفت. (۱) مقصود از اقبال قلبی این است که وقتی انسان چیزی را به زبان از خداوند طلب می کند، با روح و قلب خود نیز همان را بخواهد. اگر در همه حال قلبش متوجه مطلوبش نیست، لااقل در هنگام دعا کردن خواسته دلش را به زبان بیاورد. مبادا فقط به زبان چیزی را بگوید اما قلبش رو به سوی آن نداشته باشد.

در دعا برای امام عصر علیه السلام به خصوص در تعجیل فرج آن حضرت باید به رعایت این شرط توجه کافی نماییم. آیا وقتی خداوند را می خوانیم تا فرج مولایمان را به جلو اندازد، روح و قلب ما هم این خواندن را همراهی می کند یا فقط لقلقه زبانمان است؟ معمولاً اگر تحقق چیزی برایمان اهمیت داشته باشد و دلبستگی روحی به آن داشته باشیم، اقبال قلبی مان در هنگام خواستن آن بیشتر و عمیق تر است. همچنین اگر نفس دعا کردن برای ما یک عمل باارزش و اساسی تلقی شود و آن را ناچیز و کم ارزش ندانیم، در هنگام دعا اقبال قلبی بیشتری خواهیم داشت. کسی که قلباً حساب زیادی برای دعا باز نمی کند و آن را مهم و تعیین کننده اصلی نمی داند، به طور طبیعی در وقت دعا توجه و اقبال روحی کمتری خواهد داشت.۱.

ص: ۸۳

---

۱- بخش اول، فصل سوم، شرط اول دعا.

## اولین عامل مؤثر در اقبال قلبی: مهم بودن تعجیل فرج امام عصر علیه السلام برای دعاکننده

حال بنگریم آیا تعجیل فرج امام زمان علیه السلام برای ما یک امر مهم و اساسی به حساب می آید یا خیر. اگر بخواهیم به این سؤال پاسخ درستی بدهیم، باید آن را با امور دیگری که در زندگی برایمان اهمیت دارد، مقایسه کنیم. هر کس ببیند با توجه به شرایط خاص خود، چه چیزهایی برایش در درجه اول اهمیت قرار دارد. مثلاً برای عموم انسان ها شغلشان اهمیت خاصی دارد، چون محل درآمد و وسیله امر معاششان می باشد. بنابراین اموری که به اصل شغلشان یا حیثیت شغلی شان مربوط می شود، برای آنان مهم تلقی می شود. نشانه این اهمیت دادن آن است که اگر کاری باعث ضربه زدن به اصل شغل آنها شود یا ایشان را از لحاظ شغلی نزد همکاران خود بی اعتبار کند، به شدت نسبت به آن عکس العمل نشان می دهند. با این حساب طبیعی است که اگر مشکلی برای شغلشان پیدا شود، مثلاً به نحوی شغل آنها به مخاطره افتد یا حیثیت شغلی شان لگه دار شود، با اقبال قلبی کامل دست به دعا بلند کرده و با همه روح و جانشان از خدا رفع مشکلشان را می طلبند. تقریباً محال است که کسی گرفتاری جدی شغلی - آن شغلی که اصل درآمدش به آن وابسته است - پیدا کند و وقتی برای رفع آن دعا می کند، حواسش به دعایش نباشد و قلبش زبانش را همراهی نکند. چنین کسی در وقتی که دعا نمی کند هم قلبش مشغول گرفتاریش است چه برسد به زمان دعا کردن که به طریق اولی دلش متوجه چیز دیگری نیست.

اکنون بیایم مقایسه کنیم و ببینیم آیا ما دوستداران امام زمان علیه السلام گرفتاری غیبت ایشان را به اندازه گرفتاری شغل مان مهم می دانیم؟ آیا از عدم حضور علنی آن حضرت نصف اندازه ای که کسب و کارمان به مخاطره افتد، پریشان شده ایم؟ آیا به سامان نبودن اوضاع و احوال ما در غیبت مولایمان به اندازه به هم خوردن وضعیت شغلی مان، ما را ناراحت و گرفتار کرده است؟ پاسخ ما به این پرسش ها تعیین کننده طبیعی میزان اقبال قلبی ما در دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام است. اگر غیبت طولانی امام عصر علیه السلام نصف یا حتی ثلث اندازه ای که گرفتاری شغلی مان ناراحتمان می کند، پریشانمان کرده باشد، طبیعتاً در دعا برای رفع غیبت آن حضرت تا حدی توجه



و اقبال قلبی خواهیم داشت و اگر چنین نباشد، باید فکر دیگری به حال خود بکنیم.

فکر دیگر می تواند این باشد که از جنبه معرفتی ارتباط روحی خود را با امام زمان علیه السلام اصلاح کنیم تا آنچه برایمان مهم نیست، اهمیت یابد یا آنچه کمتر مهم است، اهمیت بیشتری پیدا کند. اگر غیبت امام عصر علیه السلام برای ما نصف اندازه گرفتاری شغلی مان اهمیت ندارد، نشانگر عدم معرفت صحیح ما به آن حضرت و جایگاه رفیع امامت در اعتقاد شیعی ماست. باید به اصلاح و تصحیح اعتقاد خود به امامت و امام علیه السلام پردازیم. اگر در برداشتن این قدم موفق شویم، به طور طبیعی هم اهل دعا برای امام زمان علیه السلام و تعجیل فرج ایشان خواهیم شد و هم اقبال قلبی ما در دعا محقق می گردد. کسی که از داشتن چنین معرفت و حال روحی محروم است، در هنگام دعا اقبال قلبی کامل نخواهد داشت و تنها کاری که از دستش برمی آید این است که با تلقین فکری و روحی در وقت دعا کردن تا حدی حال اقبال قلبی را در خود ایجاد نماید، یعنی با تمرکز دادن حواس خود و ایجاد شرایط مطلوب تر از جهت حال و هوای معنوی سعی کند لااقل در هنگام دعا کردن، دل و جان خود را با زبان خود همراه و هماهنگ کند. دعا با چنین حال و هوایی علاوه بر اینکه به اجابت نزدیک تر است، در روح و روان دعاکننده نیز اثر می گذارد و اتصال قلبی او را با مطلوب خود عمیق تر و محکم تر می سازد. تکرار این کار، این اتصال را قوی تر می سازد و اگر این گونه دعا کردن به طور منظم در برنامه زندگی فرد قرار بگیرد، کم کم انس قلبی او با امام زمان علیه السلام بیشتر می شود و حال دعا برای تعجیل فرج آن حضرت در او دوام بیشتری پیدا می کند و آنچه برایش اهمیت چندانی نداشت، به تدریج مهم تر و اساسی تر خواهد شد.

### **دومین عامل مؤثر در اقبال قلبی: اعتقاد عمیق به تأثیر دعا در تعجیل فرج امام زمان علیه السلام**

دومین عاملی که در تقویت اقبال قلبی دعاکننده برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام مؤثر است، اعتقاد و باور عمیق او به تأثیر خاص دعاست. هر عاملی که انسان را در رسیدن به مقصود و مطلوبش کمک کند، دل و جان او را به سوی خود متوجه می سازد. هر قدر تأثیر این عامل را در رساندن او به هدفش بیشتر بدانند، در ایجاد آن اهتمام و

اقبال قلبی بیشتری هم خواهد داشت. به عنوان مثال کسی که بیماری دارد و به دنبال معالجه و درمان اوست، عوامل مختلفی که مؤثر در درمان هست را می‌جوید و در میان آنها هریک را که مؤثرتر بداند، با اهتمام و توجه بیشتری سراغ می‌گیرد. هر قدر اعتقادش به پزشک معالج و تشخیص و درمان‌گری او عمیق‌تر باشد، فکر و حواسش بیشتر متوجه او می‌شود و با اقبال قلبی کامل‌تری به نسخه پزشک دل می‌دهد و به آن عمل می‌کند. حال اگر همین اعتقادی که به تأثیر درمان پزشک دارد، به دعا برای شفای بیمارش داشته باشد؛ همان قدر اقبال قلبی را در دعاهایش برای بهبودی آن بیمار خواهد داشت. اگر اعتقاد به تأثیر دعا در شفای بیمار ضعیف شود، اقبال قلبی او در هنگام دعا کمتر و اگر این باور قوی گردد، آن اقبال قلبی هم بیشتر خواهد شد. یعنی میزان اقبال قلبی دعاکننده در دعایش بستگی به میزان باور او به تأثیر دعا در رسیدن به مقصودش دارد.

همین امر درباره دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام نیز ساری و جاری است. کسی که باور چندانی به تأثیر دعا در جلو انداختن ظهور آن حضرت ندارد، به طور طبیعی اقبال قلبی چندانی در دعاهایش برای تعجیل فرج ندارد. هرچه این باور عمیق‌تر شود، اقبال قلبی دعاکننده هم بیشتر می‌شود. بنابراین اگر کسی - مطابق فرمایش امام صادق علیه السلام درباره تأثیر ضجه و گریه در تعجیل فرج - برای دعا نقش تعیین‌کننده و اصلی در جلو افتادن زمان ظهور امام عصر علیه السلام قائل باشد، خواه ناخواه در هنگام دعا برای تعجیل فرج روح و روانش متوجه آن است و هرگز با قلب بی‌توجه و غافل (به تعبیر روایات ساه (۱) یا لاه (۲)) زبان به دعا کردن نمی‌گشاید.

نتیجه کلی بحث اینکه برای ایجاد و تقویت طبیعی اقبال قلبی در دعا برای تعجیل فرج باید دو عامل را تقویت کرد: اول اینکه وابستگی و دل‌بستگی روحی و معرفتی خود را به امام عصر علیه السلام و جلو افتادن فرج ایشان بیشتر کنیم و دوم اینکه اعتقاد و باور ۲.

ص: ۸۶

---

۱- اصول کافی، کتاب الدعاء، باب الاقبال علی الدعاء، ح ۱.

۲- همان، ح ۲.

خویش را به تأثیر جدی و عمیق دعا در تعجیل فرج آن حضرت تحکیم نماییم. البته عوامل دیگری هم می تواند در تقویت این اقبال قلبی مؤثر باشد ولی به نظر می رسد که این دو عامل نقش اساسی تری در بین بقیه عوامل دارند.

### ۳- رقت قلب

#### اشاره

عامل مهم دیگری که در اجابت دعا بسیار مؤثر است، رقت قلب دعاکننده در هنگام دعاست. در بخش اول کتاب با میزان تأثیر این امر در اجابت دعا تا حدی آشنا شدیم (۱) و دانستیم که طبق فرمایش پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم برای اینکه زودتر خواسته ما مستجاب شود، باید در هنگام رقت قلب به پیشگاه الهی دعا کنیم و به تعبیر ایشان دعا را در آن وقت مغتنم بشماریم (۲). خود ائمه علیهم السلام به این حقیقت تذکر داده اند که قلب انسان همیشه در یک حال نیست، گاهی حال رقت دارد و گاهی قساوت، گاهی نرم است و گاهی سخت. البته افراد از این جهت یکسان نیستند؛ برخی رقت قلبشان بیشتر است و برخی قلب سخت تری دارند. دسته اول هم به لحاظ زمانی، رقت قلبشان طولانی تر است و هم از جهت عمق و شدت این رقت، بالاتر از دسته دوم قرار می گیرند. امّا حتی کسانی که عموماً و در بیشتر اوقات رقت قلب ندارند، بالاخره حالاتی برایشان پیش می آید که به اصطلاح دلشان می شکند و از آن سختی و صعوبت قلبی خارج می شود. پس اینها هم رقت قلب را تجربه می کنند و بنابراین هرکس در زمان هایی دارای رقت قلب می باشد که اگر قدر آن را بداند می تواند در همان حال برای تعجیل فرج مولای غریبش دعا کند.

#### موانع پیدایش رقت قلب در انسان

ما می توانیم انسان ها را از جهت رقت قلب برای امام زمان علیه السلام و دعا برای تعجیل فرج ایشان به درجات مختلفی رده بندی می کنیم. برخی چنان اتصال روحی و قلبی قوی ۷.

ص: ۸۷

۱- بخش اول، فصل سوم، شرط دوم دعا.

۲- بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۱۳، ح ۱۷.

با امامشان دارند که صرف یاد کردن از گرفتاری غیبت آن حضرت، دلشان را به درد می آورد و آن را نرم و رقیق می سازد. اینها مشکل چندانی برای اینکه با حال رقت قلب برای تعجیل فرج مولایشان دعا کنند، ندارند. اما تعداد این گونه افراد نسبت به سایرین کم و ناچیز است. بیشتر مردم به صرف توجه کردن به ناراحتی مولایشان در زمان غیبت، حال رقت قلب پیدا نمی کنند. اما همین گروه در زندگی عادی خود تعلقات خاطری دارند که به خاطر آنها قلبشان رقت خاصی پیدا می کند. به عنوان مثال نوع مردم در مصیبت های شخصی خود دلشکسته و منقلب می شوند. وقتی کسی عزیز خود را - پدر، مادر، فرزند یا ... - از دست می دهد، یاد و خاطره او حالت رقت قلب را برایش ایجاد می نماید. همچنین گاهی دردها و رنج هایی که در زندگی برای انسان پیش می آید، دلش را به درد می آورد و حتی ممکن است اشکش را درآورد. مسائل مادی و معیشتی هم می تواند در برخی افراد چنین اثری بگذارد. اینها چیزهایی است که برای انسان های عادی - هرچند که به لحاظ ایمان و معرفت چندان مرتبه بالایی نداشته باشند - پیش می آید.

علاوه بر اینها، اهل ایمان به خاطر تعلق خاطری که به اهل بیت علیهم السلام به خصوص حضرت سیدالشهداء علیه السلام دارند، در مناسبت های خاصی که در طول سال وجود دارد - به ویژه ایام محرم و دهه عاشورا یا شب های احیا در ماه مبارک رمضان - در مصائب خاندان عصمت و طهارت رقت قلب خاصی پیدا می کنند.

از بزرگ ترین نعمت های خداوند بر ما شیعیان این است که هرچند در طول سال از یاد اهل بیت علیهم السلام غافل باشیم، اما در ایام مصیبت یا اعیادی مانند عید غدیر و نیمه شعبان معمولاً در مجالس عزاداری یا جشن شرکت می کنیم و به این وسیله ارتباط روحی خاصی - هرچند گذرا و سطحی - با موالی خود پیدا می کنیم. نوعاً در مراسم عزاداری به خصوص در مصیبت امام حسین علیه السلام و سایر شهدای کربلا بر احوال خاندان وحی رقت قلب پیدا می کنیم و بسیاری مواقع با گریه کردن دل های گناهکار خود را جلا - و صفا می دهیم. به لطف خدای منان و عنایت امام عصر علیه السلام کسانی هم که اهل برخی گناهان هستند، ارتباط روحی خود را با اهل بیت علیهم السلام به طور کامل قطع نمی کنند

و حداقل در روزهای تاسوعا و عاشورا و شب های احیا و امثال آن در مجالس عزای جشن شرکت می کنند. این خود باعث می شود که پیوند با ائمه علیهم السلام - که با انجام گناهان سست شده است - برای فرد فاسق بار دیگر برقرار شود.

### استفاده از حال رقت قلب در دعا برای تعجیل فرج

با این ترتیب ملاحظه می کنیم که حال رقت قلب در عموم مردم در مسائل روزمره زندگی شان وجود دارد و در اهل ایمان هم این حال نسبت به خود ائمه علیهم السلام به صورت پراکنده و در مناسبت های خاص به چشم می خورد. حال می توانیم بفهمیم که از وجود این حال چگونه در امر دعا برای تعجیل فرج، حُسن استفاده را ببریم. اگر کسی دعا در حقّ امام زمان علیه السلام و به خصوص برای تعجیل فرج ایشان را یک کار مهم و اساسی بداند، می تواند از رقت قلبی که در امور دیگر خود دارد، در دعاهایش بهره مند شود.

مثلاً کسی که پدرش فوت شده یا مصیبتی قلبش را به درد آورده، اگر غافل نباشد می تواند در همان حالی که به خاطر مسائل شخصی اش رقت قلب پیدا کرده، از آن حال و هوا در دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام استفاده کافی را ببرد. در واقع دل شکستگی اش را خرج امامش کند و ایشان را در دعا بر خود مقدم بدارد. همچنین کسانی که در عزای اهل بیت علیهم السلام به ویژه مصائب سرور شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام و یاران و خانواده آن بزرگوار رقت قلبی پیدا می کنند؛ اگر قدر حال خود را بدانند، از آن برای دعا بر تعجیل فرج امام غریب و مظلومشان بهره می برند. یعنی در همان وقتی که دل‌هایشان در غم اهل بیت علیهم السلام شکسته و احیاناً اشک‌هایشان هم جاری شده، برای فرج مولایشان دعا می کنند و این بیشترین فایده ای است که از رقت قلبشان نصیب ایشان می گردد.

چه خوب است که شیعیان از این نکته غافل نباشند و از حال و هوای معنوی خود در مسیر جلو انداختن ظهور امام عصر علیه السلام استفاده کنند. برای تأمین این هدف باید در مجالس عزای اهل بیت علیهم السلام به این حقیقت توجه داده شود که حیف است گریه ها و دل

شکستگی های افراد مقدمه دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام قرار نگیرد. بنابراین اگر عموم افراد از این امر غافل هستند، باید کسانی که توجه دارند تذکر لازم را در این خصوص بدهند تا عزاداران در همان لحظاتی که رقت قلب دارند، برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام دعا کنند. اگر مجالسی که برای عزاداری در مصیبت اهل بیت علیهم السلام به خصوص سیدالشهداء علیه السلام برگزار می شود، به دعا بر تعجیل فرج امام عصر علیه السلام منتهی گردد، قطعاً بیشترین بهره معنوی از آن مجالس نصیب عزاداران و سایرین خواهد شد.

یکی از مهم ترین برکات این عمل شریف، جلب دعاهای امام زمان علیه السلام در حق دعاکنندگان می باشد. در کتاب شریف «مکیال المکارم» یکی از آثار دعا در حق امام زمان علیه السلام دعای آن حضرت در حق دعاکننده شمرده شده و ادله ای برای اثبات این مطلب مطرح گردیده است. سپس مؤلف بزرگوار رؤیای صادقانه یکی از برادران صالح خود را به عنوان مؤید نقل فرموده که از وجود مقدس امام عصر علیه السلام در خواب شنیده است که فرمودند:

إِنِّي أَدْعُو لِكُلِّ مُؤْمِنٍ يَدْعُو لِي بَعْدَ ذِكْرِ مَصَائِبِ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ فِي مَجَالِسِ الْعَزَاءِ. (۱)

البته من دعا می کنم برای هر مؤمنی که پس از ذکر مصائب سیدالشهداء علیه السلام در مجالس عزاداری برای من دعا نماید.

از این رو دعای مؤمنان در مجالس روضه سیدالشهداء علیه السلام می تواند منشأ خیر و برکت فراوانی برای خود دعاکنندگان باشد.

نکته دیگری که به خاطر اهمیت رقت قلب در هنگام دعا می توان گفت این است که: گاهی انسان از متن دعایی که می خواند دلش می شکند و با سوز دل دعا می کند که اگر چنین حالی پیدا شود، بسیار خوب است. اما در بسیاری مواقع برای بسیاری از افراد چنین حالی حاصل نمی گردد. در این صورت یکی از بهترین اسباب برای ایجاد رقت ۴.

ص: ۹۰

قلب یاد کردن از مصائب اهل بیت علیهم السلام است که هم خودش یک عبادت بزرگ می باشد و هم زمینه ساز اجابت دعای انسان می گردد. ما این مطلب را در بخش اول کتاب به مناسبت بحث درباره «بکاء» و «تباکی» که از آداب دعا به شمار می آیند، با ذکر ادله اش مطرح ساختیم. (۱) نتیجه اینکه از راه های مُجاز می توانیم رقت قلب لازم برای اجابت بهتر دعا را در خود و دیگر دعاکنندگان ایجاد نماییم و نباید خود را از این امکان بی نصیب کنیم.

#### ۴- تحصیل تقوی و تهذیب نفس

##### اشاره

مطابق تعالیم نورانی اهل بیت علیهم السلام یکی از شرایط لازم برای اجابت دعا، تقوای دعا کننده و پاک بودن نفس او از آلودگی گناهان است. مطابق حدیثی که در بخش اول کتاب از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کردیم، علت اجابت نشدن بسیاری از دعاها، خیانت قلبی دعاکننده از هشت جهت می باشد. (۲) یکی از این جهات نداشتن خوف واقعی از آتش غضب الهی است. خوف واقعی به فرموده امام سجاد علیه السلام به صرف گریستن از ترس عقوبت خدا، حاصل نمی شود؛ بلکه تنها شرطش داشتن ورع لازم برای بازداشتن انسان از گناهان است. (۳) نبودن این چنین خوفی در انسان خیانت قلب شمرده شده و مانع اجابت دعای انسان می گردد. همچنین است بدزبان بودن (بذاء) که مصداق دیگری از ناپاکی قلب انسان می باشد. این هم یکی از موانع اجابت دعا شمرده شده است. (۴)

علاوه بر اینها اگر انسان عیوب دیگران را ببیند ولی از عیب های خودش غافل باشد دیگران را به خاطر چیزهایی ملامت کند که خودش به ملامت به خاطر آنها سزاوارتر است، این خصوصیات هم می تواند مانع اجابت دعا گردد. (۵) ن.

ص: ۹۱

---

۱- بخش اول، فصل چهارم، ادب پانزدهم از آداب دعا.

۲- بخش اول، فصل سوم، شرط دوم دعاکننده.

۳- بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۳۵، ح ۲۵، به نقل از عدّه الدّاعی.

۴- بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۷۷، ح ۱۸، به نقل از فلاح السّائل.

۵- همان، ص ۳۷۶، ح ۱۷، به نقل از دعائم الدّین.

این تأکیدات نشان می دهد که ما باید در کنار اهمیّت دادن به دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام رعایت تقوی و ورع را نیز مهم تلقی کنیم و اگر می خواهیم دعاهایمان در حقّ مولایمان مستجاب گردد به صرف اینکه با رقت قلب و حال و هوای معنوی برای ایشان دعا کنیم، راضی نشویم. متأسفانه گاهی مشاهده می کنیم کسانی را که با وجود اصرار و تأکیدی که بر دعای برای حضرت - هم خودشان و هم برای دیگران - دارند، نشانه ای از تقوی و ورع در آنان نیست. برخی از روی نادانی چنین می پندارند که ارتباطی بین اجابت دعایشان با سلامت و پاکی قلبشان وجود ندارد و اصلاً ممکن نمی دانند که به خاطر ارتکاب برخی گناهان، دعاهایشان در حقّ مولایشان بی فایده باشد. گاهی نه تنها دعاکننده اهل ورع و پرهیز از گناهان نیست بلکه حتّی در هنگام دعا برای امام زمان علیه السلام و در ضمن آن هم مرتکب معصیت می شود! واقعاً شگفت آور است، آیا دعا برای تعجیل فرج همراه با موسیقی غنایی یا اختلاط نامحرمان با یکدیگر، مقبول و مستجاب است؟! چنین کسانی بدون آنکه بفهمند و بخواهند با این کارها در واقع خود را و دعا برای امام عصر علیه السلام را به مسخره و استهزاء گرفته اند، العیاذ بالله!

دعا به پیشگاه خداوند یک عبادت بسیار ارزشمند و گرانقدر است و باید مراقب بود که این عمل شریف با معصیتی آلوده نشود و خدای ناکرده به ابتذال کشیده نشود. اگر چنین مراقبتی صورت نگیرد، روح دعا از بین می رود و آنچه می ماند چیزی جز یک تابلوی ساختگی و مصنوعی از آن نیست.

### **پرهیز از گناه به خاطر مستجاب شدن دعا در حقّ امام زمان علیه السلام**

دعاکننده برای امام زمان علیه السلام باید بداند که پرهیز نکردن از گناهان - حتّی یک گناهی که آن را کوچک می شمارد - می تواند او را از قبض دعاهایش محروم نماید. بنابراین اگر واقعاً امام خود را دوست دارد بکوشد به خاطر ایشان هم که شده، از گناهانش توبه کند و همان طور که خود ائمه علیهم السلام سفارش فرموده اند، پیش از عرض



حاجت خود به تک تک گناهانش اعتراف نماید و تصمیم قطعی بگیرد که دیگر به سوی آنها باز نگردد. (۱)

ما اگر کسی را دوست داشته باشیم که گرفتار بلاها و مصیبت‌هایی باشد، همچنین بدانیم که دعایمان در رفع گرفتاری‌های او مؤثر و مفید است، خودش هم از ما خواسته باشد که برایش دعا کنیم، با این همه دعا می‌کنیم ولی اثر نمی‌بینیم. سپس متوجه می‌شویم که مانع استجاب دعا چیزی است که خودمان ایجادش کرده ایم و با تصمیم و اختیار خودمان قابل رفع است. اگر واقعاً آن شخص را دوست داشته باشیم و بخواهیم رفع ناراحتی و گرفتاری از او بشود، آن مانع را رفع نمی‌کنیم؟ آیا اگر نسبت به این امر بی‌خیال باشیم و در صدد رفع مانع بر نیاییم، باز هم می‌توانیم ادعای دوست داشتن او را بکنیم؟ در این صورت اگر در این ادعا دروغ نگوئیم، حداقل این است که درجه محبت ما به او بسیار ضعیف و ناچیز است. محال است کسی را زیاد دوست داشته باشیم و او را گرفتار ببینیم و بتوانیم با اقدام خود در جهت رفع گرفتاری‌اش کاری بکنیم، اما ساکت بنشینیم.

اگر فرد راستگویی به ما بگوید که می‌خواهم پولی یا شغلی به شما بدهم به شرط آنکه فلان عیب را در خود اصلاح کنی یا فلان کار زشت را دیگر انجام ندهی، آیا برای رسیدن به آن پول یا شغل پردرآمد، خواسته او را برآورده نمی‌کنیم؟ آیا قریبه‌الی‌المال به تهذیب نفس خود نمی‌پردازیم؟! واقعاً عجیب است چگونه حاضریم برای بهتر شدن دنیای خود، اهل ورع و تقوی شویم؛ امّا وقتی نوبت به خدا و امام زمان علیه السلام می‌رسد، همت چندانی نمی‌کنیم و اهمیت زیادی به رفع موانع برای رسیدن به خواسته‌های معنوی خود نمی‌خواهیم!

اکنون از خود بپرسیم: تاکنون به خاطر اینکه دعایمان در حق امام زمانم مستجاب شود، از چند گناه دوری کرده‌ام؟ آیا تاکنون اتفاق افتاده است که از ترس اجابت نشدن دعایمان برای تعجیل فرج، از نگاه به نامحرم چشم بپوشیم؟ یا از شنیدن موسیقی حرام.

ص: ۹۳

بگذرم؟ یا از خوردن مال حرام اجتناب کنم؟ و یا ...

شیطان قطعاً از دعا برای تعجیل فرج ناخرسند است و همه تلاش خود را به کار می بندد که کسی سراغ این عبادت ارزشمند نرود و تا جایی که می تواند، کاری می کند که اهل دعا برای تعجیل فرج کمتر شوند. اما اگر کسی از این دام شیطان بگریزد و دعا برای حضرت جزء برنامه زندگی اش قرار بگیرد، آنگاه از در دیگری وارد می شود تا دعاهایش را بی ثمر کند و آن این است که گناهانش را نزد او کوچک و ناچیز جلوه می دهد. وقتی انسان گناهش را بزرگ نشمارد و از ارتکاب آن به حال خوف نیفتد، طبیعتاً از آنها احساس پشیمانی و سرافکنندگی شدید هم نمی کند و تصمیم به ترک آنها هم نمی گیرد. آن وقت چه بسا فکر کند که به سبب دعا برای امام عصر علیه السلام نزد خدا و ایشان محترم و عزیز است و حتی در دل به خاطر دعاهایش متنی هم سر آنها بگذارد، اما نمی داند که همین بی تفاوت بودن نسبت به گناهان ممکن است مانع استجاب دعايش گردد و مقبول درگاه الهی قرار نگیرد.

پس بیایم به خاطر آنکه دعاهایمان در حقّ مولایمان به اجابت نزدیک شود، به همان اندازه که به دعا کردن اهمیت می دهیم و به آن عمل می کنیم، به تهذیب نفس خویش از آلودگی گناهان نیز اهمیت دهیم و در کنار اصرار و الحاح در دعا برای تعجیل فرج، بر توبه از گناهان خود نیز اصرار بورزیم و به انجام هیچ معصیتی راضی نشویم. عیب های خود را بزرگ و درشت بینیم و دیگران را به خاطر اموری که خودمان به آنها مبتلا هستیم، سرزنش نکنیم و اعتراف به تک تک گناهان و اقرار به آنها را مقدمه دعا برای تعجیل فرج مولایمان قرار دهیم تا امیدمان به تأثیر دعاهایمان بیشتر گردد.

ذکر خاطره ای که مرحوم صاحب مکیال المکارم در کتاب شریف خود آورده، در همین خصوص شنیدنی است. ایشان از برادر ایمانی خود جناب آقا میرزا محمد باقر فقیه ایمانی رحمه الله نقل کرده اند که ایشان در خواب (یا بین خواب و بیداری) به محضر امام حسن مجتبی علیه السلام مشرف شده است، سپس فرمایش آن حضرت را چنین نقل به معنا می کند:

بالای منابر به مردم بگویند و ایشان را امر کنید تا (ابتدا) توبه کنند و (سپس) برای فرج حضرت حجّت علیه السلام و تعجیل در ظهور ایشان دعا کنند. این دعا مانند نماز میت واجب کفایی نیست که با انجام دادن بعضی مردم از دیگران ساقط شود، بلکه همچون نمازهای یومیّه است که انجام آن بر فرد فرد مکلفین واجب است. (۱)

ملاحظه می شود که در فرمایش منقول از حضرت مجتبی علیه السلام ابتدا امر به توبه و سپس دستور به دعا برای تعجیل فرج ذکر شده است. بنابراین یکی از شرایط مؤثر در اجابت این دعای شریف، توبه از گناهان است. نکته دیگر در فرمایش امام علیه السلام واجب عینی دانستن دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام است که نشانگر اهمیّت خاصّ این عبادت بزرگ می باشد.

## ۵- برعهده نداشتن حقّ النَّاس

طبق آموزه های ائمه اطهار علیهم السلام یکی از شرایط لازم برای اجابت دعا، این است که حقّی از مردم برعهده دعاکننده نباشد. بودن حقّ النَّاس بر گردن انسان به دو گونه متصوّر است: یا امرار معاش انسان از راه حلال نباشد که در این صورت لقمه ای که می خورد حلال نیست و یا اینکه دین و بدهی نسبت به دیگری داشته باشد که در احادیث از آن به «مظلّمه» تعبیر شده است. (۲) در هر دو صورت حقّی از دیگران بر عهده فرد می باشد و همین مانع استجاب دعا می گردد.

کسی که برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام دعا می کند و این کار را نه صرفاً از سر عادت و بی انگیزه بلکه با عنایت خاص و به نیت عرض ارادت به ساحت مقدّس مولایش انجام می دهد، قطعاً نسبت به مسأله حقّ النَّاس بی تفاوت نمی باشد. او به امید اجابت برای امامش دعا می کند و وقتی بداند که بر عهده نداشتن حقّ النَّاس مانع به نتیجه رسیدن دعاست، سعی میکند به هر شکلی که شده آن مانع را برطرف نماید. به این ترتیب می توان گفت اهل دعا برای امام زمان علیه السلام بودن با سهل انگاری در حساب ول.

ص: ۹۵

- 
- ۱- مکیال المکارم، ج ۱، ص ۴۳۸.
  - ۲- بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۲۱، ح ۳۱، به نقل از فلاح السائل.

کتاب مالی قابل جمع نیست. آگاهی از احکام شرعی خمس و اجرای دقیق آن لازمه دقت داشتن در کسب روزی حلال است. همچنین احتراز از راه های درآمدی که پاک و بی غلّ و غش نیستند، برای دوستدار امام عصر علیه السلام که به دعا برای ایشان اهمّیت می دهد، جزء ضروریات می باشد.

متأسفانه درصد زیادی از شیعیان را می بینیم که دقت چندانی در چگونگی به دست آوردن مال ندارند. اگر بخواهیم مطلب روشن شود، باید مقایسه ای به عمل آوریم بین دقتی که نوع مردم نسبت به رعایت بهداشت در خورد و خوراکشان دارند و آنچه در مورد حلال و حرام آن انجام می دهند. ملاحظه می کنیم که افراد عاقل و فهمیده در مورد غذایی که خود و خانواده شان استفاده می کنند، کمال دقت را نسبت به رعایت امور بهداشتی آن دارند. به تاریخ مصرف آن توجه می کنند و از خرید موادی که به سلامت و بهداشتی بودن آن اطمینان ندارند، خودداری می نمایند. اگر احتمال دهند که برخی محصولات غذایی آلوده به میکروبی مثل وبا هستند، از خیر تهیه آن می گذرند و اصلاً سراغش نمی روند. این دقت ها برای مصون ماندن غذای انسان از آلودگی ها، بسیار بجا و لازم است.

امّا چند درصد از همین مردمی که با چنین دقتی مسائل بهداشتی را زیر ذره بین می گیرند، نصف این دقت را در رعایت حلال و حرام غذاهایشان به خرج می دهند؟ آیا مراقب هستند که با پول حرام غذایی برای خود و خانواده نخرند؟ آیا از موادی که احتمال راه پیدا کردن حرام در اموالشان هست، پرهیز می کنند؟ آیا اجتناب از مشتبهات را برای اطمینان از سالم ماندن از آلودگی مال حرام قبول دارند و به آن پایبند هستند؟

متأسفانه پاسخ این پرسش ها نوعاً منفی است و ما آن دقت نظری که در رعایت مسائل بهداشتی نسبت به غذا و غیره می بینیم، در مورد کسب روزی حلال مشاهده نمی کنیم. بسیاری از معاملاتی که بین مردم صورت می گیرد، به خاطر ناآگاهی از مسائل شرعی، آلوده به ریا دادن و ربا گرفتن است، امّا چون به این امر اهمّیت چندانی داده نمی شود، کمتر کسی درصدد یاد گرفتن احکام دقیق ربا در معاملات برمی آید. این

در حالی است که اگر احتمال ابتلا به وبا در موردی داده شود، همه کسانی که در معرض این ابتلا هستند به سراغ آموزش دیدن در مورد وبا و عوارض آن می روند. همچنین دغدغه ای که نسبت به رعایت حقّ النَّاس در بسیاری از دوستان ائمه علیهم السلام وجود دارد، بسیار کمتر از آن حدّی است که باید باشد. کسی که تعجیل در فرج مولایش را از خدا طلب می کند، می داند که ظهور آن حضرت برای پیاده شدن احکام دقیق اسلام و دین خداست و لزوم رعایت حقّ مردم در دین اسلام جایگاه ویژه و مهمّی دارد. پس طالب ظهور امام علیه السلام نمی تواند زیر بار مظالم بندگان خدا بماند و از هر طریق ممکن می کوشد تا آنها را از دوش خود بردارد. این است که نه تنها از پرداخت حقّ و حقوقی که به گردنش می باشد، فرار نمی کند بلکه به سوی آن می رود تا خود را از گرفتاری خلاص نماید. بنابراین اگر به عنوان مثال اشتباهاً پولی به حسابش ریخته شده یا ساعت اضافه کاری برایش در نظر گرفته اند، با اینکه اگر اعلام نکند کسی متوجّه نمی شود، اما نمی تواند خود را به خوردن این جور اموال راضی کند. لذاست که بر خلاف انتظار دیگران از گرفتن آن خودداری کرده و اشتباه انجام شده را اصلاح می کند. با کمال تأسّف مشاهده می شود که اگر کسی چنین رفتاری داشته باشد، بسیاری از همکارانش با اظهار تعجّب از رفتار او ملامتش می کنند و عمل شایسته او را بر نمی تابند. آیا این برخورد صحیح است؟ آیا کسی که عمل به وظیفه شرعی اش می کند، کار صحیحی انجام نداده و دیگران نباید به او تأسیّی کنند؟ چرا در بسیاری از محیط های کاری حتّی فرهنگی، به دست آوردن نفع مادّی بر حفظ ارزش های معنوی عملاً ترجیح دارد؟ و چرا نیت و انگیزه الهی و عمل به وظیفه شرعی تعیین کننده اصلی در کارهای شغلی اهل ایمان نیست؟! اگر همه مؤمنان چنین نیستند، کسانی که دعا در حقّ امام عصر علیه السلام را وظیفه و عبادت خود می شمارند، قطعاً باید این گونه باشند. نتیجه مجموع بحث این است که نمی توان اهل دعا برای امام زمان علیه السلام بود و در عین حال نسبت به نحوه امرار معاش و رعایت حقّ النَّاس بی تفاوت و اهل مسامحه بود. اگر امامان و تعجیل در فرج ایشان محبوبمان هست، بیاییم با دقّت هرچه بیشتر به رعایت حقوق دیگران در زندگی اهمّیت دهیم.

یکی از آدابی که در دعا کردن وارد شده، شکر نعمت های الهی است. ما اهمیت این مطلب را با استناد به احادیث ائمه علیهم السلام در بخش اول بیان کردیم. (۱) همچنین دانستیم که یکی از موانع اجابت دعا ناشکری کردن نسبت به نعمت های الهی است. (۲)

حال بنگریم آیا در این امر کوتاهی نمی کنیم. می دانیم که بزرگ ترین و مهم ترین نعمت الهی وجود مقدس امام عصر علیه السلام است. آیا چنانچه شایسته این نعمت عظمی است، معرفت به ایشان داریم؟ ما شیعیان چه اندازه از صفات و کمالات خدادادی ایشان آگاهیم و به آن معتقدیم؟ آیا در مراکز علمی و فرهنگی دینی، حق معرفت ایشان در تعلیم و تعلم ادا می شود؟

در بحث نحوه شکرگزاری در برابر نعمت های الهی، سه رتبه از شکر مطرح می شود: قلبی، زبانی و عملی. همه این مراتب نسبت به وجود نازنین حضرت بقیه الله ارواحنا فداه باید تحقق یابد. اما حقیقتاً چند درصد از شیعیان آن حضرت چگونگی همین مراتب شکرگزاری می دانند؟ متأسفانه بسیاری از ما در این زمینه محتاج تذکر و تنبه هستیم. وقتی هم متذکر می شویم، در عمل چنان اهتمام و جدیتی که شایسته حق امام علیه السلام باشد، از خود نشان نمی دهیم. این در حالی است که نسبت به شکر نعمت سلامت و امتیاز شخصی خود بیش از این مقدار همت می کنیم. شاهدش این است که اگر سلامت یا امتیاز شخصی ما در زندگی به خطر افتد، بسیار نگران می شویم و اگر بدانیم که شکر این دو نعمت بزرگ الهی به حفظ و بقای آنها می انجامد، سعی می کنیم که راه های شکرگزاری نسبت به آنها را بیاموزیم و در عمل به آن اهتمام ورزیم. اما آیا آن اندازه که به شکر نعمت سلامت خود اهمیت می دهیم، به نحوه سپاسگزاری از نعمت وجود امامان می اندیشیم؟

آیا تاکنون این حقیقت را وجدان کرده ایم که امام شناس بودن ما نعمتی بالاتر از آن است.

ص: ۹۸

۱- بخش اول، فصل چهارم، ادب هفتم.

۲- بخش اول، فصل سوم، شرط دوم دعاکننده.

سلامت بدن ماست؟ آیا - در مقام فرض - حاضریم بیمار بشویم یا به گرفتاری های مادی مبتلا بشویم. اما معرفت و ارادتمان را به امام زمانمان از دست ندهیم؟ واقعاً چند درصد از دعاکنندگان برای امام زمان علیه السلام چنین معرفتی به ایشان دارند؟ نشانه برتر دانستن یک نعمت از نعمت دیگر این است که در هنگام تضاد بین آنها، اولی را بر دومی ترجیح دهیم. با همین معیار می توانیم تشخیص دهیم که نعمت شناخت امام عصر علیه السلام نزد ما بر نعمت های دیگر ترجیح دارد یا خیر. در مقام سنجش این امر، با کمال شرمندگی خواهیم دید که برخی از دوستداران حضرت - همان ها که در جشن های میلاد ایشان شادی می کنند و شیرینی پخش می کنند - در عمل نعمت های مادی و شخصی خود را در زندگی بر نعمت معرفت به امامشان ترجیح می دهند. علت این خطا چیزی نیست جز عدم شناخت صحیح و کافی از بزرگ ترین نعمت خداوند که وجود مقدس امام عصر ارواحنا فداه می باشد. طبیعی است که این عدم معرفت - که نتیجه اش ادا نکردن حق شکر قلبی است - بر مراتب بعدی شکرگزاری یعنی شکر زبانی و عملی هم لطمه جدی می زند، چون روح این دو رتبه، همان شکر قلبی کردن است. (۱)

با این توضیحات آیا لازم نیست در کنار اهتمام به دعا برای امام زمان علیه السلام به خصوص تعجیل فرج ایشان، انواع مراتب شکرگزاری نسبت به آن حضرت را بیشتر بشناسیم و به آنها پایبند گردیم؟ کوتاهی در این امر هم مانع اجابت دعاهایمان می گردد و هم انگیزه و همت ما را در امر دعا سست می نماید.

## ۷- الحاح و اصرار و دوری از سستی

### اشاره

چنانچه در بخش اول کتاب گذشت یکی از آداب مؤثر دعا در اجابت، الحاح و اصرار در انجام آن می باشد. (۲) به یاد بیاوریم که امام باقر علیه السلام قسم یاد کرده اند که هر گاه بنده مؤمنی با اصرار چیزی را از خداوند طلب کن، حاجتش برآورده می گردد. (۳)

ص: ۹۹

---

۱- درباره مراتب مختلف شکرگزاری می توانید به کتاب «آفتاب در غربت» مراجعه فرمایید.

۲- بخش اول، فصل چهارم، ادب چهاردهم.

۳- اصول کافی، کتاب الدعاء، باب الالحاح...، ح ۳.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز تأکید فرموده اند که با جدّ و جهد دعا کنید و از دعا کردن خسته و ملول نشوید، چرا که تا شما خسته نشوید، خداوند خسته نمی شود. (۱)

این سفارش ها نشان می دهد که خداوند می خواهد بندگانش بر در خانه او اصرار بورزند و از گدایی خسته نشوند. ممکن است چیزی را از خدا بخواهیم و خواسته ما برآورده نشود. اما چه بسا اگر در مورد آن اصرار کنیم، حاجتمان داده شود. البته همان طور که اصل دعا کردن حال و انگیزه می خواهد، اصرار و الحاح در آن هم معمولاً برخاسته از حال و انگیزه درونی دعاکننده است.

### عوامل مؤثر در پیدایش حالت اصرار در دعا

انسان در خواستن چیزی که برایش بسیار مهم باشد، اصرار می ورزد و برای امور بی ارزش انگیزه اصرار ندارد. مثلاً کسی که برای رسیدن به یک نعمت مادی همچون خانه یا قبولی در کنکور دانشگاه دعا می کند و در دعایش اصرار می ورزد، آن امور را با ارزش و مهم تلقی می کند. اگر برای آنها اهمیّت قائل نبود، یا دعا نمی کرد یا در صورت دعا، بر آن اصرار نمی ورزید. اگر رسیدن به چیزی برای انسان مهم باشد، بدون نیاز به توصیه و سفارش، خودبه خود بر آن اصرار خواهد ورزید.

نکته دیگری که در تحقّق اصرار مؤثر است، اعتقاد دعاکننده به تأثیر اصرار در تحقّق خواسته اش می باشد. در مورد دعا برای امام عصر علیه السلام و به خصوص تعجیل فرج ایشان باید به عملی شدن این دو عامل توجه کافی نماییم: یکی اینکه ظهور امام عصر علیه السلام برای ما مهم و باارزش باشد و دیگر آنکه اصرار در دعا را برای تعجیل در آن مؤثر بدانیم.

تحقّق عامل اول بستگی به میزان معرفت ما به مقام رفیع آن حضرت نزد خداوند دارد و اینکه ظهور ایشان مطلوب و محبوب همه انبیا و اولیای الهی بوده است. باید به این باور برسیم که عملی شدن آمال و اهداف همه مکاتب آسمانی و پیامبرانی.

ص: ۱۰۰

---

۱- بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۶۴، ح ۸، به نقل از امالی طوسی.



بزرگ از آدم علیه السلام تا خاتم صلی الله علیه و آله و سلم فقط و فقط با فرج امام عصر علیه السلام محقق می گردد و تا چنین روزی نرسد، آرزوی هیچ یک از آن برگزیدگان خداوند برآورده نمی گردد. هر چه در این زمینه به مطالعه آیات و روایات و کتابهای مفیدی که با استناد به ادله نقلی معتبر، این موضوع را مطرح کرده اند بپردازیم، جایگاه بلند ظهور امام زمان علیه السلام را در فرهنگ دین بیشتر باور خواهیم نمود.

برای تحقق عامل دوم نیز باید آیات و احادیث مربوط به تأثیر اصرار در دعا را در اجابت زودتر آن، مطالعه نماییم تا این اعتقاد عمق بیشتری در وجود ما پیدا کند. در این صورت اهل اصرار و الحاح در دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام خواهیم شد.

### نموده های مختلف اصرار در دعا

این اصرار دو جنبه می تواند داشته باشد: یکی تعمیم دعا در مکان ها و زمان ها و شرایط مختلف است. وقتی کسی بر خواستن چیزی اصرار داشته باشد، وقت و بی وقت آن را طلب می کند و به هر مناسبتی خواسته اش را پیش می کشد و خلاصه دنبال بهانه می گردد تا از آن سخن بگوید و تکرارش نماید. این جنبه اصرار، به کمیت و تعداد دعاها مربوط می شود. ساده ترین مثالی که می توانیم برای این نوع اصرار در دعا برای تعجیل فرج ذکر کنیم، دعای صلوات به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و آل او علیهم السلام همراه با درخواست تعجیل فرج برای ایشان است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ.

همچنین می توانیم کامل تر دعا کنیم و بگوییم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ بِقَائِمِهِمْ.

و کامل تر اینکه در انتهای آن دعای:

وَالْعَنِ أَعْدَائَهُمْ.

را بیفزاییم. این دعا با وجود سادگی، بسیار دعای مؤثر و بافضیلتی است که در طول شبانه روز بدون مزاحمت با بسیاری از مشغله ها انجام شدنی است.

جنبه دوم اصرار، به کیفیت دعا کردن انسان برمی گردد. کسی که بر داشتن چیزی اصرار دارد، نوع درخواستش با کسی که اصرار ندارد، فرق می کند. پافشاری و تأکید او به نحوی است که جز با تحقق مطلوبش از طلب آن دست بردار نیست و به هیچ قیمتی حاضر نیست در خانه خدا را رها کند مگر آنکه خواسته اش برآورده شود. این گونه لجبازی و یک دندگی هر چند که در برابر بندگان خدا، صفت خوبی به شمار نمی آید، اما به تصریح امام صادق علیه السلام در پیشگاه الهی ویژگی مثبتی محسوب می شود<sup>(۱)</sup> و طبق وعده امیرمؤمنان علیه السلام هر که در کوبیدن با بی لجاجت به خرج دهد، بالاخره آن باب به رویش گشوده خواهد شد.<sup>(۲)</sup> البته همان طور که در بخش اول کتاب بیان شد،<sup>(۳)</sup> خواسته های مادی و دنیوی را صرف نظر از ابعاد معنوی و اخروی آن نمی تواند و نباید با چنین اصراری از خدا طلب کرد، چون ممکن است خیر دعاکننده در تحقق آن نباشد. اما در اموری که خیر بودنشان قطعی و مسلم است، هر گونه اصرار و الحاح ورزیدن مطلوب و پسندیده می باشد. تعجیل در فرج امام زمان علیه السلام امری است که محبوب خدا و اولیای اوست و ما یقین داریم که خواستن آن قطعاً مورد رضایت پروردگار می باشد. البته باید توجه داشته باشیم که اصرار کردن در مورد آن نباید همراه با تعیین ضرب الاجل قطعی برای ظهور حضرت باشد. ما می توانیم از خدا بخواهیم که ظهور امامان را در همین سال جاری قرار دهد، یا آن را در ماه فعلی مقدر فرماید یا اینکه تا قبل از هفته آینده ایشان را ظاهر فرماید. حتی می توانیم دعا کنیم که ظهور ایشان همین امروز یا همین ساعت واقع شود، همه اینها مجاز است، اما نباید چنین بگوییم که: *ألا ولا بدّ باید در فلان روز یا ساعت یا هفته یا ماه یا سال و یا ... ظهور حضرت واقع شود.* این گونه دعا کردن خلاف ادب بندگی و نوعی تعیین تکلیف برای خدای متعال می باشد و از حدّ اصرار و الحاح در درخواست فراتر می رود؛ بنابراین شایسته و مجاز نیست. م.

ص: ۱۰۲

---

۱- اصول کافی، کتاب الدعاء، باب الالحاح...، ح ۴.

۲- من استدام قرع الباب و لَج و لَج (غرر الحکم و دُرر الکلم، ح ۳۷۵۸).

۳- فصل پنجم.

یکی از نمودهای کیفی اصرار در دعا، قسم دادن خداوند در هنگام دعاست. کسی که بر خواستن چیزی اصرار دارد، آن را با قسم و آیه طلب می کند و به هر زبانی که شرعاً مجاز باشد خدا را قسم می دهد که خواسته اش را برآورده سازد.

یکی دیگر از جلوه های اصرار در دعا، متوسل شدن به اسباب و وسائلی است که در پیشگاه خدا آبرو دارند و خواندن پروردگار به وساطت آنان، اجابت دعا را سریع تر و سهل تر می سازد.

### توسل به اهل بیت علیهم السلام در دعای عبرات

نمونه ای از دعای بر تعجیل فرج که در آن توسل به ذوات مقدسه چهارده معصوم علیهم السلام به کار رفته، دعای «عبرات» است. این دعا بنابر تحقیق از ناحیه خود امام زمان علیه السلام صادر شده و مطالعه آن شدت گرفتاری ها و ناراحتی های حضرت را در زمان غیبت تا حدی نشان می دهد.<sup>(۱)</sup> ما در این جا به مناسبت بحث، قسمتی از پایان دعا را که شامل توسل به اهل بیت عصمت و طهارت از جمله خود امام عصر علیه السلام می باشد، نقل و ترجمه می کنیم:

إلهی... فَإِنِّي أَسْتَشْفِعُ إِلَيْكَ بِكَرَامَتِكَ وَالصَّفْوَةِ مِنْ أُنَامِكَ الَّذِينَ لَهُمْ أَنْشَاءٌ مَا يَقْلُ وَيُظِلُّ وَ نَزَلَتْ مَا يَدُقُّ وَيَجِلُّ.

پروردگارا... پس من آقایی و کرامتت را نزد تو شفیع قرار می دهم و نیز (شفاعت می جویم) به برگزیدگان از آفریدگانت، آنان که کوچک و بزرگ را به خاطر ایشان آفریده ای و ریز و درشت را برای آنان نازل فرموده ای.

سپس به معرفتی یک یک این شفیعان بی نظیر می پردازند و از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آغاز می فرمایند:

أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِأَوَّلِ مَنْ تَوَجَّهَتْ تَاجَ الْجَلَالِ وَ أَحَلَّتْهُ مِنَ الْفِطْرَةِ مَحَلَّتْ.

ص: ۱۰۳

---

۱- درباره سندهای این دعای شریف و توضیح برخی از عبارات جانسوز آن در کتاب «سلوک منتظران» ص ۹۵ تا ۱۰۰ بحث مستدل و مستندی مطرح شده است.

السَّلَامُ، حُجَّتِكَ فِي خَلْقِكَ وَ أَمِينِكَ عَلَى عِبَادِكَ مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ بَمَنْ جَعَلْتَهُ لِنُورِهِ مَغْرِبًا وَ عَن مَكْنُونِ سِرِّهِ مُعْرَبًا، سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ وَ إِمَامِ الْأَتْقِيَاءِ يَعْسُوبِ الدِّينِ وَ قَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ أَبِي الْأَيْمَنِ الرَّاشِدِينَ، عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ.

به تو تقرّب می جویم به واسطه اوّلین کسی که تاج بزرگی بر سرش نهادی و اصل و اساس اوّلیّه خلقت قرارش دادی، حجّت تو در میان آفریدگان و امانت دار تو بر بندگانت حضرت محمّد، رسول تو صلی الله علیه و آله و سلّم و نیز (به تو تقرّب می جویم) به واسطه کسی که او را محلّ غروب نور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم و آشکار کننده راز پوشیده او قرار دادی، سرور و آقای اوصیا و پیشوای متّقیان، امیر دین و رهبر پیشانی سپیدان، پدر ائمه راشدین علی امیرالمؤمنین علیه السلام.

اوصافی که امام عصر علیه السلام برای جدّ شریفشان امیرالمؤمنین علیه السلام آورده اند، بسیار عمیق و زیباست.

مَنْ جَعَلْتَهُ لِنُورِهِ مَغْرِبًا وَ عَن مَكْنُونِ سِرِّهِ مُعْرَبًا.

آن کس که محلّ غروب نور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم بوده یعنی اگر رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلّم غروب فرمود، اما در وجود مقدّس وصیّش محو شد که نفس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم بود و کسی که آشکار کننده راز پنهان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم بود.

پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم و امیر مؤمنان علیه السلام نوبت به توسّیل به بانوی یگانه عالم و دو نور چشم رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می رسد، امام عصر علیه السلام مادر شریفشان و حسین علیهما السلام را چنین معرّفی می فرمایند:

وَ اتَّقَرَّبُ إِلَيْكَ بِخَيْرِهِ الْأَخْيَارِ وَ أُمِّ الْأَنْوَارِ وَ الْإِنْسِيَةِ الْحَوْرَاءِ الْبُتُولِ الْعِذْرَاءِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، وَ بَقَرَّتِي عَيْنِ الرَّسُولِ وَ ثَمَرَتِي فُوَادِ الْبُتُولِ السَّيِّدِينَ الْإِمَامِينَ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ.

و به سوی تو تقرّب می جویم به واسطه برگزیده برگزیدگان و مادر انوار و حضرت انسیه حوراء، پاکیزه از هر آلودگی، فاطمه زهرا علیها السلام و به دو نور

چشم رسول صلی الله علیه و آله و سلم و دو میوه دل حضرت بتول علیها السلام، دو آقا، دو امام، ابی محمّد الحسن علیه السلام و ابی عبدالله الحسین علیه السلام.

مادر ائمه اطهار علیهم السلام امّ الانوار است و برگزیده شده از میان برگزیدگان، سپس سه امام بزرگوار بعدی علیهم السلام را وسیله قرار داده اند:

وَ بِالسَّخِيَادِ زَيْنِ الْعَبَّادِ ذِي الثَّفَنَاتِ رَاهِبِ الْعَرَبِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَ بِالْإِمَامِ الْعَالِمِ وَ السَّيِّدِ الْحَاكِمِ النَّجْمِ الزَّاهِرِ وَ الْقَمَرِ الْبَاهِرِ  
مَوْلَايَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ، وَ بِالْإِمَامِ الصَّادِقِ مُبَيِّنِ الْمَشْكَلَاتِ مُظْهِرِ الْحَقَائِقِ الْمُفْجِمِ بِحُجَّتِهِ كُلِّ نَاطِقٍ، مُخْرِسِ أَلْسِنَتِهِ أَهْلِ  
الْجِدَالِ مُسَكِّنِ الشَّقَاقِشِ مَوْلَايَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ.

و (به تو تقرّب می جویم) به واسطه زیور بندگان که اعضای سجده اش از کثرت عبادت همچون زانوی شتران که روی زمین گذاشته می شود، ضخیم و سفت شده بود، راهب عرب حضرت علی بن الحسین علیهما السلام و به واسطه امام عالم و آقای حاکم، ستاره درخشانده و ماه خیره کننده، مولایم حضرت محمد بن علی الباقر علیهما السلام و به واسطه امام راستگو، تبیین کننده مشکلات، آشکار کننده حقایق، آنکه با برهانش هر گوینده ای را مُجاب می نمود و زبان اهل مجادله را خاموش می کرد و یاره گویی ها را فرو می نشاند، مولایم حضرت جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام.

آنگاه در توسّل به سه امام بعدی علیهم السلام چنین عرضه داشته اند:

وَ بِالْإِمَامِ التَّقِيِّ وَ الْمُخْلِصِ الصَّفِيِّ وَ النُّورِ الْأَحْمَدِيِّ وَ النُّورِ الْأَنْوَرِ وَ الضِّيَاءِ الْأَزْهَرِ مَوْلَايَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، وَ بِالْإِمَامِ الْمُرْتَضَى وَ  
السَّيْفِ الْمُتَنَزِّحِ مَوْلَايَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا، وَ بِالْإِمَامِ الْأَمَّاجِدِ وَ الْبَابِ الْأَقْصَدِ وَ الطَّرِيقِ الْأَرْشَدِ وَ الْعَالِمِ الْمُؤَيَّدِ يَتَّبِعُ الْحَكَمَ وَ  
مِصْبَاحِ الظُّلَمِ سَيِّدِ الْعَرَبِ وَ الْعَجْمِ الْهَادِي إِلَى الرَّشَادِ وَ الْمُؤَقِّقِ بِالتَّأْيِيدِ وَ السَّدَادِ مَوْلَانَا مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْجَوَادِ.

و (به تو تقرّب می جویم) به واسطه امام متقی و مخلص برگزیده و نور احمدی صلی الله علیه و آله و سلم و نور روشنائی بخش تر و روشنائی درخشنده مولایم حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام و به واسطه امام مورد رضایت و شمشیر از غلاف خارج شده، مولایم حضرت علی بن موسی الرضا علیهم السلام و به واسطه امام بزرگوارتر و باب معتدل تر و طریق هدایت کننده تر و عالم مورد تأیید (خداوند)، سرچشمه حکمت ها و نور تاریکی ها، آقای عرب و عجم، راهنما به سوی طریق هدایت و کسی که (از جانب خدا) موافق به تأیید و پشتیبانی بوده است. مولای ما حضرت محمد بن علی الجواد علیهما السلام.

سپس نوبت می رسد به واسطه قرار دادن پدر و جدّ گرامی شان که در معرفی آن دو بزرگوار علیهما السلام چنین اظهار کرده اند:

وَ بِالْإِمَامِ مِنْحِهِ الْجَبَّارِ وَ وَالِدِ الْأَيْمَةِ الْأَطْهَارِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمَوْلُودِ بِالْعَسْكَرِ الَّذِي خِذَّرَ بِمَوَاعِظِهِ وَ أَنْدَرَهُ، وَ بِالْإِمَامِ الْمُتَنَزِّهِ عَنِ الْمَائِثِمِ الْمُطَهَّرِ مِنَ الْمَظَالِمِ الْجَبْرِ الْعَالِمِ يَدْرِ الظَّلَامِ وَ رَبِيعِ الْأَنْبَاءِ النَّقِيِّ الطَّاهِرِ الزَّكِيِّ مَوْلَايَ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْعَسْكَرِيِّ.

و (به تو تقرّب می جویم) به واسطه هدیه (خدای) جبار و پدر ائمه اطهار حضرت علی بن محمد علیهما السلام تولّد یافته در میان لشکر که با موعظه هایش انذار و تحذیر می داد و به واسطه امام منزّه از گناهان، پاکیزه شده از ستم ها، بزرگمرد عالم، ماه شب چهارده در تاریکی و بهار آفریدگان، پرهیزکار پاک و پاکیزه مولایم حضرت ابومحمد حسن بن علی عسکری علیهما السلام.

در پایان به آخرین وسیله ای که امام عصر علیه السلام به سوی خداوند تقرّب می جوید، وجود مقدّس خودشان است که نزد خداوند شفیع بزرگ مرتبه ای محسوب می شوند. ایشان خود را چنین معرفی فرموده اند:

وَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِالْحَفِيظِ الْعَلِيمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ وَ الْأَبِ الرَّحِيمِ الَّذِي مَلَكَتَهُ أَرْزَمَةُ الْبَسْطِ وَ الْقَبْضِ، صَاحِبِ النَّقِيِّهِ الْمَيْمُونَةِ وَ قَاصِفِ الشَّجَرَةِ الْمَلْعُونَةِ، مُكَلِّمِ النَّاسِ فِي الْمَهْدِ وَ الدَّالِّ عَلَى مِنْهَاجِ

الرُّشْدِ، الْغَائِبِ عَنِ الْأَبْصَارِ، الْحَاضِرِ فِي الْأَمْصَارِ، الْغَائِبِ عَنِ الْعُيُونِ الْحَاضِرِ فِي الْأَفْكَارِ، بَقِيَّةِ الْأَخْيَارِ الْوَارِثِ لِذِي الْفَقَارِ، الَّذِي يَظْهَرُ فِي بَيْتِ اللَّهِ ذِي الْأَسْتَارِ الْعَالِمِ الْمُطَهَّرِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ، عَلَيْهِمْ أَفْضَلُ التَّحِيَّاتِ وَاعْظُمُ الْبَرَكَاتِ وَآتَمُّ الصَّلَوَاتِ.

و به تو تقرّب می جویم به واسطه نگه دارنده دانا که او را بر گنجینه های زمین گماشته ای و پدر مهربان که اختیار دادن و گرفتن را به او سپرده ای، صاحب طبع و رأی مبارک و شکننده شجره ملعونه، سخن گوینده با مردم در گهواره و نشان دهنده طریق رشد، پنهان از دیدگان، حاضر در شهرها، غایب از چشم ها، حاضر در فکرها، تنها باقی مانده از برگزیدگان، و وارث ذوالفقار (شمشیر امیرالمؤمنین علیه السلام)، آنکه در خانه پرده پوش خدا آشکار می شود، عالم معصوم محمّد بن الحسن علیهما السلام، برترین درودها و بزرگ ترین برکت ها و کامل ترین صلوات بر همه ایشان (چهارده معصوم) باد.

ایشان پس از واسطه قرار دادن تک تک این انوار پاک، آنان را پناه و وسیله خود به سوی خدا می خوانند:

اللَّهُمَّسْ فَهَوْلَاءِ مَعَاقِلِي (۱) إِلَيْكَ فِي طَلِبَاتٍ وَ وَسَائِلِي... وَلَا شَفِيعَ لِي إِلَيْكَ أَوْجَهُ مَنْ هَوْلَاءِ.

خدایا اینها محلّ پناه آوردن من در خواسته هایم و وسیله های من هستند... و هیچ شفיעی که نزد تو آبرومندتر از اینان باشند، ندارم.

آن گاه پس از همه این واسطه قرار دادن ها با این عبارات فرج خود را از خدای متعال طلب کرده اند:

يَا مَنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ، يَا رَاحِمَ عَبْرِهِ يَعْقُوبَ يَا كَاشِفَ ضُرِّ أَيُّوبَ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَانصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ وَافْتَحْ لِي (۷)

ص: ۱۰۷

---

۱- معاقل جمع معقل و به معنای ملجأ و حصن می باشد. (المعجم الوسيط، ج ۲، ص ۶۱۷)

أَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (۱)

ای کسی که وقتی مضطرب او را بخواند، اجابتش می‌کند، ای رحم‌کننده به اشک‌های یعقوب، ای برطرف‌کننده گرفتاری ایوب، از من درگذر و به من رحم کن و مرا برای غلبه بر قوم کافر یاری فرما و پیروزی نصیبم گردان در حالی که تو بهترین پیروز کنندگانی، ای صاحب قدرت استوار، ای مهربان‌ترین رحم‌کنندگان.

ملاحظه می‌شود که در این دعا، توسل به آبرومندترین شفیعان نزد خداوند یعنی اهل بیت عصمت و طهارت چه حجم معتناهی را در بر گرفته است. این نمونه‌ای از دعاهای ماثور می‌باشد که در آن اصرار و الحاح به پیشگاه الهی از طریق واسطه و شفیع قرار دادن نزد خداوند، صورت پذیرفته است. معمولاً اگر انسان بر خواستن چیزی اصرار داشته باشد در درخواست خود واسطه و شفیع قرار می‌دهد و دعای عبرت یکی از روشن‌ترین مصادیق این گونه اصرار در دعا برای تعجیل فرج می‌باشد. (۲)

## ۸- بکاء، ضجّه، تضرّع و ابتهاج

### اشاره

یکی از آداب مؤثر در اجابت دعا، داشتن حال گریه و ضجّه در هنگام آن است که در بخش اول کتاب توضیح داده شد. (۳) گریه معمولاً به طور مصنوعی حاصل نمی‌شود، و تا قلب انسان منقلب نشود، اشک از چشم سرازیر نمی‌گردد. بنابراین برای پیدایش حال گریه و ضجّه پیش از هر چیز باید دل را جلا و صفا داد و رابطه قلبی با امام زمان علیه السلام را استحکام بخشید تا خود به خود با یاد ایشان، چشم اشکبار شود. هرچه محبت آن حضرت در دل انسان عمیق‌تر گردد، یاد و نام محبوب او را بیشتر منقلب می‌سازد. و به آن جا می‌رسد که اگر کسی از امام علیه السلام یاد کند، دوستدار ایشان ناخودآگاه گریه اش می‌گیرد. پس هر عملی که موجب ازدیاد محبت به ایشان شود، حال گریه را نیز در انسان تقویت می‌نماید. م.

ص: ۱۰۸

۱- مهج الدعوات، ص ۶۱۵ تا ۶۱۷.

۲- متن کامل این دعا در بخش سوم کتاب مطابق نقل مهج الدعوات آمده است.

۳- بخش اول، فصل چهارم، ادب پانزدهم.



امّا نمی توان گفت که اگر چنین حالی در کسی نیست، از خیر این ادب مؤثر در اجابت دعا بگذرد. اگر رابطه قلبی با امام زمان علیه السلام در آن حد بالا باشد، بسیار خوب است؛ ولی اگر نبود می توان با برقرار کردن اتصال قلبی در هنگام دعا و قبل از آن زمینه مساعدی برای گریستن موقت ایجاد نمود. این هم بسیار کار خوبی است و خود این عمل، محبت شخص را به مولایش تقویت می کند. قطعاً یاد کردن از حضرت و متذکر شدن به محبتی که ایشان نسبت به رعیت خود دارد از طرفی، و یاد کردن از آلام و رنج های ایشان در زمان غیبت از طرف دیگر، در پیدایش حال گریه در دعاکننده می تواند مؤثر باشد. بنابراین خوب است که انسان وقتی می خواهد برای امام زمانش دعا کند، قدری به یادآوری این احوال و اوصاف ایشان پردازد تا قلبش اتصال بیشتری با حضرت پیدا کند و سوز دل مقدمه اشک ریختن شود، آنگاه با حال گریه برای مولایش دعا کند.

کار دیگری که در همین زمینه می توان انجام داد، ذکر مصائب اهل بیت علیهم السلام خصوصاً حضرت صدیقه طاهره علیها السلام و حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام می باشد. بسیاری از دوستان اهل بیت علیهم السلام که رابطه قلبی عمیقی با امام عصر علیه السلام ندارند، نسبت به حضرت زهرا اطهر علیها السلام یا سیدالشهدا علیه السلام حالت خاص قلبی دارند که یادآوری مصائب ایشان دل آنها را زودتر منقلب می سازد. خوب است هر کس ببیند کدام یک از مصیبت های اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام برایش دردآورتر است، آنگاه در هنگام دعا برای امام زمان علیه السلام و به عنوان مقدمه آن، به یادآوری آن مصیبت دردناک پردازد و به این وسیله دل و چشم خویش را آماده دعا همراه با گریه برای مولایش سازد. به هر حال ائمه علیهم السلام نور واحد هستند و یاد کردن از یکی از ایشان، به یک معنا یاد کردن از همه آنان است. ممکن است کسی در پیشینه زندگی اش توسّلی به یکی از امامان علیهم السلام داشته که خاطره ای به یاد ماندنی از آن امام علیه السلام برای او باقی گذاشته است، بطوری که یادآوری آن خاطره دلش را به یاد آن امام علیه السلام منقلب ساخته و اشکش را سرازیر می کند. چنین کسی می تواند همین حال را مقدمه گریه و دعا برای تعجیل

حَتَّى - چنانچه در بخش گذشته آوردیم - مطابق آنچه اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام نقل کرده است (۱)، می توانیم به عنوان مقدمه سازی برای گریه و دعا در حق امام زمان علیه السلام از در گذشتگان از بستگان خود یاد کنیم که با آنها رابطه عاطفی داشته ایم و یادآوری فوت ایشان ما را به گریه می اندازد، آنگاه این گریه را مقدمه دعا برای حضرت قرار دهیم. این حداقل کاری است که برای پیدایش حال گریه در هنگام دعا می توانیم انجام دهیم. اگر کسی در صدد ایجاد این حال باشد، از همه این راه ها می تواند به مقصود خود برسد، مراد از «تباکی» که در برخی حالات - از جمله حاجت خواستن (۲) - به آن امر شده ایم، انجام همین جور کارهاست که بالاخره اشک انسان را در می آورد، هرچند به اندازه بال مگس باشد.

### چگونگی پیدایش حال ضجّه و تضرّع

حال ضجّه و تضرّع هم برای انسان بی دلیل پیدا نمی شود، باید اتصال روحی و قوی ترین با ائمه اطهار علیهم السلام به خصوص حضرت بقیه الله ارواحنا فداه برقرار نمود تا در هنگام دعا برای ایشان ناله و فریاد انسان بلند شود و به خاطر تعجیل فرج آن حضرت زار بزند. برخی از زمینه سازی هایی که در مورد گریه برای حضرت بیان شد، اگر شدید شود می تواند به ضجّه و تضرّع هم منتهی گردد. فراموش نکنیم که به فرموده امام صادق علیه السلام ضجّه و بکاء در زمان غیبت امام عصر علیه السلام و درخواست تعجیل فرج ایشان - که بنی اسرائیل چهل صباح انجام دادند و نتیجه گرفتند - تأثیر به سزایی در جلو افتادن ظهور آن سرور خواهد داشت. (۳)

بنابراین علاوه بر دعا برای تعجیل فرج امام علیه السلام خود حالت گریه و ضجّه داشتن درم.

ص: ۱۱۰

۱- اصول کافی، کتاب الدعاء، باب البکاء، ح ۷.

۲- همان، ح ۱۰، امام صادق علیه السلام: سَلْ حَاجَتَكَ وَ تَبَاكَ وَ لَشَوْ مِثْلَ رَأْسِ الدُّبَابِ.

۳- رجوع شود به بخش دوم، فصل سوم، فایده سوم از فوائد دعاهای ما برای امام عصر علیه السلام.

فراق ایشان موضوعیت دارد و می تواند ظاهر شدن امام غریمان را نزدیک تر سازد. پس باید برای تحقّق چنین حالی تلاش کنیم و از راه های مشروع و صحیح - بدون افتادن در ورطه افراط یا تفریط - در جهت تحقّق بخشیدن آن قدم برداریم. از مؤثرترین راه ها برای ایجاد این حال، تلاش برای بالا بردن معرفت و محبت به آن حضرت از طریق انجام وظایف و تکالیفی است که یک منتظر فرج در زمان غیبت مولایش دارد. آشنایی با این تکالیف خود یک وظیفه است و کسی که در این امر کوتاهی کند، مانند کسی است که در آموختن مسائل شرعی مبتلا به خویش کوتاهی کرده است. بنابراین ندانستن و بلد نبودن این وظایف عذر موجهی برای عمل نکردن به آنها - لاقبل برای کسانی که آنچنان با امام زمان علیه السلام یگانه نیستند - نیست. لذا مطالبه کتبی که در این زمینه تألیف شده جزء وظایف منتظران قرار می گیرد.

اگر کسی از همین نقطه آغاز کند، هر قدمی که در این مسیر برمی دارد، باعث می شود قدم بعدی را با آگاهی بیشتری بردارد و آرام آرام به همه وظایف خود آشنا می شود و در طول این مسیر خواهد دید که روز به روز بر محبت و ارادتش به مولایش افزوده می گردد و به آنجا خواهد رسید که حال ضجّه و بکاء در فراق محبوب بدون هیچ تکلفی برایش حاصل می شود و آرزو می کند که فراغتی داشته باشد تا در گوشه ای بنشیند و برای مولایش سیر بگرید و خلوتی پیدا کند که بتواند دور از چشم اغیار در سوز محبت و فراق محبوبش فریاد بزند و ضجّه کند. بنابراین پیدایش این احوال احتیاج به تشکیل دادن مجالس خاصی که به خاطر این هدف تشکیل شود، ندارد و هر کس در خلوت خود می تواند بی سر و صدا به این حالات نائل شود. البته ایجاد چنین احوالی به اختیار خود انسان نیست؛ خدا و امام عصر علیه السلام هستند که با عنایت خاص خود دوستانشان را این گونه شیفته و مجذوب می سازند.

البته تشکیل دادن محافل و مجالسی - همچون مجالس روضه اهل بیت علیهم السلام - برای دعا کردن در حقّ امام عصر علیه السلام نیز بسیار مطلوب و پسندیده است و دوستان حضرت نباید از این فرصت ها غافل باشند، به خصوص که دعای جمعی - طبق احادیث

ائمه عليهم السلام - مورد تأکید ایشان بوده است. امّا همان طور که در بخش اول بیان شد،<sup>(۱)</sup> در دعای جمعی و آشکار ممکن است افراد مبتلا به تظاهر و خودنمایی شوند که اگر چنین خوفی وجود داشته باشد، دعای فردی و پنهانی افضل خواهد بود. به هر حال در جمع احتمال اینکه ضجّه زدن همه افراد معلول حال طبیعی آنها نباشد و تحت تأثیر شور و حالی که در مجلس هست، به تظاهر بیفتند، وجود دارد و از کید و مکر شیطان در این گونه موارد نباید غافل شد.

گاهی شور و حال حاکم بر یک مجلس، خود باعث فریب انسان می شود و موجب پیدایش حال عجب (خودستایی) می گردد که یکی از موانع قبولی عبادت به شمار می آید.<sup>(۲)</sup> همچنین گاهی ضجّه ها و فریادها از سویدای دل نیست و کسانی به این نیت که مجلس را گرم کنند و شور بگیرند، داد و فریاد می زنند یا به سر و سینه می کوبند. چنین اعمالی اگر از روی ریا و خودنمایی نباشد، اشکالی ندارد امّا در عین حال با آنچه از ما خواسته اند فاصله دارد. بهتر است در پی ایجاد شور و حالی باشیم که از معرفت و محبت عمیق به امام زمان علیه السلام نشأت گرفته باشد که خودبه خود ضجّه و بکاء را به دنبال خواهد آورد.

### **بکاء و ابتهاج امام عصر علیه السلام در دعای عبرات**

در این جا مناسب است تأملی داشته باشیم در اینکه خود وجود مقدّس حضرت مهدی علیه السلام با چه حالی برای تعجیل فرج خود و شیعیانشان دعا می کنند. کافی است به عنوان نمونه به قسمت هایی از دعای عبرات که در عنوان گذشته، بخش هایی از آن را نقل کردیم، توجه نماییم تا حال آن حضرت را در دعا درک کنیم. از جمله اول دعا سخن از اشک و آه است. دعا با این عبارت آغاز می شود:

ص: ۱۱۲

---

۱- بخش اول، فصل چهارم، ادب سیزدهم از آداب دعا.

۲- توضیح مستدلّ این مطلب را می توانید در کتاب «در ضیافت ضریح» بخش چهارم، فصل ۴ و ۵ مطالعه فرمایید.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا رَاحِمَ الْعَبْرَاتِ وَيَا كَاشِفَ الزَّفَرَاتِ. (۱)

خدایا از تو درخواست می‌کنم، ای رحم‌کننده به اشک‌ها و ای برطرف‌کننده آه‌ها.

«عبره» به معنای اشک و «زفره» به معنای آه بلند است و خواندن خدا با این اوصاف نشانگر حال شدید گریه و ناله بلند امام عصر علیه السلام از ابتدای دعاست. ایشان پس از دعاهای مفصّلی که نقل آن چند صفحه طول کشیده و پیش از توسّل به انوار مقدّسه چهارده معصوم علیهم السلام، در عبارتی حال خود را در پیشگاه الهی چنین معرّفی می‌کنند:

هَذَا يَا إِلَهِي تَعْفِيرُ خَدَيَّ وَابْتِهَالِي فِي مَسْأَلَتِكَ وَجَدِّي. (۲)

این است ای خدای من، بر خاک گذاشتن گونه‌ام و ابتهال و جدّیتم در درخواستم.

در مورد معنای «ابتهال» در بخش اول کتاب با استفاده از فرهنگ لغت و احادیث اهل بیت علیهم السلام توضیح دادیم. (۳) خلاصه مطلب این شد که ابتهال به معنای لابه و التماس کردن است که همراه با اشک ریختن و بالا بردن دست‌ها به طرف آسمان می‌باشد و به تصریح ائمه علیهم السلام تا اشک دعاکننده جاری نشود، ابتهال صدق نمی‌کند. (۴)

روشن است که امام زمان علیه السلام در هنگام دعا، هم حال گریه داشته‌اند و هم دستان مبارکش را به نشانه اوج‌گذاری و مسألت از خدای مَنان به بالا بلند کرده‌اند و هم به تصریح خودشان اصرار و جدّیت در درخواست خود به خرج داده‌اند. البتّه در برخی حالات هم، گونه خود را به نشانه کمال تدلّل و خضوع در پیشگاه الهی به خاک گذاشته‌اند. این وضعیتی است که ایشان از حال خود در هنگام دعا ترسیم فرموده‌اند. ۱.

ص: ۱۱۳

۱- مهج الدعوات، ص ۶۱۱.

۲- همان، ص ۶۱۵.

۳- بخش اول، فصل چهارم، در ذیل ادب پانزدهم از آداب دعا.

۴- اصول کافی، کتاب الدعاء، باب الرّغبه و الرّهبه...، ح ۱.

علاوه بر این در انتهای دعا و پس از معرّفی یک یک چهارده معصوم به عنوان آبرومندترین شفیعان در درگاه خداوند عرضه داشته اند:

فَهَلْ بَقِيَ يَا رَبُّ غَيْرُ أَنْ تُجِيبَ وَ تَرْحَمَ مِنِّي الْبُكَاءُ وَ النَّحِيبُ. (۱)

پس ای پروردگار من آیا (پس از وسیله قرار دادن این شفیعان آبرومند) چیزی جز این باقی مانده که (دعایم را) اجابت کنی و به گریه و فغان من رحم کنی؟!

«نحیب» به معنای گریه با صدای بلند است (۲) و روشن است که امام عصر علیه السلام در پایان دعا که می خواهند از کل آن نتیجه بگیرند، چه حالی داشته اند که خود این گونه بیان کرده اند. تعبیر «هل بقی یا رب» با زیبایی و لطافت بر این نکته دلالت دارد که: خدایا، آیا پس از این که برگزیدگان در گاهت را واسطه تقرّب به سوی تو قرار دادم، راهی جز این باقی مانده که دعایم را اجابت کنی؟ همچنین از خدای مهربان خواسته اند که به اشک ها و ناله های بنده مقربش رحم آورده و از وجود ایشان با نصرت و فتح خویش، رفع اضطرار فرماید.

حال خوب است اندکی تأمل کنیم و بنگریم وقتی مولای پُر درد و رنج ما در زمان غیبتش این گونه با سوز و گداز به درگاه خداوند می نالد و برای فرجش - که فرج همه مؤمنان بلکه همه مظلومان عالم است - دعا می کند؛ ما که خود را به عنوان دوستدار ایشان و احیاناً خدمتگزار آن حضرت می شناسیم و تنها سرمایه خود را محبت به آن حضرت می دانیم؛ آیا نباید ذره ای از این حال بکاء و ضجّه و ابتهال را در قلب خود احساس کنیم؟! آیا نباید هفته ای، ماهی یا لااقل سالی یک بار با درصدی از این سوز به درگاه خدا بنالیم و فرج مولای مظلومان را از خداوند بخواهیم؟ اگر تابحال چنین تجربه ای نداشته و هیچ از این گونه حالات در خود ندیده ایم، پس وای به حال ما! چگونه منتظری هستیم که در فراق محبوبمان یک قطره اشک هم نریخته ایم و برای ۱.

ص: ۱۱۴

۱- مهج الدعوات، ص ۶۱۷.

۲- فرهنگ نوین، ص ۶۹۱.

رهایی او از رنج های زمان غیبت یک بار هم آن گونه که باید نسوخته ایم و به درگاه الهی دعای با ضجّه و بکاء نداشته ایم؟! بیایم در باقیمانده زمان غیبت آقایمان - که چه بسا زودتر از باقیمانده عمرمان به سر آید - جبران گذشته را بکنیم و خود را - همچون پیرزن کلاف به دست - با دعا برای تعجیل فرج یوسف زهرا علیها السلام جزء خریداران ایشان قلمداد کنیم.

## ۹- دعا در حالات مختلفی که وعده اجابتش داده شده

مطابق آنچه در بخش اول کتاب گذشت، در مورد بعضی افراد یا حالات خاصّی از دعا کنندگان به طور خاص وعده اجابت داده شده است. (۱) ما باید از فراهم بودن این امکان و شرایط ویژه برای دعا در حقّ امام عصر علیه السلام بهره کافی ببریم و در مواقعی که وعده اجابت داده شده، متذکّر دعا برای تعجیل فرج باشیم. در این جا به ده مورد از این شرایط اشاره می کنیم تا روشن شود که اگر کسی درصدد دعا برای مولایش باشد، از چه فرصت هایی می تواند بهره برداری مناسب بکند.

۱- اولین نمونه دعای فرد مؤمن است در حقّ برادر مؤمنش وقتی که به خاطر اهل بیت علیهم السلام به او مساعدت و کمکی کرده باشد. (۲) در این صورت دعای خیر انسان برای برادر دینی اش - که به او احسان نموده - مستجاب است. ملاحظه فرمایید در جایی که اگر کسی به خاطر اهل بیت علیهم السلام به دیگری نیکی کند، دعای آنکه مورد احسان واقع شده در حقّ نیکی کننده مستجاب باشد؛ دعای مؤمن در حقّ اهل بیت علیهم السلام که همه نیکی ها و خیرات از ایشان به او رسیده، به طریق اولی مستجاب خواهد بود و ما اگر برای امام عصر علیه السلام دعای خیر نماییم، در حقیقت برای همه اهل بیت علیهم السلام دعا کرده ایم؛ مهم این است که دائماً به این حقیقت متذکّر باشیم که هر خیری از هر طریقی که به ما می رسد، سرچشمه و منبع و مجرای رسیدن آن وجود مقدّس امام زمان علیه السلامی.

ص: ۱۱۵

---

۱- رجوع کنید به بخش اول کتاب، فصل سوم، قسمت اجابت شوندگان.

۲- بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۵۶، ح ۶، به نقل از امالی طوسی.

است. پس ما نباید همه واسطه‌ها را ببینیم و از سرچشمه و کانال اصلی فیض غافل باشیم.

۲- دعای دیگری که به فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام مردود نمی شود، دعای فرزند نیکوکار در حق پدرش است. (الْوَلَدُ الْبَارُّ لِوَالِدِهِ (۱)) روشن است که به تصریح احادیث، امام زمان علیه السلام پدر دلسوز (الوالد الشفیق (۲)) و مهربان بر رعیت خود هستند و حق ایشان بر فرزندان خود از حق هر پدر دیگری بر فرزندش بیشتر و بالاتر است. حال اگر یکی از فرزندان ایشان در حق این پدر، احسان و نیکی کرده باشد؛ دعایش در حق او مستجاب می شود. بنابراین چه خوب است که انسان متوجه این معنا باشد و اگر موفق به انجام کار خیری در حق مولایش شد، از وعده اجابت دعا که خداوند به او داده است، برای امام زمانش استفاده کند و این فرصت را خرج ایشان کند. به یقین بهترین استفاده از این فرصت، دعا برای تعجیل فرج و رهایی حضرت از رنج‌ها و گرفتاری‌های زمان غیبت می باشد.

۳- دعای دیگری که وعده اجابتش داده شده، دعای عمره گزار (معتمر) (۳) و حج گزار (حاج) (۴) است. این دو، مهمان‌های ویژه خداوند هستند که توفیق زیارت و طواف خانه او را پیدا کرده‌اند. آیا دوستداران امام زمان علیه السلام که به حج یا عمره مشرف می شوند، می‌دانند که چه فرصتی برای دعا در حق مولایشان دارند؟ چند درصد از ایشان به این موقعیت توجه دارند و آن را صرف دعا برای امامشان می‌کنند؟ حیف است که انسان این فرصت‌های طلایی و استثنایی را پیدا کند و از بهترین دعاها - که حتی برای خودش بیشترین فایده‌ها را دارد - غافل باشد.

۴- دعای دیگری که به فرموده امام هفتم علیه السلام از پیشگاه الهی مردود نمی‌گردد، ۱.

ص: ۱۱۶

---

۱- بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۴۲۳، ح ۴۰، به نقل از الارشاد مفید.

۲- اصول کافی، کتاب الحجّه، باب نادر جامع فی فضل الامام و صفاته، ح ۱.

۳- بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۵۴، ح ۱، به نقل از امالی صدوق.

۴- اصول کافی، کتاب الدعاء، باب من تستجاب دعوته، ح ۱.



کسی که یک روز را به خاطر امتثال امر خداوند روزه گرفته است، در وقت افطار پاداشی از جانب پروردگارش دارد و آن اجابت دعایش می باشد. چه زیباست که انسان قدرشناس، این پاداش را تقدیم به مولای خود کند و برای تعجیل فرج ایشان دعا کند. اگر این مولای مهربان ببیند که یکی از دوستانش، جایزه دریافتی خود را به ایشان تقدیم کرد، آیا بهترین پاداش ها و جوایز را از خداوند برای این دوست خود طلب نمی کند؟ آیا خودش که صاحب و مالک خزائن الهی است، به بهترین وجهی احسان دوست خود را تلافی نخواهد کرد؟ و حاشا و کلا!

۵- مورد بعدی دعای فرد بیمار است (۲)، به خصوص در حق کسی که به عیادت او می رود. (۳) خداوند به تلافی درد و رنجی که بیمار تحمل می کند، وعده استجاب دعا را به او داده است. آیا وقتی بیمار می شویم، توجه داریم که فرصتی برای دعا در حق امام زمان علیه السلام به دست آورده ایم که حیف است آن را در مسیر دیگری مورد استفاده قرار دهیم؟ اگر همه بیماران شیعه با توجه به این فرصت خدادادی، دعای مستجاب خود را خرج مولایشان کنند، آیا تأثیری در تعجیل فرج ایشان نخواهد داشت؟

آیا می دانیم که طبق فرموده امیرمؤمنان علیه السلام (۴) هر مؤمنی که مریض می شود، امام زمانش هم به خاطر بیماری او بیمار می شوند؟! و اگر دعایی کند، امام زمانش به دعای او آمین می گویند؟! بیماری آن حضرت در بیماری شیعه اش همچون بیمار شدن مادر است به خاطر بیماری فرزندش که به سبب شدت علاقه و محبت به او، چنین می شود و قطعاً امام زمان علیه السلام برای فرزندان از مادر در حق فرزند، مهربان تر و دلسوزتر هستند. حال که این پدر مهربان در بیماری فرزندش چنان رنجور می شود که خود ا.

ص: ۱۱۷

- ۱- بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۶۰، ح ۲۱، به نقل از الدعوات راوندی.
- ۲- اصول کافی، کتاب الدعاء، باب من تستجاب دعوته، ح ۱.
- ۳- بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۲۱۷، ح ۱۰، به نقل از ثواب الاعمال.
- ۴- بصائر الدرجات، جزء ۵، باب ۱۶، ح ۱.

بیمار می گردد، آیا رسم انسائیت و مروّت نیست که آن فرزند در هنگام بیماری به فکر پدر و مولایش باشد و برای او دعا کند، به این امید که این دعا به آمین خود او مستجاب گردد؟

نکته دیگری که توجّه به آن در این بحث مفید و سازنده است، اینکه طبق نقل جناب حسین بن روح نوبختی نایب سوم امام زمان علیه السلام در زیارت رجبیه، شفای بیماران صرفاً به برکت اهل بیت علیهم السلام صورت می پذیرد. در همان زیارت خطاب به آن ذوات مقدّسه می خوانیم:

فَبِكُمْ يُجَبِّرُ الْمَهِيضُ وَيُشْفَى الْمَرِيضُ. (۱)

شکستگی ها فقط به واسطه شما التیام پیدا می کند و بیماران صرفاً به سبب شما بهبودی می یابند.

این عبارات نشان می دهد که خداوند تنها صدقه سر امام عصر علیه السلام بیمار را شفا عنایت می فرماید. پس چقدر شایسته است که هر بیماری به خاطر سپاسگزاری از این واسطه نعمت، از دعا برای مولایش غفلت نکند تا مبتلا به کفران نعمت های الهی نگردد.

۶- یکی از دعاهایی که وعده اجابت آن داده شده، دعا در غیاب برادر مؤمن است. امام باقر علیه السلام فرمودند که چنین دعایی از پروردگار متعال محجوب نمی ماند و هر کس پشت سر مؤمنی برای او دعا کند، از جانب خداوند به او خطاب می شود:

و لَكَ مِثْلَهُ. (۲)

و مانند آنچه خواسته ای برای خودت است.

کدام برادر مؤمن را سراغ داریم که ایمانش از مولایش امام زمان علیه السلام کامل تر و حقوقش بر ما بیشتر باشد؟ طبق این وعده الهی اگر کسی در غیاب آن حضرت، برای ایشان دعا کند، مشمول همان دعا از جانب خداوند خواهد شد و به فرموده پیامبر ۲.

ص: ۱۱۸

۱- بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۹۵.

۲- اصول کافی، کتاب الدعاء، باب من تستجاب دعوته، ح ۲.

اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هیچ دعایی از دعای دیگری در حق برادر غائبش زودتر مستجاب نمی گردد. (۱)

بنابراین حیف است که از این فرصت برای دعا در حق بهترین برادر غایب خود، حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) استفاده نکنیم.

۷- از موارد دیگری که وعده اجابت دعا داده شده، وقتی است که به یک مؤمن فقیر کمک می شود، خداوند دعای آن نیازمند را مستجاب می فرماید. (۲) با این ترتیب هم مؤمن نیازمند و هم کسی که به او مساعدتی می کند، می توانند از این فرصت برای برآورده شدن حاجت هایشان استفاده کنند. اما حقیقتاً چند درصد از دوستان امام عصر علیه السلام از این امکان برای دعا در حق ایشان بهره برداری می کنند؟ آیا وقتی به فقیری کمک می کنیم، متذکر هستیم که به این وسیله فرصتی برای عرضه یک دعای مستجاب به پیشگاه خداوند فراهم نموده ایم؟ آیا خود آن مؤمن فقیر به این حقیقت توجه دارد؟

۸- یکی دیگر از دعاهای مستجاب، دعای کودکی است از امت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که هنوز به تکلیف نرسیده و مرتکب گناه نشده است. (۳) برخلاف آنچه گاهی مشاهده می شود که به کودکان در انجام عبادات اهمیت چندانی داده نمی شود، در اسلام کودکانی که پدر یا مادر آنها مؤمن باشند، احترام خاصی دارند و عباداتشان می تواند صحیح و مقبول باشد. یکی از این عبادت ها، دعای ایشان است که طبق وعده رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم پذیرفته و مستجاب می باشد.

بنابراین ما می توانیم و باید برای دعاهای کودکان امت اسلام حساب باز کنیم و برای برآورده شدن هر حاجتی - و در صدر همه تعجیل فرج مولایمان - از آنها بخواهیم دعا کنند یا خود دعا کنیم و آنان آمین بگویند. به همین جهت لازم است با برنامه ریزی های خاص تربیتی، کودکان خود را پیش از سن بلوغ با امام زمان علیه السلام.

ص: ۱۱۹

۱- همان، ح ۷.

۲- بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۶۰، ح ۲۰، به نقل از الجواهر کراچکی.

۳- همان، ص ۳۵۷، ح ۱۴، به نقل از صحیفه الرضا علیه السلام.

به طور شایسته آشنا کنیم تا زمینه برای اینکه اهل دعا در حق آن حضرت شوند، برایشان فراهم گردد. چه اشکالی دارد که فرزندان ما از ابتدای سنّ فهم و درک خود، دعا برای امام زمان علیه السلام را یاد بگیرند؟ چرا کودکان شیعه سال ها پیش از سنّ تکلیف بسیاری از مسائل غیر ضروری را یاد می گیرند، اما برنامه ای حساب شده براساس مشی تربیتی صحیح در جهت آشنایی با امام عصر علیه السلام و دعا برای آن حضرت، ندارند؟! گاهی همین کودکان از سنین طفولیت با اسامی ورزشکاران و هنرپیشگان داخلی و خارجی آشنا هستند ولی تکالیف ابتدایی خود را نسبت به امام زمانشان نمی دانند. آیا این امر معلول تقصیر والدین و مربیان آنان نیست؟

۹- یکی از دعاهایی که به فرموده پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم شکی در مستجاب شدنش نیست، دعای مسافر است. (۱) این فرصتی است که معمولاً بدون هیچ زحمتی برای انسان فراهم می شود. آیا توجه داریم که از این فرصت می توانیم برای دعا در حق امام زمان علیه السلام و تعجیل فرج ایشان استفاده کنیم؟ حقیقتاً چند درصد از شیعیان از این امکان بهره برداری کامل می کنند؟

۱۰- آخرین موردی که در این بحث اشاره می کنیم، دعای قاری قرآن است. به فرموده امام مجتبی علیه السلام هرکس قرآن تلاوت کند، دعایش مستجاب است یا فوری و سریع (عاجل) و یا در آینده (آجل) (۲). انصافاً از این همه قرائت قرآن که در میان مسلمانان انجام می پذیرد، چه تعدادی از آنها با دعا برای امام زمان علیه السلام همراه است؟ متأسفانه اکثریت قابل توجه از قاریان قرآن - چون شیعه نیستند و اعتقاد صحیحی به امام عصر علیه السلام ندارند - از معرض این عبادت شریف بیرون هستند. امّا شیعیان و دوستان آن حضرت چطور؟ آیا این قاریان، از تلاوت قرآن در جهت دعا برای تعجیل فرج مولایشان بهره کافی می برند؟ آیا به اندازه حاجات شخصی خود، به این امر اهمیت می دهند؟

ص: ۱۲۰

---

۱- بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۵۸، ح ۱۷، به نقل از نوادر الزاوندی.

۲- همان، ص ۳۱۳، ح ۱۷، به نقل از الدعوات راوندی.

یکی از آدابی که رعایت آن در دعا برای حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تأثیر بسزایی در اجابت دارد، دعا به نیابت از اهل ایمان است. نیابت در یک عمل به معنای انجام دادن آن از جانب «منوب عنه» است و نیابت در عبادت یابی است در فقه که شامل بسیاری از اعمال مستحبّ عبادی - از جمله دعا - می شود. در این جا قصد مطرح کردن ادله جواز نیابت را نداریم، این موضوع در جای خود مورد بحث قرار گرفته (۱) و اکنون تنها نیابت از یک مصداق عبادت یعنی دعا را مدنظر داریم.

ما می توانیم از جانب یک یا چند فرد دیگر دعا کنیم و با این کار «منوب عنه» را در دعای خود شریک کنیم. این نیابت انگیزه های مختلفی دارد: گاهی می خواهیم خیری به دیگری برسانیم، از جانب او دعا می کنیم تا این عمل عبادی در نامه عمل او ثبت گردد؛ گویی خود او این عمل را انجام داده است. گاهی هم می خواهیم دعایمان به اجابت نزدیک تر شود، لذا از جانب مؤمن آبرومندی دعا می کنیم تا خداوند به خاطر او دعایمان را اجابت کند. در نیابت از دیگری فرقی بین زنده و مرده نیست چنانچه بین یک یا چند نفر هم تفاوتی وجود ندارد. می توانیم از یک یا چند فرد زنده یا مرده نیابت کنیم یا از عده ای که برخی از آنها مرده و برخی دیگر زنده هستند. اگر از جانب تعداد زیادی نیابت کنیم، بهره و حظّ هر یک، کمتر از وقتی که فقط از یک نفر نیابت کنیم، نمی شود. با این ترتیب می توانیم بسیاری از عبادت های مستحبّی خود - از جمله دعا - را به نیابت از تعداد زیادی زن و مرد مؤمن انجام دهیم تا هم آنها را در عبادت خود شریک نماییم و به هم به خاطر آبرویی که حداقل برخی از آنها نزد خدا دارند، دعایمان زودتر به اجابت برسد.

دعا در حقّ امام عصر علیه السلام هم از این قاعده کلی مستثنا نیست. اگر می خواهیم دعای ما برای مولایمان هم برای خودمان بیشتر فایده داشته باشد و هم خیر بیشتر به ت.

ص: ۱۲۱

---

۱- به عنوان نمونه در کتاب «در ضیافت ضریح» بخش سوم، فصل سوم بحث مختصر و مستندی در مورد انجام عبادت به نیابت مطرح شده است.

دیگران و خود امام زمان علیه السلام برساند، خوب است که در دعاهایمان سایرین را شریک کنیم و به نیابت از آنان دعا کنیم. البته نیابت در عبادت باعث نمی شود که - در صورت قبولی آن - چیزی از بهره ما در عبادت کاسته شود، بلکه به دلایلی که گفتیم احتمال بهره بردن ما را بیشتر می کند. بنابراین نیابت از دیگران، ما را از زمره عاملان آن عبادت، خارج نمی سازد.

نمونه هایی از این گونه دعا کردن را در آنچه از ائمه اطهار علیهم السلام به ما رسیده است، مشاهده می کنیم. در همین دعای عهد معروف که از وجود مقدس امام صادق علیه السلام نقل شده و فضائل زیادی برای خواندن آن در چهل صبح ذکر فرموده اند. (۱) چنین می خوانیم: اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا وَ سَيِّئِهَا وَ جَبَلِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ عَنِّي وَ عَنِ الْإِتْدَى مِنَ الصَّلَوَاتِ زَنَّهُ عَرْشِ اللَّهِ وَ مِمْدَادِ كَلِمَاتِهِ وَ مَا أَحْصَاهُ عِلْمُهُ وَ أَحَاطَ بِهِ كِتَابُهُ. (۲)

این عبارات، دعایی است در حق امام زمان علیه السلام که دعاکننده از خدا می خواهد که بالاترین درودها و رحمت های خود را - به اندازه عرش خدا و جوهر کلمات او و آنچه مشمول علم خدا گردیده و در کتابش گنجانده شده - بر وجود مقدس مهدی قائم علیه السلام ارزانی کند. در این جا دعاکننده تصریح نموده که این درخواست را از جانب خودش و پدر و مادرش و همه مردها و زنان با ایمان در سراسر زمین - دشت و کوه و خشکی و دریا - مطرح می کند. این یک نمونه از دعایی است که دعاکننده افراد بسیار زیادی رار.

ص: ۱۲۲

- 
- ۱- امام صادق علیه السلام فرموده اند: هر کس چهل صبح این دعا را بخواند، از یاوران قائم علیه السلام باشد. اگر پیش از ظهور ایشان بمیرد، خدای متعال او را از قبرش بیرون می آورد و به ازاء هر کلمه دعا، هزار حسنه به او عطا می فرماید و هزار بدی را از او محو می سازد. (بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۵، ح ۱۱۱، به نقل از مصباح الزائر)
  - ۲- بحار الانوار، ج ۵۳، ح ۱۱۱، به نقل از مصباح الزائر.

در عمل خود شریک می گرداند و با این کار هم خیری به آنان می رساند و هم اجابت دعایش را سهل تر و سریع تر می سازد. هرچند در این دعا صراحتاً نیابت از دیگران مطرح شده ولی لزومی ندارد که همیشه چنین باشد و نیابت صرفاً با نیت شخص تحقق پیدا می کند. همین که انسان در قلب خود از جانب یک یا چند فرد قصد نیابت کند، آثار آن بر عملش مترتب می شود و نیازی نیست که نیت خود را به زبان آورد.

با این ترتیب ما می توانیم در همه دعاهایی که در حق امام عصر علیه السلام به خصوص تعجیل فرج ایشان می خوانیم، قصد نیابت کنیم و افراد زیادی را در این عمل شریف، شریک خود قرار دهیم. در این کار به خصوص ذوی الحقوق خود را نباید فراموش کنیم که در رأس آنها خود امام زمان علیه السلام هستند. پس از ایشان کسانی که ما را با دین خدا و ائمه هدی علیهم السلام آشنا کرده و ارادت ورزی به اهل بیت علیهم السلام را به ما آموخته اند، همچنین پدر و مادر و پدران و مادرانی که اگر ایشان نبودند، خیری به ما نمی رسید. بعد از اینها نوبت می رسد به سایر ذوی الحقوق اعم از اساتید، فرزندان، ارحام و ... . در میان ذوی الحقوق، علما و دانشمندان بزرگ شیعه که سهم وافری در ضبط معارف الهی و رساندن آن به نسل های بعدی داشته اند - همچون علامه کلینی و مرحوم شیخ صدوق علامه مجلسی و ... - نباید فراموش شوند. به هر حال قصد نیابت باب پر برکتی است که با ورود به آن، خیرات غیر قابل وصفی نصیب انسان می گردد. انشاءالله دوستان امام زمان علیه السلام از این امکان برای زودتر اجابت شدن دعاهایشان در حق آن حضرت استفاده کافی ببرند.

### اشاره

پس از اینکه با چگونگی دعا برای امام زمان علیه السلام آشنا شدیم، اکنون در آخرین فصل این بخش اشاره ای خواهیم داشت به برخی از دعاهایی که می توانیم در حق مولایمان داشته باشیم. به طور کلی دعاهای ما دو گونه هستند: یا متن و عبارت آنها عیناً از زبان یا قلم معصوم علیه السلام صادر شده و یا غیر معصومین آنها را انشا کرده اند. قسم اول را دعاهای ماثور می نامیم چون از ناحیه مقدسه معصوم علیهم السلام به ما رسیده است و قسم دوم، دعاهای غیر ماثور هستند که شامل دعاهایی که خودمان - به زبان فارسی یا هر زبان دیگری - انشا می کنیم، می گردد. ابتدا به بحث درباره دعاهای غیر ماثور می پردازیم.

### الف- دعاهای غیر ماثور

#### اشاره

اولین نکته این است که دعا به معنای خواندن خداست و ما مجازیم که به هر زبانی خداوند را بخوانیم به شرط آنکه عبارات ما دال بر تشبیه پروردگار نباشد. تشبیه به این است که مثلاً او را جسم یا جسمانی بدانیم و تعبیری را به کار ببریم که دلالت بر جسمانیت ذات مقدس خداوند داشته باشد. بنابراین اگر کسی خدای خود را انسان گونه بخواند - مثلاً برای او دست و پا و گوش و زبان شبیه آنچه در انسان هاست، قائل شود - مرتکب تشبیه شده است. اگر با هر زبانی که دعا می کنیم، چنین انحرافات



در عباراتمان نباشد، انشاء دعا اشکالی ندارد.

البته نوع خواندن خداوند در حالات مختلف، مختلف است. گاهی می خواهیم به طور ساده بگوییم: «خدایا ظهور مولای ما را برسان». این گونه دعا کردن پیچیدگی خاصی ندارد و برای همگان میسر و ممکن است. کافی است از لفظی که بر ذات خداوند دلالت می کند معنایی که دال بر تشبیه باشد، اراده نکنند. گاهی الفاظی برای حکایت از پروردگار متعال به کار می رود که معنای تشبیهی دارند و دعاکننده از روی جهل همان معنای باطل را اراده می کند. این جا باید او را متذکر خطایش نمود تا از ورطه تشبیه ناخواسته، به درآید. امّا اگر با علم به اینکه لفظ دال بر تشبیه است، آن را بر خداوند اطلاق نماید و همان معنای تشبیهی - مثلاً جسمائیت - را اراده کند، مرتکب خطای نابخشودنی شده و دعایش مردود است.

پس نوع افراد عادی در دعاهایی که به زبان ساده - فارسی، عربی و ... - می کنند، نیاز به معلومات چندانی در معارف دینی ندارند. امّا اگر از این سادگی درآید و کسی بخواهد از حدّ به کار بردن الفاظی که فقط بر وجود مقدّس پروردگار دلالت می کند، بالاتر رود؛ باید با علوم و معارف دینی آشنایی داشته باشد. مثلاً اگر بخواهد در مقدمه دعا به حمد و ثنای الهی پردازد یا در ضمن دعا به مسائلی همچون قضا و قدر و بداء اشاره نماید، باید معنای صایح تحمید و توصیف خدا و معانی اصطلاحات خاصّ قرآنی و روایی را بداند و این کار از سطح دانش نوع عوام بالاتر است. کسانی صلاحیت این گونه دعا کردن را دارند که با معارف توحیدی اهل بیت علیهم السلام آشنایی خوب و قابل قبولی دارند. این گونه افراد معمولاً در دعاهایی که انشا می کنند از عین عبارات ائمه علیهم السلام یا حدّاقل مضامین آنها استفاده می کنند، چون با زبان ایشان مأنوس هستند و به طور معمول چیزی خارج از حوزه معارف اهل بیت علیهم السلام به زبان نمی آورند.

یکی از بهترین نمونه های این گونه دعا، دعای معروف «عالیه المضامین» است که در کتب ادعیه همچون «مفاتیح الجنان» نقل شده است. این دعا با اینکه مأثور از معصوم علیهم السلام نیست امّا الفاظ آن یا عیناً الفاظ احادیث است و یا همان مضامین را - با

مختصر اختلافی در تعبیر - در بر دارد. همین ویژگی نشان می دهد که فرد یا افرادی که این دعا را انشا کرده اند، از علمای آشنا به معارف اهل بیت علیهم السلام بوده اند.

نمونه ای از این دانشمندان، مرحوم علامه سیدبن طاووس - متوفای سال ۶۶۴ هجری قمری - است که میزان احاطه ایشان به ادعیه مأثور از ائمه علیهم السلام از کتاب های ارزشمندی چون «اقبال الاعمال» و «مهج الدعوات» و «جمال الاسبوع» پیداست، ایشان در برخی از کتابهایش دعاهایی را که خود انشا کرده، نقل نموده است. (۱)

### مقایسه دعای غیرمأثور همراه با حضور قلب با دعای مأثور بدون آن

نکته ای که در مورد دعاهای غیر مأثور جالب توجه است اینکه گاهی انسان اگر از روی مکتوبی دعایی را که از ائمه اطهار علیهم السلام نقل شده بخواند، توجه و حضور قلب چندانی به محتوا و مضمون آن ندارد، اما اگر با زبان خودش متناسب با حال درونی اش دعا کند، با اقبال و رقت قلب بیشتری همراه است. در این صورت خوب است که از حال شخصی اش برای انشاء دعا کمال استفاده را ببرد. در برخی از روایات به این نکته با بیان زیبایی اشاره کرده اند. نمونه آن روایتی است که زراره از امام صادق علیه السلام نقل کرده است. می گوید:

از امام صادق علیه السلام خواستم تا دعایی به من تعلیم فرماید.

ایشان فرمودند:

إِنَّ أَفْضَلَ الدُّعَاءِ مَا جَرَى عَلَى لِسَانِكَ. (۲)

بهترین دعا آن چیزی است که به زبانت جاری شود.

یک احتمالی که در معنای این جمله امام علیه السلام می توان داد اینکه مراد دعایی است که انسان به اقتضای حال درونی اش به زبانش جاری می شود. آنچه به طور طبیعی به زبان می آید، از نیازی ناشی می شود که قلباً احساس می کند. به همین جهت اقبال قلبی ۱.

ص: ۱۲۶

۱- مراجعه کنید به مهج الدعوات ص ۵۴۱ و ۵۴۲ تحت عنوان «دعوات للمؤلف».

۲- وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۷۱، باب ۶۲، ح ۱.

در آن وجود دارد و همین شرایط اجابت آن را بهتر فراهم می سازد. شاید - همان طور که مؤلف کتاب «مکیال المکارم» استنباط کرده - بتوان از فرمایش امام صادق علیه السلام استفاده کرد که: دعای غیر مأثور همراه با حضور قلب از دعای مأثور بدون حضور قلب افضل می باشد. (۱)

با این ترتیب هرچند که دعای مأثور به طور مطلق از دعای غیر مأثور بهتر است، اما شرایط روحی دعاکننده هم باید در نظر گرفته شود. اگر بتواند دعای نقل شده از ائمه علیهم السلام را با حضور قلب بخواند، بهتر از این است که خودش دعایی انشا کند.

کسانی که معنای دعای مأثور را می فهمند و هنگام خواندن دعا همان معنا را قصد می کنند، حضور قلب بیشتری در دعا دارند نسبت به کسانی که موقع دعا خواندن چیزی از معنای آن سر در نمی آورند. اینها اگر حالی هم پیدا کنند، برخاسته از معانی دعا نیست بلکه از غیر متن دعا ناشی می شود. در این صورت با اینکه صرف خواندن دعای مأثور مصداق عبادت و امثال فرمایش امام علیه السلام است و اگر از خیر آن بگذرند، فضیلت خواندن آن دعا را از دست می دهند، اما از جهت دیگر وقتی با دعایی که به مقتضای حالشان به زبانشان جاری می شود، حضور قلب بیشتری پیدا می کنند و می فهمند که چه می گویند، خوب است که در کنار خواندن دعای مأثور یا - اگر کسب فضیلت آن دعا برایشان مهم نیست - به جای خواندن آن، به زبان خودشان دعا کنند و آنچه می خواهند را از پیشگاه الهی با حال خودشان درخواست نمایند.

بر این اساس، در دعا برای امام زمان علیه السلام و تعجیل فرج ایشان هم نباید از این امر غفلت شود. دعاها ی زیادی در این خصوص از ائمه اطهار علیهم السلام نقل شده که خواندن آنها - هرچند که همه معانیش را نفهمیم - مصداق عبادت و دعا برای حضرت هست؛ امّا گاهی انسان اگر به زبان و مقتضای حال خود برای امام زمان علیه السلام دعا کند، حضور قلب بیشتری پیدا می کند. گاهی انسان چیزهایی را از خدا برای امامش می خواهد که به زبان دلخواهش در دعاها ی مأثور نیست یا او سراغ ندارد. این جا بهتر است یا در کنار دعاها ی مأثور و یا بجای آن - بسته به اینکه بخواهد از فضیلت دعای ۰.

ص: ۱۲۷

مأثور بهره مند شود یا خیر - به همان زبانی که دوست دارد و می فهمد که چه می گوید، برای امامش دعا کند و تعجیل فرج آن حضرت را از خداوند طلب نماید.

ولی اگر انسان معانی دعاهای مأثور برای امام زمان علیه السلام را می فهمد و می تواند با توجه و قصد کردن مضامین آنها، با حضور قلب همان دعاها را بخواند، بسیار بهتر از این است که به زبان خودش دعا کند. در مجموع جمع کردن بین دو گونه دعا کردن، بهترین کار است. هم از خیر خواندن دعاهای مأثور نگذرد و هم اگر حال حضور قلبی در دعا به زبان خودش پیدا می کند، به آن هم در کنار دعای مأثور عمل نماید.

انسان به تعبیر مختلفی می تواند برای تعجیل فرج مولایش دعا کند که شاید برخی از آنها در دعاهای مأثور نیامده باشد، مثلاً اینکه: «خدایا دعای کسانی که دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام می کنند را مستجاب فرما» یا اینکه: «خدایا تعداد دعاکنندگان برای تعجیل فرج را بیشتر کن» این گونه دعاها به صورتی که انسان به زبان خودش می تواند بگوید، در دعاهای مأثور نیامده است و بنابراین خوب است که در کنار آنها از خیر این گونه دعا کردن نگذریم.

## ب- دعاهای مأثور

### برتری دعاهای مأثور بر غیر مأثور

دعای مأثور دعایی است که از ناحیه معصوم علیه السلام به ما رسیده و الفاظش انشای فرد عادی نیست. اگر بخواهیم خدا را بخوانیم، به چه الفاظی بهتر است؟ آیا معصومین علیهم السلام بهتر از دیگران خدا را نخوانده اند؟ یکی از آداب بسیار مهم دعا، مقدم کردن توصیف خدای متعال است. در این مقام ما بهتر می توانیم خدا را توصیف کنیم یا اهل بیت علیهم السلام که آنچه از توحید و اسماء و صفات پروردگار یاد گرفته ایم، به تعلیم ایشان است؟ ما می بینیم که صحیح ترین و گویاترین و دلنشین ترین مناجات ها با خدای متعال از زبان معصومین علیهم السلام نقل شده است. غیر ایشان نتوانسته و نمی تواند مانند آنها خداوند را بخواند. در بسیاری موارد مشاهده می کنیم که افراد دیگر در مقام توصیف پروردگار مطالبی به زبان می آورند که بعضاً اشتباه است. مثلاً الفاظ، دالّ بر تشبیه

خداوند می باشد و اگر هم صحیح باشد، به یقین از خود اهل بیت علیهم السلام اخذ شده است. لذا می توانیم ادعا کنیم که هیچکس در شناخت صحیح خدای متعال بی نیاز از تعلیم خاندان عصمت و طهارت نیست و هرکس اگر مطلب صحیحی در باب توحید و معرفه الله می گوید - چه بداند و چه نداند - آن را از سرچشمه وحی دریافت کرده و واسطه اش وجود مقدس معصومین علیهم السلام بوده اند. این موضوع درباره فرشتگان الهی هم که:

لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ. (۱)

فرشتگان در گفتار از خداوند سبقت نمی جویند و صرفاً به امر او عمل می کنند.

صادق است چه رسد به افراد عادی. طبق آنچه در احادیث متعدد نقل شده است، ملائکه تسبیح و تهلیل و تحمید پروردگار را از اهل بیت علیهم السلام آموخته اند. به عنوان نمونه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ضمن فرمایشات مفصّلی به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

... فَسَبَّحَتِ الْمَلَائِكَةُ لِتَسْبِيحِنَا... فَبِنَا اهْتَدَوْا إِلَى مَعْرِفَةِ (تَوْحِيدِ) اللَّهِ تَعَالَى وَ تَسْبِيحِهِ وَ تَهْلِيلِهِ وَ تَحْمِيدِهِ. (۲)

... فرشتگان به خاطر تسبیح ما، (خدا را) تسبیح کردند... پس به سبب ما به معرفت (توحید) خدای متعال و تسبیح و تهلیل و تحمید او هدایت شدند.

با این ترتیب روشن است که هیچکس در نحوه بندگی خداوند - که توصیف و تحمید او هم از مصادیق آن است - از تعالیم اهل بیت علیهم السلام بی نیاز نیست. پس قطعاً بهترین ثناها و عمیق ترین مناجات ها و دلنشین ترین دعاها را در کلمات خاندان عصمت و طهارت می توان یافت و این یکی از ادله ترجیح دعای مأثور بر غیر مأثور است.

جنبه دیگری که ملاک فضیلت دعای مأثور بر غیر مأثور است، ثواب هایی است ۴.

ص: ۱۲۹

۱- انبیاء/۲۷.

۲- کمال الدین، باب ۲۳، ح ۴.

که بر خواندن دعای مأثور مترتب می باشد. نوع دعاهایی که از معصومین علیهم السلام نقل شده دارای فضایی است که برای خواندن آنها بیان شده و شرط درک آنها دانستن معانی و توجه به محتوای آن نیست. بنابراین می توان یک دعای مأثور را فقط برای درک ثوابش قرائت کرد. البته اگر خواننده دعا معانی آن را بداند و در ضمن خواندن، قصد همان معانی را بکند قطعاً اولی و افضل است، ولی چنین نیست که در فرض عدم درک معانی، ثوابی بر خواندن آن مترتب نباشد. بهترین حالت این است که انسان با عنایت به مضامین دعاهای مأثور، مطابق آنچه اهل بیت علیهم السلام فرموده اند، دعا بخواند یعنی تا آنجا که می تواند از همان ادعیه مأثوره استفاده کند و در کنار آنها با زبان و انشاء خودش هم آنچه می خواهد - به شرط صحت - از خدایش طلب نماید. در این صورت هم فضیلت خواندن دعاهای مأثور را درک کرده و هم با حال و قلب خودش آنچه را که می خواسته به زبان آورده است.

### **اهتمام ائمه طاهرین علیهم السلام به دعا در حق امام عصر علیه السلام**

با توجه به این مقدمه، باید به دعاهایی که از اهل بیت علیهم السلام در خصوص امام عصر علیه السلام و تعجیل فرج ایشان وارد شده، اهمیتی خاصی بدهیم. ما می دانیم که همه ایشان اهتمام زیادی به دعا در حق امام زمان علیه السلام داشته اند. خوب است به اظهار نظر یکی از والاترین صاحب نظران در این خصوص توجه نماییم:

پوشیده نیست بر کسی که تتبع و ممارست در حالات و دعوات ائمه طاهرین علیهم السلام داشته باشد، اینکه چه قدر اهتمام در امر دعا نمودن به حضرت صاحب الزمان علیه السلام و مسئلت فرج آن جناب از خداوند عالمیان جلّ شأنه داشته و دارند. و اگر بخواهی اندکی بر صدق این مدّعی آگاه شوی، ملاحظه کن. دعای حضرت امیر علیه السلام را در ضمن حدیث مروی در «غیبت نعمانی» و دعای حضرت سیدالساّجدین علیه السلام را در روز عرفه در «صحیفه سجّادیّه» و بعد از نماز ظهر و نماز عصر روز جمعه مروی در «جمال الاسبوع»، و دعای حضرت صادق علیه السلام را به آن حضرت بعد از نماز ظهر مروی در «فلاح

السَّائِلِ» و «بحار». و دعای آن حضرت را صبح بیست و یکم ماه رمضان مروی در «اقبال» و دعای حضرت امام موسی کاظم علیه السلام را بعد از نماز عصر، مروی در «فلاح السَّائِلِ» و دعای حضرت امام رضا علیه السلام را مروی در «جمال الاسبوع» و دعای امام محمد تقی علیه السلام را مروی در «کافی»، و دعای امام حسن عسکری علیه السلام مروی در «مُهَجِّجُ الدَّعَوَاتِ»، و دعای مروی از خود آن جناب مروی در «کمال الدِّین» و قنوت نماز ظهر جمعه مروی در «جمال الاسبوع» و دعای بعد از دو رکعت اولی نماز نافله شب، مروی در «مصباح المتَّهِّجِد» و «مفتاح الفلاح» و دعای روز بیست و پنجم ماه ذی قعدة، و دعای صبحهای روزهای جمعه و دعای بعد از نمازهای فریضه، و دعای وقت رفتن به مسجد در روز جمعه، و دعای افتتاح و غیر اینها، که ذکرش موجب طول است. بلکه از عبارت دعای روز عرفه، و روایت مرویه در «جمال الاسبوع» در باب قنوت روز جمعه و بعض ادله دیگر، ظاهر می شود که مؤمن هر دعایی که می نمایی، باید ابتدا کند به دعای از برای حضرت صاحب الزَّمان «عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ وَظَهْرَهُ». (۱)

دعاهای ائمه علیهم السلام در حق امام زمان علیه السلام مضامین مختلفی دارد. عموم آنها شامل درخواست سلام و صلوات از خداوند برای ایشان است، و در بیشتر آنها تأکید خاص بر تعجیل فرج آن حضرت به چشم می خورد و در بسیاری از آنها نیز برای اعوان و انصار ایشان - چه در زمان غیبت و چه ظهور - دعا کرده اند. مهم ترین دعا در حق امام عصر علیه السلام، دعا برای تعجیل فرج ایشان می باشد که به تصریح امام صادق علیه السلام - در دعای صبح بیست و یکم ماه مبارک رمضان - فرج همه اولیا و برگزیدگان خدا به آن حاصل می شود. عین عبارت ایشان این است:

أَسْأَلُكَ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَنْ تَأْذَنَ لِفَرَجِ مَنْ بَفَرَجِهِ فَرَجُ أَوْلِيَائِكَ وَ أَصْفِيَائِكَ مِنْ خَلْقِكَ... عَجَّلْ ذَلِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ. (۲)ن.

ص: ۱۳۱

۱- مرحوم میرزا محمد تقی اصفهانی، کنز الغنائم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام، ص ۷۲ و ۷۳.

۲- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳، ح ۱۴، به نقل از کمال الدین.

(خدایا) از تو می‌خواهم ... که بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت او درود بفرستی و اجازه فرمایی فرج کسی را که فرج همه اولیا و برگزیدگان از آفریدگان به فرج اوست... ای پروردگار عالمیان در این امر تعجیل فرما.

سؤالی که در این جا به ذهن می‌رسد این است که: دعا برای تعجیل فرج امام دوازدهم در زمان امامان گذشته چه وجهی دارد؟ ما که در زمان غیبت ایشان به سر می‌بریم، وقتی برای جلو افتادن ظهور آن حضرت دعا می‌کنیم، معنایش این است که می‌خواهیم خداوند هرچه زودتر به ایشان اجازه آشکار شدن بدهد. اما در زمان ائمه پیشین علیهم السلام - که امام دوازدهم یا هنوز متولد نشده بودند و یا کودکی چند ساله بودند که هنوز به امامت هم نرسیده بودند - جلو افتادن ظهور چه معنایی دارد؟

پاسخ این سؤال با اندک تأملی روشن می‌شود. امامان گذشته از زمان حیات خودشان نگران وضعیت زمان غیبت آخرین وصی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم بوده‌اند و برای رهایی زودتر ایشان و امتشان از رنج‌ها و سختی‌های این زمان دعا می‌کرده‌اند.

ائمه علیهم السلام از پیشگویی‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که از غیبت طولانی آخرین وصی خود پیش از ظهورش خبر داده بودند، اطلاع داشتند. (۱) همچنین از اینکه مدّت زمان غیبت ایشان امری قابل بداء می‌باشد نیز آگاه بودند. بنابراین ملاحظات، دعای ایشان برای تعجیل فرج آخرین امام علیه السلام به این منظور بوده که خداوند مدّت زمان غیبت آن حضرت را کوتاه‌تر کند تا هم خود ایشان و هم منتظران ظهورش رنج کمتری از دوران غیبت متحمل شوند و وعده‌ای که خدا به اولیایش داده است، زودتر محقق گردد.

### دعای امام عصر علیه السلام برای تعجیل فرج خویش

باید توجه داشت که دعاهای ائمه علیهم السلام برای تعجیل فرج اختصاص به زمان امامان گذشته نداشته و تا زمان ظهور امام زمان علیه السلام ادامه دارد. این حقیقت را می‌توانیم از دو جهت توضیح دهیم: یکی اینکه خود امام عصر علیه السلام هم برای جلو افتادن ظهورشان دعا (۲)

ص: ۱۳۲

---

۱- به عنوان نمونه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: *يُظَهَّرُ بَعْدَ غَيْبِهِ طَوِيلًا*؛ پس از غیبتی طولانی ظهور می‌کند. (کمال الدین، باب ۲۴، ح ۲)



می کنند و قطعاً هیچ فرد زنده ای در حال حاضر به اندازه خود حضرت اهتمام به این امر ندارد. دلیلی که می توانیم برای این ادعا ارائه نماییم، این است که دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام یک عبادت بسیار ارزشمند و شریف است که روایات زیادی بر انجام آن تأکید کرده اند. هر کس درجه ایمانش بالاتر باشد، در عمل به این عبادت اهتمام بیشتری به خرج می دهد. روشن است که در زمان ما هیچ فرد زنده ای که ایمانش در رتبه امام عصر علیه السلام باشد، روی کره زمین یافت نمی شود. پس خود آن حضرت بیش از هر کس دیگری به این امر اهتمام دارند. برخی دعاهایی که از امام زمان علیه السلام در این خصوص نقل شده نشانگر شدت این اهتمام است. نمونه روشن آن را در فرازهایی از دعای «عبرات» ملاحظه کردیم. نمونه دیگر در قنوت نماز ایشان نقل شده که قسمتی از آن چنین است:

فَإِنَّكَ اللَّهُمَّ قُلْتَ: ... «فَلَمَّا آسَفُونَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ» (۱) وَإِنَّ الْغَايَةَ عِنْدَنَا قَدْ تَنَاهَتْ وَ إِنَّا لِعَضِّبُكَ غَاضِبُونَ وَ إِنَّا عَلَى نَصْرِ الْحَقِّ مُتَعَصِّبُونَ وَ إِلَى وُرُودِ أَمْرِكَ مُشْتَأِقُونَ وَ لِإِنجَازِ وَعْدِكَ مُرْتَقِبُونَ وَ لِحُلُولِ وَعْدِكَ بِأَعْدَائِكَ مَتَوَقِّعُونَ. (۲)

پس خدایا تو خود فرمودی: «پس آنگاه که ما را اسفناک ساختند، ما از ایشان انتقام گرفتیم» و به راستی که مهلت و فرصت (برای ظالمان و جباران) نزد ما به سر آمده و ما برای خشم تو خشمگین هستیم و ما بر یاری حق، همداستان هستیم و به صدور فرمانت مشتاقیم و در انتظار تحقق وعده ات هستیم و چشم به راه فرا رسیدن تهدیدهایت نسبت به دشمنانت هستیم.

اینکه حضرت در دعا عرضه داشته اند که مهلت ظالمان از نظر ایشان پایان یافته است، معنایش این نیست که خدای ناکرده خواسته باشند در کار خداوند پیش از صدور فرمان او، شتاب بورزند یا اینکه از قضای الهی در مورد غیبت خویش اعلامت.

ص: ۱۳۳

۱- زخرف/۵۵.

۲- مهج الدعوات، ص ۱۵۰ و ۱۵۱، متن کامل این قنوت در بخش سوم کتاب آمده است.

عدم رضایت کنند. هیچ مؤمنی به چنین اشتباه بزرگی نمی لغزد، چه برسد به امامی که مظهر ایمان کامل و بنده بی نظیر خداوند در زمان حاضر می باشند. ایشان بیشترین و کامل ترین درجه تسلیم و رضا را نسبت به خواست خداوند و امر او دارا هستند.

این جمله حضرت در حقیقت بیان حال خود ایشان و زبان شکایت - البتّه همراه با رضایت - از دردهایی است که ایشان در این زمان دارند. وقتی به خدای خویش عرضه می دارند که فرصت از نظر ما تمام شده است، می خواهند نهایت ناراحتی و رنج خود را از غم و غصّه های خویش - البتّه به خاطر خدا و برای رضای او - بیان کنند. در ادامه عرضه داشته اند که خشم ایشان خشم خداست و در عین حال مشتاقانه منتظر صدور فرمان الهی برای ظهور خود هستند.

در دعای دیگری هم که از وجود مقدّس حضرت مهدی علیه السلام در تعجیل فرج خودشان نقل شده چنین آمده است:

يَا نُورَ النُّورِ يَا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ... اجْعَلْ لِي وَلِشِيعَتِي مِنَ الصَّيْقِ فَرَجًا وَمِنَ الْهَمِّ مَخْرَجًا وَأَوْسَعَ لَنَا مِنَ الْمَنْهَجِ وَأَطْلِقْ لَنَا مِنْ عِنْدِكَ مَا يُفْرَجُ (۱).

ای نور روشنایی و ای تدبیرکننده امور... برای من و شیعیانم گشایشی از تنگناها و راه نجاتی از ناراحتی ها قرار بده و راه (پیروزی) را برای ما وسیع گردان و از جانب خود آنچه فرج ما را برساند، بر ما ارزانی دار.

تعبیر «صیق» به معنای تنگناها که در این دعا به کار رفته است، به خوبی حال امام علیه السلام را نشان می دهد؛ به خصوص که ایشان برای خود و شیعیانشان از خداوند خروج از تنگناها و خلاصی از غم و غصّه ها را خواسته اند و این هم اشاره ای است به این حقیقت که پدر مهربان امت در گرفتاری ها و رنج های فرزندان خویش، مغموم و گرفتار می شوند. (۲)

دعای دیگری از آن حضرت در قنوت نمازشان نقل شده که در آن اصرار و الحاح ۱.

ص: ۱۳۴

۱- المصباح (کفعمی)، ص ۳۰۵.

۲- سلوک منتظران، ص ۱۳۹ تا ۱۴۱.

ایشان بر درخواست تعجیل فرج از خدای متعال واضح و روشن می باشد. ایشان در این دعا پس از حمد و ثنای الهی، خدا را به ده اسم و به آنچه پیامبران اولوالعزم علیهم السلام دعا کرده اند، می خوانند. سپس به اسمی دعا می کنند که هرکس خدا را به آن بخواند، دعایش را اجابت می کند و در انتهای دعا با عبارات مختلف فرج خود را از خداوند درخواست می نمایند:

يَا مَنْ لَا يُخْلِفُ الْمِعَادَ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي وَاجْمَعْ لِي أَصْحَابِي وَصَبِّرْهُمْ وَانصُرْ نِي عَلَى أَعْدَائِكَ رَسُولِكَ وَلَا تُخَيِّبْ دَعْوَتِي فَإِنِّي عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ أُمَّتِكَ أَسِيرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ... (۱)

ای آنکه خلف وعده نمی کنی، وعده ای را که به من فرموده ای، محقق فرما و یارانم را برایم جمع کن و به آنان صبر بده و مرا (برای غلبه) بر دشمنانت و دشمنان پیامبرت یاری کن و مرا از اجابت دعایم محروم مکن، همانا من بنده تو پسر بنده ات و پسر کنیزت و اسیری در دستان تو هستم.

همان طور که مرحوم سیدبن طاووس پس از نقل این قنوت ها اشاره کرده اند، از عبارات این دعاها حال روحی ایشان هنگام خواندن آنها برای ما روشن می شود. نتیجه اینکه تنها باقیمانده الهی - حضرت بقیه الله ارواحنا فداه - از اهل بیت عصمت و طهارت در حال حاضر برای تعجیل فرج خودشان - که فرج همه انبیا و اولیای الهی است - همواره دعا می کنند. این یک جهت از این حقیقت است که گفتیم دعاهای ائمه علیهم السلام تا زمان فرارسیدن وعده فرج نهایی ایشان ادامه دارد.

### **دعای ارواح پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام در حق امام عصر علیه السلام**

جهت دوم این است که علاوه بر خود امام زمان علیه السلام، ارواح پاک ائمه طاهرين علیهم السلام و رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به همراه فرشتگان و ارواح پیامبران الهی نیز در زمان غیبت امام عصر علیه السلام برای تعجیل فرج ایشان دعا می کنند. یعنی دعا در حق امامت.

ص: ۱۳۵

---

۱- مهج الدعوات ص ۱۵۳، متن کامل این دعا در بخش سوم کتاب آمده است.

زمان علیه السلام منحصر به افراد زنده روی کره زمین نیست، بلکه ارواح برگزیدگان و اولیای خداوند هم در این عبادت بزرگ سهیم هستند و بعید نیست که در نهایت دعاهای ایشان باعث صدور اذن ظهور از جانب خدای متعال گردد.

ذکر یک نمونه زیبا از این دعاها بسیار آموزنده است. مرحوم نعمانی در بحث نشانه های پیش از ظهور امام زمان علیه السلام به سند خود از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمودند:

إِذَا كَانَ لَيْلَةُ الْجُمُعَةِ أَهْبَطَ الرَّبُّ تَعَالَى مَلَكًا إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا، فَإِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ جَلَسَ ذَلِكَ الْمَلَكُ عَلَى الْعَرْشِ فَوْقَ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ، وَ نُصِبَ لِمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَنَابِرٌ مِنْ نُورٍ، فَيَصْعَدُونَ عَلَيْهَا وَ تُجْمَعُ لَهُمُ الْمَلَائِكَةُ وَ النَّبِيُّونَ وَ الْمُؤْمِنُونَ، وَ تُفْتَحُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ، فَإِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: يَا رَبِّ مِيعَادَكَ الَّذِي وَعَدْتَ بِهِ فِي كِتَابِكَ، وَ هُوَ هَذِهِ الْآيَةُ: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» (۱) ثُمَّ يَقُولُ الْمَلَائِكَةُ وَ النَّبِيُّونَ مِثْلَ ذَلِكَ، ثُمَّ يَخْرُجُ مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ سِجْدًا، ثُمَّ يَقُولُونَ: يَا رَبِّ اغْضَبْ فَإِنَّهُ قَدْ هَتَمَكَ حَرِيمُكَ وَ قَتَلَ أَصْفِيَاؤَكَ وَ أُذِلَّ عِبَادَكَ الصَّالِحُونَ، فَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ، وَ ذَلِكَ يَوْمٌ مَعْلُومٌ. (۲)

وقتی شب جمعه فرا برسد، پروردگار متعال فرشته ای را به پایین ترین آسمان فرو می فرستد. هنگام طلوع فجر آن فرشته روی عرش بر فراز بیت معمور می نشیند و منبرهایی از نور باری حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام و حسن و حسین علیهما السلام گذاشته می شود؛ آنها بالای منبر می روند و فرشتگان و پیامبران ۶.

ص: ۱۳۶

۱- نور/۵۵.

۲- غیبت نعمانی، باب ۱۴، ح ۵۶.

و مؤمنان نزد آنان گرد آورده می شوند و درهای آسمان گشوده می گردد. وقتی ظهر فرا می رسد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم عرضه می دارد: ای پروردگرم آن وعده ای را که در کتابت داده ای، برآورده فرما و و آن این آیه است: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا... آنگاه فرشتگان و پیامبران نیز همین را می گویند، سپس حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام به سجده می افتند و عرضه می دارند: خداوندا غضب فرما، چرا که حرمتت را هتک نمودند و برگزیدگانت به قتل رسیدند و بندگان شایسته ات خوار و ذلیل شدند، آنگاه خداوند آنچه بخواهد انجام می دهد و این روزی است که (نزد خداوند) معلوم می باشد.

از ظاهر عبارت حدیث استفاده می شود که این دعای با اصرار در نزدیکی های ظهور امام عصر علیه السلام تحقق می یابد و به همین جهت مرحوم نعمانی آن را در فصل مربوط به نشانه های پیش از قیام حضرت آورده است. بر این اساس، شب و روز جمعه ای که در این حدیث آمده، مربوط به جمعه خاصی است که «یوم معلوم» نامیده شده است و شامل هر شب و روز جمعه نمی شود. مرحوم صاحب مکیال هم در توضیح آخرین جمله حدیث فرموده اند:

مراد زمان ظهور و استیلای حضرت صاحب الامر علیه السلام است، چنانچه در روایات دیگر تصریح شده. (۱)

به هر حال این نمونه ای از دعاهای ارواح پاک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت گرامی ایشان علیهم السلام و پیامبران و مؤمنان است که در عالم برزخ برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام به درگاه الهی عرضه می دارند. ما از آن عالم بی خبر هستیم، اما مسلم است که ارواح بندگان صالح خدا که برای انجام عبادت آزادی عمل دارند، از دعا برای تعجیل فرج کوتاهی نمی ورزند. این جهت دومی است که می توانیم بگوئیم دعای اهل بیت عصمت و طهارت در حق آخرین وصی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تا ظهور ایشان ادامه خواهد داشت.

درسی که ما از این همه اهتمام اهل بیت علیهم السلام برای دعا در حق امام عصر علیه السلام ۵.

ص: ۱۳۷

---

۱- کنز الغنائم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام، ص ۷۴ و ۷۵.

به خصوص تعجیل فرج ایشان می گیریم، این است که از انجام این عبادت ارزشمند کوتاهی نکنیم و در تأسی به آن بزرگواران، دعاهایی که از آنان در این زمینه نقل شده را در صدر دعاهای خود برای امام زمانان قرار دهیم.

ما در ادامه این فصل به نقل برگزیده ای از دعاهای مأثور درباره امام عصر علیه السلام می پردازیم که در مناسبت ها یا موقعیت های خاص خوانده می شود. اینها صرفاً از باب نمونه انتخاب شده اند و غرض، توجه کردن به گستره این دعاها و اهتمام ورزیدن به آنها در هر موقعیت مناسبی است. این نمونه ها را در هفت عنوان دسته بندی می کنیم:

## ۱- دعا در قنوت نماز

### اشاره

یکی از بهترین حالات انسان برای دعا کردن، حال قنوت نماز است. ابوذر غفاری رحمه الله از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که فرمودند:

أَطْوَلُكُمْ قُنُوتًا فِي دَارِ الدُّنْيَا أَطْوَلُكُمْ رَاحَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي الْمَوْقِفِ. (۱)

هر کدام از شما که در سرای دنیا قنوتش طولانی تر باشد، در موقف روز قیامت راحتی اش طولانی تر خواهد بود.

از ائمه علیهم السلام دعاهای طولانی در قنوت های نمازهایشان نقل شده که در این کتاب محل بحث ما نیست. در صفحات گذشته به دو قنوت از امام زمان علیه السلام (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اشاره کردیم که در آنها برای تعجیل فرج خود و اصحاب و یارانشان دعا کرده اند. علاوه بر اینها دعاهای مختصرتری که در همه اوقات خوانده می شود، در قنوت نباید فراموش گردد. دعای معروف:

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا. (۲) ت.

ص: ۱۳۸

۱- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۷۲.

۲- المصباح (کفعمی)، ص ۵۸۶، این دعا در فلاح السائل، ص ۴۶ و البلد الامین، ص ۲۰۳ و کافی، ج ۴، ص ۱۶۲ و مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۴۸۳ با اختلاف بسیار جزئی در برخی الفاظ آن نیز نقل شده است.

مطابق آنچه در سندش آمده در همه اوقات خوانده می شود، پس می توانیم در قنوت نمازهای خود به خواندن آن مقید شویم.

## دعا در قنوت نماز وتر

یکی از نمازهایی که قنوتش بسیار مهم و با فضیلت است، نماز وتر می باشد که آخرین رکعت از نماز شب محسوب می شود. در صدر همه مؤمناتی که باید در قنوت نماز وتر دعایشان کرد، وجود مقدس امام عصر علیه السلام هستند که مهم ترین دعا در حق ایشان دعا برای تعجیل فرجشان است.

امام باقر علیه السلام به زراره فرمودند:

قنوت در نماز وتر مانند قنوت در روز جمعه است که در دعای قنوت می گویی:

اللَّهُمَّ تَمَّ نُورُكَ فَهَدَيْتَ... اللَّهُمَّ إِلَيْكَ نَشْكُو غَيْبَهُ نَبِيِّنَا(۱) وَ شِدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا وَ وَقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا وَ تَظَاهَرَ الْأَعْدَاءِ وَ كَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَ قَلَّةَ عَدَدِنَا فَفَرِّجْ ذَلِكَ يَا رَبِّ بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ وَ نَصْرٍ مِنْكَ تُعِزُّهُ وَ إِمَامٍ عَدَلٍ تُظَهِّرُهُ إِلَهَ الْحَقِّ رَبِّ الْعَالَمِينَ(۲)

خدایا نور تو کامل شد پس هدایت فرمودی... خدایا تنها به تو شکایت می کنیم از غیبت پیامبرمان صلی الله علیه و آله و سلم و سختی زمانه بر ما و گرفتار شدنمان به فتنه ها و پشتیانی دشمنان از یکدیگر و زیادی دشمنان و کم بودن تعدادمان، پس ای پروردگار من این مشکلات را رفع کن با پیروزی از جانب خودت که آن را زودتر می رسانی، و یاری کردن خود آن را عزیزت.

ص: ۱۳۹

۱- در جمال الاسبوع، ص ۲۵۷ عبارت چنین است: اللَّهُمَّ إِلَيْكَ نَشْكُو فَقَدْ نَبَّيْنَا وَ غَيْبَهُ وَلِيِّنَا.

۲- بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۱۹۸، ح ۶، به نقل از امالی صدوق، متن کامل این قنوت در بخش سوم کتاب آمده است.

می شماری و پیشوای عدل که او را آشکار می فرمایی. ای معبود حق، پروردگار جهانیان.

در آغاز دعا به تمام شدن نور پروردگار اشاره شده که این نور هرچه باشد، مخلوقی از مخلوقات خداست که هدایت او به سبب آن نور صورت می گیرد. سپس در انتهای دعای قنوت از نبودن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در میان امت و سختی های زمانه و زیادی دشمنان و کمی یاران شکایت کرده اند و راه نجات از این گرفتاری ها را ظهور امام عدل (پیشوای عدالت) دانسته اند. این دعا در قنوت نماز وتر خوانده می شود و پس از آن به فرموده امام باقر علیه السلام ۷۰ مرتبه با این دعا استغفار می کنند: اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ اَتُوبُ اِلَيْهِ سَبْعِينَ مَرَّةً فَغُفِرَ لِي كُلُّ ذَنْبٍ كُنْتُ عَلَيْهِ حَتَّى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

زیاد از آتش به خدا پناه می بری و سپس از سلام دادن نماز وتر سه بار می گویی:

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ.

و نیز سه بار می گویی:

الْحَمْدُ لِرَبِّ الصَّبَاحِ الْحَمْدُ لِفَالِقِ الْاِصْبَاحِ. (۱)

### دعای قنوت نماز جمعه

دعای قنوت دیگر مربوط به نماز جمعه است که امام رضا علیه السلام به مقاتل بن مقاتل فرمودند این گونه بخواند:

اللَّهُمَّ اَصْلِحْ عَبْدَكَ وَ خَلِيفَتَكَ بِمَا اَصْلَحْتَ بِهِ اَنْبِيَاءَكَ وَ رُسُلَكَ وَ حَفَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ وَ اَيِّدُهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ مِنْ عِنْدِكَ وَ اَسْلِكُهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ رَصْدًا يَحْفَظُونَهُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَ اَبْدَلُهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ اَمْنًا يَعْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا وَلَا تَجْعَلْ لِاَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ عَلَيَّ وَ لِيَّكَ سُلْطَانًا وَ اَذِّنْ لِهُنَّ.

ص: ۱۴۰



فِي جِهَادِ عَدُوِّكَ وَ عَدُوِّهِ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (۱)

خدایا (کار) بنده و خلیفه ات را به آنچه (کار) پیامبران و فرستادگانت را اصلاح فرمودی، اصلاح کن و او را با فرشتگانت پوشان (در حمایت فرشتگانت قرارش ده) و با روح القدس از جانب خود تأییدش فرما و از روبرو و پشت سرش مراقبانی قرار ده که او را از (اصابت) هر بدی محافظت کنند و ترس او را تبدیل به امتیتی گردان که تو را بپرستد و هیچ شرکی به تو روا ندارد و هیچ یک از آفریدگانت را بر ولایت مسلط مکن و برای او اجازه جهاد با دشمنت و دشمن خودش صادر فرما و مرا از یاران او قرار ده، همانا که تو بر هر امری توانا هستی.

## ۲- دعا در حال سجده

یکی از حالات بسیار مناسب برای دعا در حقّ امام عصر علیه السلام، حال سجده است. سعید بن یسار از امام صادق علیه السلام پرسیده است که آیا در حال رکوع دعا کنیم یا در حال سجده، حضرت پاسخ دادند:

أَدْعُ وَ أَنْتَ سَاجِدٌ فَإِنَّ أَقْرَبَ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى اللَّهِ وَ هُوَ سَاجِدٌ أَدْعُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِدُنْيَاكَ وَ آخِرَتِكَ. (۲)

در حال سجده دعا کن زیرا نزدیک ترین حالت بنده به خداوند هنگام سجده است. خدای عزّ و جل را برای دنیا و آخرت بخوان.

طبق این فرمایش نزدیک ترین حالت بنده خدا حال سجده است که باید برای دنیا و آخرتش دعا کند. چه دعایی برای دنیا و آخرت انسان مهم تر از دعا در حقّ امام زمان علیه السلام و تعجیل فرج ایشان است؟ خوب است یادآور شویم که این سنّت نیکو - دعا برای تعجیل فرج در حال سجده - را خود امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در ابتدای ولادت انجام داده اند. جناب حکیمه خاتون نقل کرده است که وقتی بلافاصله پس از به ۶.

ص: ۱۴۱

۱- بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۲۵۱، ح ۶۹، به نقل از المصباح.

۲- همان، ج ۸۵، ص ۱۳۱ و ۱۳۲، ح ۶.

دنیا آمدن آخرین حجّت الهی، مادرش - حضرت نرجس خاتون - را دیده، چنان نوری ایشان را احاطه کرده بود که چشم توان دیدن آن را نداشت و در همین حال کودک تازه به دنیا آمده را مشاهده نموده که صورت و زانوان خود بر زمین گذارده و در حالی که انگشتان سبّابه خود را بلند فرموده، چنین می گوید:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ [وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ] وَأَنَّ جَدِّي مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَأَنَّ أَبِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ.

سپس یک یک امامان را اسم می برد تا به خودش می رسد، سپس می گوید:

اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي وَآتِمِّمْ لِي أَمْرِي وَتَبَّتْ وَطْأَتِي وَآمَلْتُ الْأَرْضَ بِي عَدْلًا وَقِسْطًا. (۱)

خدایا وعده ای را که به من فرمودی، عملی کن و کار مرا برایم به اتمام برسان و گام مرا استوار بدار و زمین را به واسطه من از عدل و داد پُر فرما.

ملاحظه می کنیم که امام زمان ما اولین اقدامی که بلافاصله پس از تولّد خویش انجام داده اند، دعا برای فرج بوده است و این نشانگر اهمیت خاصّ این عبادت - خصوصاً در حال سجده - نزد آن حضرت می باشد. ما هم می توانیم به آن بزرگوار تأسّی نموده و در سجده های خود - به خصوص در حال نماز - برای تعجیل فرج ایشان دعا کنیم، حدّاقلّ آن اضافه کردن دعای عَجَلْ فَرَجَهُمْ به صلواتی است که در حال سجده - پس از ذکر سجده - می خوانیم.

### ۳- دعا در تعقیب نماز

#### اشاره

یکی از مواقع استجاب دعا، خواندن آن پس از نماز به خصوص نمازهای واجب می باشد. از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَضَ عَلَيْكُمُ الصَّلَاةَ فِي أَحَبِّ الْأَوْقَاتِ إِلَيْهِ فَاسْأَلُوا.

ص: ۱۴۲

خدای عزّ و جل نمازها را در بهترین زمان ها نزد خود، بر شما واجب فرمود، پس رفع نیازهای خود را به دنبال نمازهای واجب خود از خداوند بخواهید.

البته بنابر بعضی روایات، پس از ادای هر فریضه دیگر غیر از نماز هم، خداوند وعده اجابت دعا داده است. (۲) اما بحث ما فعلاً در خصوص دعا پس از نماز می باشد. تعقیب نماز به دعا، ذکر، تلاوت قرآن و هر عمل خوب دیگری مانند گریه برای خدا گفته می شود که بلافاصله پس از ادای نماز انجام شود. نباید کار دیگری بین نماز و تعقیب آن فاصله بیندازد به صورتی که در نگاه بیننده، مشغول به غیر نماز و تعقیب تلقی شود. بنابراین اگر در حال سفر نیست، باید در محل نماز خود بنشیند و به دعا و امثال آن پردازد. اگر مصلاً خود را ترک کند و سپس دعا نماید، تعقیب صدق نمی کند. البته لازم نیست حتماً دعاهای مأثور خوانده شود، بلکه هر دعایی به هر زبانی می توان کرد، امّا خواندن دعاهای منقول از ائمه علیهم السلام افضل می باشد. (۳)

علاوه بر تشویق های فراوانی که نسبت به خواندن تعقیبات نماز صورت گرفته، در برخی احادیث دعا نکردن پس از ادای نماز مذمت شده است. به عنوان نمونه از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که فرمودند:

إِذَا فَرَغَ الْعَبْدُ مِنَ الصَّلَاةِ وَلَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ تَعَالَى حَاجَتَهُ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى لِمَلَائِكَتِهِ انظُرُوا إِلَى عَبْدِي فَقَدْ آدَى فَرِيضَتِي وَلَمْ يَسْأَلِ حَاجَتَهُ مِنِّي كَأَنَّهُ قَدْ اسْتَعْنَى عَنِّي خُذُوا صَلَاتَهُ فَاضْرِبُوا بِهَا وَجْهَهُ. (۴)

اگر بنده از نماز فارغ شود و (رفع) نیاز خود را از خدای متعال درخواست نکند، خداوند متعال به فرشتگانش می گوید: نگاه کنید به بنده من، واجب مرا ادا.

ص: ۱۴۳

۱- بحار الانوار، ج ۸۵، ح ۱۵، به نقل از عدّه الدّاعی.

۲- همان، ص ۳۲۲، ح ۱۰، به نقل از المحاسن.

۳- العروه الوثقی، ج ۱، ص ۷۰۳.

۴- بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۳۲۵، ح ۱۸.

کرده و (رفع) حاجت خود را از من نخواستہ است، گویی خود را از من بی نیاز احساس می کند. نمازش را بگیرد و آن را به صورتش بزیند.

زدن نماز به صورت نمازگزار کنایه از پذیرفته نشدن آن نماز است. این حدیث هشدار می دهد که انسان نباید نسبت به دعا کردن پس از نماز بی اعتنا باشد. حداقل آن فرستادن صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت ایشان علیهم السلام است که دعای بسیار مهم و شریفی است و نباید از خواندن آن بعد از نماز غفلت نمود. اما دوستان امام عصر علیه السلام از این موقعیت ویژه که به طور عادی روزی پنج بار برایشان پیدا می شود، فرصت مغتنمی می یابند تا برای بزرگ ترین و مهم ترین حاجت خود و دیگران - که در رأس آنها وجود مقدس امام زمان علیه السلام است - دعا کنند. حیف است که مؤمنان این همه فرصت طلایی را از دست بدهند و کاری برای تعجیل فرج مولایشان انجام ندهند.

در احادیث ائمه علیهم السلام تعقیبات متعدّد مفصّلی در همین خصوص نقل شده که ما در این کتاب به برخی از آنها اشاره می کنیم و علاقمندان به مطالعه بیشتر را به کتاب شریف «مکیال المکارم» رجوع می دهیم. (۱)

### تعقیب اول برای نماز واجب

۱- اولین مورد دعایی است که از حضرت جواد الائمه علیه السلام نقل شده و شامل دعاهای مفصّلی در حق امام زمان علیه السلام می باشد:

رَضِيْتُ بِاللّٰهِ رَبًّا، وَ بِالْإِسْلَامِ دِينًا، وَ بِالْقُرْآنِ كِتَابًا، وَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ نَبِيًّا، وَ بِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلِيًّا، وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنَ وَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَ الْحُجَّهَ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَيْمَنَهُمُ، اللَّهُمَّ وَلِيِّكَ الْحُجَّهَ، فَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنِ يَمِينِهِ وَ عَنِ شِمَالِهِ وَ مِنْ قَوْفِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ، وَ أَمُدَّهُ لَهُ فِي عُمْرِهِ، وَ اجْعَلْهُ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ، ۴.

ص: ۱۴۴

المُستَنصِرَ لِدينِكَ، وَ أَرِهَ مَا يُحِبُّ، وَ تَقَرَّبَ بِهِ عَيْنُهُ، فِي نَفْسِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ فِي أَهْلِهِ وَ مَالِهِ، وَ فِي شِيَعَتِهِ وَ فِي عِدُوِّهِ، وَ أَرِهِمْ مِنْهُ مَا يَحْدَرُونَ، وَ أَرِهِ فِيهِمْ مَا يُحِبُّ، وَ تَقَرَّبَ بِهِ عَيْنُهُ، وَ أَشْفَ بِهِ صُدُورَنَا وَ صُدُورَ قَوْمِ الْمُؤْمِنِينَ. (۱) به خداوند به عنوان پروردگار و اسلام به عنوان دین و قرآن به عنوان کتاب (آسمانی) و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان پیامبر و حضرت علی علیه السلام به عنوان ولی (خدا) و به حضرات حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن حسن بن علی و حجه بن الحسن بن علی علیهم السلام به عنوان امامان (از جانب خدا) راضی و خشنود شدم. خداوند اولی خود حضرت حجت علیه السلام را از پیش رو و از پشت و از راست و چپ و بالا- و پایین (یعنی از هر جهت) حفظ فرما و عمر ایشان را طولانی گردان و او را قیام کننده به امرت و یاری جوینده برای دینت قرار ده و به او آنچه دوست دارد و باعث چشم روشنی اش - در مورد خودش و فرزندان و اهل و مال و شیعیان و دشمنانش - می شود، نشان بده و به او آنچه دوست دارد و باعث چشم روشنی اش - در مورد خودش و فرزندان و اهل و مال و حضرت در مورد دشمنانش چیزی را که مورد علاقه او و باعث چشم روشنی اش هست، بنما و به سبب آن حضرت دل های ما و دل های اهل ایمان را شفا ببخش.

ملاحظه می شود که در این دعا چه دعاهای زیبایی در حق امام عصر علیه السلام از زبان امام نهم علیه السلام صادر شده است.

### تعقیب دوم برای نماز واجب

۲- مورد دوم تعقیبی است که مداومت بر خواندن آن آثار و برکات خاصی دارد. یکی از این برکات، تشرّف پیدا کردن خدمت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می باشد. اصل حدیث مطابق نقل مرحوم ابونصر طبرسی چنین است: ۵.

ص: ۱۴۵

۱- من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۳۲۷، ح ۹۶۰.

رَوِيَ أَنَّ مَنْ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ عَقِيبَ كُلِّ فَرِيضَةٍ وَ وَاظَبَ عَلَى ذَلِكَ عَاشَ حَتَّى يَمَلَ الْحَيَاةَ وَيَتَشَرَّفَ بِلِقَاءِ صَاحِبِ الأَمْرِ عَجَّلَ اللهُ فَرَجَهُ وَ هُوَ: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ إِنَّ رَسُولَكَ الصِّادِقَ المُصَدِّقَ صَلِّوْا تَكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَالَ: إِنَّكَ قُلْتَ: مَا تَرَدَّدْتُ فِي شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ كَتَرَدَّدِي فِي قَبْضِ رُوحِ عَبْدِي المُؤْمِنِ يَكْرَهُ المَوْتَ وَ أَنَا أَكْرَهُ مَسَاءَتَهُ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجَّلْ لِأَوْلِيَائِكَ الفَرَجَ وَ النَّصْرَ وَ العَافِيَةَ وَ لَا تَسُوْنِي فِي نَفْسِي وَ لَا فِي ...» قَالَ: وَ تَذَكَّرْ مِنْ شَيْءٍ. (۱)

روایت شده که هر کس این دعا را بعد از هر نماز واجب بخواند و نسبت به آن مراقبت داشته باشد، چندان زندگی کند که از زنده بودن ملول گردد و به دیدار صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه) مشرف شود و دعا این است: خدایا بر محمد و آل محمد صلوات فرست. خداوندا همانا فرستاده راستگو و مورد تأیید تو - که صلوات تو بر او و خاندانش باد - فرمود که تو فرموده ای: من - در اموری که خودم انجام دهنده اش هستم - (از اراده خود) برنگشته ام (صرف نظر نکرده ام) آن چنان که در مورد قبض روح بنده مؤمنم (از اراده خود) بر می گردم (صرف نظر می کنم)، او از مرگ کراهت دارد در حالی که من از ناراحتی او کراهت دارم. خداوندا پس بر محمد و آل محمد صلوات فرست و هرچه زودتر گشایش و یاری و عافیت را برای اولیای خود برسان و مرا در مورد خودم و ... ناراحت مگردان. فرمود: و (غیر از خودت) هر که را می خواهی ذکر کن.

در این دعای شریف، یک حدیث قدسی از زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که احترام و ارزش بنده مؤمن را نزد خداوند به خوبی روشن می سازد. خدای متعال می فرماید: گاهی اراده من به قبض روح بنده مؤمنم تعلق می گیرد، اما خود او از مرگ کراهت دارد. در این صورت چون من هم از ناراحتی او کراهت دارم، از اراده ۴.

ص: ۱۴۶

خود برمی گردم. (۱) و لذا او را - با حال کراهت از مرگ - قبض روح نمی کنم. بنابراین خداوند - مطابق آنچه در احادیث دیگر بحث «تردد» آمده است - یا فعلاً مرگ او را به تأخیر می اندازد و یا این که کراهت او را با ارسال گل های خوشبویی - که آنها را استشمام می کند - از بین می برد و با میل و رغبت خودش، او را می میراند.

با توجه به این حدیث قدسی، وقتی می گوییم: «لا تَسْؤُنِي فِي نَفْسِي» مقصود این است که: «خداوندا مرا - با وجود کراهت از مرگ - قبض روح مکن چون خودت فرمودی که از ناراحتی مؤمن کراهت داری» و وقتی می گوییم: «لا تَسْؤُنِي فِي نَفْسِي وَلَا فِي ...» یعنی همین کار (قبض روح نکردن با وجود کراهت از مرگ) را در حقّ شخص یا اشخاص دیگری که در این دعا ذکر می کنم، انجام بده. به همین جهت است که فرموده اند: اگر کسی مواظبت بر خواندن این دعا کند، از زنده ماندن خسته و ملول می شود. مقصود این است که در هنگام قبض روحش، از مرگ کراهت ندارد بلکه با میل و رغبت خودش از دنیا می رود. همچنین چون بنده مؤمن آرزوی درک محضر امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) و یاری رساندن به ایشان را دارد، از خدا تعجیل در فرج آن حضرت را تقاضا می کند و خدای متعال هم لطف فرموده و او را - اگر هنوز زمان ظهور نرسیده باشد - قبل از مرگ به شرف لقای محبوبش می رساند و این دعا در حقّ هر کس که مستجاب شود، همین آثار و برکات را خواهد داشت. (۲) ۷.

ص: ۱۴۷

۱- «تَرَدَّدٌ» بر وزن «تَفَعَّلٌ» و به معنای مطاوعه و پذیرش «رَدٌّ» است. یعنی کراهت مؤمن از مرگ به عنوان «رَدٌّ» برگرداندن «تَلَقَّى» می شود که خداوند این رَدِّ را می پذیرد و مؤمن را با وجود کراهتش از مرگ قبض روح نمی کند. در کتاب های لغت در معنای تردد، «تَرَاجَعَ» تعبیر کرده اند. (لسان العرب، ج ۶، ص ۱۳۳ و المعجم الوسيط، ص ۳۳۸) و «تَرَاجَعَ الْقَوْمُ: رَجَعُوا إِلَى مَحَلِّهِمْ» (لسان العرب، ج ۶، ص ۱۰۷) به همین جهت در ترجمه حدیث، «تردد» را به «برگشتن و صرف نظر کردن از اراده خود» معنا نمودیم.

۲- راز پنهانی و رمز پیدایی، ص ۱۱۶ و ۱۱۷.

## تعقیب سوم در نمازهای واجب

۱- سومین تعقیب نماز که شامل دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام می باشد، در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده که، فرمودند:

إِنَّ مِنْ حُقُوقِنَا عَلَى شِيعَتِنَا أَنْ يَصْعُقُوا بَعْدَ كُلِّ فَرِيضَةٍ يَدِيهِمْ عَلَى أَدْقَانِهِمْ وَيَقُولُوا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: يَا رَبَّ مُحَمَّدٍ عَجَلِ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، يَا رَبَّ مُحَمَّدٍ احْفَظْ غَيْبَةَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، يَا رَبَّ مُحَمَّدٍ انتقم لابنه مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ. (۱)

یکی از حقوق ما بر شیعیانمان این است که پس از ادای هر نماز واجب دستان خود را بر چانه هایشان بگذارند و سه بار بگویند: ای پروردگار محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرج آل محمد علیهم السلام را زودتر برسان، ای پروردگار محمد صلی الله علیه و آله و سلم غیبت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را حفظ فرما، ای پروردگار محمد صلی الله علیه و آله و سلم انتقام دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم را بگیر!

دعاهای مختصر زیبایی است که در آن تعجیل فرج امام زمان علیه السلام به تعبیر مختلف درخواست شده است. انتقام حضرت صدیقه اطهر علیها السلام که مظلومانه به شهادت رسیدند، به دست مبارک فرزندش امام مهدی علیه السلام صورت خواهد پذیرفت؛ پس دعا برای انتقام خون شهیده مظلومه حضرت زهراى مرضیه علیها السلام در حقیقت دعا برای فرج امام زمان علیه السلام می باشد.

## تجدید عهد با امام عصر علیه السلام بعد از نماز واجب

۴- تعقیب دیگری که پس از ادای نمازهای واجب خوانده می شود، تجدید عهدی است با امام عصر علیه السلام که شامل دعاهای زیبایی در حق آن حضرت، و برای خود دعا کننده می باشد. متن کامل این دعا مطابق نقل مرحوم علامه مجلسی از امام صادق علیه السلام چنین است: ن.

ص: ۱۴۸

---

۱- مکیال المکارم، ج ۲، ص ۷، ح ۱۰۴۸، به نقل از کتاب جمال الصالحین.



اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا صَاحِبَ الزَّمَانِ أَيَّمَا كَانَ وَ حَيْثُمَا كَانَ مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا وَ سَيِّئِهَا وَ جَبَلِهَا عَنِّي وَ عَنِ الْوَالِدِ وَ عَنِ  
وَلَدِي وَ إِخْوَانِي التَّحِيَّةَ وَ السَّلَامَ عَدَدَ خَلْقِ اللَّهِ وَ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ وَ مَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ وَ أَحَاطَ عِلْمُهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي صَبِيحِهِ هَذَا  
الْيَوْمَ وَ مَا عَشْتُ فِيهِ مِنْ أَيَّامِ حَيَاتِي عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَلَا أَزُولُ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ نُصَارِهِ  
الذَّابِّينَ عَنْهُ وَ الْمُتَمَثِّلِينَ لِأَوْامِرِهِ وَ نَوَاهِيهِ فِي أَيَّامِهِ وَ الْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ اللَّهُمَّ فَإِنْ حَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى  
عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا فَأَجْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَرًّا كَفَنِي شَاهِرًا سَيِّفِي مُجَرَّدًا قَنَاتِي مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَ الْبَادِي اللَّهُمَّ  
أَرِنِي الطَّلَعَ الرَّشِيدَ وَ الْعُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَ الْكَحْلَ بَصِيرِي بِنَظَرِهِ مَنِّي إِلَيْهِ وَ عَجَلَ فَرْجَهُ وَ سَهَّلَ مَخْرَجَهُ اللَّهُمَّ اشْدُدْ أَرْزَهُ وَ قَوِّ ظَهْرَهُ وَ  
طَوِّلْ عُمُرَهُ اللَّهُمَّ اعْمُرْ بِهِ بِلَادِكَ وَ أَحْيِ بِهِ عِبَادَكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي  
النَّاسِ فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَ لِيُوكَ وَ ابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَمَّى بِاسْمِ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ حَتَّى لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَزَقَهُ  
وَ يُحِقَّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَ يُحَقِّقَهُ اللَّهُمَّ اكشِفْ هَذِهِ الْعُمَّةَ عَن هَذِهِ الْأُمَّةِ بِظُهُورِهِ إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَ نَرَاهُ قَرِيبًا وَ صَدَّقَ اللَّهُ عَلَى  
مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.

از حضرت صادق عليه السلام نقل شده كه فرمودند:

هر كس بعد از هر نماز واجب اين دعا را بخواند، حضرت امام «م ح م د» بن الحسن - عليه و على آباءه السَّلام - را در بيدارى  
يا در خواب خواهدديد. (1)

ديدن آن حضرت در خواب يا در بيدارى باعث ازدياد معرفت و محبت انسان بهي.

ص: ۱۴۹

این چهار نمونه از تعقیبات مشترکه است که پس از هر نماز واجب برای تعجیل فرج مولایمان خوانده می شود. علاوه بر اینها تعقیبات مخصوصه ای هم از اهل بیت علیهم السلام نقل شده که اختصاص به بعضی از نمازهای واجب یومیّه دارد. ما به نمونه هایی از این دعاها هم اشاره می کنیم:

### تعقیب نماز ظهر

۵- یکی از این تعقیبات مخصوص نماز ظهر است که امام صادق علیه السلام بعد از ادای نماز ظهر در حالی که دستان خود را به سوی آسمان بلند کرده بودند، چنین دعا فرمودند:

أَيُّ سَامِعٍ كُلِّ صَوْتٍ أَيْ جَامِعٍ كُلِّ فَوْتٍ أَيْ بَارِيٍّ كُلِّ نَفْسٍ بَعْدَ الْمَوْتِ أَيْ بَاعِثُ أَيْ وَاوْرِثُ أَيْ سَيِّدِ السَّادَةِ أَيْ إِلَهِ الْآلِهَةِ أَيْ جَبَّارِ الْجَبَابِرَةِ أَيْ مَلِكِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أَيْ رَبِّ الْأَرْبَابِ أَيْ مَلِكِ الْمُلُوكِ أَيْ بَطَّاشُ أَيْ ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ أَيْ فَعَالًا لِمَا يُرِيدُ أَيْ مُحْصِيَّ عِيْدِ الْأَنْفَاسِ وَنَقْلِ الْأَقْدَامِ أَيْ مِنَ السُّرِّ عِنْدَهُ عَلَانِيَةً أَيْ مُبْدِيٍّ أَيْ مُعِيدُ أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ عَلَى خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ بِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَى نَفْسِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ السَّاعَةَ بِفِكَارِكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَ أَنْجِزْ لِوَلِيِّكَ وَابْنِ نَبِيِّكَ الدَّاعِيَ إِلَيْكَ بِإِذْنِكَ وَ أَمِيَّتِكَ فِي خَلْقِكَ وَ عِيَّتِكَ فِي عِبَادِكَ وَ حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ عَلَيْهِ صَلَوَاتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَعَدَهُ اللَّهُمَّ أَيَّدَهُ بِنَصْرِكَ وَ انصُرْ عَبْدَكَ وَ قَوْمَ أَصْحَابِهِ وَ صَبِّرْهُمْ وَ افْتَحْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا وَ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ أَمِكْنَهُ مِنْ أَعْدَائِكَ وَ أَعْدَاءِ رَسُولِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (۱)ل.

ص: ۱۵۰

ای شنونده هر صدا، ای جمع آورنده همه فوت شدگان، (۱) ای آفریننده هر کس بعد از مرگ، ای مبعوث کننده، ای ارث برنده، ای آقای آقاها، ای معبود معبودان، (۲) ای قدرتمندی که بر همه جباران مسلط هستی، ای پادشاه دنیا و آخرت، ای صاحب اختیار همه صاحب اختیاران، ای پادشاه پادشاهان، ای قدرتمند بسیار توانا، ای آنکه می توانی (هر کس و هر چه را بخواهی) با قدرت اخذ کنی، ای انجام دهنده هر چه را بخواهی، ای احاطه کننده بر تعداد نفوس ها و جابجایی قدم ها، ای آنکه رازها برای او آشکار و عیان است، ای به وجود آورنده، ای خلق کننده مجدد (در قیامت)، از تو به حقی که بر برگزیدگان از آفریدگانت داری و به حقی که برای آنان بر خودت واجب کرده ای، می خواهم که بر محمد و آل محمد که اهل بیت او هستند درود بفرستی و در همین ساعت با آزاد کردن گردن من از آتش منت گذاری و وعده (ظهور) او را برای ولایت و پسر پیغمبرت - که به اجازه تو به سوی تو دعوت می کند- و امانت دار تو در میان آفریدگانت و چشم تو در بین بندگانت و حجت تو بر آفریدگانت- که صلوات و برکات تو بر او باد - محقق فرمایی. خدایا او را با یاری کردن خود تأیید نما و بنده ات را یاری کن و یارانش را قوی گردان و به آنان صبر عطا فرما و برای آنان از جانب خودت راه سلطه پیروز کننده ای را باز گردان و در فرج او تعجیل فرما و او را بر دشمنان و دشمنان پیامبرت مسلط کن، ای ارحم الراحمین.

راوی وقتی دعای حضرت را شنید، پرسید:

فدایتان شوم، آیا برای خودتان دعا نکردید؟

حضرت فرمودند:

قَدْ دَعَوْتُ لِنُورِ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ سَابِقِهِمْ وَ الْمُتَّقِمِ بِأَمْرِ اللَّهِ مِنْ أَعْدَائِهِمْ. د.

ص: ۱۵۱

۱- به نظر مرحوم شیخ بهایی منظور از «فوت» در عبارت دعا، «فائت» است و ما در ترجمه چنین معنایی را در نظر گرفتیم.

(بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۶۳، به نقل از بیان علامه مجلسی)

۲- مقصود چیزهایی هستند که به غلط به عنوان معبود گرفته شده اند.

برای نور آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم و سبقت گیرنده آنان و آنکه به امر خداوند از دشمنان آنان انتقام می گیرد، دعا کردم.

با این تعابیر راوی متوجه می شود که مقصود امام صادق علیه السلام، آخرین وصی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم بوده که منتقم خون همه اهل بیت علیهم السلام است. لذا می پرسد که ظهور ایشان چه وقت خواهد بود. امام می فرماید:

إِذَا شَاءَ مَنْ لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ. (۱)

هر وقت کسی که آفرینش و امر کردن به دست اوست، بخواهد.

ملاحظه می شود که امام صادق علیه السلام برای معرفی امام عصر علیه السلام چه تعابیر زیبا و عمیقی به کار برده اند. «نور آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم» بسیار تعبیر عجیبی است. آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم همگی نورند و نور همه آفرینش هم از ایشان است. آن چه وجود مقدس و مطهری است که نور این انوار نامیده شده است؟ ما از درک عظمت این نور الهی قطعاً عاجزیم اما می دانیم که هر چه بر معرفت ما نسبت به آن حضرت افزوده شود، به ادراک مقام نورانی ایشان یک قدم نزدیک تر می شویم. هر چند که هیچ گاه ایشان را چنانچه هستند، نخواهیم شناخت اما از آنچه می توانیم برسیم - البته به لطف و عنایت خودشان - هم نباید چشم پوشیم.

تعبیر «سابقهم» نیز برای ما - به طور قطعی - قابل درک نیست. حضرتش بر سایر آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم در چه چیزی سبقت گرفته اند؟ شاید مراد این باشد که ایشان اولین فرد از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستند که وعده های الهی - که در آیه ۵۵ سوره نور (۲) آمده است - به دست ایشان محقق خواهد شد و بقیه اهل بیت علیهم السلام پس از ایشان در هنگام رجعت، ادامه دهندگان راهشان خواهند بود. این احتمالی است که به ذهن ما می رسد، اگر معنای دیگری مورد نظر امام صادق علیه السلام بوده است، نمی دانیم. صفت سومی که برای امام زمان علیه السلام به کار برده اند معنایش روشن است که توضیح داده شد. می بینیم که امام..

ص: ۱۵۲

۱- بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۶۲، به نقل از فلاح السائل.

۲- وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...

صادق علیه السلام در تعقیب نماز ظهر خود، برای تعجیل در فرج امام دوازدهم علیه السلام به صراحت دعا فرموده اند.

### تعقیب نماز عصر

۶- تعقیب دیگر اختصاص به نماز عصر دارد که از زبان مبارک امام هفتم علیه السلام درباره دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام صادر شده است. متن دعا این است:

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ إِلَيْكَ زِيَادَةُ الْأَشْيَاءِ وَنُقْصَانُهَا وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَلَقْتَ خَلْقَكَ بِغَيْرِ مَعُونَةٍ مِنْ غَيْرِكَ وَلَا حَاجَةٍ إِلَيْهِمْ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مِنْكَ الْمَشِيئَةُ وَإِلَيْكَ الْبَدَاءُ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ قَبْلَ الْقَبْلِ وَخَالِقُ الْقَبْلِ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بَعْدَ الْبَعْدِ وَأَنْتَ خَالِقُ الْبَعْدِ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ تَمَحُّو مَا تَشَاءُ وَتُثَبِّتُ وَعِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ غَايَةُ كُلِّ شَيْءٍ وَوَارِثُهُ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَا يَعْزُبُ عَنْكَ الدَّقِيقُ وَلَا الْجَلِيلُ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَا تَخْفَى عَلَيْكَ اللَّغَاةُ وَلَا تَتَشَابَهُ عَلَيْكَ الْأَصْوَاتُ كُلَّ يَوْمٍ أَنْتَ فِي شَأْنٍ لَا يَشْغَلُكَ شَأْنٌ عَنِ شَأْنِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَأَخْفَى دِيَانُ يَوْمِ الدِّينِ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ بَاعِثٌ مَنْ فِي الْقُبُورِ مُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْرُوجِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ الَّذِي لَا يُحِيبُ مَنْ سَأَلَكَ بِهِ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ الْمُتَّقِمِ لَكَ مِنْ أَعْدَائِكَ وَأَنْجِزَ لَهُ مَا وَعَدْتَهُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. (۱)

تو خدایی هستی که جز تو - که اول و آخر و ظاهر و باطنی - معبودی نیست و تو خدایی هستی که جز تو معبودی نیست، زیادی و کمی همه چیز تنها بهل.

ص: ۱۵۳

۱- بحارالانوار، ج ۸۶، ص ۸۱، ح ۸، به نقل از فلاح السائل.

دست توست و تو خدایی هستی که جز تو معبودی نیست، آفریدگان خود را بدون کمک گرفتن از غیر خودت و بدون نیازی به آنها خلق کردی و تو خدایی هستی که جز تو معبودی نیست، خواستن (مشیت) از تو است و اختیار بداء هم با تو است. تو خدایی هستی که جز تو معبودی نیست، پیش از قبل بوده ای و خالق قبل هستی. تو خدایی هستی که جز تو معبودی نیست، پس از بعد خواهی بود و خالق بعد هستی. تو خدایی هستی که جز تو معبودی نیست، آنچه را که بخواهی محو و (آنچه را بخواهی) اثبات می کنی و امّ الکتاب نزد تو است.

تو خدایی هستی که جز تو معبودی نیست، غایت هر چیز و وارث آن هستی، تو خدایی هستی که جز تو معبودی نیست، ریز و درشتی از تو پوشیده نمی باشد. تو خدایی هستی که جز تو معبودی نیست، زبان ها (ی مختلف) از تو مخفی نمی ماند و صداها (ی گوناگون) برایت اشتباه نمی شود. هر روز در کار (جدید) هستی که هیچ کاری تو را از کار دیگر باز نمی دارد، دانای به غیب و (امور) مخفی تر هستی، حاکم روز جزا، تدبیر کننده امور، برانگیزاننده اهل قبور، زنده کننده استخوان های پوسیده هستی. از تو می خواهم به اسم پوشیده و محفوظ خودت که (آن اسم) حیّ قیوم است، همان (اسمی) که هر کس به آن از تو بخواهد، دست خالی نمی ماند، از تو می خواهم که بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم درود بفرستی و در فرج انتقام گیرنده خودت از دشمنانت تعجیل فرمایی و آنچه را به او وعده داده ای، محقق فرما ای صاحب جلال و اکرام.

راوی می گوید در بغداد خدمت امام هفتم علیه السلام رسیدم که پس از اتمام نماز عصر، در حالی که دستان خود را به سوی آسمان بلند کرده بودند، این دعا را خواندند. از ایشان پرسیدم:

برای چه کسی دعا فرمودید؟

فرمودند:

ذَاكَ الْمَهْدِيُّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ... بِأَبِي الْمُتَدِّحِ الْبَطْنِ الْمَقْرُونِ الْحَاجِبِينَ أَحْمَشُ السَّاقِينَ بَعِيدًا مَا بَيْنَ الْمَنْكِبِينَ أَسْمَرُ اللَّوْنِ يَعْتَوِرُهُ مَعَ

ص: ۱۵۴

سَمَرَتِهِ صُفْرَةٌ مِنْ سَيِّهِرِ اللَّيْلِ بِأَبِي مَنْ لَيْلَهُ يَرَعَى النَّجُومَ سَاجِدًا وَرَاكِعًا بِأَبِي مَنْ لَا يَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ مَصْبَاحِ الدُّجَى بِأَبِي الْقَائِمِ بِأَمْرِ اللَّهِ. (۱)

او مهدی از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است... پدرم فدای آن کشیده شکم، پیوسته ابرو، باریک ساق، چهار شانه، گندمگونی که زردی ناشی از شب زنده داری به آن آمیخته شده است. پدرم فدای آنکه شب خود را در حال سجود و رکوع به مراقبت از ستارگان می گذرانند. پدرم فدای کسی که در راه خدا ملامت هیچ ملامت کننده ای در او اثر نمی گذارد. چراغ تاریکی ها، پدرم فدای قیام کننده به امر خداوند.

در این چند سطر امام هفتم علیه السلام چهار بار تعبیر «بأبی...» را در مورد فرزندشان حضرت بقیه الله ارواحنا فداه به کار برده اند. بسیار قابل تأمل است که حجج معصوم خداوند که خود مقام امامت عظمی داشته اند، در حق یک امام دیگر چنین سخن بگویند. یعنی پدرشان را - که ایشان هم امام بوده اند - فدای آخرین وصی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم بدانند. اوصافی هم که برای معرفی این تنها باقیمانده الهی به کار برده اند، قابل توجه است. گویی حضرتش را می دیدند که با چه سیمای زیبایی به عبادت می پردازند. آنچه امام موسی بن جعفر علیهما السلام فرموده اند، بیان حال فعلی امام زمان ماست که سال های سال بلکه قرن های طولانی چنین بوده اند. اکنون ۱۱۶۸ سال (۲) از این حالات مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم می گذرد که شب زنده داریش صورت مبارکش را به رنگ گندمی مایل به زرد درآورده و هر شب در حال عبادت خدا از ستارگان آسمان مراقبت و محافظت می فرماید. آری آسمان و ستارگانش، بلکه همه ساکنان آسمان، بالاتر، همه عالم هستی تحت رعایت و عنایت آن وجود گرامی اداره می شود. اگر عنایت او نباشد، کیان هستی به هم می ریزد و سنگ روی سنگ بند نمی شود. آیا عالمند.

ص: ۱۵۵

۱- همان.

۲- اکنون سال ۱۴۲۸ هجری قمری است که از سال ۲۶۰ هجری قمری که حضرتش به امامت رسیده اند، ۱۱۶۸ سال می گذرد.

هستی به طفیل او نیست؟ پس همه زمینیان باید فدای او گردند، چون همگان طفیلی او زنده اند و از نعمت های الهی به واسطه او بهره می برند. چقدر زیاست که وقتی این تعقیب نماز عصر را می خوانیم، به یاد داشته باشیم که گوینده آن پدرش را فدای حضرت ولی عصر علیه السلام می دانست. آن موعود منتظر چه عظمتی دارد که جد شریفش این گونه در حَقش سخن می گوید؟! اما جان ناقابل ما در مقایسه با نفس شریف امام صادق علیه السلام ارزشی ندارد که قابل ذکر باشد. باید از حضرتش ملتسمانه بخواهیم که به فضل و کرم خویش لیاقت فدا شدن در آستان مقدّسش را عطایمان فرماید و آرزوی شهادت در رکابشان را به دل هایمان نگذارد.

سال های سال است که وقتی یاد و خاطره اصحاب با وفای سیدالشهداء علیه السلام را می خوانیم و می شنویم، آرزو می کنیم که: ای کاش همراه آنان بودیم و به رستگاری عظیم نائل می شدیم. فرمایش امام هشتم علیه السلام را به ریّان بن شیب خوانده ایم و باور کرده ایم که فرمود:

إِنْ سَيَّرَكَ أَنْ يَكُونَ لَكَ مِنْ الثَّوَابِ مِثْلُ مَا لِمَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْ مَتَى مَا ذَكَرْتَهُ: يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً. (۱)

اگر خوشحال می شوی از اینکه پاداش کسانی را که در رکاب حسین علیه السلام به شهادت رسیده اند، ببری، هرگاه او را یاد کردی بگو: ای کاش من با آنان بودم، پس به رستگاری بزرگ می رسیدم.

هر بار که این جمله را به زبان آوردیم، وارث حسین علیه السلام در نظرمان مجسم شد که همچون جد شریفش در زمان غیبت، غریب و تنها مانده و «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي» سر می دهد. پیش خود گفتیم: آیا می شود جان ناقابل ما لیاقت فدا شدن در پیش روی نور آل محمّد صلی الله علیه و آله و سلم را بیابد؟ آیا ممکن است آن عزیز زهرا علیها السلام ما را در زمره فدائانش بپذیرد؟ هر چه به خود می نگریم، هیچ گونه شایستگی برای آنکه در درگاهش پذیرفته شویم، نمی بینیم. از خود ناامید می شویم اما از کرم و بزرگواری مولایمان نه، به اینم.

ص: ۱۵۶

---

۱- بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۶، ح ۲۳، به نقل از عیون اخبار الرضا علیه السلام.



دلخوشیم که مولایمان همان گونه که جدش با حزبن یزید ریاحی رفتار کرد، دست رد بر سینه ما نزد و توبه مان را بپذیرد. حرّ وقتی خود را میان بهشت و جهنّم مخیر دید و تصمیم گرفت که خود را از جهنّم نجات داده و بهشتی شود، در حالی که دستانش را بر سر گذارده بود، سوار بر اسب به سوی مولایش آمد و با دل شکسته و تائب عرضه داشت:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أَنْبْتُ فُتِبَ عَلَيَّ فَقَدْ أَرَعَبْتُ قُلُوبَ أَوْلِيَاءِكَ وَ أَوْلَادِ بِنْتِ نَبِيِّكَ.

خدایا به سوی تو باز گشتم، پس توبه ام را بپذیر که من دل های دوستانت و فرزندان دختر پیامبرت را لرزاندم.

آنگاه به امام حسین علیه السلام عرضه داشت:

جُعِلْتُ فِدَاكَ أَنَا صَاحِبُكَ الَّذِي حَبَسَكَ عَنِ الرُّجُوعِ وَ جَعَجَعَ بِكَ وَ مَا ظَنَنْتُ أَنَّ الْقَوْمَ يَبْلُغُونَ مِنْكَ مَا أَرَى وَ أَنَا تَائِبٌ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فَهَلْ تَرَى لِي مِنْ تَوْبَةٍ؟

فدایت کردم، من همان کسی هستم که در کنارت قرار گرفت و مانع بازگشت شما شد و کار را بر شما تنگ کرد و من گمان نمی کردم که این قوم نسبت به شما به این جا که می بینم، برسند (قصد جان شما را بکنند) و من اکنون به سوی خدا بازگشته ام، آیا جای توبه برای من می بینی؟!

حرّ چنان خود را شرمنده و سرافکنده می دید که با نگاه به گذشته اش، کاملاً از خود ناامید بود، لذا گفت من توبه کارم، اما آیا جای توبه برای من وجود دارد؟! این اظهار، نشانگر کمال ناامیدی او از خودش بود که دقیق ترین معنای توبه همین است. گاهی انسان به زبان توبه می کند، اما از خودش ناامید نیست و در برخی زوایای قلبش هنوز اتکای به خود وجود دارد؛ این توبه کامل نیست. توبه کامل وقتی است که انسان هیچ امیدی - بله واقعاً هیچ امیدی - به خودش و کارهایش نداشته باشد. در این حالت است که اتکای انسان فقط و فقط به فضل و لطف خدای متعال خواهد بود و در چنین حالی مشمول رحمت واسعه الهی واقع می گردد. حرّ به همین نقطه رسیده بود که از

همه چیز خود ناامید بود حتی توبه اش! پیش خود نمی گفت که چون توبه کرده ام، پس لیاقت این را دارم که خدا مرا ببخشد و امام حسین علیه السلام مرا بپذیرد. لذا به بهترین بیان به حضرت عرضه داشت که آیا جای توبه برای من می بیند؟

این جا بود که آقای مولا روح تازه ای در کالبد حرّ دمید و او را برای جانفشانی در رکاب سرور جوانان بهشت مهیا نمود. حضرت با مهربانی و رأفت تمام به او فرمودند:

نَعْمَ يُتُوبُ اللَّهُ عَلَيْكَ.

آری، خداوند توبه تو را می پذیرد.

آنگاه حرّ اجازه خواست که چون نخستین کسی بود که راه بر امام علیه السلام بست، اولین شهید پیش روی آن حضرت باشد. حسین علیه السلام اجازه فرمودند و حرّ پس از جهادی زیبا که گروهی از شجاعان و پهلوانان دشمن را به هلاکت رساند، به شهادت رسید و بدن شریفش را خدمت ابی عبدالله علیه السلام آوردند. حضرت در حالی که خاک را از روی صورت او پاک می کردند، فرمودند:

أَنْتَ الْحُرُّ كَمَا سَمَّيْتَكُ أُمَّكَ حُرّاً فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (۱)

تو آزاد هستی همان طور که مادرت تو را حرّ نامید در دنیا و آخرت.

اینچنین بود که حرّ به آرزویش که فدا کردن جان به پیشگاه حجّت زمان بود، رسید. ما هم با ناامیدی کمال از گذشته خود به امام زمانمان عرضه می داریم: آقا جان ما هرچند که راه به روی شما نبستیم و در مقابل شما علناً جبهه نگرفتیم، اما می دانیم که با گناهان خود و ناشکری هایی که نسبت به همه نعمت های الهی - و در صدر آنها نعمت وجود و معرفت خود شما - داشته ایم، دل پاک و مقدّس شما را آزرده خاطر نمودیم و بر خلاف انتظار شما عمل کردیم. به همین جهت لیاقت فدا کردن جان های خود را در رکاب شما نداریم. اما هر بار که خاطره شهادت کربلا را می خوانیم یا می شنویم و غربت و مظلومیت شما مهدی آل محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم را می بینیم، دلمان به درد می آید و آرزو می کنیم که همچون حرّ بتوانیم با فدا کردن جان ناقابل ۴.

ص: ۱۵۸

خود، مرهمی بر درد بی کسی و غربت شما باشیم و به این وسیله از شرمندگی گذشته های خود به در آییم، آیا شما ما را می پذیرید و اجازه دفاع از وجود مقدّستان را به ما می دهید؟ آیا توبه ما به پیشگاه خداوند مقبول است؟ به زبان حال و مقال خدمتان عرضه می داریم:

هَل تَرَى لِي مِنْ تَوْبَةٍ؟

و از حضورتان انتظار داریم که همچون جدّ بزرگوارتان - که از گذشته حرّ صرف نظر کردند - اعمالی را که موجبات آزردهای خاطر شما را در گذشته فراهم کرده است، به روی ما نیاورید و بزرگوارانه اجازه جانفشانی در پیشگاهتان را عطایمان فرمایید. این بزرگ ترین آرزوی ما در زندگی مان است.

### تعقیب نماز صبح و ظهر

۷- یکی دیگر از تعقیبات نمازهای واجب که در آن دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام مطرح شده، دعای بسیار مهمّ صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم و اهل بیت ایشان علیهم السلام به همراه درخواست تعجیل فرج برای آنان است. از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

مَنْ قَالَ بَعْدَ صِيَاةِ الْفَجْرِ وَ بَعْدَ صِيَاةِ الظُّهْرِ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يُدْرِكَ الْقَائِمَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ. (۱)

هر کس بعد از نماز صبح و نماز ظهر بگوید: «اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم» نمی میرد مگر آنکه قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلّم را درک نماید.

این دعای شریف را در هر زمانی می توان خواند و در عین کوتاهی، فضیلت فوق العاده ای دارد، اما در مورد تعقیبات نماز صبح و ظهر، به خصوص وارد شده است. بنابراین در این دو حالت به یت و ورود هم می توان این دعا را خواند. وعده ای که امامن.

ص: ۱۵۹

---

۱- بحارالانوار، ج ۸۶، ص ۷۷، ح ۱۱، به نقل از جنّه الامان.

صادق علیه السلام برای این عمل ارزشمند فرموده اند، همان آرزویی است که همه اولیای الهی در طول تاریخ از خداوند درخواست می کرده اند. درک زمان ظهور امام زمان علیه السلام و توفیق یاری ایشان بزرگ ترین پاداشی است که منتظران آن حضرت از خدا می طلبند و از فضل پروردگار بعید نیست که به خاطر انجام یک عمل به ظاهر ساده و آسان (گفتن اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم پس از نماز صبح و ظهر) این پاداش عظیم و آرزوی بسیار مهم را برآورده سازد. ارزش یک عمل به حجم ظاهری آن مربوط نمی شود.

### تعقیب دو رکعت اول نماز شب

۸- علاوه بر تعقیبات نمازهای واجب، پس از نمازهای مستحبی هم دعا برای تعجیل مولایمان بسیار پسندیده و مطلوب است. در این جا به ذکر یک نمونه از تعقیبات نمازهای نافله اکتفا می کنیم. این دعا پس از دو رکعت اول نماز شب (یا هر دو رکعت نماز شب (۱)) خوانده می شود. متن دعا مطابق نقل مرحوم علامه مجلسی این است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَ لَمْ يُسْأَلْ مِثْلَكَ، أَنْتَ مَوْضِعُ مَسْأَلَةِ السَّائِلِينَ، وَ مُنْتَهَى رَغْبَةِ الرَّاعِبِينَ، أَدْعُوكَ وَ لَمْ يُدْعَ مِثْلَكَ، وَ أَرْغَبُ إِلَيْكَ وَ لَمْ يُرْغَبْ إِلَى مِثْلِكَ، أَنْتَ مُجِيبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، وَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، أَسْأَلُكَ بِأَفْضَلِ الْمَسَائِلِ وَ أَنْجِحْهَا وَ أَعْظَمِهَا، يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ، بِأَسْمَاءِ كَ الْحُسْنَى، وَ بِأَمْثَالِكَ الْعُلْيَا، وَ نِعْمِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى، وَ بِأَكْرَمِ أَسْمَاءِ كَ عَلَيْكَ، وَ أَحَبِّهَا إِلَيْكَ، وَ أَقْرَبِهَا مِنْكَ وَ سَيَلَهُ، وَ أَشْرَفِهَا عِنْدَكَ مَنَزَلَهُ، وَ أَجْزَلِهَا لَدَيْكَ ثَوَابًا، وَ أَسْرَعِهَا فِي الْأُمُورِ إِجَابَةً، وَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْأَكْبَرِ الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ الْأَعْظَمِ الْأَكْرَمِ، الَّذِي تُجِبُهُ وَ تَهْوَاهُ، وَ تَرْضَى عَمَّنْ دَعَاكَ بِهِ، فَاسْتَجِبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ، وَ حَقُّ عَلَيْكَ أَنْ لَا تَحْرَمَ سَائِلَكَ، وَلَا أ.

ص: ۱۶۰

۱- بنا به نقل علامه مجلسی از مرحوم کفعمی در المصباح، ص ۵۱.

تَرَدَّهُ، وَ بِكَلِّ اسْمِ هُوَ لَمَكَ فِي التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزُّبُورِ وَ الْفُرْقَانِ الْعَظِيمِ، وَ بِكَلِّ اسْمِ دَعَاكَ بِهِ حَمَلَهُ عَرْشِكَ، وَ مَلَائِكَتِكَ وَ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ أَهْلُ طَاعَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ وَاِبْنِ وَاِبْنِ وَاِبْنِ وَاِبْنِ، وَ تُعَجِّلَ خِزْيَ أَعْدَائِهِ. (۱)

ملاحظه می شود که پس از حمد و ثنای خداوند و خواندن او به اسامی مختلف، تعجیل در فرج ولی خدا و فرزند ولی خدا که همانا وجود مقدس بقیه الله الاعظم ارواحنا فداه است را از پروردگار متعال طلب می نمایم.

ما این هشت نمونه از تعقیبات نمازهای واجب و مستحب را که شامل دعا بر تعجیل فرج امام عصر علیه السلام می باشد، نقل کردیم تا میزان اهتمام ائمه طاهرین علیهم السلام به این امر روشن شود.

#### ۴- دعا در زمان های مناسب

##### اشاره

علاوه بر دعاهایی که در قنوت و سجده نماز و تعقیبات آن در حق امام عصر علیه السلام وارد شده، مناسبت های زمانی خاصی هم وجود دارد که باید در آنها به دعا برای آن وجود مقدس اهمیت خاصی قائل شویم.

##### دعا در صبح و شام

۱- اولین مناسبت زمانی برای دعا در حق امام زمان علیه السلام، ابتدا و انتهای هر روز است. مرحوم میرزا محمد تقی فقیه احمد آبادی مؤلف کتاب ارزشمند «مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام» تعبیر زیبایی در بیان ضرورت این دعا دارند. می فرماید:

آیا غلامان و خادمان را نمی بینی که هر صبح و شام برای اظهار خدمت و شکر نعمت نزد ارباب و آقای خود حاضر می شوند؟ ما سزاوارتر از آنان به ایند

ص: ۱۶۱

۱- در «جمال الصّیّ الحین» دنباله دعا چنین است: وَ تَجْعَلْنَا مِنْ أَصْحَابِهِ وَ أَنْصَارِهِ وَ تَرْزُقْنَا بِهِ رِجَاءَنَا وَ تَسْتَجِيبَ بِهِ دُعَاءَنَا. بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۲۴۵، ح ۵۵، به نقل از مصباح المتهدّد

عمل هستیم، چون می دانیم که همه انواع نعمت ها و احسان هایی که خدای عز و جل بر ما ارزانی داشته تنها و تنها به برکت مولایمان صاحب الزمان علیه السلام می باشد. پس شایسته است که خود را با همه وجود در هر صبح و شام در محضر ایشان حاضر نمایی و بدانی که او تو را می بیند و صدایت را می شنود، هر چند که تو او را نمی بینی و بر امو کسانی که دوستشان دارد، اهتمام خاص دارد. (۱)

آری دور از رسم انصاف و شکر نعمت است که ما صبح و شام از ولی نعمت خود یاد نکنیم، با اینکه می دانیم او همواره به ما توجه دارد و از یادمان نمی برد و دعایمان می کند. اگر دعاها و رعایت های ایشان در حق ما نبود، قطعاً به گرفتاری های سخت مبتلا می شدیم یا دشمنان ریشه کنمان می کردند. این حقیقتی است که در متن فرمایش خود امام علیه السلام به صراحت آمده است. (۲) همچنین در تویع شریف خود به دوستانشان اطمینان داده اند که با دعاها و از آنان محافظت می فرمایند. (۳) پس آیا رسم انسائیت و مروّت نیست که ایشان را از یاد ببریم و ابتدا و انتهای هر روز برای حضرتش دعا کنیم؟

ائمه طاهرین علیهم السلام از روی لطف و عنایتی که به شیعیان خود داشته اند، رسم وفا و شکر گزاری را به آنان آموخته اند و دعا برای امام مسلمانان را - در هر زمان - مورد تأکید قرار داده اند. نمونه ای از آن دعایی است که امام صادق علیه السلام تعلیم فرموده و در ابتدای آن چنین تأکید کرده اند:

مَهْمَا تَرَكَتَ مِنْ شَيْءٍ فَلَا تَتْرُكْ أَنْ تَقُولَ فِي كُلِّ صَبَاحٍ وَ مَسَاءٍ.

هرچه را ترک کردی، این را ترک مکن که در هر صبح و شام بگویی.

ملاحظه می شود که اهتمام زیادی نسبت به این دعا به خرج داده اند. در این جا به ۵.

ص: ۱۶۲

- 
- ۱- مکیال المکارم، ج ۲، ص ۲۷، آنچه ذکر شد ترجمه متن کتاب است.
  - ۲- احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۲۳، مراجعه کنید به فصل اول از بخش دوم همین کتاب ذیل عنوان: دعا برای امام عصر علیه السلام به خاطر تلافی کردن احسان ایشان.
  - ۳- احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۲۴ و ۳۲۵.

قسمت هایی از آن اشاره می کنیم و متن کامل آن را در بخش پایانی کتاب نقل می کنیم:

اللَّهُمَّ احْفَظْ إِمَامَ الْمُسْلِمِينَ بِحِفْظِ الْإِيمَانِ وَانصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا وَاجْعَلْ لَهُ وَ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا اللَّهُمَّ  
الْعَن فُلَانًا وَ فُلَانًا وَ الْفِرْقَ الْمُخْتَلِفَةَ عَلَى رَسُولِكَ وَ وُلاهِ الْأَمْرِ بَعْدَ رَسُولِكَ وَ الْأَيْمَةَ مِنْ بَعْدِهِ وَ شِيعَتِهِمْ... (۱)

خدایا امام مسلمانان را با حفظ ایمان محافظت فرما و او را چنان یاری کن که پیروز گردد و برایش فتح آسانی قرار ده و او و ما را به سلطنت حمایت شده ای برسان. خدایا فلانی و فلانی (غاصبان خلافت) و فرقه هایی که (از مسیر صحیح خلافت) پراکنده شده و با پیامبرت و صاحبان امر (امامت) پس از پیامبرت و امامان بعد از او و شیعیانشان مخالفت کردند، همگی را از رحمت خود دور کن.

می بینیم که حضرت صادق علیه السلام دعا در حق امام زمان علیه السلام و تعجیل فرج ایشان را همراه با لعن بر اولین کسانی که با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در امر خلافت اختلاف کردند، تعلیم فرموده اند. این دعای شریف به سفارش امام صادق علیه السلام یک بار ابتدای روز و یک بار هم انتهای آن باید خوانده شود. شایسته است که دوستان امام عصر علیه السلام قرائت این دعا را به همراه دعای شریف عهد - که آن هم از امام صادق علیه السلام روایت شده است - پس از ادای نماز صبح و خواندن تعقیباتش، ترک نکنند.

### پیدا کردن فرصت برای دعا

ممکن است انسان تصوّر کند که فرصت خواندن این دعا را دوبار در روز ندارد، در این صورت باید به سه نکته توجه کند: اول اینکه اگر انسان به انجام کاری اهتمام داشته باشد، در عمل می بیند که وقتش را پیدا می کند. ما اگر اوقاتی را که در شبانه روز بدون توجه و برنامه ریزی به بطالت می گذرانیم، حساب کنیم: روشن می شود که زمان ۳.

ص: ۱۶۳

زیادی برای دعا کردن در اختیار داریم که از آن استفاده کامل نمی‌بریم. بنابراین با برنامه ریزی دقیق و صحیح خواهیم توانست که از اوقات تلف شده خود استفاده‌های بهتر ببریم. یکی از راه‌های آن خواندن همین نوع دعاهاست که در عمل بیش از ۳ تا ۵ دقیقه طول نمی‌کشد. آیا در شبانه روز به اندازه دو تا پنج دقیقه یعنی ده دقیقه زمان تلف شده نداریم تا آن را به دعای برای امام زمان علیه السلام اختصاص دهیم؟!

نکته دوم: در این دعا و امثال آن خیرات زیادی برای خود می‌خواهیم و از قضا و قدر شر به خدا پناه می‌بریم. اگر حقیقتاً دعا به پیشگاه الهی را در جلب خیرات و رفع شرور مؤثر می‌دانیم، باید چنین بیندیشیم که خواندن این ادعیه ما را از صرف وقت و امکانات زیادی که ممکن است صرف معالجه بیماری‌ها و رفع گرفتاری‌ها شود، بی‌نیاز می‌کند. کسی که به این دعاها اعتقاد دارد، یقین پیدا می‌کند که با خواندن آنها می‌تواند خود را از بسیاری بلاها بیمه کند و به این وسیله از عمر گرانقدر خود استفاده بیشتری بنماید.

نکته سوم اینکه اگر حقیقتاً وقت کافی برای خواندن همه دعاها در هر روز - صبح و شام - نداریم، به کلی آنها را کنار نگذاریم. اگر در صبح وقت دعا خواندن داریم و شب فرصت نداریم، دعای صبح را ترک نکنیم. یا اگر در شب این فرصت را داریم و صبح وقت نداریم، دعای شب را بخوانیم. همچنین اگر یک یا چند روز فرصت دعا خواندن پیدا نکردیم، در یک روز که این فرصت را پیدا می‌کنیم، از خواندن آن غفلت نورزیم. به این ترتیب قطعاً در طول هفته فرصت حداقل یک یا چند بار دعا خواندن را پیدا خواهیم کرد و هرگز چنین نمی‌شود که هفته‌ها و ماه‌ها بگذرد و یک بار هم دعای سفارش شده امام صادق علیه السلام - در صبح و شام - را نخوانده باشیم.

### **دعای عهد روزانه**

دعای دیگری که صبح هر روز به عنوان تجدید بیعت با وجود مقدس امام عصر علیه السلام خوانده می‌شود، دعایی است که به دعای عهد معروف می‌باشد. این دعا سفارش شده



امام صادق علیه السلام است که در فضیلت خواندن آن فرموده اند:

هر کس چهل صبح با این عهد به پیشگاه خداوند دعا کند، از یاوران قائم ما خواهد بود. پس اگر پیش از قیام ایشان بمیرد، خدای متعال او را از قبرش بیرون می آورد و به ازای هر کلمه (این دعا ثواب) هزار کار خوب به او عطا می فرماید و هزار بدی را از او محو می سازد. (۱)

این دعای شریف در کتب مختلف دعا از جمله کتاب گرانقدر «مفاتیح الجنان» اثر ماندگار مرحوم حاج شیخ عباس قمی نقل شده است. باید توجه داشت که خواندن این دعا باید جزء برنامه روزانه دوستداران حضرت باشد که در هر صبحگاه پیمان خود را با امام زمانشان تازه و نو می کنند. برخی تصور می کنند که با خواندن چهل روز این دعا، وظیفه شان را نسبت به آن انجام داده اند، چنین نیست. حقوق امام زمان علیه السلام بسیار بزرگ تر از آن است که ما در طول عمر خود فقط چهل روز با ایشان تجدید عهد کنیم و در حق آن حضرت دعا نماییم. درست است که پس از خواندن چهل روز - البته به شرط قبولی آن - امید داریم که بشارت امام صادق علیه السلام نصیب ما بشود، اما از طرف دیگر به خاطر خطاها و گناهانی که هر روز در معرض انجامش هستیم، از حبط شدن اثر آن می ترسیم. (۲) بنابراین هر روز صبح آن را تکرار می کنیم بلکه لااقل یکی از دعا‌های چهل روزه ما مورد قبول درگاه الهی قرار بگیرد و آثار و برکات آن به طور کامل شامل حالمان بشود.

### دعا در شب و روز جمعه

۲- دومین مناسبت زمانی برای دعا در حق امام عصر علیه السلام شب ها و روزهای جمعه هر هفته است. اگر بیشتر افراد - به خصوص آقایان - در طول روزهای میانی هفته، مشغول کار و تلاش هستند و باید با اهتمام ورزیدن به امر دعا فرصت لازم را برای آن به وجود آورند، اما در تعطیلی آخر هفته این فرصت به سادگی فراهم است. شب و روز.

ص: ۱۶۵

۱- بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۱۱ و ۱۱۲، به نقل از مصباح الزائر.

۲- درباره حبط اعمال و جدی بودن خطر آن رجوع کنید به کتاب «در ضیافت ضریح».

جمعه بهترین وقت برای عبادت و بندگی خداست. دعا هم یکی از بهترین مصادیق عبادت می باشد که در این زمان باید حَقّش ادا گردد. احادیث زیادی در فضیلت شب و روز جمعه وارد شده که به برخی از آنها اشاره می کنیم. از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمودند:

مَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ يَوْمٍ أَفْضَلَ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ. (۱)

خورشید در روزی بهتر از روز جمعه طلوع نمی کند.

از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز نقل شده که در فضیلت روز جمعه چنین فرمودند:

يَوْمُ الْجُمُعَةِ سَيِّدُ الْأَيَّامِ وَأَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ يَوْمِ الْأُضْحَى وَ يَوْمِ الْفِطْرِ. (۲)

روز جمعه آقای همه روزهاست و نزد خدای عزّ و جلّ از روز (عید) قربان و روز (عید) فطر بزرگ تر است.

همچنین از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ اخْتَارَ الْجُمُعَةَ فَجَعَلَ يَوْمَهَا عِيداً وَ اخْتَارَ لَيْلَهَا فَجَعَلَهَا مِثْلَهَا... فَلَيْلَةُ الْجُمُعَةِ أَفْضَلُ اللَّيَالِي وَ يَوْمُهَا أَفْضَلُ الْأَيَّامِ. (۳)

خداوند جمعه را برگزید پس روزش را عید قرار داد و شبش را برگزید پس آن را همچون روزش قرار داد... پس شب جمعه بهترین شبها و روزش بهترین روزهاست.

با این فضیلتی که شب و روز جمعه دارد، باید انسان حدّاکثر بهره برداری را از برکات آنها بکند و حقّ آنها را به خوبی ادا نماید. هرچه معرفتمان به برکات شب و روز جمعه بیشتر شود، استفاده بهتری از آنها خواهیم برد. عالم بزرگوار مرحوم آیه الله حاج میرزا محمّد تقی موسوی اصفهانی (فقیه احمدآبادی) سال ها پیش از ۸.

ص: ۱۶۶

۱- بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۲۷۳، ح ۱۹، به نقل از عدّه الدّاعی.

۲- همان، ص ۲۶۷، ذیل ح ۵، به نقل از الخصال.

۳- همان، ص ۲۸۲، ذیل ح ۲۸.

تألیف مکیال المکارم» کتاب مفصّلی به زبان فارسی تألیف نموده اند که نام آن را «ابواب الجنّات فی آداب الجمعات» نهاده اند. ایشان انگیزه خود را در این کار در ابتدای مقدمه آن چنین بیان داشته اند:

چون حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم از جانب حضرت پروردگار غفار از فرط شفقت و رحمت در هر هفته یک شب و یک روز را که شب و روز جمعه باشد از برای امت خود عید قرار دادند و آن شب و روز را سید روزها و شب ها خواندند که بندگان در آن تهیّه سفر آخرت نمایند و از اعمالی که در شش شبانه روز سابق مرتکب شده اند استعفا و استغفار جویند و به ارتکاب اعمال شایسته مشغول شوند نه آنکه بیش از پیش مشغول عصیان و نافرمانی شوند (و در این زمان امر بر عکس شده، بعضی مردم ایام هفته را به کسب مشغول و شب و روز جمعه را به جهت معاصی می گذرانند، غافل از آنکه عقابش مضاعف است و بعضی دیگر لااقل به بیهوده می گذرانند و به کارهای لغو طی می کنند) لهذا این حقیر سراپا تقصیر، تصمیم عزم نمودم که کتابی تألیف نمایم جامع که مشتمل باشد بر فضایل و خصایص شب و روز جمعه و اعمال آن، شاید مؤمنی بدان عمل نماید و آن موجب آموزش گناهان این عاصی و ذخیره روز تنگدستی و درماندگی بوده باشد. (۱)

آنچه از ایشان نقل کردیم مستند به احادیث ائمه طاهرین علیهم السلام است. به عنوان نمونه از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده است:

اجْتَبُوا الْمَعَاصِيَ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ فَإِنَّ السَّيِّئَةَ مُضَاعَفَةٌ وَ الْحَسَنَةَ مُضَاعَفَةٌ وَ مَنْ تَرَكَ مَعْصِيَةَ اللَّهِ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ كُلَّ مَا سَلَفَ فِيهِ وَ قِيلَ لَهُ: اسْتَأْنِفِ الْعَمَلِ وَ مَنْ بَارَزَ اللَّهَ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ بِمَعْصِيَةٍ أَخَذَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِكُلِّ مَا عَمَلَ فِي عُمُرِهِ وَ ضَاعَفَ عَلَيْهِ الْعِذَابَ بِهَذِهِ الْمَعْصِيَةِ. (۲) ۸.

ص: ۱۶۷

---

۱- ابواب الجنّات فی آداب الجمعات (آیین جمعه)، ص ۱۰ و ۱۱. خوب است بدانیم که مؤلف گرانقدر، این کتاب ۵۰۰ صفحه ای را در سنّ ۲۵ سالگی نوشته اند (رحمه الله علیه).

۲- بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۲۸۳، ذیل ح ۲۸.

شب جمعه از گناهان پرهیزید زیرا (عقاب) گناه (در آن) چند برابر و (پاداش) کار خوب هم چند برابر است. و هرکس در شب جمعه نافرمانی خدا را ترک نماید، خداوند هرچه در گذشته اش مرتکب شده را می بخشد و به او گفته می شود: عمل را از نو شروع کن و هرکس در شب جمعه با گناهش به مخالفت با خدا برخیزد، خدای عز و جل او را به خاطر همه گناهانی که در طول عمرش انجام داده، مؤاخذه می کند و به سبب همین گناه (شب جمعه) چند برابر عذابش می نماید.

با این توضیحات باید قدر شب و روز جمعه را بیشتر بدانیم و بار سفر آخرت خود را در این اوقات ببندیم. حال که کار خوب در این زمان ها چند برابر حساب می شود، دعا برای تعجیل فرج مولای مهربانمان هم فضیلت فوق العاده ای پیدا می کند. خوب است بدانیم که روز جمعه را در برخی احادیث، روز ظهور امام زمان علیه السلام دانسته اند. از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

يَخْرُجُ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ... وَ مَا مِنْ عَمَلٍ أَفْضَلَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ (۱).

قائم ما اهل بیت علیهم السلام در روز جمعه ظهور می کند... و هیچ عملی در روز جمعه از فرستادن صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و آل ایشان بهتر نیست.

البته چون وقت ظهور امام عصر علیه السلام از امور بداء پذیر است، به طور قطعی نمی توانیم روز آن را پیش بینی نماییم؛ اما آنچه طبق این حدیث شریف مفسر شده، ظهور در روز جمعه است که اگر در آن بداء صورت نپذیرد، همان واقع می گردد. در روزی که این قدر فضیلت دارد، هیچ عملی مهم تر از فرستادن صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و عترت ایشان علیهم السلام نیست. حال اگر این عبادت گرانقدر با دعا برای تعجیل فرج ایشان همراه شود، عظمت بی نظیری پیدا خواهد نمود. از امام صادق علیه السلام منقول است که فرمودند:ل.

ص: ۱۶۸

---

۱- همان، ص ۲۶۸، ح ۷، به نقل از الخصال.

در روز قیامت، خدای متعال همه روزها را مبعوث می فرماید و روز جمعه را همچون عروس دارای کمال و جمال پیشاپیش همه آنها مبعوث می فرماید... آنگاه جمعه برای هر کس که در آن بر مُحَمَّد و آل مُحَمَّد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ زیاد صلوات فرستاده باشد، شفاعت می کند.

راوی می پرسد: منظور از زیاد چه تعداد است و در چه وقت از اوقات روز جمعه صلوات فرستادن بهتر است؟ حضرت فرمودند:

بعد از عصر صد بار صلوات بفرستد.

مرحوم سیدبن طاووس منظور از عصر را در فرمایش امام علیه السلام نماز عصر دانسته اند. راوی می پرسد: چگونه این صلوات را بفرستم، می فرمایند:

صد بار می گویی: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ. (۱)

به این ترتیب یکی از بهترین عبادت های روز جمعه برای دوستداران امام عصر علیه السلام انجام همین عمل شریف در فرمایش امام صادق علیه السلام می باشد. شبیه همین تکلیف برای شب های جمعه نیز وارد شده است. مرحوم شیخ الطائفه ابوجعفر طوسی در کتاب «مختصر المصباح» در بیان وظایف شب جمعه می فرماید:

صد بار یا هر تعداد که می توانی در صلوات بر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می گویی:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَ أَهْلِكَ عَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ. (۲)

یکی دیگر از دعاهای وارد در روز جمعه، دعای ندبه است که مضامین آن شامل اظهار شوق دیدار امام غایب و درخواست تعجیل فرج ایشان با تعابیر مختلف می باشد. البته دعاهای شب و روز جمعه در حق امام عصر علیه السلام و تعجیل فرج ایشان فراوان است. ما در این جا به معرفی یک دعای دیگر اکتفا کرده و علاقمندان را به منابع ۱.

ص: ۱۶۹

۱- جمال الاسبوع، فصل ۴۷، ح ۷، ص ۲۷۷.

۲- مکیال المکارم، ج ۲، ص ۳۱.

مفصل تر در این خصوص ارجاع می دهیم. (۱)

این دعا را جناب شیخ عثمان بن سعید عمروی اولین نایب امام عصر علیه السلام املا فرموده است که با توجه به مقام نیابت خاصه ایشان می توانیم آن را دعای مأثور از معصوم علیهم السلام تلقی کنیم. مرحوم سیدبن طاووس در خصوص این دعا می فرماید:

اگر نسبت به خواندن همه آنچه در تعقیبات عصر روز جمعه آوردیم، عذری داشتی، مبدا در خواندن این دعا سستی بورزی. هر آینه این امر را از فضیلت های اختصاصی خداوند در حق خود می دانیم، پس بر آن اعتماد کن. (۲)

البته در سند دعا اشاره ای به اینکه در روز جمعه خوانده شود، وجود ندارد و خود مرحوم سید این دعا را جزء اعمال روز جمعه قرار داده است. متن کامل این دعا مطابق نقل مرحوم سیدبن طاووس در بخش سوم کتاب آمده است.

آخرین فرصت دعا در روز جمعه مربوط به دقایق پایانی آن می شود که به فرموده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هر کس در آن وقت از خدا طلب خیری نماید، دست خالی نمی ماند. حضرت صدیقه طاهره علیها السلام از پدر بزرگوارشان نقل فرموده اند که فرمود:

إِنَّ فِي الْجُمُعَةِ لَسَاعَةً لَا يُرَاقِبُهَا (لَا يُؤَافِقُهَا) رَجُلٌ مُسْلِمٌ يَسْأَلُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِيهَا خَيْرًا إِلَّا أَعْطَاهُ إِيَّاهُ.

در روز جمعه زمانی است که هیچ مسلمانی از آن مراقبت نمی کند (یا با آن هماهنگ نمی شود) که از خدای عز و جل در آن زمان خیری طلب نماید، مگر آنکه (خدا) آن را عطایش فرماید.

حضرت زهرا اطهر علیها السلام می پرسند:

آن زمان کدام ساعت است؟

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

إِذَا تَدَلَّى نِصْفُ عَيْنِ الشَّمْسِ لِلْغُرُوبِ.

هنگامی که نیمی از قرص خورشید در افق مغرب ناپدید می شود. ۵.

ص: ۱۷۰

۱- به عنوان نمونه کتاب نجم الثاقب، باب ۱۱ و جمال الاسبوع.

۲- جمال الاسبوع، ص ۳۱۵.

به همین جهت حضرت فاطمه علیها السلام به غلام خویش می فرمودند که از روی بلندی ها مراقب باشد، هرگاه نیمی از قرص خورشید در افق مغرب ناپدید می شود، ایشان را خبر نماید تا حضرتش دعا فرمایند. (۱)

زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم معین فرمودند، چند دقیقه بیشتر نیست، اما به قدری اهمیت دارد که حضرت زهرا مرضیه علیها السلام غلام خود را برای تعیین آن به روی بلندی می فرستادند تا این فرصت از دستشان نرود. این چند دقیقه درست پیش از زمان غروب کامل خورشید است که می توان از خداوند طلب خیر نمود. کدام خیری از تعجیل فرج مولایمان بالاتر است که در این زمان محدود از پیشگاه الهی درخواست شود؟

### دعا در عصر روز دوشنبه و پنجشنبه

۳- از دیگر زمان های مناسب دعا در حق امام عصر علیه السلام به خصوص برای تعجیل فرج ایشان، عصر روز دوشنبه و روز پنجشنبه هر هفته است. این دو وقت، زمان هایی هستند که اعمال امت خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه طاهرین علیهم السلام و به طور خاص محضر بقیه الله الاعظم ارواحنا فداه عرضه می شود. این حقیقت در قرآن کریم و احادیث اهل بیت علیهم السلام به صراحت مطرح شده است. در این جا نیاز به بحث تفصیلی نیست. (۲) به اجمال اشاره می شود که قرآن کریم از اینکه اعمال بندگان به رؤیت خدا، رسول و مؤمنان خاص می رسد، به صراحت خبر می دهد و می فرماید:

وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ. (۳)

و (ای پیامبر) بگو عمل کنید که خدا و رسولش و مؤمنان، عمل شما را می بینند. ۵.

ص: ۱۷۱

۱- معانی الاخبار، ص ۳۹۹ و ۴۰۰، ح ۵۹.

۲- تفصیل این بحث در کتاب «آفتاب در غربت»، بخش دوم، فصل دوم، تحت عنوان «۷- شاهد خدا بر خلق» آمده است.

۳- برائت/ ۱۰۵.

در تفسیر این آیه شریفه احادیث متعددی دلالت می کند بر اینکه همه اعمال بندگان در فواصل مختلف بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه طاهرین علیهم السلام - که مقصود از مؤمنان در آیه فوق هستند - عرضه می شود. از زمان های عرضه اعمال روزهای دوشنبه و پنجشنبه هر هفته است. مرحوم سیدبن طاووس از جد شریفش شیخ ابوجعفر طوسی در تفسیر آیه فوق چنین نقل کرده است:

رَوِيَ فِي الْخَبَرِ أَنَّ الْأَعْمَالَ تُعْرَضُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ فِي كُلِّ اثْنَيْنِ وَ خَمِيسٍ فَيَعْلَمُهَا وَ كَذَلِكَ تُعْرَضُ عَلَى الْأَئِمَّةِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ فَيَعْرِفُونَهَا وَ هُمُ الْمَعْتَبُونَ بِقَوْلِهِ «وَالْمُؤْمِنُونَ» (۱).

در حدیث آمده است که همه اعمال در هر دوشنبه و پنجشنبه خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عرضه می گردد و ایشان از آنها آگاه می شوند و همچنین بر امامان علیهم السلام عرضه می شود، پس آنها هم از اعمال آگاه می گردند و منظور از «المؤمنون» در آیه قرآن تنها ائمه علیهم السلام هستند.

احادیث متعددی بر وقوع این مطلب دلالت می کند که در ذیل آیه ۱۰۵ سوره براءت و آیات دیگری از قرآن - از جمله آیه ۳۳ سوره انفال - آمده است. جالب این جاست که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و جانشینانش به خاطر رأفت و لطف شدید به امت خویش، وقتی از پرونده اعمال آنان آگاه می شوند، برای بدی هایشان از خدا طلب مغفرت می کنند. حضرت باقرالعلوم علیه السلام از خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل فرموده اند که ایشان چنین فرمودند:

... لِأَنَّ أَعْمَالَكُمْ تُعْرَضُ عَلَيَّ كُلِّ اثْنَيْنِ وَ خَمِيسٍ فَمَا كَانَ مِنْ حَسَنٍ حَمِدْتُ اللَّهَ عَلَيْهِ وَ مَا كَانَ مِنْ سَيِّئٍ اسْتَغْفَرْتُ لَكُمْ. (۲)

... چون در هر دوشنبه و پنجشنبه اعمال شما بر من عرضه می شود. پس به خاطر کارهای خوبتان خداوند را می ستایم و برای کارهای بدتان (از خدا) طلب مغفرت می نمایم. ۴.

ص: ۱۷۲

۱- محاسبه النفس، ص ۱۶ و ۱۷.

۲- تفسیر کنز الدقائق، ج ۵، ص ۳۳۴.



مرحوم سیدبن طاووس این مطلب را از منابع اهل سنت نیز نقل کرده و آن را مورد اتفاق فریقین دانسته است. (۱) چون ائمه طاهرین علیهم السلام در همه شؤون - به جز نبوت - جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هستند، همین استغفار برای امت گناهکار برای آنان نیز اثبات می شود، علاوه بر اینکه بعضاً تصریحاتی نسبت به این مطلب دارند. به عنوان نمونه امام هشتم علیه السلام به شخصی به نام موسی بن سیار فرمودند:

ای موسی بن سیار! آیا نمی دانی که اعمال شیعیان ما در هر صبح و شام بر همگی ما امامان عرضه می شود؟ آنگاه اگر تقصیری در رفتار آنها باشد، از خداوند می خواهیم که از سر تقصیراتشان بگذرد و اگر کار خوبی داشته باشند، از خدا می خواهیم که از آنها قدردانی فرماید؟ (۲)

البته هیچ منافاتی بین این حدیث و احادیث گذشته وجود ندارد. عرضه اعمال بر امامان علیهم السلام می تواند به صورت های مختلف و در زمان های مختلف باشد و همه آنها با هم قابل جمع هستند. قدر مسلم این است که ائمه علیهم السلام به پیروی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، چنان محبتی به امت خویش - یعنی شیعیان - دارند که وقتی اعمال بد آنان را در پرونده اعمالشان می بینند، برای آمرزش گناهانشان دست به دعا بلند می کنند و برای آنها طلب مغفرت می نمایند. این کاری است که امام عصر علیه السلام نیز درباره دوستانش انجام می دهد. یعنی با هر روز و یا حداقل روزهای دوشنبه و پنجشنبه وقتی نامه اعمال ما به دست مبارکش می رسد و کارهای بدمان ایشان را ناراحت می کند، برایمان طلب مغفرت می فرماید.

مرحوم سیدبن طاووس می فرماید:

شیعه روایت کرده است که زمان عرضه اعمال در این دو روز (دوشنبه و پنجشنبه) هنگام پایان یافتن روز (یعنی پیش از غروب) است. (۳)

با این ترتیب ما اطمینان داریم که حداقل هفته ای دو روز - روزهای دوشنبه و ۷.

ص: ۱۷۳

۱- محاسبه النفس، ص ۱۸ و ۱۹.

۲- بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۹۹.

۳- جمال الاسبوع ص ۱۱۷.

پنجشنبه - پیش از غروب، پرونده اعمال ما خدمت مولایمان عرضه می گردد و ایشان از حال یک یک ما آگاه می شوند. سپس برای پاک شدن ما از آلودگی گناهانی که در چند روز گذشته مرتکب شده ایم، به پیشگاه الهی دعا می کنند.

حال که چنین است، آیا رسم جوانمردی و مروّت نیست که ما هم - حدّ اقل در این دو وقت - به یاد ولیّ نعمتمان باشیم و چون ایشان را به خاطر کارهای زشت خود ناراحت کرده ایم، در صدد جلب رضایت حضرتش برآییم؟ ما می دانیم چه چیزی مولایمان را بیش از هر چیز دیگر خوشحال می کند، آری هیچ چیز به اندازه مژده ظهور، امامان را مسرور و شاد نمی کند. پس آیا بهترین عمل در آن زمان ها، دعا برای سلامتی و تعجیل فرج ایشان نیست؟ پس چرا به این فکر نیستیم و فراموشمان می شود؟! به این فرمایش حضرت امام صادق علیه السلام توجه فرمایید:

إِذَا كَانَ يَوْمُ الْخَمِيسِ عِنْدَ الْعَصْرِ أَهْبَطَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَلَائِكَةً مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ مَعَهَا صَيِّحَاتُ مِنْ فِضَّةٍ بِأَيْدِيهِمْ أَقْلَامٌ مِنْ ذَهَبٍ تَكْتُبُ الصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عِنْدَ غُرُوبِ الشَّمْسِ. (۱)

در روز پنجشنبه هنگام عصر، خدای عزّ و جلّ فرشتگانی را از آسمان به زمین فرو می فرستد که با آنها برگ های از نقره و در دستانشان قلم هایی از طلاست، (با این قلم های طلایی روی آن برگ های نقره ای) هنگام غروب خورشید صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را می نویسند.

بنابراین آیا شایسته نیست که این صلوات ها را با دعای بر تعجیل فرج اهل بیت علیهم السلام قرین کنیم تا به این وسیله قدمی کوتاه در راه شکر نعمت ولایت و محبت ائمه طاهرین به خصوص امام غریب و غایبمان برداشته باشیم؟ این دعا در هنگام غروب روز پنجشنبه به خصوص وارد شده است. مطابق نقل مرحوم سیدبن طاووس جزء تکالیف مستحبی انسان در روزهای پنجشنبه این است که هزار بار این گونه صلوات بفرستد: ۲.

ص: ۱۷۴

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ.

و در روایت دیگری فرموده اند که صد بار به این صورت صلوات بفرستد:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَ أَهْلِكَ عُذُوهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ. (۱)

این همان دعای شریفی است که برای روز جمعه به خصوص پس از نماز عصر به آن سفارش شده است.

اهتمام به دعای صلوات همراه با درخواست تعجیل فرج اهل بیت علیهم السلام در روزهای پنجشنبه آخر هر ماه قمری تأکید بیشتری دارد، زیرا مطابق روایات، پرونده اعمال هر ماه در آخرین پنجشنبه آن به پیشگاه خداوند عرضه می شود تا مورد بررسی قرار گیرد و مورد قبول یا رد واقع شود. از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

آخِرُ كُلِّ خَمِيسٍ فِي الشَّهْرِ تُرْفَعُ فِيهِ أَعْمَالُ الشَّهْرِ. (۲)

پایان هر پنجشنبه در ماه، اعمال آن ماه (به درگاه خداوند) بالا می رود.

از این روایت و شبیه آن بر می آید که اعمال هر کس به صورت ماهانه بالا می رود تا نسبت به پذیرفته شدن یا نشدن کارهای خوب و آمرزیده شدن یا نشدن کارهای بد مورد رسیدگی قرار گیرد. کسی که در طول یک ماه گناہانی مرتکب شده و نمی داند که خداوند آنها را آمرزیده است یا خیر، همچنین نمی داند که کارهای خویش در این ماه مقبول درگاه الهی قرار گرفته یا خیر، می تواند با جلب رضایت امام انس و جانّ حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا فداه خود را رو سپید کند و همه کوتاهی های یک ماه گذشته را جبران نماید و چه کاری بهتر از دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام در جلب خشنودی ایشان؟!

البته چه خوب است که همراه با این دعا صیغه استغفار را - به صورتی که دستور داده اند - از اعماق جانش به زبان جاری کند به این امید که این استغفار با استغفار امامع.

ص: ۱۷۵

۱- جمال الاسبوع، ص ۱۲۱.

۲- محاسبه النفس، ص ۲۴، به نقل از علل الشرایع.

زمان علیه السلام برای او- یا آمین آن بزرگوار - همراه شده و به آبروی آن عزیز به هدف اجابت برسد. مستحب است انسان در پایان روز پنجشنبه این گونه استغفار نماید:

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ تَوْبَةَ عَبْدٍ خَاشِعٍ خَاضِعٍ مُسَكِّنٍ مُسْتَجِرٍ لَا يَسْتَطِيعُ لِنَفْسِهِ صَرْفًا وَلَا عَيْدًا وَلَا نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَلَا حَيَاةً وَلَا مَوْتًا وَلَا نُشُورًا وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عِتْرَتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَبْرَارِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا. (۱)

## دعا در روز عید غدیر

### اشاره

۴- چهارمین مناسب زمانی برای دعا در حق امام عصر علیه السلام به خصوص تعجیل فرج ایشان روز عید غدیر است. این عید به یقین بزرگ ترین عید مسلمانان است که آن را حق «عیدالله الا-کبر» نامیده و امام صادق علیه السلام قسم خورده اند که خداوند روزی که حرمتش بالاتر از روز غدیر باشد، نیافریده است. (۲)

عظمت این روز به خاطر آن است که در آن عهد و پیمان الهی - که همان عهد امامت و ولایت ائمه طاهرين عليهم السلام است - به همه جهانیان تا روز قیامت اعلام گردیده و از همه انسان ها در هر نسلی بر عمل به آن پیمان الهی، بیعت خواسته شده است. همه مخاطبان غدیر تا روز رستاخیز موظفند که با قول و عمل خویش بر وفا به این عهد خداوند، پیمان ببندند و مولویت موالی خویش را با جان و دل گردن نهند. هرچند پیمان غدیر به همه امامان - اعم از گذشتگان و امام حاضر - مربوط می شود، امّا از یک جهت می توان گفت که عصاره و نتیجه ولایت و مولویت همه امامان پیشین در وجود مقدس آخرین باقی مانده از خاندان عصمت و طهارت متجلی شده است. بنابراین بیعت با ایشان در روز عید غدیر، بیعت با همه جانشیان پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم به شمار می آید. لذا می توانیم مهم ترین عمل را در عید غدیر بیعت با امام ۶.

ص: ۱۷۶

۱- محاسبه النفس، ص ۲۳.

۲- اقبال الاعمال، ص ۴۷۶.

زمان علیه السلام به عنوان ولی امر و صاحب اختیار مطلق از جانب پروردگار بشماریم و آن را روز تجدید عهد با آن حضرت بنامیم. با این توضیح مختصر روشن می شود که دعا در حق امام عصر علیه السلام در روز غدیر و به خصوص درخواست تعجیل فرج ایشان - که فرج همه اهل بیت علیه السلام است - از خداوند چه اهمیتی خاصی دارد. اگر نگاهی به دعاهای مأثور در این روز شریف بیندازیم به این اهمیتی بیشتر پی خواهیم برد.

یکی از زیباترین دعاها در عید غدیر دعایی است که مرحوم سیدبن طاووس از جناب شیخ مفید رضوان الله علیه نقل فرموده است. اول دعا چنین است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَعَلِيِّ وَلِيِّكَ وَالشَّانِ وَالْقَدْرِ الَّذِي خَصَّصْتَهُمَا بِهِ دُونَ خَلْقِكَ ... .

خدایا به حق محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیامبرم و علی ولایت و شأن و منزلتی که در بین خلایقت به ایشان اختصاص داده ای، از تو می خواهم ... .

در آخر دعا هم آمده است:

اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَن أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَاکْشِفْ عَنْهُمْ وَبِهِم عَنِ الْمُؤْمِنِينَ الْكُرْبَاتِ. اللَّهُمَّ اَمَلًا الْأَرْضِ بِهِمْ عِدْلًا كَمَا مُلِئْتَ ظُلْمًا وَ جَوْرًا وَ أَنْجِزْ لَهُمْ مَا وَعَدْتَهُمْ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ. (۱)

خدایا بر خاندان محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیامبرت فرج و گشایش ده و از آنها و از مؤمنان به سبب آنها، محنت ها و غم ها را برطرف ساز. خداوند زمین را به وسیله آنها پر از عدل کن همچنان که از ظلم و جور پر شده است و آنچه به ایشان وعده فرموده ای تحقق بخش، همانا که تو خلف وعده نمی کنی.

ملاحظه می شود که در این فراز از دعا، درخواست فرج اهل بیت علیهم السلام - و به واسطه آنان فرج همه مؤمنان - از خدای متعال مطرح شده است. عمل دیگری که در روز عید غدیر بر انجام آن تأکید شده، شامل دعایی از قول امام صادق علیه السلام است که در آن تقاضای یاری کردن امام منتظر و قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم مطرح می باشد. متنل.

ص: ۱۷۷

فرمایش امام ششم علیه السلام چنین است:

صَوْمُ يَوْمِ غَدِيرِ حُجْمٍ يَعْدِلُ صِيَامَ عُمَرِ الدُّنْيَا لَوْ عَاشَ إِنْسَانٌ عُمَرَ الدُّنْيَا ثُمَّ لَوْ صَامَ مَا عَمَرَتِ الدُّنْيَا لَكَانَ لَهُ ثَوَابُ ذَلِكَ وَصِيَامُهُ يَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِائَةَ حَاجَةٍ وَ مِائَةَ عُمْرِهِ وَ هُوَ عِيدُ اللَّهِ الْأَكْبَرِ وَ مَا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ نَبِيًّا إِلَّا وَ تَعَيَّدَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ عَرَفَ حُرْمَتَهُ وَ اسْمُهُ فِي السَّمَاءِ يَوْمَ الْعَهْدِ الْمَعْهُودِ وَ فِي الْأَرْضِ يَوْمَ الْمِيثَاقِ الْمَأْخُودِ وَ الْجَمْعِ الْمَشْهُودِ ...

روزه عید غدیر خم معادل روزه عمر دنیاست. اگر انسانی به اندازه عمر دنیا می زیست سپس همه عمر دنیا را روزه می گرفت، همان قدر ثواب داشت و روزه عید غدیر نزد خدای عزّ و جلّ با صد حج و صد عمره برابری می کند و آن بزرگ ترین عید خداوند است و خدای عزّ و جلّ هیچ پیامبری را مبعوث نکرده، مگر آنکه این روز را عید گرفته است و برای آن احترام خاصّ قائل بوده است. نام آن در آسمان روز عهد شناخته شده و در زمین روز پیمان ستانده شده و جمع مشهود است.

سپس اضافه فرمودند:

هرکس نیم ساعت پیش از ظهر دو رکعت نماز به خاطر شکر خدای عزّ و جلّ بجا آورد و در هر رکعت آن ده بار سوره حمد و ده بار سوره قدر و ده بار آیه الکرسی را بخواند، نزد خدای عزّ و جلّ با صد هزار حج و صد هزار عمره برابری می کند و هیچ حاجتی از حاجت های دنیا و آخرت را از خدای عزّ و جلّ درخواست نمی کند - هر حاجتی باشد - مگر آنکه خدای عزّ و جلّ به برآورده شدن آسان و بی دردسر آن حکم می فرماید.

آنگاه در پایان فرمایشات خود، دعایی را تعلیم فرمودند که پس از آن دو رکعت نماز خوانده شود. قسمت پایان این دعا چنین است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ وَ بِالَّذِي فَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ جَمِيعًا أَنْ تُبَارِكَ لَنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا الَّذِي أَكْرَمْتَنَا فِيهِ بِالْوَفَاءِ لِعَهْدِكَ الَّذِي عَهَدْتَ إِلَيْنَا وَ الْمِيثَاقِ الَّذِي وَاتَّقْتَنَا بِهِ مِنْ مُوَالَاهِ أَوْلِيَائِكَ وَ

ص: ۱۷۸

الْبِرَاءِ مِنْ أَعْدَائِكَ وَ تَمَنَّ عَلَيْنَا بِنِعْمَتِكَ وَ تَجْعَلَهُ عِنْدَنَا مُسْتَقْرّاً ثَابِتاً وَ لَا تَسْلُبْنَاهُ أَبَداً وَ لَا تَجْعَلَهُ عِنْدَنَا مُسْتَوْدِعاً فَإِنَّكَ قُلْتَ: «فَمُسْتَقْرٌّ وَ مُسْتَوْدِعٌ» فَاجْعَلَهُ مُسْتَقْرّاً ثَابِتاً وَ ارزُقْنَا نَصَرَ دِينِكَ مَعَ وَلِيِّ هَادٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ قَائِماً رَشِيداً هَادِياً مَهْدِياً مِنَ الضَّلَالَةِ إِلَى الْهُدَى وَ اجْعَلْنَا تَحْتَ رَايَتِهِ وَ فِي زُمْرَتِهِ شُهَدَاءَ صَادِقِينَ مَقْبُولِينَ فِي سَبِيلِكَ وَ عَلَي نَصْرِهِ دِينِكَ. (۱)

خداوندا از تو می خواهم به حقی که نزد آنان (خاندان پیامبر) قرار داده ای و به آنچه بر تمام جهانیان برتریشان بخشیده ای که این روز را بر ما مبارک گردانی، همان روزی که ما را در آن گرمی داشته ای، به خاطر وفا به عهدی که از ما خواسته ای و پیمانی که از ما گرفته ای - پیمان دوستی و پیروی اولیایت و بیزاری از دشمنانت ... و [از تو می خواهم] با لطف خود بر ما منت نهی و آن را نزد ما ماندنی و ثابت بداری و هرگز از ما نگیری و نزد ما امانت قرار ندهی که تو فرموده ای: «پس [ایمانی] ماندنی است و [ایمانی] به ودیعه گذاشته شده» پس آن را ماندنی و ثابت بدار و یاری رساندن به دینت را روزی ما فرما به همراه ولی هدایت کننده ای از خاندان پیغمبرت، آن هنگام که به ارشاد قیام کند و هدایتگر هدایت شده از گمراهی به سوی راه راست باشد. و ما را زیر پرچم و در گروه او، شهیدان راستینی قرار بده که در راه تو و به خاطر یاری دینت، پذیرفته در گاهت می شوند.

پس از اتمام دعا فرمودند:

سپس حاجت های دنیوی و اخروی خود را بخواه که قسم بخدا، قسم بخدا، قسم بخدا همه آنها در این روز برآورده می شود. (۲)

ملاحظه می شود که در این دو دعای روز غدیر، فرج اهل بیت علیهم السلام و توفیق یاری و همراهی با قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم و شهادت در این راه مسألت شده است. معلوم می شود که روز غدیر، روز یاد کردن از حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و قیام .۰

ص: ۱۷۹

ایشان و درخواست فرج آن حضرت از خداست.

### دعای ندبه در عید غدیر

شاهد دیگر بر این امر آن است که دعای ندبه جزء اعمال این روز مبارک شمرده می شود. این دعا - همان طور که از نامش پیداست - نشانگر حال گریه و ناله در فراق حضرت مهدی علیه السلام و اظهار شوق برای دیدار ایشان و دعا برای تعجیل در فرجشان می باشد. این دعای شریف در روز جمعه نیز - که عید بزرگ مسلمانان است - خوانده می شود. به نظر مرحوم صدرالاسلام همدانی:

از جمله خواص خواندن این دعای مبارک آن است که در هر مکانی و موضعی که خوانده شود با حضور قلب و اخلاص کامل و ملتفت مضامین عالیه فائقه و عبارات و اشارات نامیه رائقه آن بودن، توجه و التفات مخصوص حضرت صاحب العصر و الزمان (ارواحنا فداه) در آن مکان و محل، بلکه حضور به هم رسانیدن آن حضرت است در آن مجلس، چنانچه در بعض مواضع و موارد اتفاق افتاده. (۱)

آری با شرایطی که این بزرگوار فرمودند، تشرف به محضر حضرت بقیه الله ارواحنا فداه در هنگام خواندن دعای ندبه بعید نیست. این دعا شامل زیارات امام علیه السلام نیز هست، لذا پس از خواندن آن نماز زیارت وارد شده است.

نمونه ای از تشرفات به محضر امام عصر علیه السلام در هنگام زیارت و دعای ندبه، داستانی است که جناب حجه الاسلام والمسلمین حاج آقا محمود میردامادی از مرحوم آقای میرجهانی نقل فرموده است. ایشان می گوید:

من از مرحوم عالم متقی و وارسته آقای میرجهانی قدس سره شنیدم که فرمودند: یک سالی از طرف آیه الله اصفهانی (رحمه الله علیه) برای شیعیان سامراء کمک هایی بردم. شبها در حرم مطهر می ماندم و اذان صبح به سرداب امام زمان (عج) مشرف می شدم. آن روزها برق نبود، چراغهای مختصری بود که ۷.

ص: ۱۸۰



انسان به سختی می توانست از آن استفاده کند.

پله های سرداب و داخل سرداب هم نور خیلی کمی داشت، شب جمعه ای در حرم مطهر به دعا و زیارت مشغول بودم، و اذان صبح که هنوز هوا تاریک بود به طرف سرداب حرکت نمودم. ولی آن روز برخلاف روزهای گذشته پله های سرداب را روشن یافتم، تعجب کردم، این نور از کجاست؟

داخل سرداب شدم، دیدم مثل روز روشن است، اصلاً سابقه نداشت سرداب این اندازه روشن باشد، بر شگفت من افزوده شد. در این حال متوجه شدم، آقای جوانی که بسیار نورانی هستند، مشغول نماز می باشند. من هم در کناری مشغول نافله شدم. گویا محلی که من ایستاده بودم کمی جلوتر از محل نماز ایشان بود، لذا وقتی از نماز فارغ شدند، به من فرمودند: «جلوی امامت نیست نماز بخوان»، من بی اختیار در حالی که جذب این جوان نورانی شده بودم خودم را به کناری کشیدم و عقب ایستادم.

نماز صبح را خواندم، و با شوق به دعای ندبه پرداختم رسیدم به جمله: «عَرَجَتْ بِرُوحِهِ الی سَمَائِكُ» آقا فرمودند: «عرجت به» بخوان - عرجت بروحه - از معصوم نرسیده است.

بدون چون و چرا و بحث طلبگی، خواندم «عرجت به الی» و بعد کم کم رسیدم به جملات مربوط به امام زمان (عج) و آباء ایشان، این الحسن، این الحسین، این ابناء الحسین صالح بعد صالح... این بقیه الله... حال خوشی داشتم، اشک می ریختم و در طلب امام زمان می سوختم، اما نمی دانستم در جوار او نشسته ام و خدمتش مشرف شده ام و به زیارتش نائل گشته ام.

بعد از دعا به نماز ایستادم، در نماز به فکرم رسید، این آقا امام زمان هستند، به دلیل:

۱- نوری که سرداب را احاطه کرده است و این نور از ایشان است.

۲- فرمودند: جلوی امامت نیست نماز بخوان، و این صراحت دارد بر اینکه ایشان امام زمان بوده اند.

۳- فرمودند: «عرجت به بخوان» و من بدون چون و چرا پذیرفتم، و این احاطه ولایت حضرت بود بر قلب من که مباحثه نکردم.

خلاصه در نماز یقین کردم که ایشان امام زمان (عج) می باشند، نماز را تمام کردم و قصد کردم به پای ایشان بیفتم و دامنشان را بگیرم و عرض ادب و محبت نمایم ولی تا رو بر گرداندم ایشان را ندیدم.

گریه کردم، آقا را صدا زدم، دیگر خبر نیافتم از پله ها آمدم بالا، از خادم پرسیدم، سید را ندیدی؟

گفت: کدام سید؟ اولین کسی که وارد سرداب شده تو هستی و من از دیگری خبر ندارم.

فهمیدم او امام زمان (عج) را ندیده است، و زیارت حضرت فقط نصیب من شده است. (۱)

## دعا در عید فطر و قربان

### اشاره

۵ و ۶- دو مناسبت دیگر برای دعا در حق امام عصر علیه السلام و تعجیل فرج ایشان، دو عید بزرگ دیگر مسلمانان یعنی عید فطر و عید قربان است. به طور کلی مسلمانان چهار عید بزرگ دارند که عبارتند از: غدیر، جمعه، فطر و قربان. محور و قطب همه این اعیاد وجود مقدس بقیه الله الاعظم ارواحنا فداه است که جای خالی ایشان در زمان غیبت، در این چهار مناسبت بیشتر حس می شود. خواندن دعای شریف ندبه نیز در هر چهار روز مستحب است. (۲) ممکن است این سؤال به ذهن خطور نماید که روز عید چه مناسبتی با ندبه و گریه دارد و چرا خواندن دعایی که سراسر سوز و آه و ناله است، در اعیاد بزرگ اسلامی توصیه شده است؟

خوب است پاسخ این پرسش را از بیان امام صادق علیه السلام بشنویم که فرمودند:

مَامِنَ عِيدٍ لِلْمُسْلِمِينَ أَضْحَى وَلَا فِطْرٍ إِلَّا وَهُوَ يُجَدُّ لَالٍ مُحَمَّدٍ فِيهِ حُزْنًا.

هیچ عید قربان و فطری برای مسلمانان نیست مگر اینکه برای آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم غم و اندوهی را تازه می کند. ۴.

ص: ۱۸۲

۱- سه رساله درباره حجّه بن الحسن العسکری (عج)، ص ۳۴ و ۳۵.

۲- بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۰۴.

راوی می گوید: پرسیدم چرا چنین است؟ فرمودند:

لَأَنَّهُمْ يَرَوْنَ حَقَّهُمْ فِي يَدِ غَيْرِهِمْ. (۱)

چون ایشان حق خود را در دست غیر خود می بینند.

حق اهل بیت علیهم السلام این است که همه اهل دنیا (نه فقط شیعیان بعضی کشورهای خاص) - اعم از مسلمان و غیر مسلمان - ایشان را به عنوان ولی نعمت خود بشناسند و به آنان در همه امورشان - به خصوص مسائل دینی - رجوع نمایند. اعیاد بزرگ اسلامی بهترین فرصت برای تجلی ولایت و محبت مردم دنیا با امام زمانشان و تجدید بیعت با آن بزرگوار است. اما در زمان غیبت آن حضرت نه فقط مردم جهان، بلکه اکثریت مسلمانان هم - که به دلیل عدم آشنایی با تشیع، معرفتی نسبت به امام زمانشان ندارند - هیچ گونه حقی برای ایشان قائل نیستند و هیچ یادی هم از آن بزرگوار نمی کنند. خود اهل بیت علیهم السلام هم از این بابت - البته به خاطر امتشان نه خودشان - ناراحت و غمگین می شوند و این روزهای عید زنده کننده غم و اندوه حضرات معصومین علیهم السلام می باشد. از همین جهت است که به تعبیر مرحوم صاحب مکیال شایسته است مؤمنان در این اعیاد ظهور امام عصر علیه السلام را با اصرار و الحاح از خداوند طلب نمایند تا به این وسیله حزن و اندوه را از دل های پاک اهل بیت علیهم السلام بزایند. (۲)

### عدم توفیق کامل مسلمانان برای عید فطر و قربان

جهت دیگری که دعا برای تعجیل فرج مولای غریبان را در عید فطر و قربان مؤکد می سازد، توجه به این حقیقت است که طبق روایات متعدد از اهل بیت عصمت و طهارت، تا منتقم خون ابی عبدالله الحسین علیه السلام ظهور نفرماید هیچ عید فطر و قربانی برای همه مسلمانان منشأ خیر و برکت کامل نخواهد شد. به نمونه ای از این احادیث در بیان امام صادق علیه السلام توجه فرمایید: ۵.

ص: ۱۸۳

۱- اصول کافی، ج ۴ (فروع)، ص ۱۷۰، باب النوادر، ح ۲.

۲- مکیال المکارم، ج ۲، ص ۳۵.

لَمَّا ضُرِبَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ بِالسَّيْفِ ثُمَّسَ ابْتَدَرَ لِيُقَطَعَ رَأْسُهُ نَادَى مُنَادٍ مِنْ قَبْلِ رَبِّ لِعِزَّةِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مِنْ بَطْنَانِ الْعَرْشِ فَقَالَ: أَلَا أَيُّهَا الْأُمَّةُ الْمُتَحَيِّرَةُ الظَّالِمَةُ بَعْدَ نَبِيِّهَا: لَا وَفَّقَكُمُ اللَّهُ لِأَضْحَى وَلَا فِطْرٍ.

وقتی حسین بن علی علیهما السلام با شمشیر ضربه خوردند، سپس (قاتل ایشان) آمد تا سر (مقدس) آن بزرگوار را (از تن) جدا نماید، ندا دهنده ای از جانب پروردگار عزت تبارک و تعالی از داخل عرش ندا در داد و گفت: آگاه باشید ای امت سرگردان ستمگر پس از پیامبرشان: خداوند شما را برای (عید) قربان و فطر موفق نگرداند.

آنگاه امام صادق علیه السلام فرمودند:

لَا جَزَمَ وَاللَّهِ مَا وُفِّقُوا وَلَا يُوفَّقُونَ أَبَدًا حَتَّى يَقُومَ نَائِرُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (۱)

قسم به خدا یقیناً موفق نشده اند و هرگز موفق نخواهند شد، تا اینکه خونخواه حسین علیه السلام قیام فرماید.

علّامه بزرگوار مجلسی رحمه الله در بیان معنای عدم توفیق مسلمانان برای فطر و قربان چند احتمال مطرح فرموده اند. یک احتمال که برداشت اکثریت علما بوده این است که در بسیاری از زمان ها هلال ماه شوال و ذیحجه به صورت قطعی تشخیص داده نمی شود و به همین جهت روز عید فطر و قربان مشتبه می گردند.

احتمال دیگری که خود علّامه مجلسی آن را ظاهرتر دانسته اند این است که این حکم به عامّه (اهل سنت) اختصاص دارد. (۲)

این عدم موفقیت هر معنایی داشته باشد، قدر مسلم این است که در سطح دنیا همه مسلمانان جهان از بهره برداری کامل از برکات این عیدهای مبارک محروم می مانند تا اینکه منتقم خون ابی عبدالله الحسین علیه السلام ظهور فرماید و انتقام آن خون پاک را بگیرد. از این رو مهم ترین و بزرگ ترین عبادت در روز عید فطر و قربان دعا.

ص: ۱۸۴

۱- بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۱۷، ح ۴۲، به نقل از الامالی صدوق.

۲- همان، ص ۲۱۷ و ۲۱۸.

برای تعجیل فرج خونخواه سیدالشهداء علیه السلام می باشد تا با ظهورش عید واقعی را برای مسلمانان - بلکه همه مردم دنیا - به ارمغان آورد. بسیار دور از انصاف است که این اعیاد گرامی بر مسلمانان بگذرد و یاد مناسب امام منتظرمان در این روزها صورت نپذیرد. راستی مسلمانان در این ۱۱۶۸ سال غیبت آن عزیز در عید فطر و قربان چقدر به یاد امامشان بوده و برای تعجیل فرج ایشان دعا کرده اند؟!

### دو نمونه از دعاهای مأثور در روز عید

توجه به مضامین برخی از دعاهای مأثور در این اعیاد شریف تذکر دهنده خوبی برای این موضوع است. از حضرت باقرالعلوم علیه السلام نقل شده که فرمودند:

وقتی آماده خارج شدن (برای ادای نماز جمعه یا عید) شدی، این دعا را بخوان.

ابتدای دعا طبق نقل مرحوم سیدبن طاووس چنین است:

اللَّهُمَّ مِنْ تَهَيَّأَ فِي هَذَا الْيَوْمِ... .

در فراز بعدی دعا ذکر صلوات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اوصیای ایشان علیهم السلام - با ذکر اسامی هر کدام - مطرح می شود تا اینکه به حضرت صاحب الزمان علیه السلام منتهی می گردد، آنگاه در دعا برای ایشان چنین می گوئیم:

اللَّهُمَّ افْتَحْ لَنَا فَتْحًا يَسِيرًا وَاَنْصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا اللَّهُمَّ اَظْهِرْ بِه دِينَكَ و سُنَّةَ رَسُوْلِكَ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةً اَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ.

خدایا ما را به آسانی پیروز بفرما و او را به گونه ای یاری کن که شکست پیدا نکند. خدایا دینت و سنت پیامبرت را به سبب او آشکار گردان تا اینکه هیچ حقی را به خاطر ترس از خلق مخفی نگه ندارد.

اللَّهُمَّ اِنَّا نَرْغَبُ اِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيْمِهِ تُعِزُّ بِهَا الْاِسْلَامَ وَاَهْلَهُ وَاْتُدُلُّ بِهَا الْبِنْفَاقَ وَاَهْلُهُ وَاَتَجَعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ اِلَى طَاعَتِكَ وَاَلْقَادَةِ اِلَى سَبِيْلِكَ وَاَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَاَلْآخِرَةِ... .

خداوندا ما به سویت رغبت می جویم در دولت کریمه ای که به سبب آن اسلام و اهلش را عزیز می گردانی و نفاق و اهلش را ذلیل می فرمایی و ما را در آن (دولت) در زمره دعوت کنندگان به سوی فرمانبرداریت و هدایت کنندگان به راهت قرار می دهی و به سبب آن (دولت) کرامت دنیا و آخرت را روزی ما می فرمایی ...

اینها بهترین دعاهایی است که برای خودمان در دولت کریمه حضرت بقیه الله ارواحنا فداه می توانیم داشته باشیم. آنگاه فرمودند:

ثُمَّ تَدْعُو اللَّهَ لَهُ وَ عَلَى عَدُوِّهِ وَ تَسْأَلُ حَاجَتَكَ. (۱)

سپس به پیشگاه خداوند برای او دعای خیر می کنی و دشمن او را نفرین می کنی و حاجت خود را درخواست می نمایی.

دعای دیگری که در روز عید فطر هنگام رفتن برای ادای نماز وارد شده از حضرت امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام است. قسمتی از این دعای شریف که در خصوص حضرت مهدی موعود «عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد، چنین است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَ لِيِّكَ الْمُتَنْظِرِ أَمْرَكَ الْمُتَنْظِرِ لِفَرَجِ أَوْلِيَاءِكَ اللَّهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ وَ ارْتُقْ بِهِ الْفَتَقَ وَ أَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ وَ أَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَ زَيِّنْ بِطَوْلِ بَقَاءِهِ الْأَرْضَ وَ أَيْدُهُ بِنَصْرِكَ وَ أَنْصُرْهُ بِالرُّعْبِ. (۲)

خداوندا بر ولایت که منتظر امرت و منتظر فرج دوستانت است، درود بفرست. خدایا اختلاف و شکاف را به وسیله او اصلاح و ترمیم فرما و ظلم را به دست او بمیران و عدل را به وجود او آشکار گردان و زمین را با ماندن طولانی اش مزین کن و او را با یاری خود، تأیید و با ترس و وحشت یاری فرما.

می بینیم که امام هشتم علیه السلام با این دعاها یاد امام عصر علیه السلام را از همان زمان تاکنون زنده نگه داشته اند.

ص: ۱۸۶

---

۱- اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۲۸۰، متن کامل دعا در بخش سوم کتاب آمده است.

۲- همان، ص ۲۸۴، متن کامل دعا در بخش سوم کتاب آمده است.

۷- یکی از روزهای سال که دعا در آن بسیار سفارش شده، روز عرفه یعنی نهم ذیحجه بخصوص عصر آن است. امام صادق علیه السلام این روز را یکی از اعیاد مسلمانان و «یومُ دعاءٍ و مسألهٍ» خوانده اند (۱) و مهم ترین عمل در آن دعا کردن است به گونه ای که روزه آن هم در صورتی مستحب است که شخص از دعا کردن ناتوان نشود. (۲) در این روز دعاهای متعددی از ائمه طاهرين عليهم السلام وارد شده که دارای مضامین بسیار بلند و پرمحتوایی است و در بیشتر آنها دعاهای زیبایی در حق امام عصر علیه السلام وارد شده است. ما به چند نمونه از این دعاها اشاره می کنیم.

در یکی از این دعاها که از زبان حضرت سیدالشاجدین علیه السلام نقل شده، چنین می خوانیم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ فَرِّجْ عَيْنِ آلِ مُحَمَّدٍ... وَ أَنْزِلْ لَهُمْ مَا وَعَدْتَهُمْ وَ بَلِّغْنِي فَتْحَ آلِ مُحَمَّدٍ... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَصْلِحْ لَنَا إِمَامَنَا وَ اسْتَصْلِحْهُ وَ أَصْلِحْ عَلَيَّ يَدِيهِ وَ آمِنْ خَوْفَهُ وَ خَوْفَنَا عَلَيْهِ وَ اجْعَلْهُ اللَّهُمَّ الَّذِي تَنْصَرُّ بِهِ لِدِينِكَ... .

خداوندا بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم درود بفرست و برای آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرج و گشایش برسان ... و آنچه را به ایشان وعده فرموده ای محقق کن و مرا به (زمان) پیروزی آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم برسان... خدایا بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم درود بفرست و (امر فرج) امام ما را برای ما اصلاح بفرما و او را (برای انجام رسالت هایش) شایسته قرار ده و به دستان او صلاح را جاری فرما و ترس او و ترس ما را بر او، به امتیت مبدل ساز و او را همان کسی قرار بده که به سبب او دینت را پیروز می کنی ... .

اللَّهُمَّ اَمَلًا الْاَرْضَ بِهِ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مُلِئْتَ ظُلْمًا وَ جَوْرًا وَ اَمُنْ بِهَخ.

ص: ۱۸۷

۱- بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۲۴، به نقل از مجالس الشیخ.

۲- همان، ص ۲۱۲، به نقل از مجالس الشیخ.

عَلَى فُقَرَاءِ الْمُسْلِمِينَ وَ أَرَامِلِهِمْ وَ مَسَاكِينِهِمْ وَاجْعَلْنِي مِنْ خِيَارِ مَوَالِيهِ وَ شَيْعَتِهِ أَشَدَّهُمْ لَهُ حُبًّا وَ أَطْوَعِهِمْ لَهُ طَوْعًا وَ أَنْفَذِهِمْ لِأَمْرِهِ وَ أَسْرَعِهِمْ إِلَى مَرْضَاتِهِ وَ أَقْبَلِهِمْ لِقَوْلِهِ وَ أَقْوَامِهِمْ بِأَمْرِهِ وَ ارْزُقْنِي الشَّهَادَةَ بَيْنَ يَدَيْهِ حَتَّى أَلْقَاكَ وَ أَنْتَ عَنِّي رَاضٍ. (۱)

خدایا زمین را به سبب او پر از عدل و داد فرما همان طور که از ظلم و جور پر شده است و به وسیله او بر مسلمانان فقیر و نیازمند (یا بیوه زنان) و بیچارگان آنها منت بگذار و مرا از بهترین پیروان و شیعیان او قرار ده که بیشترین محبت را نسبت به او دارند و مطیع ترین کس در برابر اویند و امر او را بهتر از دیگران اطاعت می کنند و سریع تر (از دیگران) به (کسب) خوشنودی او می شتابند و نسبت به سخن او پذیرنده تر (از دیگران) و در برابر امرش عامل تر هستند و شهادت پیش روی او را روزیم بفرما تا تو را در حالی که از من راضی و خوشنود هستی، ملاقات نمایم.

ملاحظه فرمایید که چه دعاهای زیبایی از زبان مبارک امام سجاد علیه السلام نسبت به خود امام عصر علیه السلام و دوستان ایشان صادر شده است. ابتدا فرج آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را از خدا طلب کرده و آرزو نموده اند که پیروزی آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را درک نمایند. تحقق این آرزو می تواند در زمان رجعت ائمه طاهرین علیهم السلام - از جمله حضرت سجاد علیه السلام - باشد که ادامه دهنده حکومت عدل جهانی امام عصر علیه السلام هستند. سپس از آخرین وصی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان «امامنا» یاد کرده اند. این تعبیر عظمت مقام حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را نشان می دهد که حجت معصوم خداوند ایشان را پیشوای خود خوانده اند.

در فراز بعدی دعا پس از درخواست پر شدن زمین از عدل و داد به دست امام عصر علیه السلام و منت گذاشتن خداوند بر بیچارگان و نیازمندان به وسیله آن حضرت، از خدا خواسته اند که در زمره بهترین شیعیان و دوستان ایشان باشند و در پایان همل.

ص: ۱۸۸



شهادت در پیش روی آن حضرت را از خداوند درخواست نموده اند. این دعاها بهترین و زیباترین آرزوهای یک مؤمن منتظر را بیان می دارد که در روز عرّفه از خدایش طلب نماید.

دعای دیگری که در روز عرّفه از وجود مبارک امام صادق علیه السلام نقل شده، دعای مفصّلی است که مرحوم سیّدبن طاووس آورده است. این دعای شریف دارای مضامین بسیار عالی و پرمحتواست که دو قسمت از آن شامل دعا در حقّ حضرت ولّی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد. یکی از این موارد چنین است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الَّذِينَ أَذْهَبَتْ عَنْهُمْ الرُّجْسَ وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً اللَّهُمَّ افْتَحْ لَهُمْ فَتْحاً يَسِيراً وَ انصُرْهُمْ نَصراً عَزِيزاً وَ اجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَاناً نَصِيراً اللَّهُمَّ مَكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ اجْعَلْهُمْ أَيْمَةً وَ اجْعَلْهُمْ الْوَارِثِينَ اللَّهُمَّ أَرْهِمْ فِي عَدُوِّهِمْ مَا يَأْمُلُونَ وَ أَرْ عَدُوَّهُمْ مِنْهُمْ مَا يَحْذَرُونَ اللَّهُمَّ اجْمَعْ بَيْنَهُمْ فِي خَيْرٍ وَ عَافِيهِ اللَّهُمَّ عَجِّلِ الرُّوحَ وَ الْفَرْجَ لِآلِ مُحَمَّدٍ... (۱)

در پایان همین دعا چنین می خوانیم:

اللَّهُمَّ يَا رَبِّ نَشْكُو عَيْبَهُ نَبِينَا عَنَّا وَ قَلَّه نَاصِرِنَا وَ كَثُرَتْ عَدُوْنَا وَ شَدَّه الزَّمَانِ عَلَيْنَا وَ وَقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا وَ تَظَاهَرَ الْخَلْقِ عَلَيْنَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْرُجْ ذَلِكَ بِفَرْجٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ وَ ضُمَّرٌ تَكْتِسُهُ وَ حَقٌّ تَطْهَرُهُ اللَّهُمَّ ابْعَثْ بِقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ لِلنَّصْرِ لِدِينِكَ وَ إِظْهَارِ حُجَّتِكَ وَ الْقِيَامِ بِأَمْرِكَ وَ تَطْهِيرِ أَرْضِكَ مِنْ أَرْجَاسِهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ... (۲)

در این قسمت دعا هم به طور مشخص از قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم یاد شده و فرج کلی ول.

ص: ۱۸۹

---

۱- بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۴۵، به نقل از اقبال الاعمال.

۲- همان، ص ۲۵۵، به نقل از اقبال الاعمال.

نهایی به دست مبارک ایشان برای پاک شدن زمین از هر آلودگی درخواست شده است.

سومین دعایی که در این جا از آن یاد می کنیم، از زبان حضرت زین العابدین علیه السلام در روز عرفه صادر شده و دعای چهل و هفتم از صحیفه مبارکه سجّادیه می باشد. قسمتی از این دعا اختصاص به امام حیّ و حاضر در هر زمان دارد که در عصر ما بر وجود مبارک حضرت بقیّه الله ارواحنا فداه منطبق می گردد. این فراز دعا چنین آغاز می شود:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ آيَدَتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ يَا مُمَامَ أَقَمْتَهُ عَلَمًا لِعِبَادِكَ وَ مَنَارًا فِي بِلَادِكَ بَعْدَ أَنْ وَصَيْلَتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ وَ جَعَلْتَهُ الذَّرِيعَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ وَ افْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ وَ حَيَّدَرْتَ مَعْصِيَتَهُ وَ أَمَرْتَ بِامْتِثَالِ أَوْامِرِهِ وَ الْإِنْتِهَاءِ عِنْدَ نَهْيِهِ وَ أَلَّا يَتَقَدَّمَ مُتَقَدِّمٌ وَلَا يَتَأَخَّرَ عَنْهُ مُتَأَخِّرٌ فَهُوَ عِصْمَةُ اللَّائِذِينَ وَ كَهْفُ الْمُؤْمِنِينَ وَ عُرْوَةُ الْمُتَمَسِّكِينَ وَ بَهَاءُ الْعَالَمِينَ. (۱)

خدایا تو دینت را در هر زمانی با امامی تأیید فرمودی که او را برای بندگانت به عنوان نشانه و در سرزمین هایت به عنوان راهنما اقامه نمودی، پس از آنکه ریسمان او را به ریسمان خود وصل کردی و او را وسیله (کسب) خشنودی خود قرار دادی و فرمانبری از او را واجب نمودی و از نافرمانی او برحذر داشتی و به اطاعت از دستوراتش و پرهیز از منهیاتش امر فرمودی و به اینکه هیچکس از او جلو نیفتد و عقب نماند (امر کردی) پس او پناه دهنده به پناهندگان و مأمّن اهل ایمان و دستاویز محکم چنگ زندگان و نور با شکوه جهانیان است.

به دنبال این قسمت دعاهایی در حقّ این امام گرانقدر و بی نظیر مطرح فرموده اند که بیشتر آنها درخواست فرج برای ایشان است. سپس دعا در حقّ دوستان و پیروان ایشان آغاز می شود که آنها هم بسیار پرمحتوا و نغز است. ما برای رعایت اختصار از نقل و ترجمه فرازهای دیگر این دعای شریف خودداری می کنیم و خوانندگان ۷.

ص: ۱۹۰

محترم را به صحیفه مبارکه سجّادیه ارجاع می دهیم.

نتیجه ای که از نقل این سه نمونه دعا برای امام عصر علیه السلام در روز عرفه می گیریم، این است که مؤمنان در ایام عرفه - به خصوص در دوران غیبت امامشان - نباید از خواندن این دعاها غفلت نمایند. بسیار دور از انصاف است که در روز عرفه - که این همه تأکید بر دعا به پیشگاه الهی صورت گرفته - دعا برای امام زمان را فراموش کنیم و تنها به فکر خودمان باشیم. هرچند که اگر خیر و صلاح دنیا و آخرت خودمان را هم می خواهیم بهترین راهش دعا در حقّ امام غریبان است. به هر حال توجه به اهمیّت دعا برای امام علیه السلام در روز عرفه توفیق انسان را در انجام آن بیشتر و بهتر می سازد.

### دعا در ماه مبارک رمضان

۸- در بین ماه های قمری، ماه مبارک رمضان برتری خاصی بر دیگر ماه ها دارد. به همین جهت است که این ماه به خداوند منسوب و «شهر الله» نامیده شده است. از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل است که فرمودند:

شَهْرُ رَمَضَانَ شَهْرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ شَهْرٌ يُضَاعَفُ اللَّهُ فِيهِ الْحَسَنَاتِ وَيَمْحُو فِيهِ السَّيِّئَاتِ... وَلَا يَكُونَنَّ شَهْرُ رَمَضَانَ عِنْدَكُمْ كَعَيْرِهِ مِنَ الشُّهُورِ فَإِنَّ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ حَرَمَةً وَفَضْلًا عَلَى سَائِرِ الشُّهُورِ. (۱)

ماه رمضان ماه خدای عزّ و جل است و آن ماهی است که خداوند در آن (پاداش) خوبی ها را چند برابر می کند و بدی ها را در آن از بین می برد... و نباید ماه رمضان نزد شما مانند سایر ماه ها باشد، زیرا آن (ماه) نزد خداوند احترام و فضیلتی خاصّ بر سایر ماه ها دارد.

روشن است که در یک چنین ماهی دعا در حقّ امام عصر علیه السلام که عبادت بسیار بزرگی است، فضیلت فوق العاده ای پیدا می کند و آثار و برکات آن چندین برابر ماه هایه.

ص: ۱۹۱

---

۱- بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۳۴۰، ح ۵، به نقل از فضائل الا شهر الثلاثة.

دیگر می شود. از فضایل خاصّ ماه مبارک رمضان فرمایش امام هشتم علیه السلام است که فرمودند:

مَنْ أَعَانَ فِيهِ مُؤْمِنًا أَعَانَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى الْجَوَازِ عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزُلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ... وَ مَنْ نَصَرَ فِيهِ مَظْلُومًا نَصَرَهُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ مَنْ عَادَاهُ فِي الدُّنْيَا وَ نَصَرَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَ الْحِسَابِ وَ الْمِيزَانِ. (۱)

هرکس در ماه رمضان مؤمنی را کمک کند، خدای متعال در روزی که قدم ها روی صراط می لغزد، برای عبور از آن کشمکش می کند... و هرکس در آن (ماه) مظلومی را یاری کند، خداوند در دنیا بر همه کسانی که با او دشمنی می کنند، یاریش می نماید و در روز قیامت هنگام محاسبه و سنجش اعمال نیز یاریش می کند.

نکته ای که - با الهام از فرمایش مرحوم صاحب مکیال در کتاب ارزشمندشان - از این حدیث شریف استفاده می توان کرد این است که دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام از مصادیق اعانت (کمک) و نصرت (یاری) ایشان است. وقتی کمک کردن به مؤمن چنان فضیلتی دارد، کدام مؤمن از وجود مقدّس امام عصر علیه السلام بالاتر یافت می شود که بتوان با دعا در حقّ ایشان یاریش کرد؟ همچنین اگر یاری مظلوم، پاداش های عظیم دنیوی و اخروی دارد، کدام مظلومی از مولای غریبان حضرت بقیه الله الاعظم علیه السلام مظلوم تر یافت می شود که بتوان به یاری ایشان شتافت؟ این جاست که برخی از برکات دعا در حقّ آن عزیز در ماه مبارک رمضان برایمان روشن تر می گردد.

اگر کسی بخواهد از این فرصت طلایی برای دعا در حقّ مولایش بهره مند گردد، می تواند از خواندن دعاهاى مأثور در این ماه شریف کمال استفاده را ببرد. ما در این جا به بیان فهرستی از مهم ترین ادعیه ماه مبارک رمضان که شامل دعا برای امام عصر علیه السلام است، اکتفا می کنیم و خوانندگان محترم را به کتب و منابع خاصّ آنها ارجاع می دهیم.

اولین دعایی که در ابتدای ماه مبارک از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده شامله.

ص: ۱۹۲

---

۱- بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۳۴۱، ح ۵، به نقل از فضائل الاشهر الثلاثة.

مناجات های با خدای متعال است و قسمتی از آن هم دعا در حق امام زمان علیه السلام و درخواست خدمتگزاری در دولت کریمه آن بزرگوار می باشد، عرضه می داریم:

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلِهِ كَرِيمِهِ... اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ غَيْبَهُ نَبِينَا وَ كَثْرَةَ عَدُوِّنَا... (۱).

این عبارات بسیار شبیه عبارات دعای افتتاح است که از وجود مقدس امام عصر علیه السلام صادر شده است.

در قسمت دیگری از این دعای شریف، نام مقدس چهارده معصوم علیهم السلام به صراحت ذکر شده و از آخرین وصی حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم تحت عنوان «الحجّه القائم بالحق» یاد شده است. (۲)

دومین دعایی که خواندن آن در ماه مبارک رمضان بسیار مورد تأکید قرار گرفته، دعای افتتاح می باشد. این دعایی است که نایب دوم امام عصر علیه السلام جناب محمد بن عثمان بن سعید عمروی در دفتری نوشته و به خواندن آن مقید بود. راوی دعا می گوید: در ابتدای آن چنین نوشته بود:

تَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فَإِنَّ الدُّعَاءَ فِي هَذَا الشَّهْرِ تَسْمَعُهُ الْمَلَائِكَةُ وَ تَسْتَغْفِرُ لِصَاحِبِهِ. (۳)

این دعا را در هر شب ماه رمضان می خوانی، زیرا در این ماه فرشتگان دعا را می شنوند و برای صاحب آن طلب مغفرت می نمایند.

ظاهر عبارت دلالت می کند بر اینکه این عبارت فرمایش امام زمان علیه السلام به نایب خاص خود باشد و اصل دعا هم از خود حضرت است. این دعا را مرحوم محدث قمی اعلی الله مقامه الشریف در کتاب مستطاب مفاتیح الجنان ذکر فرموده و شامل دعاها ۸.

ص: ۱۹۳

۱- بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۳۳۲، به نقل از اقبال الاعمال.

۲- این دعای شریف را مرحوم علامه مجلسی در کتاب گرانقدر بحار الانوار، ج ۹۷، از ص ۳۲۶ تا ص ۳۴۰، به نقل از اقبال الاعمال سید بن طاووس نقل فرموده است.

۳- اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۵۸.

زیبایی در حق امام زمان علیه السلام از جمله درخواست تعجیل فرج ایشان می باشد.

سومین دعا مربوط به روزهای ماه مبارک رمضان است. این دعای شریف هم در کتاب مفاتیح الجنان به طور کامل - البته با مختصر اختلافی در برخی از تعابیر - نقل شده و با این عبارت آغاز می گردد:

اللَّهُمَّ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ.

برخی از عبارات دعا که به وجود مقدس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مربوط می شود، این است:

يَا رَبَّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اغْضَبِ الْيَوْمَ لِمُحَمَّدٍ وَلِأَبْرَارِ عِتْرَتِهِ... أَنْتَ خَلِيفَةُ مُحَمَّدٍ وَنَاصِرُهُ مُحَمَّدٍ وَمُفَضَّلُ مُحَمَّدٍ اسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَنْصُرَ خَلِيفَةَ مُحَمَّدٍ وَوَصِيَّ مُحَمَّدٍ وَالْقَائِمَ بِالْقِسْطِ مِنَ أَوْصِيَاءِ مُحَمَّدٍ... (۱)

ای پروردگار محمد صلی الله علیه و آله و سلم و آل محمد امروز به خاطر محمد صلی الله علیه و آله و سلم و نیکان از عترتش غضب فرما... تو جانشین محمد صلی الله علیه و آله و سلم و یاری کننده محمد صلی الله علیه و آله و سلم و برتری دهنده محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستی، از تو می خواهم که بر محمد و آل محمد درود بفرستی و جانشین محمد صلی الله علیه و آله و سلم و وصی محمد صلی الله علیه و آله و سلم و به پا دارنده عدل از اوصیای محمد صلی الله علیه و آله و سلم را یاری فرمایی.

روشن است که نتیجه غضب خداوند به خاطر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و عترت پاکش، اذن ظهور به آخرین وصی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می باشد و اینکه خداوند را خلیفه و جانشین محمد صلی الله علیه و آله و سلم می خوانیم، به این جهت است که انتقام گیرنده از دشمنان او و عترت پاکش خود خداست و این انتقام به ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا فداه واقع می شود.

چهارمین دعا در ماه مبارک رمضان که در حق حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد، مربوط به شب ششم این ماه شریف است. قسمتی از دعا این است:ل.

ص: ۱۹۴

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ وَفَرَجَنَا بِفَرَجِهِمْ. (۱)

پنجمین دعا در ماه رمضان، به روز هشتم این ماه مبارک مربوط است که قسمتی از آن چنین است:

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ وَفَرَجِي مَعَهُمْ وَفَرَجَ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ. (۲)

ششمین دعا در ماه مبارک مربوط به شب دوازدهم ماه رمضان است. در این دعا تعجیل فرج آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم همراه با عافیت از خداوند درخواست شده است. (۳)

هفتمین دعا در ماه مبارک اختصاص به روز سیزدهم این ماه دارد. این دعا در کتاب شریف بحار الانوار علامه مجلسی و نیز کتاب مکیال المکارم به طور کامل از کتاب اقبال الاعمال مرحوم سیدبن طاووس نقل شده است. (۴) دعای دیگری هم برای روز سیزدهم ماه مبارک نقل شده که علاقمندان می توانند به کتاب اقبال الاعمال مرحوم سیدبن طاووس رجوع نمایند. (۵)

دعای هشتم در این خصوص مربوط به روز هجدهم ماه مبارک رمضان است که مرحوم علامه مجلسی از کتاب اقبال الاعمال نقل فرموده است. (۶)

پس از روز هجدهم ماه مبارک رمضان، از شب نوزدهم بحث مربوط به شب قدر مطرح می شود که بهترین شب سال است و اختصاص تام به وجود مقدس امام عصر علیه السلام.

ص: ۱۹۵

---

۱- بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۴.

۲- همان، ص ۲۸، به نقل از اقبال الاعمال.

۳- همان، ص ۳۴.

۴- همان، ص ۳۷ و مکیال المکارم، ج ۲، ص ۴۳ و ۴۴.

۵- متن این دعا در کتاب صحیفه مهدیه، باب پنجم، عنوان دهم، به نقل از کتاب اقبال الاعمال آمده است.

۶- بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۴۹ و صحیفه مهدیه، باب پنجم، عنوان یازدهم، به نقل از اقبال الاعمال.

دارد. ما در این کتاب قصد توضیح این مطلب را نداریم و از خدای مَنان توفیق انجام این خدمت را در مجالی مستقل طلب می‌کنیم. در این جا می‌خواهیم توجه خوانندگان محترم را به وسعت ادعیه مربوط به امام زمان علیه السلام در روزها و شب‌های ماه مبارک رمضان جلب نماییم تا انشاء الله همگی با ایمان و انگیزه قوی تری به این عبادت شریف (دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام) به خصوص در ماه رمضان بپردازیم. به همین جهت فهرست وار گزارشی از برخی دعا‌های مربوط به امام زمان علیه السلام در این ماه ارائه می‌دهیم.

دعای نهم در ماه مبارک رمضان، دعایی است که امام صادق علیه السلام در صبح روز بیست و یکم آن ماه خوانده‌اند. حمّاد بن عثمان نقل می‌کند که نماز صبح روز بیست و یکم ماه رمضان را به آن حضرت اقتدا نمودیم. ایشان در رکعت اول سوره حمد و سوره قدر را تلاوت فرمودند و در رکعت دوم، حمد و قل هو الله احد را خواندند. پس از ادای نماز و تعقیبات آن به سجده رفتند و زمان طولانی در سجده بودند و دعایی خواندند که در ضمن آن از خداوند به اسامی مختلف، فرج قائم آل محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم را درخواست نمودند. این دعا را مرحوم صاحب مکّیال در کتاب شریف خود به طور کامل نقل فرموده (۱) و ما در بخش سوم کتاب متن آن را مطابق نقل مرحوم علامه مجلسی خواهیم آورد.

دهمین و آخرین دعایی که در ماه مبارک رمضان نقل می‌کنیم، مربوط به شب بیست و سوم این ماه است که به تصریح برخی روایات، شب قدر می‌باشد. دعایی که در این شب گرانقدر بسیار مورد تأکید قرار گرفته، دعای معروف اللّهُمَّ كُنْ لَوَلِيَّكَ... می‌باشد، این دعا در سندهای متعدّد شیعی، با اختلاف اندکی در برخی الفاظش ذکر شده و ما آن را مطابق نقل مرحوم علامه کلینی در کتاب شریف کافی در این جا می‌آوریم (۲). محمّد بن عیسی با اسناد خود از ائمه طاهرین علیهم السلام نقلت.

ص: ۱۹۶

---

۱- مکّیال المکارم، ج ۲، ص ۴۴ و ۴۵.

۲- لازم به تذکر است که مقاله بسیار خوبی درباره بررسی سندی این دعا در فصل نامه انتظار، شماره ۱۸، از آقای حمید احمدی جلفایی به چاپ رسیده که مطالعه آن مفید است.



کرده که فرمودند:

تُكْرَرُ فِي لَيْلِهِ ثَلَاثٌ وَعَشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ هَذَا الدُّعَاءُ سَاجِدًا وَقَائِمًا وَقَاعِدًا وَعَلَى كُلِّ حَالٍ وَفِي الشَّهْرِ كُلِّهِ وَكَيْفَ  
أَمَكَنَّكَ وَمَتَى حَضَرَكَ مِنْ دَهْرِكَ تَقُولُ بَعْدَ تَحْمِيدِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَالصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: اللَّهُمَّ  
كُنْ لَوْلِيِّكَ فَلَانِ بْنِ فَلَانٍ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلَيْئًا وَحَافِظًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَقَائِدًا وَعَوْنًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ  
طَوَعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا. (۱)

در شب بیست و سوم ماه رمضان این دعا را در حال سجده و ایستاده و نشسته و در هر حالتی تکرار می کنی، همچنین در همه ماه (رمضان) و هر طوری که برایت امکان پذیر بود و در هر زمانی از عمرت، پس از بیان حمد خدای تبارک و تعالی و درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، می گویی: اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ ... .

ملاحظه می شود که در نقل کافی اسم مبارک امام زمان علیه السلام ذکر نشده و روشن است که این امر چه از ناحیه خود ائمه علیهم السلام باشد یا از جانب راویان، به خاطر مصالحی همچون تقیه و امثال آن بوده است و در بعضی نقل های دیگر - همچون نقل مرحوم کفعمی در المصباح - به نام مبارک امام علیه السلام و نام پدرشان و لقب «المهدی» تصریح شده است. به هر حال این امر هیچ اشکالی در دلالت حدیث بر وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام وارد نمی سازد.

همچنین اختلاف مختصری که در برخی کلمات دعا یا ترتیب بیان آنها با آنچه مشهور است وجود دارد نیز، اصل اعتبار آن را مخدوش نمی سازد. ما می توانیم این دعا را به هر یک از صورت هایی که نقل شده، به قصد ورود بخوانیم. (۲)ت.

ص: ۱۹۷

۱- کافی، ج ۴، ص ۱۶۲، ح ۴.

۲- طرق مختلف نقل این دعا در مقاله «بررسی سندی دعای سلامت امام زمان علیه السلام» در شماره ۱۸ فصل نامه انتظار آمده است.

با رجوع به منابع مختلفی که این دعا را نقل کرده اند روشن می شود که بهترین وقت خواندن آن، شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان در حالات مختلف است که بر تکرار آن نیز تأکید فرموده اند. البته همان طور که از متن حدیث برمی آید، در هر زمان دیگری نیز می توانیم این دعا را بخوانیم.

قابل ذکر است که همین دعا به صورت کامل تری هم در برخی منابع نقل شده که عمل به آن می تواند بهره دعاکننده را در شب قدر و زمان های دیگر بیشتر و بهتر گرداند. ما این متن را در بخش سوم کتاب مطابق آنچه مرحوم علامه مجلسی از اقبال الاعمال سیدبن طاووس نقل کرده، (۱) ذکر خواهیم کرد.

این ده مورد از دعا برای امام عصر علیه السلام را در ماه مبارک رمضان به صورت بسیار فشرده نقل کردیم تا روشن شود که یک مؤمن منتظر چگونه می تواند از برکات این ماه خدا برای تقرب بیشتر به پروردگارش از طریق انجام بهترین عبادت (دعا در حق مولای غربیش) استفاده کامل ببرد.

### دعا در شب و روز نیمه شعبان

۹- شب نیمه شعبان یادآور میلاد اولین و آخرین امید همه انبیا و اولیای الهی است، علاوه بر آنکه به خودی خود دارای فضایل خاصی می باشد. امام صادق علیه السلام فرمودند که از پدرشان درباره فضیلت شب نیمه شعبان پرسیدند. ایشان چنین اظهار فرمودند:

هِيَ أَفْضَلُ لَيْلَةٍ بَعْدَ لَيْلَةِ الْقَدْرِ فِيهَا يَمْنَحُ اللَّهُ تَعَالَى الْعِبَادَ فَضْلَهُ وَ يَغْفِرُ لَهُمْ بِمَنِّهِ فَاجْتَهِدُوا فِي الْقُرْبَةِ إِلَى اللَّهِ فِيهَا فَإِنَّهَا لَيْلَةُ آلِي اللَّهِ تَعَالَى عَلَى نَفْسِهِ أَنْ لَا يُرَدَّ سَائِلًا لَهُ فِيهَا مَا لَمْ يَسْأَلْ مَعْصِيَةً... (۲) ی.

ص: ۱۹۸

---

۱- بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۳۴۹.

۲- همان، ص ۸۵، ح ۵، به نقل از امالی طوسی.

آن شب بهترین شب پس از شب قدر است که خدای متعال فضل خویش را به بندگان عنایت می فرماید و آنها را از روی منت خویش می آمرزد. پس در تقرّب جستن به سوی خداوند در آن بکوشید، زیرا آن شبی است که خدای متعال به ذات مقدّسش سوگند خورده است که هیچ سؤال کننده ای را در آن رد نکند مادام که معصیتی را درخواست نکنند...

وعده ای که در این حدیث شریف مطرح شده این است که هیچ سائلی مادام که از خدا معصیتی را درخواست نکند، دست خالی نمی ماند. اگر قرار باشد که در شب نیمه شعبان دعای ما رد نشود و از درگاه خداوند ناامید برنگردیم، چه درخواستی مهمتر از رفع غیبت امام غایبمان وجود دارد که آن را از پروردگار طلب نماییم؟ اگر در هیچ شب و روزی در سال به یاد مولایمان نیستیم، لااقل در سالگرد میلادش جای خالی اش را حس کنیم و در کنار جشن و سرورها به خود آییم و از خود سؤال کنیم: چرا تاکنون کاری برای تعجیل فرجش انجام نداده ایم؟ آیا نقل و شیرینی تنها درد غیبت امامان را التیام می بخشد؟ آیا چراغانی ها غم هزار و صد و هفتاد ساله مولایمان را از بین می برد؟! به چه دل خوش کرده ایم که اینقدر غافل هستیم؟! چرا دردمان نمی آید؟! چرا فکری برای اینکه خداوند زودتر امامان را برساند، نمی کنیم؟

اگر به تک تک ما علاقمندان به امام عصر علیه السلام - که در نیمه شعبان به خاطر سالروز میلادش جشن می گیریم - بگویند که خداوند تصدّق سر آن آقای مهربان، در شب میلادش یک دعای هر کدام از شما را مستجاب می فرماید و این همان وعده امام باقر علیه السلام است، در این صورت چند درصد از ما دوستان آن حضرت این دعای مستجاب را برای تعجیل فرج ایشان می خواهیم؟ آیا این امر را بر درخواست منافع شخصی خود ترجیح می دهیم؟ اگر واقعاً چنین است، خوشا به حالمان و گوارای وجودمان! ولی اگر چنین نیست وای به حالمان وای بر ما به خاطر این همه ناسپاسی از مهربانی های مولایمان که هر چه داریم از اوست ولی فراموشش میکنیم و آنگاه که در رحمت الهی به سوی ما گشوده می شود، به یاد فرج او نیستیم. به هر حال واقعاً مصداق قطعی ناشکری این است که در شب نیمه شعبان هم برای تعجیل در فرج مولایمان دعا

و اصرار نکنیم. این دعا می تواند به هر زبانی و بیانی مطرح شود، اما دعای بسیار زیبایی از بزرگان محدثین شیعه برای شب نیمه شعبان نقل شده که باید با تأمل و حضور قلب کافی خوانده شود. خواندن این دعا به تصریح مرحوم شیخ طوسی در شب نیمه شعبان مستحب است. (۱) متن دعا در کتاب های متعددی از جمله مفاتیح الجنان مرحوم شیخ عباس قمی اعلی الله مقامه الشریف آمده و در سال های اخیر شرح نسبتاً جامعی بر آن نگاشته شده است. (۲) ابتدای آن چنین است:

اللَّهُمَّ بِحَقِّ لَيْلَتِنَا هَذِهِ وَ مُوعُودِهَا.

### دعای روز دحو الارض

۱۰- یکی از مناسبت های مهم زمانی برای دعا در حق حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، روز بیست و پنجم ماه ذیقعده می باشد که آن را روز «دحو الارض» می نامند. «دحو» به معنای بسط و گسترش دادن است و مراد از دحو الارض گسترش دادن زمین از زیر خانه کعبه است که نشانگر ابتدای خلقت زمین می باشد. فضایی برای این روز نقل شده از جمله اینکه روزه آن ثواب روزه شصت ماه را دارد. (۳) دعای بسیار پرمحتوایی در این روز وارد شده که شامل درخواست تعجیل فرج حضرت بقیه الله ارواحنا فداه می باشد. قسمتی از این دعای شریف چنین است:

اللَّهُمَّ وَ عَجَّلْ فَرَجَ أَوْلِيَاءِكَ وَ ارْدُدْ عَلَيْهِمْ مَظَالِمَهُمْ وَ أَظْهِرْ بِالْحَقِّ قَائِمَهُمْ وَ اجْعَلْهُ لِدِينِكَ مُنْتَصِرًا وَ بِأَمْرِكَ فِي أَعْدَائِكَ مُؤْتَمِرًا  
اللَّهُمَّ احْفَظْهُ بِمَلَائِكَتِكَ النَّصْرِ وَ بِمَا أَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مِنَ الْأَمْرِ فِي لَيْلِهِ الْقَدْرِ مُنْتَقِمًا لَكَ حَتَّى تَرْضَى وَ يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَ عَلَى يَدَيْهِ جَدِيدًا  
غَضًّا وَ يَمَحُضَ الْحَقُّ ۱.

ص: ۲۰۰

۱- المصباح المتهجد، ص ۷۷۳.

۲- کتاب «سوگند به نور شب تاب» اثر محقق دانشمند جناب آقای سید مجتبی بحرینی.

۳- بحار الانوار، ج ۹۷، باب ۶۳، ح ۱.

و خدایا در فرج اولیای خود تعجیل فرما و حقوق از دست رفته آنان را به ایشان باز گردان و قائم ایشان را با حق آشکار گردان و او را پیروز کننده دینت قرار ده و امر خود را به سبب او در حق دشمنانت نافذ قرار ده. خدایا او را با فرشتگان یاری دهنده و اموری که در شب قدر به او القا فرموده ای احاطه فرما، تا انتقام تو را (از دشمنانت) بگیرد تا اینکه راضی و خشنود شوی و دینت به واسطه او و به دست او تازه و نو شود و حق را خالص گرداند و باطل را برای همیشه کنار گذارد.

چه خوب است که دوستداران حضرت از خواندن این دعای شریف در این روز عزیز غفلت ننمایند.

### دعا در روز عاشورا

۱۱- از روزهایی که تعلق خاص به وجود مقدس امام زمان علیه السلام دارد، روز دهم محرم الحرام یعنی عاشورای حسینی علیه السلام است. در حدیثی از حضرت باقر العلوم علیه السلام نقل شده که فرمودند: مؤمنان در روز عاشورا وقتی یکدیگر را ملاقات می کنند، با این عبارات به هم تسلیت بگویند:

عَظَّمَ اللهُ أُجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ جَعَلَنَا وَ آيَاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِثَارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ. (۲) خداوند پاداش های ما را به خاطر مصیبتمان به جهت (امام) حسین علیه السلام بزرگ بدارد و ما و شما را از خونخواهان آن حضرت به همراه ولیش امام مهدی علیه السلام از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم قرار دهد.

«ثار» به معنای خون است و «طلب ثار» یعنی خونخواهی. وقتی کسی به ناحق ۹.

ص: ۲۰۱

۱- البلد الامین، ص ۲۴۳.

۲- کامل الزیارات، باب ۷۱، ح ۹.

کشته می شود، اولیای دم او صاحبان خورش هستند که از طرف خداوند حق انتقام گرفتن از قاتل ظالم را دارند. خدای متعال در قرآن کریم می فرماید:

مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوِئِهِ سُلْطٰناً. (۱)

هر کس مظلوم کشته شود، برای ولی او (نسبت به قاتل) سلطه قرار دادیم.

نکته ای که باید مورد توجه قرار گیرد این است که انتقام خون ابی عبدالله الحسین علیه السلام یک امر الهی است و جنبه تصفیه حساب و تشفی خاطر شخصی برای هیچکس ندارد، یعنی این انتقام گرفتن مانند انتقام هایی که بعضی افراد در دنیا - به خاطر بغض و کینه مادی شخصی - از یکدیگر می گیرند، نیست و صرفاً جنبه الهی دارد و در حقیقت یک کار خدایی است نه بشری.

### خداوند: طالب خون حسین علیه السلام

با این توضیح می توانیم ادعا کنیم که اولین ولی دم سیدالشهداء علیه السلام در حقیقت خود خداوند است. ما به معنای واقعی کلمه خدای متعال را طالب حقیقی خون ابی عبدالله الحسین علیه السلام می دانیم. در برخی از احادیث قدسی هم به این معنا تصریح شده که انتقام گیرنده از قاتل آن حضرت خود خداوند است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

وقتی حضرت موسی علیه السلام برادرش هارون را از دست داد، از خدا برای او طلب مغفرت نمود. خداوند متعال در پاسخ به موسی علیه السلام وحی فرمود:

یا موسی لو سألتنی فی الأولین و الآخرین لأجبتک ما خلا قاتل الحسین بن علی بن ابی طالب علیهما السلام فإنی أنتقم له من قاتله. (۲)

ای موسی اگر درباره اولین و آخرین از من چیزی بخواهی، تو را اجابت می کنم جز قاتل حسین بن علی بن ابی طالب علیهما السلام که من از قاتلش انتقام می گیرم.

ملاحظه می شود که خداوند متعال خود را انتقام گیرنده خون ابی عبدالله ۹.

ص: ۲۰۲

۱- اسراء/۳۳.

۲- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۷، ح ۱۷۹.

الحسین علیه السلام معرّفی فرموده و شاید وجه تسمیه آن حضرت به «ثارالله» همین مطلب باشد. (۱) در زیارت روز عاشورای آن حضرت - که الفاظش حدیث قدسی است - خطاب به ایشان می گوئیم:

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ. (۲)

با این عنایت تعبیر «ثارالله» یعنی خونی که صاحب و مالکش خداست، همان معنایی که از ولی دم اراده می شود. البته تعبیر «ابن ثاره» هم دلالت دارد بر اینکه مالک و ولی خون به ناحق ریخته امیرالمؤمنین علیه السلام هم خود خداست.

با این ترتیب اضافه کلمه «ثار» به «الله» از قبیل اضافه یک چیز به مالک و صاحب اختیار آن است و لذا در ترجمه فارسی آن به «خون خدا» باید توجه شود که معنای نادرستی از آن برداشت نشود. پس خدای متعال اولین طالب خون مطهر سیدالشهداء علیه السلام است.

### امام عصر علیه السلام: خونخواه ابی عبدالله الحسین علیه السلام

دومین خونخواه، آن کسی است که خداوند به دست او از کشندگان سیدالشهداء علیه السلام خونخواهی می فرماید. این وجود مقدّس را خدای متعال در زمان های مختلف معرّفی کرده است. یکی از این مواقع، عصر روز عاشورای سال ۶۱ هجری بود که امام صادق علیه السلام در این مورد چنین فرمودند:

لَمَّا كَانَ مِنْ أَمْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا كَانَ ضَجَّتِ الْمَلَائِكَةُ إِلَى اللَّهِ بِالْبُكَاءِ وَقَالَتْ يَا رَبِّ هَذَا الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَفِيُّكَ وَابْنُ بِنْتِ نَبِيِّكَ... فَأَقَامَ اللَّهُ ظِلًّا الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ بِهِذَا أَنْتَقِمُ لِهَذَا. (۳) ۷.

ص: ۲۰۳

---

۱- این نکته را مرحوم صاحب مکیال المکارم در جلد دوم کتابش، ص ۴۵۸، تذکر فرموده اند رحمه الله علیه.

۲- کامل الزیارات، باب ۷۱، ح ۹.

۳- اللّهُوف علی قتلی الطّفوف، ص ۱۲۷.

وقتی کار حسین علیه السلام تمام شد (به شهادت رسید) فرشتگان گریه کنان به ضجه در آمدند و عرضه داشتند: پروردگارا این حسین علیه السلام برگزیده تو و پسر دختر پیامبرت است!... پس خداوند نور قائم علیه السلام را اقامه فرمود و گفت: به این (قائم) انتقام این (شهید) را می گیرم.

طبق این حدیث شریف و امثال آن که مکرر در فرمایشات اهل بیت علیهم السلام آمده است، حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از جانب خدای متعال طالب خون جدّ شهیدش می باشد و خداوند عمل این بنده برگزیده و معصومش را به خود نسبت داده است.

### مؤمنان: طلب کنندگان خون امام حسین علیه السلام

اما طالب خون مقدّس سیدالشهداء علیه السلام فقط خدا و امام زمان علیه السلام نیستند، بلکه در مرتبه سوم، یاران و اصحاب قائم علیه السلام می باشند که به همراه مولایشان به خونخواهی از سرور شهیدان عالم قیام می کنند. مطابق آنچه در احادیث آمده، شعار امام عصر علیه السلام در هنگام ظهور و شعار یاران ایشان «یا لثاراتِ الحُسَینِ» است. امام صادق علیه السلام در توصیف یاران حضرت بقیه الله ارواحنا فداه فرمودند:

يَتَمَنُّونَ أَنْ يُقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ شِعَارُهُمْ يَا لثَارَاتِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ ... بِهِمْ يَنْصُرُ اللَّهُ إِمَامَ الْحَقِّ. (۱)

آرزو می کنند که در راه خدا کشته شوند، شعارشان «یا لثارات الحسین» است... خداوند بوسیله ایشان امام حقّ را یاری می فرماید.

شعار «یا لثارات الحسین» نشانگر این حقیقت است که طلب خون امام حسین علیه السلام در رأس اهداف قیام جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد.

حال اگر کسی توفیق طلب خون مطهر سیدالشهداء علیه السلام را پیدا کند، می تواند خود را پس از خدا و ائمه طاهرين عليهم السلام ولی دم امام حسین علیه السلام بداند. چنین کسی می تواند ۲.

ص: ۲۰۴



خون آن حضرت را به خود منسوب کرده و بگوید: «ثاری» و مقصودش این باشد که او خود صاحب و ولی دم مولای شهیدش حضرت حسین بن علی علیهما السلام است. به این عبارت زیبا از زیارت عاشورا توجه فرمایید:

أَسْأَلُهُ... أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِي مَعَ إِمَامٍ مَهْدِيٍّ ظَاهِرٍ نَاطِقٍ مِنْكُمْ. (۱)

از او (خداوند) درخواست می کنم ... که طلب خون خودم را همراه با امام مهدی (یا هدایت شده) آشکار و ناطق از شما (اهل بیت علیهم السلام) روزیم نماید.

اینکه کلمه «ثار» به یاء متکلم اضافه شده می تواند به این معنا باشد که زائر امام حسین علیه السلام، خود را صاحب خون آن حضرت و یکی از اولیای دم ایشان می شناسد و از خداوند می خواهد که آرزوی خونخواهی آن حضرت را نصیبش فرماید.

حقیقت مهمی که به ما مؤمنان اجازه می دهد خود را ولی دم ابی عبدالله الحسین علیه السلام بدانیم، این است که طبق بیانات نورانی ائمه طاهرين، امام علیه السلام پدر واقعی همه مؤمنان هستند و کسی که پدرش مظلومانه به قتل رسیده است، می تواند خود را صاحب خون به ناحق ریخته پدر بداند. یا چنین اعتقادی است که هر مؤمن امام شناس می تواند خون مطهر سیدالشهداء علیه السلام را به خود منسوب نماید و تعبیر «طلب ثاری» را در زیارت عاشورا به کار ببرد.

اکنون سؤال این است که: آیا این خونخواهی به زمان ظهور امام عصر علیه السلام اختصاص دارد یا تحقق آن در زمان غیبت ایشان هم امکان پذیر است؟

نکته زیبا و لطیفی که در کتاب ارزشمند «مکیال المکارم» مطرح شده، پاسخ خوبی به این پرسش می باشد. خلاصه فرمایش ایشان این است که انجام هر عملی که اسباب خونخواهی سیدالشهداء علیه السلام را فراهم نماید، مصداق طلب کردن خون آن حضرت است و با این همه تأکیدی که بر دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام و تأثیر آن در جلو افتادن ظهور ایشان صورت گرفته، قطعاً این دعا مصداق طلب خون سیدالشهداء علیه السلام خواهد بود. (۲) ۵.

ص: ۲۰۵

۱- بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۲۹۵.

۲- مکیال المکارم، ج ۱، ص ۴۹۵.

با این توضیحات روشن می شود دعایی که - به تعلیم امام باقر علیه السلام - مؤمنان در روز عاشورا به عنوان تسلیت به یکدیگر می گویند، چه دعای با عظمت و عجیبی است. وقتی می گوئیم: عَظَّمَ اللَّهُ أُجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام... در حقیقت خود را به خاطر آنچه بر ابی عبدالله الحسین علیه السلام گذشته است، مصیبت زده و صاحب عزا می دانیم، لذا هر مؤمنی دیگری را در تحمیل این مصائب مأجور دانسته و از خداوند بزرگداشت این اجر را طلب می کند. و وقتی اضافه می کنیم:

وَ جَعَلْنَا وَ إِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِثَارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ.

بزرگ ترین آرزوی خود را در زمان ظهور امام عصر علیه السلام از خداوند مسألت می کنیم. اما با توجه به نکته پیش گفته می توانیم در همین روز عاشورا طلب کردن خون سیدالشهداء علیه السلام را جامه عمل بپوشانیم و این کار با دعا بر تعجیل فرج منتقم ابی عبدالله الحسین علیه السلام محقق می شود.

به فرمایش صاحب مکیال المکارم، اگر دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام هیچ ثوابی جز همین فضیلت نداشته باشد، از جهت فضل و شرف کفایت می کند و چگونه چنین نباشد، در حالی که فضیلت طلب خون سیدالشهداء علیه السلام قابل احصا و پاداش آن قابل محاسبه نیست؟! (۱)

### بهترین عمل در روز عاشورا

علاوه بر این خوب است بدانیم که بنابر برخی از روایات روز عاشورا به عنوان روز ظهور امام زمان علیه السلام مشخص شده است. از امام صادق علیه السلام منقول است که فرمودند:

يَقُومُ فِي يَوْمِ عَاشُورَاءَ وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَام. (۲) ۹.

ص: ۲۰۶

۱- همان، ص ۴۵۷.

۲- ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۷۹.

(قائم علیه السلام) در روز عاشورا - همان روزی که حسین بن علی علیهما السلام در آن کشته شدند - قیام می کند.

در این حدیث روز عاشورا به عنوان روز قیام امام عصر علیه السلام مقدر شده، اما در عین حال به سبب بدایی بودن زمان ظهور، این تقدیر الهی دست خدا را نمی بندد و روز آن قابل تغییر می باشد. با این وجود امید ما به قیام حضرت مهدی علیه السلام در روز عاشورا به خاطر این حدیث شریف زیاد است و این خود انگیزه دیگری برای دعا در حق آن حضرت و درخواست تعجیل در فرجشان می باشد.

با مراجعه به اعمالی که ائمه طاهرين عليهم السلام برای روز عاشورا تعیین فرموده اند، می بینیم که تأکید زیادی بر دعای تعجیل فرج با بیانی که حاکی از سوز دل آن بزرگواران است، به چشم می خورد. ما در این جا به نمونه ای از این دعاها اشاره می کنیم. عبدالله بن سنان می گوید: روز عاشورا به محضر آقا امام جعفر صادق علیه السلام شرفیاب شدم. ایشان را با رنگ و روی گرفته و ظاهری غمگین یافتیم در حالی که از چشمان مبارکش اشک همچون دُر سرازیر بود. عرض کردم: ای پسر رسول خدا! گریه شما به خاطر چیست؟ خداوند چشمانتان را گریان نکند. ایشان به من فرمودند:

آیا غافل هستی؟ نمی دانی که در یک چنین روزی حسین بن علی علیهما السلام به شهادت رسید؟!

آنگاه پس از بیان مطالبی فرمودند:

در یک چنین ساعتی از روز عاشورا جنگ از خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برطرف گردید و آتش آن خاموش شد در حالی که سی نفر از آنها در میان عزیزانشان به زمین افتاده بودند که این امر بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گران و سخت بود و اگر ایشان آن روز در دنیا زنده بودند، به خاطر آنان عزادار بودند.

این جا امام صادق علیه السلام چنان گریستند که محاسن شریفشان به اشک های چشمشان تر شد. سپس در ادامه فرمایشات خود به عبدالله بن سنان فرمودند:

بهترین عملی که می توان در این روز انجام دهی این است که لباس های پاک پوشی و دکمه های آن را نبندی و آستین های آن را تا آرنج بالا بزنی، درست

مانند مصیبت دیدگان؛ سپس به یک زمین خالی و متروکه یا جایی که کسی ترا نبیند یا به یک منزل خالی یا مکان خلوتی می روی در اواسط روز (حوالی ظهر)؛ آنگاه چهار رکعت نماز با رکوع و سجود نیکو می خوانی که پس از هر دو رکعت آن سلام می دهی. در رکعت اول سوره حمد و «قل یا ایها الکافرون» و رکعت دوم حمد و «قل هو الله احد»، دو رکعت بعدی، رکعت اول حمد و سوزه احزاب و رکعت دوم حمد و سوره «اذا جاءك المنافقون» یا هرچه از قرآن میسر شد، می خوانی. سپس سلام می دهی و رو به سوی قبر و مرقد شریف حسین علیه السلام می کنی و قتلگاه ایشان و فرزندان و نزدیکانش را در نظر خود مجسم می کنی و به ایشان سلام می دهی و درود می فرستی و کشندگان او را لعنت می کنی و از کارهایشان بیزاری می جویی، خدای عز و جلّ به سبب این اعمال، تو را به درجات بالایی بهشت می رساند و گناهانت را می ریزد. سپس از مکانی که هستی - هر جا که باشد - قدم هایی بر می داری و در حال حرکت می گویی:

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ رَضِيَ بِقَضَائِهِ وَتَسْلِيمًا لِأَمْرِهِ.

و باید در این کارها حالت غم و اندوه داشته باشی و ذکر خدای سبحان و کلمه استرجاع (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) را زیاد داشته باش، پس وقتی همه این کارها را انجام دادی، در محلی که نماز خواندی بایست و بگو:

اللَّهُمَّ عَذِّبِ الْفَجْرَةَ الَّذِينَ شَأُقُوا رَسُولَكَ...

در چند قسمت از این دعا، درخواست تعجیل فرج برای آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم مطرح شده که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

اللَّهُمَّ وَ عَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ... وَا فَتَحْ لَهُمْ فَتْحًا يَسِيرًا وَ آتِحْ لَهُمْ رَوْحًا وَ فَرَجًا قَرِيبًا...

آنگاه دست هایت را بالا بگیر و به حال قنوت بخوان:

... اللَّهُمَّ إِنَّ سُنَّتَكَ ضَائِعَةٌ وَ أَحْكَامَكَ مُعْطَلَةٌ وَ عِتْرَةَ نَبِيِّكَ فِي الْأَرْضِ

هَائِمَةُ اللّٰهُمَّ فَاعِنِ الْحَقَّ وَ اَهْلَهُ وَ اقْمَعِ الْبَاطِلَ وَ اَهْلَهُ وَ مَنْ عَلَيْنَا بِالنَّجَاهِ... وَ عَجِّلْ فَرَجَنَا وَ انظِمْهُ بِفَرَجِ اَوْلِيَاءِكَ... .

خدایا به سنت تو عمل نمی شود و احکامت تعطیل است و عترت پیامبرت در زمین سرگردانند، خدایا پس حق و اهلش را یاری فرما و باطل و اهلش را ریشه کن نما و با نجات دادن (ما) بر ما منت بگذار ... و در فرج ما تعجیل فرما و آن را با فرج دوستانت مرت کن (یعنی با فرج ما فرج دوستانت را هم برسان)....

اللّٰهُمَّ وَضَاعِفِ صَلَوَاتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ عَلَى عِتْرَةِ نَبِيِّكَ الْعِتْرَةِ الضَّائِعَةِ الْخَائِفَةِ الْمُسْتَذَلَّةِ... وَ اجْعَلْ لَهُمْ اَيَّامًا مَّشْهُودَةً وَ اَوْقَاتًا مَّحْمُودَةً مَسْعُودَةً يُوشِكُ فِيهَا فَرَجُهُمْ وَ تُوجِبُ فِيهَا تَمْكِينَهُمْ وَ نَصْرَهُمْ كَمَا ضَمِنْتَ لِاَوْلِيَاءِكَ فِي كِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ فَاِنَّكَ قُلْتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ: وَ عَدَّ اللهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوْا الصّٰلِحٰتِ... (۱)

خدایا و صلوات و رحمت و برکات خود را بر عترت پیامبرت، همان عترتی که حقشان ادا نمی گردد و در حال ترس زندگی می کنند و نزد دیگران ذلیل انگاشته می شوند... و برای ایشان روزگاری که شاهدش باشند و زمان های نیکو و سعادتمند را قرار بده که فرج آنها در آن ایام نزدیک باشد و آنها را (برای اجرای دین) قدرت بدهی و یاری فرمایی همان طور که به اولیای خود در کتاب نازل شده ات ضمانت فرموده ای و گفته ای در حالی که گفتارت حق است: وَ عَدَّ اللهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا... .

پس از اتمام دعای در حال قنوت، فرمودند:

صورت خود را بر زمین (خاک) بگذار و بگو:

... فَعَجِّلْ يَا مَوْلَايَ فَرَجَهُمْ وَ فَرَجَنَا بِهِمْ فَاِنَّكَ ضَمِنْتَ اِعْزَاذَهُمْ بَعْدَ الدَّلَّةِ... ۵.

ص: ۲۰۹

پس ای مولای من در فرج ایشان (عترت پیامبرت) و فرج ما به سبب ایشان تعجیل فرما چرا که تو عزیز داشتن ایشان را پس از ذلت ضمانت فرموده ای. سپس فرمودند:

سَرَتِ رَا بَه سَوَى آسْمَانِ بَلَنْدِ كَنْ وَ بَگُو:

أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَكُونَ مِنَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ آيَاتِكَ فَأَعِذْنِي يَا إِلَهِي بِرَحْمَتِكَ مِنْ ذَلِكَ.

به تو پناه می برم از اینکه جزء کسانی باشم که امید به روزگارت (روزگار غلبه اولیای خدا بر دشمنانش) ندارند، پس با رحمت خود مرا از اینکه این گونه باشم، پناه بده.

امام علیه السلام در پایان فرمایش خویش فضایل فراوانی برای کسی که این نماز و دعا را بخواند، بیان فرمودند،<sup>(۱)</sup> مرحوم علامه مجلسی پس از نقل این حدیث شریف می فرماید: مرحوم سیدبن طاووس عین آن را در «مصباح الزائر» نقل فرموده اما در کتاب «اقبال الاعمال» حدیث عبدالله بن سنان را به صورت دیگری نقل کرده است. سپس ایشان نقل دوم را هم از سید آورده است تا هر کس بتواند به هر کدام که خواهد عمل کند یا به خاطر رعایت احتیاط به هر دو عمل نماید.<sup>(۲)</sup>

نقل دوم مرحوم سید شامل هزار بار لعن قاتل سیدالشهداء علیه السلام است که در نقل اول چنین چیزی نبود. اما دعاهایی که شامل درخواست تعجیل فرج قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم هست یا عیناً و یا با عباراتی شبیه نقل اول، در آن آمده است. یکی از تعابیری که در این نقل دوم متفاوت با اولی است، این است که وقتی تعجیل فرج اهل بیت علیهم السلام را از خدا خواسته اند، چنین دعا کرده اند:

وَعَجَّلْ فَرَجَنَا بِالْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... (۳)ل.

ص: ۲۱۰

۱- بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۰۳ تا ۳۰۷، به نقل از المصباح شیخ طوسی.

۲- همان، ص ۳۰۹.

۳- بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۱۱، به نقل از اقبال الاعمال.

به هر حال هر دو نقل مستند و معتبر است و به هر یک عمل شود مناسب است، کسی هم که اهل احتیاط باشد، می تواند به هر دو عمل کند. ما اعمال مربوط به هر دو را در بخش سوم به طور کامل ذکر خواهیم کرد.

نکات مهمی در این حدیث شریف وجود دارد که برای دوستداران حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا فداه قابل تأمل می باشد. یکی از این نکات اوصافی است که برای عترت پاک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به کار رفته است. یکجا «عتره نَبِيِّكَ فِي الْأَرْضِ هَائِمَةٌ» تعبیر کرده اند، یعنی سرگردان بودن عترت در زمین. جای دیگر عبارت «الضَّائِعَةُ الْخَائِفَةُ الْمَسْتَدَّةُ» را به کار برده اند، یعنی عترتی که حقوقشان تضییع شده و با ترس زندگی می کنند و دیگران آنان را ذلیل می انگارند. اینها اوصاف اهل بیت پاک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پیش از ظهور قائم ایشان علیه السلام است و خود امام زمان علیه السلام که تنها باقی مانده از این عترت برگزیده الهی هستند، بیش از ۱۱۷۰ سال است که با این وضعیّت روزگار می گذرانند. شاید بتوان گفت که ایشان در هر عاشورای این سال های طولانی به فرمایش جدّشان امام صادق علیه السلام عمل کرده و از خداوند با همین عبارات سوزناک تعجیل فرجشان را درخواست کرده اند. در حقیقت در هر روز عاشورا مصیبت های آن حضرت تازه شده و غم و غصّه های قلب مبارکشان بیشتر و شدیدتر می گردد. با این وضعیّت آیا دوستان ایشان نباید هم و غم خود را در مناسبت های مختلف سال به خصوص ایّام عاشورای حسینی، بر دعا برای تعجیل فرج محبوبشان متمرکز کنند و مجالس عزاداری حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام را به مجالس گریه و ضجّه برای رفع حزن و اندوه امام خائف خود تبدیل نمایند؟ راستی اگر ذره ای از غم جانسوزی که مولایمان در عاشورای حسینی متحمّل می شود را درک می کردیم، همه خواسته های خود را فراموش می کردیم و با دل های داغدار در مصیبت شهدای کربلا فقط برای ظهور منجی عالم دعا می کردیم!

اشاره

همان طور که در بخش اول کتاب گذشت، همه مکان ها از جهت امکان استجاب دعا یکسان نیستند و برخی از آنها به خاطر شرافتی که دارند، بر دیگر مکان ها برتری دارند. ما در این جا به ذکر نمونه های محدودی از این امکانه اکتفا می نمایم.

دعا در مسجدالحرام

۱- یکی از بهترین مکان ها برای استجاب دعا مسجدالحرام در کنار خانه کعبه می باشد. در این مکان مقدّس مولای غریبمان فرج خود را از خداوند درخواست نموده است. از نایب دوم آن حضرت جناب محمّد بن عثمان عمروی نقل شده که ایشان آخرین بار امام علیه السلام را در کنار کعبه مشاهده نموده در حالی که این گونه دعا می فرمودند:

اللّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي. (۱)

خدایا آنچه وعده ام فرموده ای، برایم محقق فرما.

چنانچه در گذشته بیان گردید، از بهترین موقعیت های کنار کعبه، گرفتن پرده آن همراه با چسباندن خود به «مستجار» یا «ملتزم» می باشد که حضرت رضا علیه السلام درباره آن فرمودند:

...قِفْ عِنْدَ الْمُسْتَجَارِ وَ تَعَلَّقْ بِأَسْتَارِ الْكَعْبَةِ وَ ادْعُ اللَّهَ كَثِيرًا وَ أَلْحَ عَلَيْهِ وَ سَلْ حَوَائِجَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فَإِنَّهُ قَرِيبٌ مُجِيبٌ. (۲)

نزد مستجار بایست و خود را به پرده های کعبه بیاویز و بسیار خدا را بخوان و بر آن اصرار کن و نیازهای دنیا و آخرت را طلب کن که او (خداوند) نزدیک و اجابت کننده است.

طبق این فرمایش، کنار مستجار محلّ دعای کثیر و اصرار بر آن است که امکانم.

ص: ۲۱۲

۱- کمال الدّین، باب ۴۳، ح ۹.

۲- بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۹۶، ح ۸، به نقل از فقه الرضا علیه السلام.



اجابت آن بسیار بالاست. نایب خاصّ حضرت، جناب محمّد بن عثمان عمروی می گوید:

امام زمان علیه السلام را - در حالی که خود را در مستجار به پرده های کعبه آویخته بودند - دیدم که چنین دعا می کردند:

اللَّهُمَّ انتَقِمْ لِي مِنْ أَعْدَائِي. (۱)

خدایا انتقام مرا از دشمنانم بگیر.

این نایب بزرگوار حضرت که دو بار ایشان را در حال دعا برای تعجیل فرج کنار کعبه مشاهده نموده، قبل از سال ۲۶۷ هجری قمری به سفارت امام علیه السلام منصوب شده و تا حدود ۴۰ سال این مقام را واجد بوده است. (۲) از آن سال ها تاکنون که نزدیک به ۱۱۰۰ سال می گذرد علی القاعده این امر استمرار داشته و می توان با احتمال قریب به یقین ادعا کرد که آن امام بزرگوار در این یازده قرن مکرّر در کنار کعبه برای تعجیل فرجشان دعا کرده اند. چه خوب است که اگر برای یکی از دوستان ایشان امکان تشرف به بیت الله الحرام پیدا شد، در کنار مستجار با تأسی به خود امام علیه السلام، برای جلو افتادن ظهور ایشان با حالت اصرار و الحاح دعا کند و ولی نعمت خویش را فراموش ننماید.

نقطه دیگری از مسجدالحرام که بر دعا در آن تأکید زیادی صورت گرفته، حجر اسماعیل به خصوص زیر ناودان کعبه است که امام هشتم علیه السلام درباره آن فرموده اند:

... تَعَمَّدَ تَحْتَ الْمِيزَابِ وَادُعْ عِنْدَهُ كَثِيرًا. (۳)

... زیر ناودان را قصد کن و نزد آن زیاد دعا کن.

پیش از هر کس، نواده بزرگوار امام رضا علیه السلام یعنی وجود مقدّس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به این سفارش عمل کرده اند. ابونعیم انصاری ایشان را داخل حجر اسماعیل زیر ناودان در حال سجده مشاهده نموده که چنین دعا می کردند:م.

ص: ۲۱۳

۱- کمال الدین، باب ۴۳، ح ۱۰.

۲- حدیث دو سفیر، ص ۸۱.

۳- بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۳۰، ح ۴، به نقل از فقه الرضا علیه السلام.

عُبَيْدُكَ بِفِنَاءِكَ سَائِلُكَ بِفِنَاءِكَ مَا لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ غَيْرُكَ. (۱)

بنده کوچکت به در گاهت آمده، گدای تو به در گاهت آمده، از تو چیزی را می خواهد که غیر تو بر انجام آن قدرت ندارد.

بیند با چه لحن خاکسارانه و زیبایی از خداوند طلب ظهورش را کرده است. آنچه هیچکس جز خداوند قدرت بر انجامش را ندارد، در درجه اول اذن ظهور خود ایشان می باشد. این اجازه فقط در ید قدرت خداوند است و تا او نخواهد، امام علیه السلام اقدام به قیام نمی فرماید. پس اگر از خدا چیزی را می خواهیم که فقط به دست او انجام شدنی است، باید بدانیم که اجازه ظهور حضرت از اهمّ مصادیق آن است.

امیدواریم خداوند منان به لطف خویش به همه ما توفیق دعا بر تعجیل فرج - با همین الفاظی که خود حضرت دعا کرده اند - زیر ناودان حجر اسماعیل عطا فرماید تا همنا با آن گرامی به استقبال قیام با شکوهش به در خانه کعبه برویم.

### دعا در سرزمین عرفات

۲- مکان دیگری که برای استجابت دعا بسیار مناسب و مطلوب است، سرزمین مقدّس عرفات می باشد که حجاج بیت الله الحرام در روز نهم ذیحجه از ظهر تا غروب در آن وقوف می کنند. این مکان به خصوص در عصر روز عرفه مناسبت کاملی با دعا بر تعجیل فرج امام عصر علیه السلام دارد. به برخی از این دعاها پیش از این (در مناسبت روز عرفه) اشاره کردیم. آنچه اکنون یادآوری می کنیم این است که بنابر برخی احادیث، وجود مقدّس امام علیه السلام در مواقع حج (از جمله عرفات) حضور دارند (۲) و در این صورت دعای حاجیان در حضور مولایشان برای تعجیل در فرج ایشان با حال و هوای خاصّی همراه می شود. نقل ماجرای تشرف یکی از شیفتگان حضرت به محضرشان در عرفات بسیار شنیدنی است:).

ص: ۲۱۴

۱- بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۹۵، ح ۷، به نقل از کمال الدین.

۲- اصول کافی، کتاب الحجّه، باب فی الغیبه، ح ۱۲ (نحوه دلالت این حدیث شریف بر مدّعی مورد بحث در کتاب «راز پنهانی و رمز پیدایی»، ص ۳۰ آمده است).

جناب حجّه الاسلام آقای قاضی زاهدی گلپایگانی گفت: من در تهران از جناب آقای حاج محمد علی فشندی که یکی از اخیر تهران است، شنیدم که می گفت: من از اول جوانی مقید بودم که تا ممکن است گناه نکنم و آن قدر به حج بروم تا به محضر مولایم حضرت بقیّه الله روحی فداه مشرف گردم. لذا سالها به همین آرزو به مکه معظمه مشرف می شدم.

در یکی از این سالها که عهده دار پذیرایی جمعی از حجّاج هم بودم، شب هشتم ماه ذیحجه با جمیع وسائل به صحرای عرفات رفتم تا بتوانم یک شب قبل از آنکه حجّاج به عرفات می روند، من برای زواری که با من بودند، جای بهتری تهیه کنم. تقریباً عصر روز هفتم وقتی بارها را پیاده کردم و در یکی از آن چادرهایی که برای ما مهیا شده بود مستقر شدم (و ضمناً متوجه گردیده بودم که غیر از من هنوز کسی به عرفات نیامده) یکی از شرطه هایی که برای محافظت چادرها آنجا بود نزد من آمد و گفت: تو چرا امشب این همه وسایل را به این جا آورده ای، مگر نمی دانی ممکن است سارقین در این بیابان بیایند و وسایلت را ببرند؟! به هر حال حالا که آمده ای باید تا صبح بیدار بمانی و خودت از اموالت محافظت بکنی.

گفتم: مانعی ندارد، بیدار می مانم و خودم از اموالم محافظت می کنم. آن شب در آنجا مشغول عبادت و مناجات با خدا بودم و تا صبح بیدار ماندم تا آنکه نیمه های شب بود که دیدم سید بزرگواری که شال سبز به سر دارد، به در خیمه من آمد و مرا به اسم صدا زد و گفت: حاج محمد علی سلام علیکم، من جواب دادم و از جا برخاستم. او وارد خیمه شد و پس از چند لحظه جمعی از جوانها که هنوز تازه مو از صورتشان بیرون آمده بود مانند خدمتگزار به محضرش رسیدند. من ابتدا مقداری از آنها ترسیدم ولی پس از چند جمله که با آن آقا حرف زدم، محبت او در دلم جای گرفت و به آنها اعتماد کردم، جوانها بیرون خیمه ایستاده بودند ولی آن سید داخل خیمه شده بود. او به من رو کرد و فرمود: حاج محمد علی خوشا به حالت، خوشا به حالت. گفتم: چرا؟ فرمود: شبی در بیابان عرفات بیتوته کرده ای که جدّم حضرت سیدالشهداء

ابا عبدالله الحسين عليه السلام هم در این جا بیتوته کرده بود. گفتم: در این شب چه باید بکنیم؟

فرمود: دو رکعت نماز می خوانیم، پس از حمد یازده قل هو الله بخوان. لذا بلند شدیم و این کار را با آن آقا انجام دادیم، پس از نماز آن آقا یک دعایی خواند، که من از نظر مضامین مثلش را نشنیده بودم. حال خوشی داشت، اشک از دیدگانش جاری بود، من سعی کردم که آن دعا را حفظ کنم، آقا فرمود: این دعا مخصوص امام معصوم است و تو هم آن را فراموش خواهی کرد. سپس به آن آقا گفتم ببینید من توحیدم خوب است؟ فرمود: بگو. من هم به آیات آفاقیه و انفسیه به وجود خدا استدلال کردم و گفتم: معتقدم که با این دلایل خدایی هست. فرمود: برای تو همین مقدار از خدانشناسی کافی است. سپس اعتقاد را به مسئله ولایت برای آن آقا عرض کردم. فرمود: اعتقاد خوبی داری. بعد از آن سؤال کردم که: به نظر شما الان امام زمان علیه السلام در کجاست؟ حضرت فرمود: الان امام زمان در خیمه است.

سؤال کردم روز عرفه که می گویند حضرت ولی عصر علیه السلام در عرفات است در کجای عرفات می باشند؟ فرمود: حدود جبل الرّحمه. گفتم: اگر کسی آنجا برود آن حضرت را می بیند؟ فرمود: بله او را می بیند ولی نمی شناسد.

گفتم: آیا فردا شب که شب عرفه است حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به خیمه های حجاج تشریف می آورند و به آنها توجهی دارند؟

فرمود: به خیمه شما می آید، زیرا شما فردا شب به عمویم حضرت ابوالفضل علیه السلام متوسل می شوید. در این موقع آقا به من فرمودند: حاج محمّد علی چایی داری؟ (ناگهان متذکر شدم که من همه چیز آورده ام ولی چایی نیاورده ام). عرض کردم: آقا اتفاقاً چایی نیاورده ام و چقدر خوب شد که شما تذکر دادید زیرا فردا می روم و برای مسافرین چایی تهیه می کنم.

آقا فرمودند: حالا- چایی با من و از خیمه بیرون رفتند مقداری که به صورت ظاهر چایی بود ولی وقتی دم کردیم به قدری معطر و شیرین بود که من یقین کردم آن چایی از چایی های دنیا نمی باشد آوردند و به من دادند. من از

آن چایی خوردم. بعد فرمودند: غذایی داری بخوریم؟ گفتم: بلی نان و پنیر هست. فرمودند: من پنیر نمی خورم. گفتم: ماست هم هست. فرمودند: بیاور، من مقداری نان و ماست خدمتش گذاشتم. او از آن نان و ماست میل فرمود. سپس به من فرمود: حاج محمد علی به تو صد ریال (سعودی) می دهم، تو برای پدر من یک عمره بجا بیاور.

عرض کردم: چشم. اسم پدر شما چیست؟ فرمود: اسم پدرم سید حسن است. گفتم: اسم خودتان چیست؟

فرمودند: سید مهدی (پول را گرفتم) و در این موقع آقا از جا برخاست که برود، من بغل باز کردم و او را به عنوان معانقه در بغل گرفتم، وقتی خواستم صورتش را ببوسم، دیدم خال سیاه بسیار زیبایی روی گونه راستش قرار گرفته، لبهایم را روی آن خال گذاشتم و صورتش را بوسیدم.

پس از چند لحظه که او از من جدا شد، من در بیابات عرفات هرچه این طرف و آن طرف را نگاه کردم کسی را ندیدم. یک مرتبه متوجه شدم که او حضرت بقیه الله ارواحنا فداه بوده بخصوص که او اسم مرا می دانست، فارسی حرف می زد، نامش مهدی بود پس امام حسن عسکری بود!

بالاخره نشستم و زار زار گریه کردم، شرطه ها فکر می کردند که من خوابم برده و سارقین اثاثیه مرا برده اند، دور من جمع شدند؛ به آنها گفتم شب است، مشغول مناجات بودم گریه ام شدید شد.

فردای آن روز که اهل کاروان به عرفات آمدند من برای روحانی کاروان قضیه را نقل کردم، او هم برای اهل کاروان جریان را شرح داد، در میان آنها شوری پیدا شد.

اول غروب شب عرفه نماز مغرب و عشا را خواندیم بعد از نماز با آنکه من به آنها نگفته بودم که آقا فرموده اند: فردا شب من به خیمه شما می آیم زیرا شما به عمویم حضرت عباس علیه السلام متوسل می شویم، خود به خود روحانی کاروان روضه حضرت ابوالفضل علیه السلام را خواند، شوری برپا شده و اهل کاروان حال خوبی پیدا کرده بودند ولی من دائماً منتظر مقدم مقدس حضر

بقیة الله روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفدا بودم.

بالآخره نزدیک بود روضه تمام شود که من حوصله ام سر آمد. از میان مجلس برخاستم و از خیمه بیرون آمدم، دیدم حضرت ولی عصر روحی فداه بیرون خیمه ایستاده اند و به روضه گوش می دهند و گریه می کنند، خواستم داد بزنم و به مردم اعلام کنم که آقا این جاست. با دست اشاره کردند که چیزی نگو و در زبان من تصرّف فرمودند که من نتوانستم چیزی بگویم، من این طرف در خیمه ایستاده بودم و حضرت بقیه الله روحی فداه آن طرف خیمه ایستاده بودند و هر دومان بر مصائب حضرت ابوالفضل علیه السلام گریه می کردیم و من قدرت نداشتم که حتی یک قدم به طرف حضرت ولی عصر علیه السلام حرکت کنم. وقتی روضه تمام شد آن حضرت هم تشریف بردند. (۱)

### دعا در حرم مطهر سامرا و سرداب

۳- سومین مکان مقدّس برای دعا در حقّ حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف حرم مطهر شهر مقدّس سامرا است. این صحن و سرای ملکوتی منزل شخصی و خانه ملکی امام غریبان است که از پدران گرامی شان به ارث برده اند. هرچند که جای جای کره خاکی ملک طلق آن حضرت می باشد و همه ساکنان زمین مهمانان آن کریم به شمار می آیند، اما حرم مطهر سامرا اختصاص بیشتری به آن عزیز دارد. این اختصاص از چند جهت است: یکی اینکه آنجا خانه پدری آن بزرگوار می باشد که در آن به دنیا آمده و بزرگ شده اند و طبیعتاً خاطرات زیادی از دوران کودکی خود در آن منزل دارند که تعلق خاطر ایشان را به آن مکان مقدّس بیشتر می کند. دوم اینکه مرقد مطهر پدر و جدّ بزرگوار و نیز مادر گرامی شان در آن حرم شریف می باشد که به همین جهت قطعاً می توان گفت حضرتش برای زیارت قبور پدر و جدّ و مادرشان در آن مکان مکرر حاضر شده و می شوند. سوم اینکه سرداب مطهر ایشان در آن صحن و سراسر است. ۶.

ص: ۲۱۸

---

۱- کرامات الحسینیّه، ج ۲، ص ۱۹۱ تا ۱۹۶.

که در منابع تاریخی معتبر به عنوان یکی از محل های عبادت آن بزرگوار به ثبت رسیده و مورد علاقه خاص ایشان بوده و هست.

یکی از شیفتگان و دلدادگان آن عزیز سفر کرده که مقتدای بسیاری از امام شناسان زمان غیبت محسوب می شود، عالم بزرگوار شیعه و آن یگانه ای است که به سبب اُنس با حضرت بقیه الله ارواحنا فداه، صدای ایشان برایش آشنا بود. او نقل می کند که در شب چهارشنبه سیزدهم ماه ذیقعده سال ۶۳۸ هجری قمری در سامرا، به هنگام سحر، صدای دعای امام خود را شنیدم و آنچه به خاطرماند، این دعا بود:

وَ أَبْقِهِم (أَحْيِهِم) فِي عِزِّنَا وَ مُلْكِنَا وَ سُلْطَانِنَا وَ دَوْلَتِنَا. (۱)

و آنان را در روزگار عزت و پادشاهی و سلطنت و دولت ما باقی (زنده) بدار.

مرحوم سیدبن طاووس عبارات قبل از این دعا را نقل نکرده تا روشن شود حضرت درباره چه کسانی دعا فرموده اند، اما علی القاعده مرجع ضمیر «هم» در عبارات ایشان، برخی یا همه دوستانشان هستند.

نقل دیگری هم از مرحوم سید مشهور است که علامه میرزا حسین نوری آن را چنین حکایت فرموده است:

در ملحقات کتاب «انیس العابدین» مذکور است که نقل شده از ابن طاووس که او شنید در سحر در سرداب مقدس از صاحب الامر علیه السلام که آن جناب می فرمود:

اللَّهُمَّ إِنَّ شَيْعَتَنَا خُلِقَتْ مِنْ شُعَاعِ أَنْوَارِنَا... وَ قَدْ فَعَلُوا ذُنُوبًا كَثِيرَةً اتَّكَلْنَا عَلَى حُبِّنَا وَ وِلَايَتِنَا... .

اما مؤلف بزرگوار کتاب «نجم الثاقب» پس از این نقل، می فرماید:

مؤلف گوید: عبارت این دعا در مصنفات جمله از متأخرین از علامه مجلسی و معاصرین به نحو دیگر نقل شده و در رساله «جنه المأوی» اشکال کردم در صحت نسبت اصل این واقعه به جهت نبودن آن در مصنفات صاحب ۴.

ص: ۲۱۹

واقعه و مؤلفات متأخرین از او و کتب علامه مجلسی و محدثین معاصرین او بلکه احتمال دادم در آنجا این کلام مأخوذ باشد از کلام شیخ رجب بررسی در «مشارق الانوار»... و عصر او قریب عصر سید است و چنانچه از سید چنین عبارتی شایع بوده، او اولی بود به نقل از آن به جهت کثرت حرص او بر این مطالب و اطلاع او بر شواهد بر آنها، اگرچه این نسبت بعید نیست از مقام سید. (۱)

برخی از عبارات دعای منقول در این حکایت با مضامین احادیث ائمه علیهم السلام تطبیق می کند و برخی جملات آن به معنای ظاهرش مطابقت کامل با فرمایشات اهل بیت علیهما السلام ندارد، (۲) اما صرف نظر از این امر با توجه به تشکیک علامه نوری رحمه الله در اسناد حکایت به جناب سید، دلیل کافی برای صحت این نقل به طور قطعی وجود ندارد. البته همان طور که خود علامه فرموده است، شنیدن دعای امام عصر علیه السلام از جناب سید بن طاووس استبعادی ندارد، بنابراین در عین آنکه به طور قطعی نمی توانیم انتساب این حکایت را به مرحوم سید نفی کنیم، اما دلیل معتبری هم برای این اسناد نداریم. آنچه خود آن بزرگوار در کتاب «مهج الدعوات» آورده همان است که نقل شد و از آن کثرت و شدت علاقه پدر دلسوز امت امام عصر علیه السلام به دوستان و شیعیانشان به خوبی فهمیده می شود.

اکنون سخن در این است که ما به دعا کردن امام عصر علیه السلام در حق دوستانشان یقین داریم و از مکان هایی که قطعاً محلّ دعای ایشان می باشد، سرداب مقدّس و حرم مطهر عسکریین علیهما السلام است. پس آیا شکر نعمت های بیکران امام زمان علیه السلام بر ما - که دعای حضرت تنها یکی از این نعمت هاست - اقتضا نمی کند که اگر روزی به آن صحن و سرای ملکوتی راه یافتیم، بیشترین هم خود را برای دعا در حق ایشان به خصوص تعجیل!

ص: ۲۲۰

۱- نجم الثاقب، ص ۴۵۴ تا ۴۵۶.

۲- نکته محلّ تأمل این است که شیعیان معمولاً به خاطر اتکال به محبت و ولایت اهل بیت علیهم السلام دست به ارتکاب گناه نمی زنند، هرچند که در صورت انجام گناه امیدشان به شفاعت ائمه علیهم السلام است اما نه اینکه از ابتدا به سبب تکیه بر ولایت ایشان مرتکب گناه شوند، این دو نکته با هم تفاوت دارند!



دعاهایی که به خواندن آنها در حرم و سرداب مطهر سامرا نقل شده، به خوبی شدت اهتمام به این موضوع را می‌رساند. یک نمونه از این دعاها در پایان زیارتی است که برای هر دو امام بزرگوار - امام هادی و امام عسکری علیهما السلام - با هم نقل شده است. در این زیارت که از معصومین علیهم السلام نقل شده پس از درخواست انتقام الهی از ستمکاران در حق آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم:

اللَّهُمَّ الْعَن ظَالِمِي آلِ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ وَأَنْتَقِمَ مِنْهُمْ... .

خدایا ستمکاران به حقوق آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را از رحمت خود دور کن و از آنان انتقام بگیر... .  
عرضه می‌داریم:

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ وَاجْعَلْ فَرَجَنَا مَعَ فَرَجِهِمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (۱)

خدایا فرج ولایت و پسر ولایت را نزدیک فرما و فرج ما را با فرج ایشان (اهل بیت علیهم السلام) قرار بده، ای ارحم الراحمین.

نمونه دیگر در اواخر زیارت حضرت نرجس خاتون علیها السلام آمده است که عرضه می‌داریم:

اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ لَهُمْ بِانْتِقَامِكَ. (۲)

خدایا بحق محمد و آل محمد بر محمد و آل محمد درود بفرست و انتقام گیری خود برای ایشان (از دشمنانشان) را تعجیل بفرما.

انسان وقتی خود را در کنار قبر پدر و مادر امام زمانش می‌بیند، حیفش می‌آید که برای تعجیل فرج یگانه فرزندشان که سال‌ها - بلکه قرن‌ها - در انتظار اذن خداوند.

ص: ۲۲۱

۱- کامل الزیارات، باب ۱۰۳، ح ۱.

۲- بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۷۱، به نقل از مصباح الزائر.

برای ظهورش است، دعا نکند. ما یقین داریم که پاها و بدن مطهر آن یگانه امام و ذخیره خداوند روی زمین بارها و بارها - در طول بیش از یازده قرن - کنار مرقد مطهر حضرت نرجس خاتون را مبارک کرده است و چه فرصت خوبی است برای عاشقان ولّی عصر عبّجّل الله تعالی فرجه الشّریف که به آن مکان مقدّس تبرّک جویند و سر و صورت خود را به زمینی که عطر مولا از آن به مشام می رسد، معطر نمایند.

راستی چه زیباست که انسان بتواند جای پاهای امامش را بوسه زند و حال که از دیدار روی نازنینش محروم است، روح و بدن خود را با عطر و بوی محبوبش در کنار قبر مادرش صیقل دهد. اما و هزار اما، اکنون بیش از یک سال است که دست های پلید و خبیث دشمنان امام عصر علیه السلام قبور جدّ و پدر و مادر ایشان را به مخروبه تبدیل کرده و در حقیقت منزل شخصی امام علیه السلام را ویران ساخته است. (۱)

چقدر تلخ است تحمّل این مصیبت برای دوستان حضرت و چقدر غریب است این بزرگواری که محلّ زیارت خودش و مشتاقانش به این حالت اسفبار در آمده است. راستی می توان باور کرد که نقطه دلخوشی امام غریبمان - که برای زیارت و خواندن فاتحه و قرآن و نماز هر سال و هر ماه و چه بسا هر هفته و هر روز به آن رفت و آمد داشته و دارند - چنین بی رحمانه تخریب شود و اشک از چشمان آن غایب مصیبت دیده سرازیر نگردد؟ جایی که دوستداران ایشان به خاطر این غم، گریان و نالان شوند، خود آن بزرگوار چه حالی دارند؟! ان.

ص: ۲۲۲

---

۱- این حادثه فجیع و جانگداز در صبح روز چهارشنبه ۲۳ محرم الحرام سال ۱۴۲۷ هجری قمری مصادف با سوم اسفند ۱۳۸۴ هجری شمسی رخ داده و همه مسلمانان واقعی را به عزا نشانده است. و با کمال تأسف همان دستان خبیث و ناپاک، گلدسته های باقیمانده از آن حرم شریف را در روز چهارشنبه ۲۷ جمادی الاولی سال ۱۴۲۸ قمری مصادف با ۲۳ خرداد ماه ۱۳۸۶ شمسی تخریب نمودند و به فاصله اندکی (در ماه جمادی الثانی ۱۴۲۸ مصادف با تیر ماه ۱۳۸۶) مناره ساعت آن صحن مقدّس را نیز با موشک هدف قرار دادند تا به گمان باطل خود، هیچ اثری از آن حریم ملکوتی باقی نگذارند! خداوندا به کوری چشمان این دشمنان قسم خورده، هرچه زودتر با ظهور صاحب این بارگاه قدس، شکوه و عظمتی بیش از پیش به آن جا ببخش. الهی آمین.

بیش از یک سال است که دیگر پابوسی حرم شریف سامرا برای دوستان امام عصر علیه السلام میسر نیست و آرزوی زیارت قبور شریف امام هادی علیه السلام و حضرت عسکری علیه السلام و حضرت نرجس خاتون و حکیمه خاتون - که هر چهار قبر در یک ضریح شش گوشه جای داشتند - داغی بر دل شیعیان گذاشته و پس از گذشت این مدت هنوز بازسازی آن حرم شریف امکان پذیر نشده است.

اما همین جا متذکر می شویم که اگر در مصیبت تخریب حرم مطهر سامرا عزادار هستیم - که باید باشیم - فراموش نکنیم که امام زمان علیه السلام به خاطر تخریب ایمان یک جوان شیعه نیز عزادار و غمناک می شوند. اگر یکی از دوستان آن حضرت در این وانفسای زمان غیبت، از مسیر دین خارج شود و به انحراف عقیدتی یا فساد اخلاقی مبتلا گردد، قطعاً مولا و پدر مهربانش مصیبت زده می گردد و چه بسا در غم از دست رفتن ایمان او چشمان مبارکشان گریان شود!

آری گوهر ایمان چنان نزد خدا و امام زمان علیه السلام ارزشمند است که بعید نیست غصه از دست رفتن یک مؤمن به اندازه تخریب حرم شریف عسکریین علیهما السلام - بلکه بیش از آن - آقایمان را رنج بدهد! پس بیاییم و در کنار اقامه عزا به خاطر ویران شدن حرم سامرا، برای برخی از جوانانی که به دلایل مختلف ایمانشان سست و گاهی از مسیر ولایت اهل بیت علیهم السلام خارج می شوند، عزا بگیریم و آنها که می توانند، کاری و تلاشی و اقدامی برای دستگیری از این یتیمان امام عصر علیه السلام در دوران دوری از پدرشان انجام دهند. بگذریم.

پس از زیارت حرم مطهر نوبت به انجام اعمال سرداب مقدس می رسد که مشحون از زیارت و دعا در حق امام زمان علیه السلام به خصوص درخواست تعجیل فرج ایشان می باشد. البته سرداب هم از آسیب ویرانگری دست های آلوده دشمنان حضرت در امان نمانده و امکان داخل شدن و انجام اعمالش هنوز پیدا نشده است.

اما اگر انشاءالله به زودی زود این امکان فراهم شود، خواهیم توانست اذن دخول ورود به داخل سرداب را بخوانیم و سپس از آستانه در و پله های آن بوسه زنان پایین

برویم و خود را به عرصه آن برسانیم و پس از ادای دو رکعت نماز، دعای زیبایی را که مرحوم محدث قمی در کتاب شریف مفاتیح الجنان نقل فرموده، بخوانیم و به خدای خود عرضه بداریم:

... اللَّهُمَّ طَالَ الْإِنْتِظَارُ وَ شَمِتَ بِنَا الْفُجَارُ وَ صَعِبَ عَلَيْنَا الْإِنْتِصَارُ... (۱)

... خدایا انتظار به طول انجامید و بدکاران ما را شماتت نمودند و پیروزی بر ما مشکل شد ...

این دردهای دل را فقط باید به خداوند گفت، آن هم در زمانی که توفیق زیارت سرداب مطهر پیدا شده است و هم از او خواست تا هرچه زودتر به درد دوری ما از امامان و تحمّل شماتت های دشمن پایان بخشد. آخرین عملی که مرحوم محدث قمی برای سرداب مقدّس بیان فرموده، خواندن دعای: «اللَّهُمَّ عَظَمَ الْبَلَاءُ» است که از منتهای بزرگی بلا و شدت مصیبت دعاکننده حکایت می کند. به هر حال از بهترین مکان ها برای دعا در حقّ حضرت ولیّ عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، حرم مطهر عسکریین علیهم السلام و سرداب مقدّس امام عصر علیه السلام می باشد.

### دعا در حرم مطهر رضوی

۴- یکی دیگر از مکان های مقدّس که دعا در حقّ امام زمان علیه السلام مورد تأکید می باشد، حرم مطهر رضوی علیه السلام است. ثواب های عجیبی برای زیارت امام هشتم علیه السلام در مشهد مقدّس نقل شده که تنها به یکی از آنها اشاره می کنیم. احمد بن محمد بن ابونصر بزنطی می گوید:

در نوشته ابوالحسن الرضا علیه السلام دیدم که فرموده بود:

أَبْلَغُ شِيعَتِي أَنَّ زِيَارَتِي تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ أَلْفَ حَجَّةٍ.

به شیعیانم ابلاغ کنید که زیارت من نزد خداوند با هزار حج برابر می کند.

خدمت امام جواد علیه السلام عرض کردم: هزار حج؟ ایشان فرمودند: ر.

ص: ۲۲۴

---

۱- بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۰۳، به نقل از مصباح الزائر.

إِى وَاللّٰهِ وَالْفِ الْفِ حَجَّهِ لِمَنْ زَارَهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ (۱).

آرى، قسم به خدا و هزار هزار حج برای هر کس که او را با معرفت به حَقِّش زیارت کند.

در یکی از زیارت های امام هشتم علیه السلام که از زبان معصومین علیهما السلام نقل شده، به چهارده معصوم علیهم السلام درود می فرستیم و در صلوات بر آخرین وارث نبی خاتم صلی الله علیه و آله و سلم چنین می خوانیم:

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ وَوَلِيِّكَ وَالْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ صَلَاةً نَامِيَةً بَاقِيَةً تُعَجِّلُ بِهَا فَرَجَهُ وَتَنْصُرُهُ بِهَا وَتَجْعَلُنَا مَعَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ (۲).

خدایا بر حجت و ولایت و قیام کننده در میان آفریدگانت درود بفرست، درودی بالنده و پایدار که به سبب آن فرج ایشان را تعجیل فرمایی و یاریش نمایی و ما را در دنیا و آخرت با او همراه گردانی.

همین عبارات دعا شامل بهترین درخواست ها از خداوند برای خودمان است. همراهی با امام عصر علیه السلام در دنیا و آخرت بالاترین آرزوی همه منتظران و دوستداران ایشان می باشد و کسی که امام هشتم علیه السلام را زیارت می کند، باید به مضامین این دعاها توجه کرده و قدر آنها را بداند.

### دعا در زیر قبه سیدالشهداء علیه السلام

۵- در بخش اول کتاب جایگاه منحصر به فرد حائر حسینی علیه السلام را در استجابت دعا روشن ساختیم و دانستیم که گاهی خود ائمه طاهرين (همچون امام صادق علیه السلام) کسی را اجیر می کردند تا برای برآوردن حاجتشان (مثلاً شفاى بیماریشان) در کنار قبر سیدالشهداء علیه السلام دعا کند. (۳) با این ترتیب زائر امام حسین علیه السلام باید از فرصت به دست آمده ۲.

ص: ۲۲۵

۱- کامل الزیارات، باب ۱۰۱، ح ۹.

۲- همان، باب ۱۰۲، ح ۲.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۲۱ و ۴۲۲، ح ۲.

در سفر زیارت کربلا حدّا کثر بهره برداری را برای دعا در حقّ مولای مظلوم و غریبش بنماید و در آن حائر شریف، دعای بر تعجیل فرج امام عصر علیه السلام را در رأس خواسته هایش قرار دهد.

اگر بخواهیم حقیقت مطلب را بدانیم، باید بگوییم همه ما همچون اجرانی هستیم که با خرج مولایمان به زیارت جدّ شریفش مشرّف شده ایم. در این ادّعا هیچ گونه مسامحه و مجامله ای نیست. همه امکانات ما برای سفر به کربلای معلّی به یمن وجود مبارک امام عصر علیه السلام مهیّا شده و اگر الطاف خاصّ آن بزرگوار بر ما نبود، توفیق زیارت مرقد شریف سیدالشّهداء علیه السلام را پیدا نمی کردیم. از سلامت و عافیت جسمانی گرفته تا امتّیت جانی و تمکّن مالی و بسیاری از شرایط دیگر که اگر یکی از آنها نبود، موقّق به این سفر زیارتی نمی شدیم؛ همه اینها را مدیون عنایت ویژه مولای محبوبمان هستیم. پس ما باید خود را اجرانی از جانب آن حضرت بدانیم که با امکاناتی که خود ایشان در اختیارمان نهاده، به کربلای معلّی مشرف می شویم.

در این صورت آیا حقّ مضاعف ایشان بر ما این نیست که برای رفع گرفتاری ها و پایان یافتن آلام و مصیبت های آن بزرگوار، در کنار قبر جدّش سیدالشّهداء علیه السلام دست به دعا بلند کنیم؟ ما که می دانیم تحمّل رنج غیبت برای ایشان چقدر سخت و ناگوار است، آیا مُجازیم که با بی تفاوتی از کنار غم های عزیز زهرا علیها السلام بگذریم و از فرصت به دست آمده در حائر حسینی، برای دعا در حقّ ایشان استفاده نکنیم؟ آری باید غیرت به خرج دهیم و حاجات مولایمان - که در رأس آنها تعجیل فرج ایشان است - را بر نیازهای شخصی خودمان مقدم کنیم و از خداوند به هر زبانی که می دانیم، رفع نگرانی های تنها باقی مانده الهی - بقیّه الله الاعظم علیه السلام - را درخواست نماییم. هر دعایی - چه مأثور و چه غیر مأثور - در کنار قبر مطهر سیدالشّهداء علیه السلام طبق وعده هایی که ائمه طاهرین علیهم السلام داده اند، مستجاب است. پس چه به عربی و چه فارسی می توانیم در آن مکان مقدّس برای مولای پنهان از دیدگان خود دعا کنیم.

جالب این است که در متن زیارت ها و دعاهای مأثور در حائر حسینی، جملاتی یافت می شود که شامل دعا برای تعجیل در فرج امام زمان علیه السلام با عباراتی بسیار گویا و

عمیق است. به عنوان نمونه زیارتی را جناب ابو حمزه ثمالی از آقا امام صادق علیه السلام برای جدّ بزرگوارش سیدالشهداء علیه السلام نقل کرده که شاید در بین زیارت های مأثور از ائمه علیهم السلام طولانی ترین آنها باشد. این زیارت به طور کامل در کتاب شریف «کامل الزیارات» نقل شده و اعمالی را معرّفی نموده که زائر امام حسین علیه السلام از هنگامی که در وطن خود قصد زیارت کربلا را می کند، می تواند انجام دهد. (۱)

در اواخر این زیارت معتبر، امام صادق علیه السلام می فرمایند:

سپس گونه های صورت خود را روی قبر می گذاری و می گویی:

اللَّهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ إِشْفِ صَدْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ.

خدایا ای پروردگار حسین علیه السلام، قلب حسین علیه السلام را شفا بخش.

اللَّهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ أَطْلُبْ بِدَمِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ.

خدایا ای پروردگار حسین علیه السلام از حسین علیه السلام خونخواهی کن.

اللَّهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ اِنْتَقِمِ مِمَّنْ رَضِيَ بِقَتْلِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ.

خدایا ای پروردگار حسین علیه السلام از هر کس که به کشته شدن حسین علیه السلام راضی شده، انتقام بگیر.

اللَّهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ اِنْتَقِمِ مِمَّنْ خَالَفَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامِ.

خدایا ای پروردگار حسین علیه السلام از هر که با حسین علیه السلام مخالفت نموده انتقام بگیر.

اللَّهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ اِنْتَقِمِ مِمَّنْ فَرِحَ بِقَتْلِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ. (۲)

خدایا ای پروردگار حسین علیه السلام از هر کس که از کشته شدن حسین علیه السلام خوشحال شده انتقام بگیر.

روشن است که اجابت همه این دعاها تنها و تنها با ظهور ولی دم سیدالشهداء علیه السلام ۳.

ص: ۲۲۷

---

۱- از خدای مَنان به آبروی سیدالشهداء علیه السلام می خواهیم که توفیق معرّفی کامل این حدیث ابو حمزه ثمالی را در کتابی مستقل به نویسنده در آینده نزدیک عنایت فرماید.

۲- کامل الزیارات، باب ۷۹، ح ۲۳.

- امام عصر علیه السلام - محقق می گردد. پس هر یک از این دعاها در حقیقت درخواست تعجیل در فرج مولای مظلومان است. امیدواریم اکنون که به لطف و عنایت ائمه طاهرین علیهم السلام، طاغوت عراق سرنگون و راه کربلا- برای مشتاقان زیارت سیدالشهداء علیه السلام باز شده است، زائران با معرفت با دعاهایشان در آن حرم مطهر، ظهور مولای غریبان را به جلو بیندازند و به زودی شاهد تحقق وعده خداوند در این خصوص باشیم.

### دعا در مشاهد مشرفه

۶- علاوه بر حرم امام رضا علیه السلام در مشهد مقدس و حائر شریف حسینی در کربلای معلی، مشاهد مشرفه سایر چهارده معصوم علیهم السلام نیز مکان های بسیار مناسب برای دعا در حق امام عصر علیه السلام هستند. از مضجع شریف نبوی در مدینه منوره و قبر ناپیدای حضرت سیده فاطمه علیها السلام در آن حرم شریف گرفته تا کنار قبور ویران شده چهار امام همام - حضرات امام مجتبی علیه السلام و زین العابدین علیه السلام و امام باقر علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام - همچنین حرم با صفای امیرالمؤمنین علیه السلام در نجف اشرف و نیز کنار قبور حضرت موسی الکاظم علیه السلام و جواد الائمه علیه السلام در کاظمین، همگی مصادیق این آیه مبارکه قرآن کریم هستند که می فرماید:

فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ... (۱).

در خانه هایی که خداوند اجازه داده که عالی مقام باشند و در آنها نام او یاد شود...

در این خانه های الهی، دعا برای امام عصر علیه السلام اثر و نتیجه بیشتری دارد. از اینها گذشته در حرم حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام و حرم حضرت مسلم بن عقیل در کوفه و نیز کنار قبر خواهر گرامی سیدالشهداء علیه السلام عقیله بنی هاشم علیها السلام و همچنین حرمت.

ص: ۲۲۸

---

۱- نور/ ۳۶، توضیح اینکه مشاهد مشرفه طاهرین علیهم السلام مصادیق این آیه کریمه هستند در کتاب «در ضیافت ضریح» آمده است.



باصفای حضرت رقیه علیها السلام در دمشق و نیز حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام در قم، دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام نباید مورد غفلت و فراموشی قرار بگیرد. در مرتبه بعد هر مکان مقدسی که بدن یکی از امام زادگان مدفون است یا کنار قبور علما و بزرگان تشیع که آبرومندان درگاه اهل بیت علیهم السلام هستند، موقعیت های خوبی برای دعا در حق امام عصر علیه السلام به شمار می آیند.

### دعا در مساجد کوفه، سهله و ...

۷- همه مساجد در روی کره خاکی، خانه های خداوند هستند که عبادت در آنها بسیار مطلوب و مؤثر است و یکی از بزرگ ترین عبادت ها، دعاست، آن هم در حق تنها باقی مانده از اوصیای پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم. در میان مساجد، برخی انتساب خاصی با امام عصر علیه السلام دارند که لزوم دعا برای ایشان در آن مساجد مؤکد می شود. مسجد کوفه و مسجد سهله از مساجدی هستند که افراد شایسته در آنها مکرر خدمت امام زمانشان مشرف شده اند. علاقه خاص امام علیه السلام به این دو مکان مقدس روشن و واضح است. از امیرالمؤمنین علیه السلام در فضیلت مسجد کوفه نقل شده که فرمودند:

لَيَأْتِيَنَّ عَلَيْهِ زَمَانٌ يَكُونُ مُصَيِّمِي الْمَهْدِيِّ مِنْ وُلْدِي وَ مُصَيِّمِي كُلِّ مُؤْمِنٍ... تَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِالصَّلَاةِ فِيهِ وَ ارْعَبُوا إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِكُمْ... (۱).

یقیناً خواهد آمد زمانی که مسجد کوفه مصیای (حضرت) مهدی از اولاد من و مصیای هر مؤمنی می شود... یا نماز خواندن در آن به سوی خدای عزوجل تقرب جسته و برای برآورده شدن نیازهایتان به سوی آن رغبت نمایید.

مطابق احادیث ائمه علیهم السلام ادای هر نماز واجب در مسجد کوفه ثواب یک حج و هر نماز مستحبی ثواب یک عمره دارد. (۲) ت.

ص: ۲۲۹

۱- بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۹۰، ح ۱۴، به نقل از امالی صدوق.

۲- همان، ص ۳۹۹، ح ۴۵، به نقل از کامل الزیارات.

علاوه بر نماز، آنچه در بحث دعا اهمیت دارد، عمل به سفارش امیرالمؤمنین علیه السلام است که مسجد کوفه را مکان مناسبی برای برآورده شدن حاجات دانستند. طبیعی است که بزرگ ترین حاجت دوستان امام عصر علیه السلام در دوران غیبت، تعجیل فرج ایشان است، بنابراین حق آن است که در پس ادای نمازهای مربوط به هریک از مقام ها و ستون های مسجد کوفه، مهم ترین حاجتی که از خدا درخواست می کنین سلامت و تعجیل فرج امامان باشد.

در فضیلت مسجد سهله نیز احادیث متعددی از ائمه طاهرین علیهم السلام نقل شده است. ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمودند:

يا ابا محمّد كَأَنِّي أَرَى نُزُولَ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامِ فِي مَسْجِدِ السَّهْلَةِ بِأَهْلِهِ وَ عِيَالِهِ.

ای ابامحمد گویی فرود آمدن قائم علیه السلام را در مسجد سهله همراه با اهل و عیال خود می بینم.

سپس تصریح فرمودند که این مسجد شریف منزل امام عصر علیه السلام - پس از ظهور - خواهد بود همان طور که منزل حضرت ادریس و ابراهیم خلیل بوده و خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرده مگر آنکه در این مسجد نماز گزارده است. سپس فرمودند:

و ما صَلَّى فِيهِ أَحَدٌ فَدَعَا اللَّهَ بِتَيْبَةٍ صَادِقَةٍ إِلَّا صَرَفَهُ اللَّهُ بِقَضَائِ حَاجَتِهِ. (۱)

و هیچکس در آن نماز نمی گزارد که خدا را صادقانه بخواند، مگر آنکه خداوند او را با برآوردن حاجتش بر می گرداند.

منتظران امام عصر علیه السلام اگر روزی توفیق نماز خواندن در مسجد سهله را یافتند، مهم ترین حاجت خود که تعجیل در فرج مولایشان می باشد را فراموش نمی کنند و در آن مکان مقدس بر این خواسته خویش اصرار می ورزند.

دو مسجد دیگر هم در نزدیکی مسجد سهله وجود دارد که به نام دو برادر وفادار به امیرالمؤمنین علیه السلام نامگذاری شده است. یکی از آنها مسجد صعصعه بن صوحان و دیگری مسجد زیدبن صوحان است که دعا برای امام عصر علیه السلام در هر دو مکان بسیار ۷.

ص: ۲۳۰

مناسب و بجاست. اعمال مربوط به این مساجد را مرحوم محدث قمی در کتاب شریف مفاتیح الجنان نقل فرموده است. علاوه بر این مساجد، مسجد جمکران در نزدیکی شهر مقدس قم می باشد که مورد عنایت خاص امام عصر علیه السلام بوده و هست. حق این است که اگر انسان موفق به ادای نمازهای این مسجد مقدس شد، مهم ترین حاجت خود را رفع غم و غصه های امام زمان علیه السلام با اذن ظهورش از جانب خداوند، قرار دهد و برای آن حضرت مقدم بر دیگران دعا نماید.

## ۶- دعاهای غیر مقید به زمان یا مکان خاص

### اشاره

علاوه بر دعاهای مأثوری که در مناسبت های خاص وارد شده، دعاهای بسیار دیگری هم درباره امام عصر علیه السلام وجود دارد که مقید به زمان یا مکان خاصی نیستند و در هر موقعیتی می توان با خواندن آنها تعجیل در فرج حضرت ولی عصر علیه السلام را از خدا درخواست نمود. ما در این مجال به سه نمونه از این دعاها اشاره می کنیم و بخش دوم کتاب را با همین بحث خاتمه می دهیم.

### ذکر صلوات بر حضرت زهرا علیها السلام

اولین مورد دعایی است که تحت عنوان صلوات بر حضرت صدیقه زهرا علیها السلام از امام حسن عسکری علیه السلام نقل شده و راوی، متن آن را با املائی آن حضرت نوشته است. این صلوات ها مربوط به هر یک از چهارده معصوم علیهم السلام می باشد که متن هریک در کتاب شریف «مفاتیح الجنان» به طور کامل آمده است. در قسمتی از صلوات مربوط به حضرت فاطمه اطهر علیها السلام چنین می خوانیم:

اللَّهُمَّ كُنِ الطَّالِبَ لَهَا مِمَّنْ ظَلَمَهَا وَ اسْتَخَفَّ بِحَقِّهَا.

خدایا خودت طالب (خون) او از ستمکارانش و سبک شمارندگان حقش باش.

اللَّهُمَّ وَ كُنِ الثَّائِرَ لَهَا بِدَمِ أَوْلَادِهَا. (۱) ۷.

ص: ۲۳۱

خدایا خودت خونخواه او به سبب خون (به ناحق ریخته) فرزندانش باش.

روشن است که خونخواهی خداوند از کسانی که به حضرت زهرا علیها السلام و فرزندان پاکش ستم روا داشتند، جز با ظهور منتقم ایشان - حضرت بقیه الله اروحنا فداه - محقق نمی شود. پس این دعاها در حقیقت دعا برای تعجیل در فرج منجی عالم می باشد.

### دعای امام رضا علیه السلام در حق حضرت صاحب الزمان علیه السلام

دومین مورد دعایی است که «یونس بن عبدالرحمن» از حضرت امام رضا علیه السلام نقل کرده که ایشان به خواندن آن در حق حضرت صاحب الزمان علیه السلام سفارش فرموده اند. این دعا را مرحوم سیدبن طاووس به دو صورت از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده (۱) و مرحوم محدث قمی هم در «مفاتیح الجنان» به نقل از «المصباح» شیخ آورده است. آنچه محدث قمی نقل فرموده بیشتر با نقل اول مرحوم سیدبن طاووس (در کتاب جمال الاسبوع) هماهنگی دارد هرچند که مطابقت کامل با آن ندارد. ضمناً این دعا در «مفاتیح الجنان» جزء اعمال روز جمعه آمده است ولی در نقل مرحوم سید، دعا اختصاص به زمان خاصی ندارد و در هر موقعیتی خوانده می شود. به هر حال چون دعا بسیار دعای جامع و کاملی است، نباید از خیر خواندن آن گذشت و به هر کدام از روایاتی که نقل شده می توان عمل کرد. ما در بخش سوم کتاب، نقل دوم مرحوم سید را که مفصّل تر از نقل اول ایشان است، به طور کامل ذکر می کنیم تا خوانندگانی که بخواهند علاوه بر آنچه در مفاتیح الجنان مرحوم شیخ عباس قمی آمده، نقل دیگر آن را بخوانند، برایشان امکان پذیر گردد و علاقمندان به خواندن نقل اول مرحوم سید را به کتاب ارزشمند «جمال الاسبوع» ارجاع می دهیم. ضمناً مؤلف کتاب «مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام» نیز در باب هفتم کتاب، هر دو نقل مرحوم سید را ذکر فرموده است. (۲)

ص: ۲۳۲

۱- جمال الاسبوع ص ۳۰۷ تا ۳۱۴.

۲- مکیال المکارم، ج ۲، ص ۷۳ تا ۸۰، علاوه بر منابع ذکر شده، نقل دوم دعا در کتاب «راز و نیاز منتظران» از ص ۴۱ تا ۴۶ هم آمده است.

سومین مورد دعایی است که به صلوات ابوالحسن ضراب اصفهانی معروف است. راوی حدیث می گوید:

در سال دویست و هشتاد و یک هجری قمری با عده ای از همشهری های اهل تسنن عازم سفر حج شدیم، چون به مکه مشرفه رسیدیم یکی از آنها پیشقدم شد، و در کوچه ای - که میان بازار لیل بود - برای ما خانه ای اجاره نمود. آنجا خانه حضرت خدیجه علیها السلام بود که به خانه امام رضا علیه السلام مشهور شده بود. در آن خانه پیرزن گندمگونی زندگی می کرد، چون فهمیدم که آن خانه معروف به دارالرضا علیه السلام است، از پیرزن پرسیدم: تو چه نسبتی با صاحبان این خانه داری؟ و این خانه چرا دارالرضا علیه السلام نامیده شده؟

گفت: من از دوستان اهل بیت علیهم السلام هستم، و این خانه، خانه امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام است که امام حسن عسکری علیه السلام مرا در این خانه ساکن نموده است، و من از خدمتگزاران آن حضرت بودم.

چون این سخن را از او شنیدم با او مأنوس شدم، و این راز را از رفقای مخالف عقیده خودم پنهان کردم.

مدتی که در آنجا بودیم برنامه ما چنین بود که موقعی که شب از طواف خانه خدا بر می گشتیم در ایوان خانه می خوابیدیم؛ و درب خانه را می بستیم و پشت آن سنگ بزرگی - که از سنگینی آن را می غلطانیدیم - می گذاشتیم.

در آن ایوانی که ما می خوابیدیم شب های متعدّد نوری را مثل نور مشعل می دیدم، نیز می دیدم که درب خانه باز می شد بدون اینکه کسی از ما درب را باز کند. شخصی متوسط القامه و گندمگون متمایل به زرد لاغر اندام را دیدم که در چهره او اثر سجده نمایان بود، دو پیراهن و عبای نازکی روی آن بر تن کرده و نعلینی قوس دار پوشیده بود، وارد می شد و به اتاقی که پیرزن در

آن بود بالا می رفت، و پیرزن به ما می گفت: دخترم در اتاق است و به کسی اجازه نمی داد که به طرف آن اتاق برود.

هنگامی که از پله ها بالا می رفت نوری را می دیدم که بر ایوان می تابید، بعد همان نور را در آن اتاق می دیدم بدون اینکه چراغی بینم.

همراهان من هم این نور را می دیدند و گمان می کردند که آن شخص شوهر موقت دختر پیرزن می باشد و می گفتند: این علوی ها ازدواج موقت را جایز می دانند، و این به گمان خودشان حرام بود.

ما او را می دیدیم که از آن در داخل و خارج می شد ولی سنگ پشت در به همان حالتی بود که ما گذاشته بودیم، و ما از ترس اسباب و اثاثیه خود، در را می بستیم، و کسی نبود که در را باز کند یا ببندد، ولی آن شخص داخل می شد و خارج می شد و سنگ به همان صورت پشت در بود تا وقتی که می خواستیم خارج شویم کنار می گذاشتیم.

چون این جریان را دیدم قلبم به طپش افتاد و در وجودم هیبتی احساس کردم. به آن پیرزن ملاطفت نمودم و دوست داشتم قضیه آن شخص را بدانم، به او گفتم: فلانی! دوست دارم بدون اطلاع دوستانم و محرمانه سؤالی از شما بپرسم اما نمی توانم، چون دیدی رفقایم نیستند بیا تا در مورد مسئله ای از تو سؤال کنم.

او در جواب من بلافاصله گفت: من هم می خواهم رازی را با تو در میان بگذارم، اما تا حال به خاطر رفقای تو فرصتی پیش نیامده است.

گفتم: می خواهی چه بگویی؟

گفت: به تو می گوید - و کسی را نام نبرد- با رفقا و شرکای خود خشونت و درشتی نکن، و با آنان خصومت و نزاع مکن، زیرا آنها دشمنان تو هستند و با آنان مدارا کن.

گفتم: چه کسی این سخن را می گوید؟ گفت: من می گویم.

از هیبتی که از او در دلم افتاده بود جرأت نکردم دوباره سؤال را تکرار کنم، گفتم: منظورت کدام رفقای من است؟ خیال می کردم منظورش رفقای بود

که با آنها به حج مشرف شده بودم.

گفت: شرکایی که در شهر تو (اصفهان) و با تو در یک خانه هستند.

ابته میان من و آنها بگو مگویی در امر دین شده بود که از من سخن چینی و سعایت کرده بودند، و من به همین جهت فرار کردم و مدتی به صورت مخفیانه زندگی می کردم، متوجه شدم که منظور آن پیرزن، همان ها بودند.

به پیرزن گفتم: تو چه ارتباطی با امام رضا علیه السلام داری؟

گفت: من خدمتگزار حضرت امام حسن عسکری علیه السلام بودم.

چون به این مطلب یقین کردم با خود گفتم: خوب است از حضرت غائب صلوات الله علیه از او سؤال کنم؟ و گفتم: تو را به خدا، آیا با چشمهای خودت او را دیده ای؟

گفت: ای برادر! من او را به چشم خود ندیده ام، من (از سامرا) خارج شدم در حالی که خواهرم باردار بود و امام حسن (عسکری) علیه السلام به من مژده داد که در آخر عمرم او را خواهم دید و فرمود: برای او چنان خواهی بود که برای من هستی... .

اکنون امام علیه السلام نامه ای همراه با سی دینار به دست یک مرد خراسانی - که زبان عربی را خوب نمی داند - برایم فرستاده اند و به من دستور داده اند که امسال به حج مشرف شوم. من به شوق دیدار امام عصر علیه السلام آمده ام.

در این لحظه به دلم افتاد که آن شخصی که بعضی از شب ها به آن خانه می آید خود امام علیه السلام است، ده درهم سالم که یک سکه رضویّه (به نام امام رضا علیه السلام) در بین آنها بود همراه داشتم و نذر کرده بودم که آنها را در مقام ابراهیم علیه السلام بیندازم، آنها را بیرون آورده و به آن پیرزن دادم و با خود گفتم: اگر اینها را به فرزندان حضرت زهرا علیها السلام بدهم بهتر است از اینکه در مقام ابراهیم علیه السلام بیندازم و ثوابش بیشتر است.

به او گفتم: این پول ها را به مستحقین از اولاد حضرت فاطمه علیها السلام بده، و یتیم این بود که شخصی را که دیده ام خود آقاست و این خانم پول ها را به ایشان خواهد داد.

پول‌ها را گرفت و به اتاق بالا رفت، پس از زمانی آمد و گفت: او می‌فرماید: ما در آنها حقی نداریم، در همان مکانی که نیت کرده‌ای (مقام ابراهیم) قرار بده، ولی این سکه رضویّه نزد ما باشد و عوض آن را از ما بگیر، و در آن مکانی که نذر کرده‌ای بپرداز.

همان‌طور که فرموده بود انجام دادم و با خودم گفتم: این همان است که مأمور بودم از طرف او انجام بدهم، یعنی حضرت حجّت صلوات الله علیه است.

سپس نسخه‌ای از توقیعی که به سوی قاسم بن علاء در آذربایجان صادر شده بود همراه من بود، به او گفتم: این نسخه را به کسی که توقیعات حضرت امام غائب صلوات الله علیه را دیده نشان می‌دهی؟

گفت: بده به من، من می‌شناسم.

نسخه را به او دادم و گمان کردم که آن پیرزن می‌تواند خوب بخواند.

گفت: این جا نمی‌توانم بخوانم، رفت به اتاق سپس آمد و گفت: این توقیع صحیح است، و در آن توقیع چنین نوشته شده بود: مژده می‌دهم شما را به مژده‌ای که به کسی نداده‌ام.

آنگاه گفت: او به تو می‌فرماید: هرگاه به پیامبرت صلوات بفرستی چگونه صلوات می‌فرستی؟ گفتم: می‌گویم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

گفت: نه، چون خواستی صلوات بفرستی به همه آنها صلوات بفرست و هر کدام را نام ببر، گفتم: آری.

چون فردا شد آن پیرزن آمد همراه خود دفتر کوچکی داشت، گفت: ایشان به تو می‌فرمایند: چون خواستی بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم صلوات بفرستی طبق این نسخه بر او و بر اوصیای او صلوات بفرست.

نسخه را گرفتم، و اکنون به آن عمل می‌کنم.

چند شب دیدم که او از اتاق پایین می‌آید و نور چراغ همچنان روشن است و



من در را می گشودم و دنبال آن نور می رفتم ولی کسی را نمی دیدم فقط آن نور را مشاهده می کردم، تا اینکه وارد مسجد (الحرام) می شد.

گروهی از مردم شهرهای مختلف را می دیدم که به در این خانه می آمدند، برخی نامه هایی به آن پیرزن می دادند، و پیرزن نیز نوشته هایی به آنها می داد، و با همدیگر حرف می زدند، ولی من سخنان آنها را نمی فهمیدم، و برخی از آنها را هنگام برگشت در راه دیدم، تا اینکه وارد بغداد شدم. (۱)

این دعای زیبا که از ناحیه خود امام زمان علیه السلام می باشد، در کتاب «مفاتیح الجنان» ضمن اعمال روز جمعه ذکر شده ولی چنانچه مرحوم صاحب مکیال فرموده، شایسته است که در هر زمانی بر خواندن آن مراقبت و مداومت صورت گیرد. (۲)

اما مرحوم سیدبن طاووس در مورد این صلوات می فرماید:

اگر به خاطر عذری تعقیب عصر روز جمعه را ترک کردی، هرگز این صلوات را ترک مکن، به جهت چیزی که خداوند - جلّ جلاله - ما را به آن آگاه نموده است. (۳)

مرحوم صاحب مکیال درخصوص فرمایش سید می فرماید:

از سفارش سید استفاده می شود که از طرف مولای ما حضرت صاحب الزّمان عجل الله تعالی فرجه امری درخصوص خواندن این صلوات به ایشان رسیده است و همین نشانه صحّت روایت آن است. (۴)

با وجود این تأکیدها لزوم اهتمام دوستداران امام عصر علیه السلام به خواندن این دعای شریف روشن می شود. بهتر است حداقل در عصر روز جمعه، ذکر این صلوات ترک نشود. ۳.

ص: ۲۳۷

---

۱- صحیفه مهدویّه (با اعمال اصلاحات در ترجمه)، به نقل از مصباح المتهجد، ص ۴۶۰ و البلد الامین ص ۱۲۰ و المصباح ص ۷۲۵ و دلائل الامامه ص ۵۴۹ و جمال الاسبوع ص ۳۰۱.

۲- مکیال المکارم، ج ۲، ص ۷۳.

۳- جمال الاسبوع، ص ۳۰۱.

۴- مکیال المکارم، ج ۲، ص ۷۳.

آخرین دعایی که در این فصل معرفی می کنیم، دعای مأثوری از امام محمد باقر علیه السلام است که به جابر بن یزید جعفی فرمودند:

هر کس در طول عمرش یک بار این دعا را بخواند، دعایش در جلد عبودیت نوشته می شود و در دفتر حضرت قائم علیه السلام بالا می رود. پس هر زمان که قائم ما (اهل بیت علیهم السلام) قیام کند، او را به نام خودش و نام پدرش می خواند. سپس این نوشته به او داده می شود و به او گفته می شود: این نوشته - همان عهدی که در دنیا با ما بستی - را بگیر و این فرمایش خدای عز و جل است که:

إِلَّا مَنْ التَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا. (۱)

و دعا را با طهارت می خوانی، می گویی:

اللَّهُمَّ يَا إِلَهَ الْآلِهَةِ، يَا وَاحِدًا يَا أَحَدًا، يَا آخِرَ الْآخِرِينَ، يَا قَاهِرَ الْقَاهِرِينَ، يَا عَلِيًّا يَا عَظِيمًا، أَنْتَ الْعَلِيُّ الْأَعْلَى، عَلَوْتَ فَوْقَ كُلِّ عُلُوٍّ. هَذَا يَا سَيِّدِي عَهْدِي وَ أَنْتَ مُنْجِزٌ وَعَدِي، فَصَلِّ يَا مَوْلَايَ عَهْدِي وَانْجِزْ وَعَدِي، آمَنْتُ بِكَ (وَ) أَسْأَلُكَ بِحِجَابِكَ الْعَرَبِيِّ وَ بِحِجَابِكَ الْعَجَمِيِّ وَ بِحِجَابِكَ الْعِبْرَانِيِّ وَ بِحِجَابِكَ السَّرْيَانِيِّ وَ بِحِجَابِكَ الرُّومِيِّ وَ بِحِجَابِكَ الْهِنْدِيِّ، وَ أَثَبْتَ مَعْرِفَتَكَ بِالْعِنَايَةِ الْأُولَى فَإِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا تُرَى وَ أَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى.

وَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِرَسُولِكَ الْمُنْدِرِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ،

وَ بَعَلِّي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ الْهَادِي،

وَ بِالْحَسَنِ السَّيِّدِ وَ بِالْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ سَبَطَى نَبِيِّكَ،

وَ بِفَاطِمَةَ الْبُتُولِ،

وَ بَعَلِّي بِنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ ذِي الثَّقَاتِ، ۷.

ص: ۲۳۸

وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَنِ عِلْمِكَ.

وَ بِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ الَّذِي صَدَّقَ بِمِيثَاقِكَ وَ بِمِعَادِكَ،

وَ بِمُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الحُضُورِ الْقَائِمِ بَعْدِكَ،

وَ بِعَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا الرَّاظِي بِحُكْمِكَ،

وَ بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الحِجْرِ الفَاضِلِ المُرْتَضَى فِي المُؤْمِنِينَ،

وَ بِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ الأَمِينِ المُوْتَمَنِ هَادِي المُسْتَرشِدِينَ،

وَ بِالحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الطَّاهِرِ الزَّكِيِّ خَزَانَةِ الوَصِيَّةِ،

وَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِالإِمَامِ الْقَائِمِ العَدْلِ المُنْتَظَرِ المَهْدِيِّ إِمَامِنَا وَابْنِ إِمَامِنَا صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِم أَجْمَعِينَ.

يَا مَنْ جَلَّ فَعْظَمُ وَ [هُوَ] أَهْلُ ذَلِكَ فَعَفَا وَ رَحِمَ، يَا مَنْ قَدَرَ فَلَطَفَ، أَشْكُو إِلَيْكَ ضَعْفِي وَ مَا قَصَرَ عَنْهُ أَمَلِي مِنَ تَوْحِيدِكَ وَ كُنْهِ مَعْرِفَتِكَ، وَ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِالتَّسْمِيَةِ البِيضَاءِ، وَ بِالوَحْدَانِيَةِ الكُبْرَى الَّتِي قَصِرَ عَنْهَا مَنْ أَدْبَرَ وَ تَوَلَّى، وَ آمَنْتُ بِحِجَابِكَ العَظْمِ وَ بِكَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ العُلْيَا الَّتِي خَلَقْتَ مِنْهَا دَارَ البَلَاءِ وَ أَحَلَلْتَ مَنْ أَحْبَبْتَ جَنَّةَ المَأْوَى.

وَ آمَنْتُ بِالسَّابِقِينَ وَ الصِّدِّيقِينَ أَصْحَابِ اليَمِينِ مِنَ المُؤْمِنِينَ [وَ] الَّذِينَ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَ آخَرَ سَيِّئًا، أَلْمَا تَوَلَّيْتَنِي غَيْرَهُمْ وَ لَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ غَدًا، إِذَا قَدِمْتَ الرِّضَا بِفِصْلِ القَضَاءِ.

آمَنْتُ بِسِرِّهِمْ وَ عِلَاقَتِهِمْ وَ خَوَاتِيمِ أَعْمَالِهِمْ، فَإِنَّكَ تَخْتِمُ عَلَيْهَا إِذَا شِئْتَ.

يَا مَنْ أَتَحَفَّنِي بِالإِقْرَارِ بِالوَحْدَانِيَةِ وَ حَبَانِي بِمَعْرِفَةِ الرُّبُوبِيَّةِ وَ خَلَصَنِي مِنَ الشُّكِّ وَ العَمَى، رَضِيْتُ بِكَ رَبًّا وَ بِالأَصْفِيَاءِ حُجَجًا وَ بِالمُحْجُوبِينَ أَنبيَاءَ وَ بِالرُّسُلِ أَدْلَاءَ وَ بِالمُتَّقِينَ أَمْرَاءَ وَ سَامِعًا لَكَ مُطِيعًا. (1) .

ص: ٢٣٩

بخش سوم: برخی دعاهاى مأثور براى امام عصر عجل الله تعالى فرجه الشريف

اشاره

ص: ۲۴۰

در این بخش به ذکر متون برخی از دعاهایی می پردازیم که در بخش گذشته آنها را معرفی نمودیم. هدف از انعقاد این بخش ساده کردن زمینه دعا برای خوانندگانی است که دسترسی آسانی به مراجع و منابع اصلی این دعاها ندارند.

ص: ۲۴۱

متن کامل دعای عبرات از خود امام عصر علیه السلام مطابق نقل مرحوم سیدبن طاووس در کتاب شریف «مهج الدعوات» چنین است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا رَاحِمَ الْعِبْرَاتِ وَيَا كَاشِفَ الزَّفَرَاتِ، أَنْتَ الَّذِي تَقْشَعُ سَيِّحَابَ الْمِحَنِ وَقَدْ أَمَسَتْ ثِقَالاً وَتَجْلُو ضَبَابَ الْفِتَنِ وَقَدْ سَحَبَتْ أَذْيَالاً، وَتَجْعَلُ زَرْعَهَا هَشِيمًا وَبُنْيَانَهَا هَدِيمًا وَعِظَامَهَا رَمِيمًا، وَتُرُدُّ الْمَغْلُوبَ غَالِبًا وَالْمَطْلُوبَ طَالِبًا وَالْمَقْتُورَ قَاهِرًا وَالْمَقْدُورَ عَلَيْهِ قَادِرًا.

فَكَمْ يَا إِلَهِي مِنْ عَبْدٍ نَادَاكَ: رَبِّ إِنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ، فَفَتَحَتْ مِنْ نَصْرِكَ لَهُ أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مِنْهُمْ وَفَجَّرَتْ لَهُ مِنْ عَوْنِكَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ، وَحَمَلَتْهُ مِنْ كِفَايَتِكَ عَلَى ذَاتِ الْوَاحِ وَدُسِرَ.

يَا مَنْ إِذَا وَلَمَّحَ الْعَبْدُ فِي لَيْلٍ مِنْ حَيْرَتِهِ بِهِيمٍ وَلَمْ يَجِدْ لَهُ صَيْرِيخًا يَصْرُخُ مِنْ وَلِيِّ حَمِيمٍ وَجَدَ مِنْ مَعُونَتِكَ صَيْرِيخًا مُغِيثًا وَوَلِيًّا يَطْلُبُهُ حَثِيثًا، يُنْجِيهِ مِنْ ضَيْقِ أَمْرِهِ وَحَرَجِهِ وَيُظْهِرُ لَهُ أَعْلَامَ فَرَجِهِ.

اللَّهُمَّ فَيَا مَنْ قَدَرْتَهُ قَاهِرَةً وَ نِقْمَاتُهُ قَاصِمَةٌ لِكُلِّ جَبَّارٍ دَامِغَةٌ لِكُلِّ كَفُورٍ خِتَارٍ، أَسْأَلُكَ نَظْرَةً مِنْ نَظْرَاتِكَ رَحِيمَةً تُجَلِي بِهَا ظُلْمَةً عَاكِفَةً مُقِيمَةً فِي عَاهِهِ جَفَّتْ مِنْهَا الضُّرُوعُ وَ تَلَفَتْ مِنْهَا الزُّرُوعُ وَ انْهَلَّتْ مِنْ أَجْلِهَا الدُّمُوعُ وَ اشْتَمَلَتْ لَهَا عَلَى الْقُلُوبِ الْيَأْسُ وَ جَزَتْ بِسَبَبِهَا الْأَنْفَاسُ.

إلهي فحفظاً لغرائس غرسها و شربها بيد الرحمان و نجاتها بدخول الجنان أن تكون بيد الشيطان تحز و بفأسه تقطع و تجز.

إلهي فمن أولى منك بأن يكون عن حريمك دافعاً و من أجدر منك بأن يكون عن حماك مانعاً.

إلهي إن الأمر قد حال فهونهُ و حشن فالنهُ و إن القلوب كاعت فطمنها و النفوس ارتاعت فسكنها.

إلهي إلهي تدارك أقداماً زلت و أفكاراً (1) في مهامه الحيره ضللت إن رأت حبرك على كسيرها و إطلاقك لأسيرها و إجاتك لمستجيرها، أجهف الضر بالمضرور و لبي داعيه بالويل و الثبور. فهل تدعه يا مولاي فريسه للبلاء و هو لك راج؟! أم هل يخوض لجه الغماء و هو إليك لاج؟

مولاي إن كنت لا أشق على نفسي في التقى ولا أبلغ في حمل أعباء الطاعه مبلغ الرضا، ولا أنتظم في سلك قوم رفضوا الدنيا، فهم خمص البطون من الطوى، ذبل الشفاه من الظماء، عمش العيون من البكاء، بل أتيتك بض عف من العمل و ظهر ثقيل بالخطأ و الزلل و نفس للراحه معتاده و لدواعي الشر منقاداً..

ص: ٢٤٣

١- في البحار: أفهاماً.

أَفَمَا يَكْفِينِي يَا رَبِّ وَسِيلَهُ إِلَيْكَ وَ ذَرِيعَهُ لَمَدِيكَ أَنْتَى لِأَوْلِيَاءِ دِينِكَ مُوَالٍ وَفَى مَحَبَّتِهِمْ مُغَالٍ وَ لِجَلْبَابِ الْبَلَاءِ فِيهِمْ لَابِسٌ وَ لِكِتَابِ تَحَمُّلِ الْعَنَاءِ بِهِمْ دَارِسٌ؟ أَمَا يَكْفِينِي أَنْ أُرْوَحَ فِيهِمْ مَظْلُومًا وَ أَعْدُو مَكْظُومًا وَ أَقْضِي بَعْدَ هُمُومٍ هُمُومًا وَ بَعْدَ وُجُومٍ وُجُومًا؟ أَمَا عِنْدَكَ يَا مَوْلَايَ بِهَذِهِ حُرْمَةٌ لَا تَضِيعُ وَ ذِمَّةٌ بِأَدْنَاهَا تُقْتَنَعُ؟ فَلِمَ لَا تَمْنَعُنِي يَا رَبِّ وَهَا أَنَا ذَا غَرِيقٍ، وَ تَدْعُنِي هَكَذَا وَ أَنَا بِنَارِ عَدُوِّي (١) حَرِيقٌ؟

مَوْلَايَ أَتَجْعَلُ أَوْلِيَاءَكَ لِأَعْدَاءِكَ طَرَائِدَ وَ لِمَكْرِهِمْ مَصَائِدَ وَ تُقْلِدُهُمْ مِنْ خَسْفِهِمْ قَلَائِدَ؟ وَ أَنْتَ مَالِكٌ نُفُوسِهِمْ لَوْ قَبَضْتَهَا جَمَدُوا، وَ فِي قَبْضَتِكَ مَوَادُّ أَنْفَاسِهِمْ لَوْ قَطَعْتَهَا خَمَدُوا، فَمَا يَمْنَعُكَ يَا رَبِّ أَنْ تَكْشِفَ بِأَسْهُمٍ وَ تَنْزِعَ عَنْهُمْ فِي حِفْظِكَ لِبَاسَهُمْ، وَ تُعْرِيهُمْ مِنْ سَلَامَةٍ بِهَا فِي أَرْضِكَ يَسْرُخُونَ وَ فِي مَيْدَانِ الْبَغْيِ عَلَى عِبَادِكَ يَمْرُخُونَ؟!!

إِلَهِي أَدْرِكْنِي وَ لَمَّا يُدْرِكْنِي (٢) الْعَرَقُ وَ تَدَارِكْنِي وَ لَمَّا عَيَّبَ شَمْسِي الشَّفَقُ.

إِلَهِي كَمْ مِنْ خَائِفِ التَّجَا إِلَى سُلْطَانِ فَآبَ عَنْهُ مَحْفُوفًا بِأَمْنٍ وَ أَمَانٍ! أَفَأَقْصِدُ أَعْظَمَ مِنْ سُلْطَانِكَ سُلْطَانًا؟ أَمْ أَوْسَعَ مِنْ إِحْسَانِكَ إِحْسَانًا؟ أَمْ أَكْثَرَ مِنْ اقْتِدَارِكَ اقْتِدَارًا؟ أَمْ أَكْرَمَ مِنْ انْتِصَارِكَ انْتِصَارًا؟ مَا عُذْرِي إِلَهِي إِذَا حُرِمْتُ فِي حُسْنِ الْكِفَايَةِ نَائِلَكَ؟ وَ أَنْتَ الَّذِي لَا يُخَيِّبُ أَمْلَكَ وَلَا يُرَدُّ سَائِلَكَ.

إِلَهِي إِلَهِي أَيْنَ رَحْمَتِكَ الَّتِي هِيَ نُصْرَةُ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْأَنَامِ؟ وَ أَيْنَ أَيْنَ كِفَايَتِكَ الَّتِي هِيَ جُنَّةُ الْمُسْتَهْدَفِينَ لِجَوْرِ الْأَيَّامِ؟ إِلَهِي إِلَهِي يَا رَبِّ، ي.

ص: ٢٤٤

١- في البحار: عدوك.

٢- في البحار: يدركني.



نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ إِنِّي مَسْنِي الضُّرِّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.

مَوْلَايَ تَرَى تَحْيُرِي فِي أَمْرِي وَإِنطَوَايَ عَلَى حُرْقِهِ قَلْبِي وَ حَرَارِهِ صِدْرِي، فَعُجِد لِي يَا رَبِّ بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَرَجًا وَمَخْرَجًا وَيَسِّر لِي نَحْوَ الْيَسْرِ مِنْهَجًا، وَاجْعَلْ مَنْ يَنْصِبُ الْحِبَالَةَ لِي لِيَصْرَعَنِي بِهَا صَرِيحًا فِيمَا مَكَّرَ، وَمَنْ يَحْفِرُ لِي الْبُئْرَ لِيُوقِعَنِي فِيهَا وَقِعًا فِيمَا حَفَرَ.

وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّهُ وَمَكْرَهُ وَفَسَادَهُ وَضُرَّهُ مَا تَصْرِفُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُتَّقِينَ. إِلَهِي عَبْدُكَ عَبْدُكَ أَجِبْ دَعْوَتَهُ، وَضَعِيفُكَ ضَعِيفُكَ فَرَجْ غُمَّتَهُ، فَقَدْ انْقَطَعَ بِهِ كُلُّ حَبَلٍ إِلَّا حَبْلَكَ وَتَقَلَّصَ عَنْهُ كُلُّ ظِلٍّ إِلَّا ظِلَّكَ. مَوْلَايَ دَعْوَتِي هَذِهِ إِنْ رَدَدْتَهَا أَيْنَ تُصَادِفُ مَوْضِعَ الْإِجَابَةِ وَمَخِيلَتِي هَذِهِ إِنْ كَذَبْتَهَا أَيْنَ تُلَاقِي مَوْضِعَ الْإِصَابَةِ؟ فَلَا تَرُدَّ عَن بَابِكَ مَنْ لَا يَعْرِفُ غَيْرَهُ بَابًا، وَلَا تَمْنَعْ دُونَ جَنَابِكَ مَنْ لَا يَعْرِفُ سِوَاهُ جَنَابًا.

إِلَهِي إِنَّ وَجْهًا إِلَيْكَ بِرَغْبَتِهِ تَوَجَّهَ فَالرَّاعِبُ خَلِيقٌ بَانَ لَا تُخَيِّبُهُ وَإِنَّ جَبِينًا لَكَ بِابْتِهَالِهِ سَجَدَ حَقِيقٌ أَنْ يَبْلُغَ الْمُبْتَهَلُ مَا قَصَدَ، وَإِنَّ خَدًّا لَمَدَيْكَ بِمَسْأَلَتِهِ تَعَفَّرَ جَدِيدٌ أَنْ يَفُوزَ السَّائِلُ بِمُرَادِهِ وَيَظْفَرَ. هَذَا (يَا) إِلَهِي تَعْفِيرُ خَدِّي وَابْتِهَالِي فِي مَسْأَلَتِكَ وَجِدِّي، فَلَقَّ رَغْبَاتِي بِرَحْمَتِكَ قَبُولًا وَسَهْلًا إِلَيَّ طَلِبَاتٍ بِرَأْفَتِكَ وَصُورًا، وَذَلَّلَ لِي قُطُوفَ ثَمَرِهِ إِجَابَتِكَ تَذَلِيلًا.

إِلَهِي وَإِذَا قَامَ ذُو حَاجَةٍ فِي حَاجَتِهِ شَفِيعًا فَوَجَدْتَهُ مُمْتَنِعَ النُّشْجَاحِ مُطِيعًا، فَإِنِّي أَسْتَشْفِعُ إِلَيْكَ بِكَرَامَتِكَ وَالصَّفْوَةِ مِنْ أُنَامِكَ (١) الَّذِينَ لَهُمْ (٢) أَنْشَأَتْ مَا يَقِلُّ وَيُظَلُّ وَنَزَلَتْ مَا يَدُقُّ وَيَجْلُ م.

ص: ٢٤٥

١- في البحار: أنبياء ك.

٢- في البحار: بهم.

أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِأَوَّلِ مَنْ تَوَجَّهَتْ تَاجِ الْجَلَالَةِ وَ أَحَلَّتَهُ مِنَ الْفِطْرَةِ مَحَلَّ السُّلَالَةِ، حُجَّتِكَ فِي خَلْقِكَ وَ أَمِينِكَ عَلَى عِبَادِكَ مُحَمَّدٍ  
رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ بِيَمَنِ جَعَلْتَهُ لِنُورِهِ مَغْرِبًا وَ عَن مَكُونِ سِرِّهِ مَغْرِبًا، سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ وَ إِمَامِ الْأَتْقِيَاءِ يَعْسُوبِ الدِّينِ وَ  
قَائِدِ الْعُرَى الْمُحَجَّلِينَ أَبِي الْأَيْمَةِ الرَّاشِدِينَ، عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ.

وَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِخَيْرِهِ الْأَخْيَارِ وَ أُمَّ الْأَنْوَارِ وَ الْإِنْسِيَّةِ الْحَوَارَى الْبَتُولِ الْعِذْرَاءِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، وَ بَقَرَّتِي عَيْنِ الرَّسُولِ وَ ثَمَرَتِي فُوَادِ  
الْبَتُولِ السَّيِّدِينَ الْإِمَامِينَ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ.

وَ بِالسَّخِيَّادِ زَيْنِ الْعُبَيْدِ ذِي الثَّفَنَاتِ رَاهِبِ الْعَرَبِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَ بِالْإِمَامِ الْعَالِمِ وَ السَّيِّدِ الْحَاكِمِ النَّجْمِ الزَّاهِرِ وَ الْقَمَرِ الْبَاهِرِ  
مَوْلَايَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ، وَ بِالْإِمَامِ الصَّيِّدِ الْقَائِدِ مُبَيِّنِ الْمَشْكَلَاتِ مُظْهِرِ الْحَقَائِقِ الْمُفْجِمِ بِحُجَّتِهِ كُلِّ نَاطِقٍ، مُخْرَسِ أَلْسِنَتِهِ أَهْلِ  
الْجِدَالِ مُسَكِّنِ الشَّقَاشِقِ مَوْلَايَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ.

وَ بِالْإِمَامِ التَّقِيِّ وَ الْمُخْلِصِ الصَّفِيِّ وَ النُّورِ الْأَحْمَدِيِّ وَ النُّورِ الْأَنْوَرِ وَ الضِّيَاءِ الْأَزْهَرِ مَوْلَايَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، وَ بِالْإِمَامِ الْمُرْتَضَى  
وَ السَّيْفِ الْمُنتَضَى مَوْلَايَ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا، وَ بِالْإِمَامِ الْأَمَّجِدِ وَ الْبَابِ الْأَقْصَدِ وَ الطَّرِيقِ الْأَرْشَدِ وَ الْعَالِمِ الْمُؤَيَّدِ يَنْبُوعِ الْحَكْمِ  
وَ مِصْبَاحِ الظُّلَمِ سَيِّدِ الْعَرَبِ وَ الْعَجْمِ الْهَادِي إِلَى الرَّشَادِ وَ الْمُؤَقِّفِ بِالتَّأْيِيدِ وَ السَّدَادِ مَوْلَانَا مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْجَوَادِ.

وَ بِالْإِمَامِ مِنْحَةِ الْجَبَّارِ وَ الْوَالِدِ الْأَيْمَةِ الْأَطْهَارِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ الْمَوْلُودِ بِالْعَسْكَرِ الَّذِي حَيَّدَرَ بِمَوَاعِظِهِ وَ أَنْذَرَ، وَ بِالْإِمَامِ الْمُتَزَّهِ عَنِ  
الْمَأْتِمِ الْمُطَهَّرِ مِنَ الْمَظَالِمِ الْجَبْرِ الْعَالِمِ بَدْرِ الظُّلَامِ وَ رَبِيعِ الْأَنَامِ التَّقِيِّ النَّقِيِّ

الطَّاهِرِ الزَّكِيِّ مَوْلَايَ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ.

وَ اتَّقَرَّبُ إِلَيْكَ بِالْحَفِيظِ الْعَلِيمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ وَالْأَبِ الرَّحِيمِ الَّذِي مَلَكَتُهُ أَرْمَهُ الْبَسْطِ وَالْقَبْضِ، صَاحِبِ النَّقِيْبِهِ الْمِيْمُوْنَةِ وَقَاصِفِ الشَّجَرَةِ الْمَلْعُوْنَةِ، مُكَلِّمِ النَّاسِ فِي الْمَهْدِ وَالِدَالِّ عَلَى مِنْهَاجِ الرُّشْدِ، الْغَائِبِ عَنِ الْأَبْصَارِ، الْحَاضِرِ فِي الْأَمْصَارِ الْغَائِبِ عَنِ الْعْيُونِ الْحَاضِرِ فِي الْأَفْكَارِ، بَقِيَّةِ الْأَخْيَارِ الْوَارِثِ لِدَى الْفَقَارِ، الَّذِي يَظْهَرُ فِي بَيْتِ اللَّهِ ذِي الْأَسْتَارِ الْعَالِمِ الْمُطَهَّرِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ، عَلَيْهِمُ أَفْضَلُ التَّحِيَّاتِ وَأَعْظَمُ الْبَرَكَاتِ وَ أَتَمُّ الصَّلَوَاتِ.

اللَّهُمَّ فَهَوِّلَايَ مَعَاقِلِي إِلَيْكَ فِي طَلِبَاتِي وَ وَسَائِلِي، فَصَلِّ عَلَيْهِمْ صِيْلًا لَا يَعْرِفُ سِوَاكَ مَقَادِيرَهَا وَلَا يَبْلُغُ كَثِيرُ الْخَلَائِقِ صِيْغِيْرَهَا، وَ كُنْ لِي بِهِمْ عِنْدَ أَحْسَنِ ظَنِّي، وَ حَقِّقْ لِي بِمَقَادِيرِكَ تَهِيئَةَ التَّمَنِّي.

إِلَهِي لَا رُكْنَ لِي أَشَدُّ مِنْكَ فَآوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ، وَلَا قَوْلَ لِي أَسَدُّ مِنْ دُعَائِكَ فَاسْتَظْهِرْكَ بِقَوْلٍ سَدِيدٍ، وَلَا شَفِيعَ لِي إِلَيْكَ أَوْجَهُ مِنْ هَوْلَاءِ فَآتِيكَ بِشَفِيعٍ وَدِيدٍ. فَهَلْ بَقِيَ يَا رَبِّ غَيْرُ أَنْ تُجِيبَ وَ تَرْحَمَ مِنِّي الْبُكَاءَ وَالنَّحِيْبَ؟

يَا مَنْ لَا إِلَهَ سِوَاهُ، يَا مَنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ، يَا رَاحِمَ عِبْرِهِ يَعْقُوبَ، يَا كَاشِفَ ضُرِّ أَيُّوبَ، اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي وَ انصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ، وَافْتَحْ لِي وَ أَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ، يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (١)٧.

ص: ٢٤٧

١- مهج الدعوات، ص ٦١١ تا ٦١٧.

## ۲- دعای قنوت امام عصر علیه السلام

متن دعای قنوت امام زمان علیه السلام که در آن با سوز دل برای تعجیل فرج خویش دعا کرده اند، چنین است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَكْرِمِ أَوْلِيَاءِكَ بِإِنجَازِ وَعْدِكَ، وَ بَلِّغِهِمْ دَرَكَ مَا يَأْمُلُونَهُ مِنْ نَصْرِكَ، وَ اكْفُفْ عَنْهُمْ بِأَسْ  
مَنْ نَصَبَ الْخِلَافَ عَلَيْكَ وَ تَمَرَّدَ بِمَنْعِكَ عَلَى رُكُوبِ مُخَالَفَتِكَ، وَ اسْتَعَانَ بِرِفْدِكَ عَلَى فُلِّ حَدِّكَ، وَ قَصَدَ لِكَيْدِكَ بِأَيْدِكَ، وَ  
وَسِعَتْهُ حِلْمًا لِتَأْخُذِهِ عَلَى جَهْرِهِ، وَ تَسْتَأْصِلُهُ (۱) عَلَى غِرِّهِ.

فَإِنَّكَ اللَّهُمَّ قُلْتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ: «حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَ أَزْيَبَتْ وَ ظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ  
نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنْ لَمْ تَغْنَبِ بِالْأَمْسِ. كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (۲)، وَ قُلْتَ: «فَلَمَّا آسَفُونَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ»، (۳) وَ  
إِنَّ الْغَايَةَ عِنْدَنَا قَدْ تَنَاهَتْ، وَ إِنَّا لِعَظِيمِكَ غَاضِبُونَ وَ إِنَّا عَلَى نَصْرِ الْحَقِّ مُتَعَصِّبُونَ، وَ إِلَى وُرُودِ أَمْرِكَ مُشْتَاقُونَ، وَ لِإِنجَازِ وَعْدِكَ  
مُرْتَقِبُونَ، وَ لِحُلُولِ وَعِيدِكَ بِأَعْدَائِكَ مُتَوَقِّعُونَ.

اللَّهُمَّ فَادِّنْ بِذَلِكَ وَ افْتَحِ طُرُقَاتِهِ، وَ سَهِّلْ خُرُوجَهُ وَ وَطِئِ مَسَالِكَهُ، وَ اشْرَعْ شَرَايِعَهُ وَ أَيِّدْ جُنُودَهُ وَ أَعْوَانَهُ، وَ بَادِرْ بِأَسْكَ الْقَوْمِ  
الظَّالِمِينَ، وَ ابْسُطْ سَيْفَ نِقْمَتِكَ عَلَى أَعْدَائِكَ الْمُعَانِدِينَ، وَ خُذْ بِالثَّارِ إِنَّكَ جَوَادٌّ مَكَارٍ. (۴) ۱.

ص: ۲۴۸

۱- فی البحار: أو تستأصله.

۲- یونس/۲۴.

۳- الزخرف/۵۵.

۴- مهج الدعوات، ص ۱۵۰ و ۱۵۱.

متن دعای دیگری که امام زمان علیه السلام در قنوت نمازشان خوانده اند، چنین می باشد:

اللَّهُمَّسْ مَالِكِ الْمَلِكِ تُوتِي الْمَلِكَ مَنْ تَشَاءُ وَ تَنْزِعُ الْمَلِكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَ تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ، بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يَا مَاجِدُ يَا جَوَادُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ، يَا بَطَّاشُ يَا ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ، يَا فَعَالًا لِمَا يُرِيدُ، يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ، يَا رَوْوْفُ يَا رَحِيمُ يَا لَطِيفُ، يَا حَيُّ حِينَ لَا حَيَّ.

أَسْأَلُكَ (١) بِاسْمِكَ الْمَخْزُونِ الْمَكْنُونِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ الَّذِي اسْتَأْثَرَتْ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ وَ لَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تُصَوِّرُ بِهِ خَلْقَكَ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ تَشَاءُ وَ بِهِ تُسَوِّقُ إِلَيْهِمْ أَرْزَاقَهُمْ فِي أَطْبَاقِ الظُّلُمَاتِ مِنْ بَيْنِ الْعُرُوقِ وَ الْعِظَامِ.

وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَلْفَتْ بِهِ بَيْنَ الْقُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ وَ أَلْفَتْ بَيْنَ التَّلْحِ وَ النَّارِ، لَا هَذَا يُذِيبُ هَذَا وَلَا هَذَا يُطْفِئُ هَذَا، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي كَوَّنَتْ بِهِ طَعَمَ الْمِيَاهِ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَجْرَيْتَ بِهِ الْمَاءَ فِي عُرُوقِ النَّبَاتِ بَيْنَ أَطْبَاقِ الثَّرَى، وَ سَقَيْتَ الْمَاءَ إِلَى عُرُوقِ الْأَشْجَارِ بَيْنَ الصَّخْرَةِ الصَّمَاءِ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي كَوَّنَتْ بِهِ طَعَمَ الثَّمَارِ وَ أَلْوَانَهَا.

وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ تُبَدِّئُ وَ تُعِيدُ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْفَرْدِ الْوَاحِدِ الْمُتَفَرِّدِ بِالْوَحْدَانِيَّةِ الْمُتَوَحِّدِ بِالصَّمَدَانِيَّةِ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي فَجَّرَتْ بِهِ الْمَاءَ مِنَ الصَّخْرَةِ الصَّمَاءِ، وَ سَقَتْهُ مِنْ حَيْثُ شِئْتَ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ خَلْقَكَ وَ رَزَقْتَهُمْ كَيْفَ شِئْتَ وَ كَيْفَ شَأُؤَا.

يَا مَنْ لَا يُغَيِّرُهُ الْأَيَّامُ وَ اللَّيَالِي، أَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ نُوحٌ حِينَ نَادَاكَ، ك.

فَأَنْجَيْتَهُ وَمَنْ مَعَهُ وَأَهْلَكَتَ قَوْمَهُ، وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ إِبْرَاهِيمُ خَلِيلُكَ حِينَ نَادَاكَ، فَأَنْجَيْتَهُ وَجَعَلْتَ النَّارَ عَلَيْهِ وَسِلَافًا، وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ مُوسَى كَلِيمُكَ حِينَ نَادَاكَ، فَفَرَقْتَ (فَلَقْتَ يَا فَلَاقَتْ) لَهُ الْبَحْرَ، فَأَنْجَيْتَهُ وَبَنَى إِسْرَائِيلَ وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَقَوْمَهُ فِي الْيَمِّ، وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ عِيسَى رُوحِيكَ حِينَ نَادَاكَ، فَأَنْجَيْتَهُ (فَأَنْجَيْتَهُ) مِنْ أَعْدَائِهِ وَإِلَيْكَ رَفَعْتَهُ، وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ حَبِيبُكَ وَصَيْفِيُّكَ وَنَبِيِّكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَمِنَ الْأَحْزَابِ نَجَّيْتَهُ وَ عَلَى أَعْدَائِكَ نَصَرْتَهُ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أُجِبْتَ.

يَا مَنْ لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ، يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَ (يَا مَنْ) أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا يَا مَنْ لَا تُغَيِّرُهُ الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي، وَلَا تَتَشَابَهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ وَلَا تَخْفَى عَلَيْهِ اللَّغَاثُ، وَلَا يُبْرِمُهُ الْهَاجِ الْمُلْحِنُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، فَصَلِّ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ، وَ صَلِّ عَلَيَّ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ، الَّذِينَ بَلَّغُوا عَنْكَ الْهُدَى وَ عَقَدُوا لَكَ الْمَوَاقِفَ بِالطَّاعَةِ، وَ صَلِّ عَلَيَّ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ.

يَا مَنْ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ، أَنْزِلِي مَا وَعَدْتَنِي وَ اجْمَعِي لِي أَصْحَابِي وَ صَبْرَهُمْ، وَ انصُرِي عَلَيَّ أَعْدَائِكَ وَ أَعْدَاءَ رَسُولِكَ، وَلَا تُحَيِّبِ دَعْوَتِي، فَإِنِّي عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ أُمَّتِكَ أَسِيرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ.

سَيِّدِي أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ عَلَيَّ بِهَذَا الْمَقَامِ، وَ تَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَيَّ دُونَ كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُنْجِزِي لِي مَا وَعَدْتَنِي، إِنَّكَ أَنْتَ الصَّادِقُ وَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ، وَ أَنْتَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (1) ٣.

ص: ٢٥٠

متن دعایی که زراره از حضرت باقرالعلوم علیه السلام در قنوت نماز وتر نقل کرده، چنین است:

اللَّهُمَّ تَمَّ نُورُكَ فَهَيِّدِي فَلَيْكَ الْحَمْدُ رَبَّنَا وَ بَسَّطْتَ يَدَكَ فَأَعْطَيْتِ فَلَيْكَ الْحَمْدُ رَبَّنَا وَ عَظَمَ حِلْمُكَ فَعَفَوْتَ فَلَيْكَ الْحَمْدُ رَبَّنَا وَ جِهَتِكَ أَكْرَمُ الْوُجُوهِ وَ جِهَتِكَ خَيْرُ الْجِهَاتِ وَ عَطَيْتِكَ أَفْضَلَ الْعَطِيَّاتِ وَ أَهْنَأَهَا تُطَاعُ رَبَّنَا فَتَشْكُرُ وَ تُعْصَى رَبَّنَا فَتَغْفِرُ لِمَنْ شِئْتَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ وَ تَكْشِفُ الضَّرَّ وَ تَشْفِي السَّقِيمَ وَ تُنْجِي مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ لَا يَجْزِي بِأَلَانِكَ أَحَدٌ وَ لَا يُحْصِي نِعْمَاءَكَ قَائِلٌ اللَّهُمَّ إِلَيْكَ رُفِعَتِ الْأَبْصَارُ وَ نُقِلَتِ الْأَقْدَامُ وَ مَيَّدَتِ الْأَعْنَاقُ وَ رُفِعَتِ الْأَيْدِي وَ دُعِيَتْ بِالْأَلْسِنِ وَ تُحَوِّكُم إِلَيْكَ فِي الْأَعْمَالِ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا وَ افْتَحْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ خَلْقِكَ بِالْحَقِّ وَ أَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ اللَّهُمَّ إِلَيْكَ نَشْكُو غَيْبَهُ نَبِيِّنَا (۱) وَ شِدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا وَ وُقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا وَ تَظَاهَرَ الْأَعْدَاءِ وَ كَثْرَةَ عَيْدُونَا وَ قَلَّةَ عَيْدِنَا فَفَرِّجْ ذَلِكَ يَا رَبِّ بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ وَ نَصْرٍ مِنْكَ تُعِزُّهُ وَ إِمَامٍ عَدْلٍ تُظَهِّرُهُ إِلَهَ الْحَقِّ رَبِّ الْعَالَمِينَ. (۲)

پس از خواندن دعای فوق ۷۰ بار اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ را در قنوت وتر می گویی و از آتش زیاد به خدا پناه می بری (به عنوان مثال هفت بار می گویی: خذنا مَقَامَ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ) و پس از سلام نماز وتر سه بار سُبْحَانَ رَبِّيَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ و سه بار الْحَمْدُ لِرَبِّ الصَّبَاحِ الْحَمْدُ لِفَالِقِ الْإِصْبَاحِ می گویی.ق.

ص: ۲۵۱

۱- در نسخه جمال الاسبوع، ص ۲۵۷، چنین آمده است: اللَّهُمَّ إِلَيْكَ نَشْكُو فَقَدْ نَبَّيْنَا وَ غَيْبَهُ وَلِيِّنَا.

۲- بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۱۹۸، ح ۶، به نقل از مجالس صدوق.

متن دعایی که امام صادق علیه السلام برای خواندن در صبح و شام سفارش اکید فرموده اند، مطابق نقل مرحوم کلینی در کتاب شریف کافی چنین است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ أَسْتَغْفِرُكَ فِي هَذَا الصَّبَاحِ وَ فِي هَذَا الْيَوْمِ لِأَهْلِ رَحْمَتِكَ وَ أBRأُ إِلَيْكَ مِنْ أَهْلِ لَعْنَتِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ أBRأُ إِلَيْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ فِي هَذَا الصَّبَاحِ مِمَّنْ نَحْنُ بَيْنَ ظَهْرَانِيهِمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ مِمَّا كَانُوا يَعْبُدُونَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَاسْتَقِينَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا أَنْزَلْتَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ فِي هَذَا الصَّبَاحِ وَ فِي هَذَا الْيَوْمِ بَرَكَهً عَلَى أَوْلِيَائِكَ وَ عِقَاباً عَلَى أَعْدَائِكَ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاكَ وَ عَادِ مَنْ عَادَاكَ اللَّهُمَّ اخْتِمِ لِي بِالْأَمْنِ وَ الْإِيمَانِ كُلَّمَا طَلَعَتْ شَمْسٌ أَوْ غَرَبَتْ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ لِوَالِدَتِي وَ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَيَّانِي صَغيراً اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ مُنْقَلَبَهُمْ وَ مَثْوَاهُمْ اللَّهُمَّ احْفَظْ إِمَامَ الْمُسْلِمِينَ بِحِفْظِ الْإِيمَانِ وَ انصُرْهُ نَصراً عَزِيزاً وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحاً يَسِيراً وَ اجْعَلْ لَهُ وَ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَاناً نَصِيراً اللَّهُمَّ الْعَنِ فُلَاناً وَ فُلَاناً(۱) وَ الْفِرْقَ الْمُخْتَلِفَةَ عَلَى رَسُولِكَ وَ وُلَاهِ الْأَمْرِ بَعْدَ رَسُولِكَ وَ الْأَيْمَةَ مِنْ بَعْدِهِ وَ شَيْعَتِهِمْ وَ أَسْأَلُكَ الزِّيَادَةَ مِنْ فَضْلِكَ وَ الْإِقْرَارَ بِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِكَ وَ التَّسْلِيمَ لِأَمْرِكَ وَ الْمُحَافَظَةَ عَلَى مَا أَمَرْتَ بِهِ لَا أَبْتَغِي بِهِ بَدَلاً وَ لَا أَشْتَرِي بِهِ تَمَنّاً قَلِيلاً اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ وَ قِنِي شَرَّ مَا قَضَيْتَ إِنَّكَ تَقْضِي وَ لَا يَقْضِي عَلَيْكَ وَ لَا يَذُلُّ مَنْ وَالَيْتَ، تَبَارَكَتَ وَ تَعَالَيْتَ، سُبْحَانَكَ رَبَّ الْبَيْتِ تَقَبَّلْ مِنِّي دُعَائِي وَ مَا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ مِنْ خَيْرٍ فَضَاعَفْهُ لِي أضعافاً [مُضَاعَفَةً] كَثِيرَةً وَ آتِنَا مِنْد.

ص: ۲۵۲

۱- به جای فلان و فلان نام اولین و دومین دشمن اهل بیت علیهم السلام برده می شود.



لَدُنْكَ [رَحْمَةً وَ] أَجْرًا عَظِيمًا، رَبِّ مَا أَحْسَنَ مَا ابْتَلَيْتَنِي وَ أَعْظَمَ مَا أَعْطَيْتَنِي وَ أَطْوَلَ مَا عَافَيْتَنِي وَ أَكْثَرَ مَا سَتَرْتَ عَلَيَّ فَالْحَمْدُ  
يَا إِلَهِي كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا عَلَيْهِ؛ مِلءَ السَّمَاوَاتِ وَ مِلءَ الْأَرْضِ وَ مِلءَ مَا شَاءَ رَبِّي كَمَا يُحِبُّ وَ يَرْضَى وَ كَمَا يَتَّبِعِي لِوَجْهِ رَبِّي ذِي  
الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ. (۱)

## ۶- دعای «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ...»

این دعا را مرحوم سید بن طاووس با سندهایش از علمای شیخ طوسی نقل فرموده که از ناحیه مقدّس خود امام زمان علیه السلام توسط نایب اول ایشان املا شده و اختصاص به زمان خاصی ندارد. اما مرحوم سید سفارش اکید به خواندن آن پس از تعقیبات نماز عصر روز جمعه فرموده است:

اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسِيكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسِيكَ لَمْ أَعْرِفْكَ وَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي  
رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَن دِينِي، اللَّهُمَّ لَا تُمَتِّنِي مِثَّةَ جَاهِلِيَّةٍ وَ لَا  
تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي، اللَّهُمَّ فَكَمَا هَدَيْتَنِي لِوَلَايَةِ (۲) مَنْ فَرَضْتَ طَاعَتَهُ عَلَيَّ مِنْ وُلَاهِ أَمْرِكَ بَعْدَ رَسُولِكَ صَلِّمُوا تُكَّ عَلَيْهِ وَ  
آلِهِ، حَتَّى وَالِيْتُ وُلَاهِ أَمْرِكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا وَ جَعْفَرًا وَ مُوسَى وَ عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا وَ عَلِيًّا وَ الْحَسَنَ  
وَ الْحُجَّةَ الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ صَلِّمُوا تُكَّ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، اللَّهُمَّ ثَبِّتْنِي عَلَى دِينِكَ وَ اسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ، وَ لِيَنَّ قَلْبِي لِوَلِيِّ أَمْرِكَ وَ عَافِنِي  
مِمَّا امْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَكَ، وَ ثَبِّتْنِي عَلَى طَاعَةِ وَلِيِّ أَمْرِكَ الَّذِي سَتَرْتَهُ عَن خَلْقِكَ فَيَا ذِيكَ غَابَ عَن بَرِّيَّتِكَ، وَ أَمْرِكَ يَنْتَظِرُ وَ أَنْتَ  
الْعَالِمُ غَيْرُ مُعَلِّمِهِ.

ص: ۲۵۳

۱- اصول کافی، کتاب الدعاء، باب القول عند الاصبح و الامساء، ح ۲۳.

۲- فی اکمال الدین: هدیتنی بولایه.

بِالْوَقْتِ الَّذِي فِيهِ صَلَاحُ أَمْرٍ وَلِيَّتِكَ فِي الْإِذْنِ لَهُ بِإِظْهَارِ أَمْرِهِ وَكَشْفِ سِرِّهِ، وَصَبْرِنِي عَلَى ذَلِكَ حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَ لَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ، وَ لَا أَكْشِفَ عَمَّا سَتَرْتَ (١) وَ لَا أَبْحَثَ عَمَّا كَتَمْتَ، (٢) وَ لَا أَنْزِعَكَ فِي تَدْبِيرِكَ، وَ لَا أَقُولَ: لِمَ وَ كَيْفَ وَ مَا بَالُ وَ لِيَّ الْأَمْرِ (٣) لَا يَظْهَرُ وَ قَدْ اِمْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ، وَ أُفَوِّضُ أُمُورِي كُلَّهَا إِلَيْكَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُرِينِي وَلِيَّ أَمْرِكَ ظَاهِرًا نَافِذَ الْأَمْرِ (٤)، مَعَ عِلْمِي بِأَنَّ لَكَ السُّلْطَانَ وَ الْقُدْرَةَ وَ الْبُرْهَانَ وَ الْحُجَّةَ وَ الْمَشِيئَةَ وَ الْحَوْلَ وَ الْقُوَّةَ فَافْعَلْ ذَلِكَ بِي وَ بِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ حَتَّى نَنْظُرَ إِلَى وَلِيِّكَ صِلَمَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، ظَاهِرَ الْمَقَالَةِ، وَاضِحَ الدَّلَالَةِ، هَادِيًا مِنَ الضَّلَالَةِ، شَافِيًا مِنَ الْجَهَالَةِ، وَ أَبْرَزَ يَا رَبُّ مُشَاهِدَتَهُ (١) وَ تَبَّتْ قَوَاعِدُهُ، وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ تَقَرُّ عَيْنُهُ بِرُؤْيَيْهِ وَ أَقْمَنَا بِحِدْمَتِهِ وَ تَوْفَانَا عَلَى مِلَّتِهِ وَ احْشُرْنَا فِي زَمْرَتِهِ، اللَّهُمَّ أَعِزَّهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَ بَرَأْتَ وَ ذَرَأْتَ وَ أَنْشَأْتَ وَ صَوَّرْتَ، وَ احْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنِ يَمِينِهِ وَ عَنِ شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ، بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ، وَ احْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ وَصِيَّ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ. اللَّهُمَّ وَ مِيدَّ فِي عُمُرِهِ وَ زِدْ فِي أَجَلِهِ وَ أَعِنِّهِ عَلَى مَا وَ لِيَّتَهُ (٢) وَ اسْتَرَعَيْتَهُ، وَ زِدْ فِي كِرَامَتِكَ لَهُ، فَإِنَّهُ الْهَادِيَ الْمَهْدِيُّ وَ الْقَائِمُ الْمَهْتَدِيُّ، الطَّاهِرُ النَّقِيُّ الزَّكِيُّ النَّفِيُّ الرَّضِيُّ الْمَرْضِيُّ الصَّابِرُ الشُّكُورُ الْمُجْتَهِدُ، (٣) اللَّهُمَّ وَ لَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لِطَوْلِ الْأَمْدِ فِي غَيْبَتِهِ وَ انْقِطَاعِ خَبْرِهِ عَنَّا، وَ لَار.

ص: ٢٥٤

١- في اكمال الدين: مشاهده.

٢- في اكمال الدين: أوليته.

٣- في اكمال الدين: المجتهد الشكور.

تُنَسِّتَنَا ذِكْرَهُ وَانْتِظَارَهُ وَالإِيمَانَ بِهِ وَقُوَّةَ اليَقِينِ فِي ظُهُورِهِ وَالدُّعَاءَ لَهُ وَالصَّلَاةَ عَلَيْهِ، حَتَّى لَا يُقَنِّطَنَا طَوْلُ غَيْبَتِهِ مِنْ [ظُهُورِهِ وَ] قِيَامِهِ، وَيَكُونَ يَقِينًا فِي ذَلِكَ كَيَقِينَتِنَا فِي قِيَامِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ مَا جَاءَ بِهِ مِنْ وَحْيِكَ وَ تَنْزِيلِكَ، وَقُوَّةَ قُلُوبِنَا عَلَى الإِيمَانِ بِهِ حَتَّى تَسْلُكَ بِنَا عَلَى يَدَيْهِ مِنْهَاجَ الهُدَى وَ الْمَحَجَّةَ العُظْمَى وَ الطَّرِيقَةَ الوُسطَى، وَقَوْنَا عَلَى طَاعَتِهِ وَ تَبَتْنَا عَلَى مُتَابَعَتِهِ، وَ اجْعَلْنَا فِي حِزْبِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ أَنْصَارِهِ وَ الرَّاظِينَ بِفِعْلِهِ، وَ لَا تَسْلُبْنَا ذَلِكَ فِي حَيَاتِنَا وَ لَا عِنْدَ وَفَاتِنَا حَتَّى تَتَوَفَّانَا وَ نَحْنُ عَلَى ذَلِكَ لَا شَاكِينَ وَ لَا نَاكِثِينَ وَ لَا مُرْتَابِينَ وَ لَا مُكْذِبِينَ.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ أَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَ انصُرْ ناصِرِيهِ وَ اخذلْ خاذلِيهِ، وَ دَمِدِمِ عَلَى مَنْ نَصَبَ لَهُ وَ كَذَّبَ بِهِ، وَ أَظْهِرْ بِهِ الحَقَّ، وَ أَمِتْ بِهِ الجورَ، وَ اسْتَنْقِذْ بِهِ عِبَادِكَ المُؤْمِنِينَ مِنَ الذُّلِّ، وَ انعشْ بِهِ البلادَ، وَ اقْتُلْ بِهِ جَابِرَةَ الكَفْرِه (١)، وَ اقصِمْ بِهِ رُؤُوسَ الضَّلَالَةِ، وَ ذَلِّ [بِهِ] الجَبَّارِينَ وَ الكَافِرِينَ، وَ أْبِرْ بِهِ المُنَافِقِينَ وَ النَّاكِثِينَ وَ جَمِيعَ المُخَالِفِينَ وَ المُلْحِدِينَ، فِي مَشَارِقِ الأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا، حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دَيَّارًا وَ لَا تُبْقِيَ لَهُمْ آثَارًا، وَ طَهِّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ وَ اشْفِ مِنْهُمْ صُدُورَ عِبَادِكَ، وَ جَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ، وَ أَصْلِحْ بِهِ مَا بُدِّلَ مِنْ حُكْمِكَ وَ غَيَّرَ مِنْ سُنَّتِكَ، حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَ عَلَى يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيدًا صَاحِحًا، لَا عِوَجَ فِيهِ وَ لَا بَدْعَهُ مَعَهُ، حَتَّى تُطْفِئَ بِعَدْلِهِ نيرانَ الكَافِرِينَ، فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخَلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَ ارْتَضَيْتَهُ لِنُصْرِهِ دِينَكَ وَ اصْطَفَيْتَهُ بِعِلْمِكَ وَ عَصَيْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَ بَرَّاتَهُ مِنَ العُيُوبِ وَ أَطْلَعْتَهُ عَلَى العُيُوبِ وَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَ طَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ وَ نَقَّيْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ، اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ.

ص: ٢٥٥

١- الكفر (خ ل).

وَ عَلَى آبَائِهِ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ، وَ عَلَى شَيْعَتِهِ (١) الْمُتَتَجِبِينَ، وَ بَلَّغُهُمْ مِنْ آمَالِهِمْ أَفْضَلَ مَا يَأْمَلُونَ، وَ اجْعَلْ ذَلِكَ مِنَّا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَ شُبْهَةٍ وَ رِيَاءٍ وَ سُمْعَةٍ، حَتَّى لَا نُزِيدَ بِهِ غَيْرَكَ وَلَا نُطَلَّبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا وَ غَيَّبَهُ وَ لَيْنَا (٢)، وَ شَدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا وَ وَقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا وَ تَظَاهَرَ الْأَعْدَاءِ [عَلَيْنَا] وَ كَثْرَةَ عِدْوَانَا وَ قَلَّةَ عَدَدِنَا، اللَّهُمَّ فَفَرِّجْ (٣) ذَلِكَ بِفَتْحِ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ وَ نَصْرِ مِنْكَ تُعِزُّهُ وَ إِمَامِ عَدْلِ تُطَهِّرُهُ، إِلَهَ الْحَقِّ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ أَنْ تَأْذَنَ لَوْلِيِّكَ فِي إِظْهَارِ عَدْلِكَ فِي عِبَادِكَ وَ قَتْلِ أَعْدَائِكَ فِي بِلَادِكَ حَتَّى لَا تَدَعَ لِلْجَوْرِ يَا رَبِّ دِعَامَةً إِلَّا قَصَبْتَهَا، وَلَا بَقِيَّةً (٤) إِلَّا أَفْنَيْتَهَا، وَلَا قُوَّةً إِلَّا أَوْهَنْتَهَا، وَلَا رُكْنًا إِلَّا هَيَّأْتَهُ، وَلَا حِدًّا إِلَّا فَالَلْتَهُ، وَلَا سِلَاحًا إِلَّا أَكَلَلْتَهُ، وَ لَا رَايَةً إِلَّا نَكَّسْتَهَا، وَ لَا شُجَاعًا إِلَّا قَتَلْتَهُ، وَ لَا جَيْشًا إِلَّا حَذَلْتَهُ، وَ أَرْمِهِمْ يَا رَبِّ بِحَجْرِكَ الدَّامِغِ، وَ اضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ الْقَاطِعِ وَ بَأْسِكَ الَّذِي لَا تُرُدُّهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ، وَ عَذِّبْ أَعْدَائِكَ وَ أَعْدَاءَ دِينِكَ وَ أَعْدَاءَ رَسُولِكَ صِلْمَاؤَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، بِيَدِ وَلِيِّكَ وَ أَيْدِي عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ، اللَّهُمَّ اكْفِ وَلِيِّكَ وَ حُجَّتَكَ فِي أَرْضِكَ هَوْلَ عِدْوِهِ وَ كَيْدَ مَنْ كَادَهُ، (٥) وَ امْكُرْ بِمَنْ مَكَرَ بِهِ، وَ اجْعَلْ دَائِرَةَ الشُّؤْمِ عَلَى مَنْ أَرَادَ بِهِ سُوءًا، وَ اقْطَعْ عَنْهُمْ مَا دَتَّهُمْ وَ أَرَبَ لَهُ قُلُوبَهُمْ وَ زَلْزَلْ [لَهُ] أَفْدَامَهُمْ، وَ خُذْهُمْ جَهْرَةً وَ بَغْتَةً، وَ شَدِّدْ عَلَيْهِمْ عَذَابَكَ، (٦) وَ أَخْزِهِمْ فِي عِبَادِكَ وَ الْعَنْهُمْ فِي بِلَادِكَ، وَ أَسْكِنْهُمْ أَسْفَلَ نَارِكَ، وَ أَحِطْ بِهِمْ أَشَدَّ.

ص: ٢٥٦

١- في اكمال الدين: شيعتهم.

٢- في الاصل: غيبه نبيا و فقد ولينا، آنچه از متن آمده از نسخه اكمال الدين است.

٣- في اكمال الدين: فافرج.

٤- في اكمال الدين: بتيه.

٥- في اكمال الدين: كد من كاده.

٦- في البحار: عقابك.

عِبَادِكَ، وَ أَصْلَهُمْ نَاراً وَ أَحْسُ قُبُورَ مَوْتَاهُمْ نَاراً، وَ أَصْلَهُمْ حَرَّ نَارِكَ، فَإِنَّهُمْ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَ اتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ وَ أَضَلُّوا عِبَادِكَ. (۱)

اللَّهُمَّ وَ أَحْيِ بِجَوْلِيكَ الْقُرْآنَ، وَ أَرِنَا نُورَهُ سِرْمَداً لاَ ظُلْمَةَ فِيهِ، وَ أَحْيِ [بِهِ] الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ وَ اشْفِ بِهِ الصُّدُورَ الْوَعْرَظَ وَ اجْمَعْ بِهِ الْأَهْوَاءَ الْمُخْتَلِفَةَ عَلَى الْحَقِّ، وَ أَقِمْ بِهِ الْحُدُودَ الْمُعْطَلَةَ وَ الْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ، حَتَّى لاَ يَبْقَى حَقٌّ إِلاَ ظَهَرَ وَ لاَ عَدْلٌ إِلاَ زَهَرَ، وَ اجْعَلْنَا يَا رَبِّ مِنْ أَعْوَانِهِ وَ مُتَقَوِّيهِ سُلْطَانِهِ وَ الْمِيؤْتَمِرِينَ لِأَمْرِهِ وَ الرَّاظِينَ بِفِعْلِهِ وَ الْمُسَلِّمِينَ لِأَحْكَامِهِ، وَ مِمَّنْ لاَ حَاجَةَ بِهِ إِلَى التَّيِّبَةِ مِنْ خَلْقِكَ، أَنْتَ يَا رَبِّ الَّذِي تَكشِفُ الضُّرَّ وَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاكَ وَ تُنْجِي مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ، فَمَا كَشَفِ الضُّرَّ عَنْ وَلِيِّكَ وَ اجْعَلْهُ خَلِيفَتَكَ (۲) فِي أَرْضِكَ كَمَا ضَمَنْتَ لَهُ، اللَّهُمَّ وَ لاَ تَجْعَلْنِي مِنْ خُصَمَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَ لاَ تَجْعَلْنِي مِنْ أَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَ لاَ تَجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ وَ الْغَيْظِ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَلِكَ فَأَعِزَّنِي، وَ اسْتَجِيرُ بِكَ فَأَجْرِنِي، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِي بِهِمْ فَائِزاً عِنْدَكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ. (۳)

## ۷- دعای عید غدیر

دعای مربوط به روز عید غدیر، دعایی است که پس از دو رکعت نماز پیش از ظهر - به ترتیبی که در بخش دوم کتاب آمده است - خوانده می شود. متن کامل دعا مطابق نقل مرحوم سیدبن طاووس در کتاب «اقبال الاعمال» چنین است: ۹.

ص: ۲۵۷

۱- فی اکمال الدین و البحار: اذلوا عبادک.

۲- خلیفه (خ ل).

۳- جمال الاسبوع، ص ۳۱۵ تا ۳۱۹.

رَبَّنَا إِنِّسْنَا سَجِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ وَكَفَى بِكَ شَهِيدًا وَأَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ وَسُكَّانَ سَمَاوَاتِكَ وَأَرْضِكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَعْبُودُ الَّذِي لَيْسَ مِنْ لَدُنْ عَرْشِكَ إِلَى قَرَارِ أَرْضِكَ مَعْبُودٌ يُعْبَدُ سِوَاكَ إِلَّا بَاطِلٌ مُصَمَّحٌ غَيْرَ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَعْبُودُ لَا مَعْبُودَ سِوَاكَ تَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَوَلِيَّهُمْ وَ مَوْلَاهُمْ وَ مَوْلَايَ رَبَّنَا إِنَّا سَجِعْنَا النَّدَاءَ وَصَدَقْنَا الْمُنَادِيَ رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِنادي نداءً عنك بالذي أمرته أن يُبلِّغَ عنك ما أنزلت إليه من موالاهِ وَلِيِّ الْمُؤْمِنِينَ وَحَيْدَرْتَهُ وَأَنْذَرْتَهُ إِنْ لَمْ يُبَلِّغْ أَنْ تَسْخَطَ عَلَيْهِ وَ أَنَّهُ إِذَا بَلَغَ رِسَالَتَكَ عَصِيَمَتَهُ مِنَ النَّاسِ فَنَادَى مُبَلِّغًا وَحَيْكَ وَ رِسَالَتِكَ أَلَا مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ وَ مَنْ كُنْتُ وَلِيَّهُ فَعَلِيٌّ وَلِيُّهُ وَ مَنْ كُنْتُ نَبِيَّهُ فَعَلِيٌّ أَمِيرُهُ رَبَّنَا قَدْ أَجَبْنَا دَاعِيكَ النَّذِيرَ الْمُنذِرَ مُحَمَّدًا عَبْدَكَ الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَجَعَلْتَهُ مَثَلًا لِيُنِي إِسْرَائِيلَ رَبَّنَا آمَنَّا وَاتَّبَعْنَا مَوْلَانَا وَوَلَيْنَا وَهَادِينَا وَدَاعِيَنَا وَدَاعِيَ الْأَنْامِ وَصِرَاطِكَ السَّوِيِّ الْمُسْتَقِيمِ وَحُجَّتِكَ الْبَيْضَاءَ وَسَبِيلِكَ الدَّاعِيَ إِلَيْكَ عَلَى بَصِيرَةٍ هُوَ وَ مَنْ اتَّبَعَهُسْ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ بَوْلَايَتِهِ وَ بِأَمْرِ رَبِّهِمْ بِاتِّخَاذِ الْوَلَايَةِ مِنْ دُونِهِ فَاشْهَدْ يَا إِلَهِي أَنَّ الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمُرْتَدَّ الرَّشِيدَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِي ذَكَرْتَهُ فِي كِتَابِكَ فَقُلْتُ وَ إِنَّهُ فِي أُمَّ الْكِتَابِ لَدِينَا لَعَلِّي حَكِيمٌ اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ بِأَنَّهُ عَبْدُكَ الْهَادِي مِنْ بَعْدِ نَبِيِّكَ النَّذِيرِ الْمُنذِرِ وَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ وَ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ قَائِدِ الْعُرَى الْمُحْجَلِينَ وَ حُجَّتِكَ الْبَالِغَةَ وَ لِسَانِكَ الْمُعَبَّرَ عَنْكَ فِي خَلْقِكَ وَ الْقَائِمِ

بِالْقِسْطِ بَعْدَ نَبِيِّكَ وَ دَيَانُ دِينِكَ وَ خَازِنُ عِلْمِكَ وَ عَيْبُهُ وَ حَيْكُ وَ عِبْدُكَ وَ أَمِينُكَ الْمَأْمُونُ الْمَأْخُودُ مِيثَاقَهُ مَعَ مِيثَاقِكَ وَ مِيثَاقِ رُسُلِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ بَرِّيَّتِكَ بِالشَّهَادَةِ وَ الْإِخْلَاصِ بِالْوَحْدَانِيَّةِ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ مُحَمَّدٌ عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ وَ عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ جَعَلْتَ الْإِقْرَارَ بِوَلَايَتِهِ تَمَامَ تَوْحِيدِكَ وَ الْإِخْلَاصَ لَكَ بِوَحْدَانِيَّتِكَ وَ إِكْمَالَ دِينِكَ وَ تَمَامَ نِعْمَتِكَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ فَقُلْتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيْنَا مِنَ الْإِخْلَاصِ لِمَكَ بِوَحْدَانِيَّتِكَ وَ حُدَّتْ عَلَيْنَا بِمُؤَالَاهِ وَ لِيِكَ الْهَادِي مِنَ بَعْدِ نَبِيِّكَ النَّذِيرِ الْمُنذِرِ وَ رَضِيْتُ لَنَا الْإِسْلَامَ دِينًا بِمَوْلَانَا وَ أَتَمَمْتَ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ بِالَّذِي حُدَّدْتَ لَنَا عَهْدَكَ وَ مِيثَاقَكَ وَ ذَكَرْنَا ذَلِكَ وَ جَعَلْتَنَا مِنْ أَهْلِ الْإِخْلَاصِ وَ التَّصَدِيقِ لِعَهْدِكَ وَ مِيثَاقِكَ وَ مِنْ أَهْلِ الْوَفَاءِ بِذَلِكَ وَ لَمْ تَجْعَلْنَا مِنَ النَّاكِثِينَ الْمُكذِّبِينَ وَ الْجَاهِدِينَ بِيَوْمِ الدِّينِ وَ لَمْ تَجْعَلْنَا مِنَ الْمُغَيَّرِينَ وَ الْمُبَدِّلِينَ وَ الْمُحَرِّفِينَ وَ الْمُتَبَتِّكِينَ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَ الْمُغَيَّرِينَ خَلَقَ اللَّهُ وَ مِنْ الَّذِينَ اسْتَحَوْذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ وَ صَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ.

و بسيار بگو:

اللَّهُمَّ الْعَنِ الْجَاهِدِينَ وَ النَّاكِثِينَ وَ الْمُغَيَّرِينَ وَ الْمُبَدِّلِينَ الَّذِينَ يُكذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ.

سپس بگو: لا

اللَّهُمَّ لِمَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعْمَتِكَ عَلَيْنَا بِالَّذِي هَدَيْتَنَا إِلَى مُوَاهِ وَ لَاهِ أَمْرِكَ مِنْ بَعْدِ نَبِيِّكَ وَ الْأَيْمَةِ الْهَادِينَ الَّذِينَ جَعَلْتَهُمْ أَرْكَانًا لِتَوْحِيدِكَ وَ أَعْلَامَ الْهُدَى وَ مَنَارَ التَّقْوَى وَ الْعُرْوَةَ الْوُثْقَى وَ كَمَالَ دِينِكَ وَ تَمَامَ نِعْمَتِكَ وَ مِنْ بِهِمْ وَ بِمُؤَالَاتِهِمْ رَضِيْتُ لَنَا الْإِسْلَامَ دِينًا رَبَّنَا فَلَكَ الْحَمْدُ آمَنَّا بِكَ وَ

ص: ٢٥٩

صَدَقْنَا بِنَبِيِّكَ الرَّسُولِ النَّذِيرِ الْمُنذِرِ وَالتَّبَعْنَا الْهَادِيَ مِنَ بَعْدِ النَّذِيرِ الْمُنذِرِ وَوَالَيْنَا وَلِيِّهِمْ وَعَادَيْنَا عَدُوَّهُمْ وَبَرَّئْنَا مِنَ الْجَاهِلِينَ وَ  
النَّيَاسِينَ وَ الْمُكَذِّبِينَ يَوْمَ الدِّينِ اللَّهُمَّ فَكَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ يَا صَادِقَ الْوَعْدِ يَا مَنْ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ يَا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ  
إِنْ أَتَمَّتْ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ بِمَوْلَاهِ أَوْلِيَائِكَ الْمَسْئُولِ عَنْهُمْ عِبَادَكَ فَأَنْشَكَ قُلْتَ ثُمَّ لَتَسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ وَقُلْتَ وَقَفُّوهُمْ إِنَّهُمْ  
مَسْئُولُونَ وَ مَنَنْتَ بِشَهَادَةِ الْإِخْلَاصِ لَكَ بِوَلَايَةِ أَوْلِيَائِكَ الْهُدَاهِ مِنْ بَعْدِ النَّذِيرِ الْمُنذِرِ السَّرَاجِ الْمُنِيرِ وَ أَكْمَلْتَ لَنَا الدِّينَ بِمَوْلَانِهِمْ  
وَ الْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِهِمْ وَ أَتَمَمْتَ عَلَيْنَا النُّعْمَ بِالَّذِي حَيَّدْتَ لَنَا عَهْدَكَ وَ ذَكَرْنَا مِيثَاقَكَ الْمَأْخُوذَ مِنَّا فِي مُبْتَدَأِ خَلْقِكَ إِيَّانَا وَ  
جَعَلْتَنَا مِنْ أَهْلِ الْإِجَابَةِ وَ ذَكَرْنَا الْعَهْدَ وَ الْمِيثَاقَ وَ لَمْ تُنْسِنَا ذِكْرَكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ  
وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا بِمَنْنِكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّنَا وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ  
نَبِيُّنَا وَ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ لَيْنَا وَ مَوْلَانَا وَ شَهِدْنَا بِالْوَلَايَةِ لَوْلِيَانَا وَ مَوْلَانَا مِنْ ذُرِّيَّةِ نَبِيِّكَ مِنْ صُلْبِ وَ لَيْنَا وَ مَوْلَانَا عَلِيَّ بْنِ أَبِي  
طَالِبٍ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِكَ الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَ جَعَلْتَهُ فِي أُمَّ الْكِتَابِ لِمَدِيكَ عَلِيًّا حَكِيمًا وَ جَعَلْتَهُ آيَةً لِنَبِيِّكَ وَ آيَةً مِنْ آيَاتِكَ  
الْكُبْرَى وَ التَّبَأَ الْعَظِيمِ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ وَ التَّبَأَ الْعَظِيمِ الَّذِي هُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ وَ عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَسْئُولُونَ وَ تَمَامَ نِعْمَتِكَ الَّتِي  
عَنْهَا يُسْأَلُ عِبَادُكَ إِذْ هُمْ مَوْقُوفُونَ وَ عَنِ النَّعِيمِ مَسْئُولُونَ اللَّهُمَّ وَ كَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ مَا أَنْعَمْتَ عَلَيْنَا بِالْهُدَايَةِ إِلَى مَعْرِفَتِهِمْ فَلْيَكُمْ  
مِنْ شَأْنِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُبَارِكَ لَنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا الَّذِي ذَكَرْنَا فِيهِ عَهْدَكَ وَ مِيثَاقَكَ وَ أَكْمَلْتَ لَنَا  
دِينَنَا وَ أَتَمَمْتَ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ وَ جَعَلْتَنَا يَنْعَمُكَ مِنْ أَهْلِ الْإِجَابَةِ وَ الْإِخْلَاصِ بِوَحْدَانِيَّتِكَ وَ مِنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ وَ



التَّصَدِيقِ بَوْلَايِهِ أَوْلِيَائِكَ وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكَ وَ أَعْدَاءِ أَوْلِيَائِكَ الْجَاهِدِينَ الْمُكَذِّبِينَ بِيَوْمِ الدِّينِ فَاسْأَلُكَ يَا رَبِّ تَمَامَ مَا أَنْعَمْتَ عَلَيْنَا وَ لَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْمُعَانِدِينَ وَ لَا تُلْحِقْنَا بِالْمُكَذِّبِينَ بِيَوْمِ الدِّينِ وَ اجْعَلْ لَنَا قَدَمَ صِدْقٍ مَعَ الْمُتَّقِينَ وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَ اجْعَلْ لَنَا مِنَ الْمُتَّقِينَ إِمَامًا إِلَى يَوْمِ الدِّينِ يَوْمَ يُدْعَى كُلُّ نَاسٍ بِإِمَامِهِمْ وَ اجْعَلْنَا فِي ظِلِّ الْقَوْمِ الْمُتَّقِينَ الْهُدَاهِ بَعْدَ النَّذِيرِ الْمُنذِرِ وَ الْبَشِيرِ الْأَيْمَةِ الدُّعَاةِ إِلَى الْهُدَى وَ لَا- تَجْعَلْنَا مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الدُّعَاةِ إِلَى النَّارِ وَ هُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ أَوْلِيَاؤُهُمْ مِنَ الْمَقْتُوحِينَ رَبَّنَا فَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَةِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ وَ أَحِينَا مَا أَحْيَيْتَنَا عَلَى الْوَفَاءِ بِعَهْدِكَ وَ مِيثَاقِكَ الْمَأْخُودِ مِنَّا عَلَى مُوَالَاهِ أَوْلِيَائِكَ وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكَ الْمُكَذِّبِينَ بِيَوْمِ الدِّينِ وَ النَّاكِثِينَ بِمِيثَاقِكَ وَ تَوَفَّنَا عَلَى ذَلِكَ وَ اجْعَلْ لَنَا مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا وَ أَثْبِتْ لَنَا قَدَمَ صِدْقٍ فِي الْهَجْرَةِ إِلَيْهِمْ وَ اجْعَلْ مَحِينَا خَيْرَ الْمَحِيَا وَ مَمَاتَنَا خَيْرَ الْمَمَاتِ وَ مُنْقَلَبَنَا خَيْرَ الْمُنْقَلَبِ عَلَى مُوَالَاهِ أَوْلِيَائِكَ وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكَ حَيْثِي تَوَفَّنَا وَ أَنْتَ عِنَّا رَاضٍ قَدْ أَوْجَبْتَ لَنَا الْخُلُودَ فِي جَنَّتِكَ بِرَحْمَتِكَ وَالْمَشْوَى فِي جِوَارِكَ وَ الْإِنَابَةَ إِلَى دَارِ الْمَقَامَةِ مِنْ فَضْلِكَ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ رَبَّنَا إِنَّكَ أَمَرْتَنَا بِطَاعِهِ وَ لَاهِ أَمْرِكَ وَ أَمَرْتَنَا أَنْ نَكُونَ مَعَ الصَّادِقِينَ فَقُلْتَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ وَ قُلْتَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ رَبَّنَا سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا رَبَّنَا تَبَّتْ أَقْدَامُنَا وَ تَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ مُسْلِمِينَ مُصِدِّقِينَ لِأَوْلِيَائِكَ وَ لَا تُرْغِ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ رَبَّنَا آمَنَّا بِكَ وَ صَدَّقْنَا نَبِيَّكَ وَ وَالَيْنَا وَلِيَّكَ وَ الْأَوْلِيَاءَ مِنْ بَعْدِ نَبِيِّكَ وَ وَلِيَّكَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ الْإِمَامَ الْهَادِيَّ مِنْ بَعْدِ الرَّسُولِ النَّذِيرِ الْمُنذِرِ وَ السَّرَاجِ الْمُنِيرِ رَبَّنَا فَكَمَا

كَانَ مِنْ شَأْنِكَ أَنْ جَعَلْتَنَا مِنْ أَهْلِ الْوَفَاءِ بِعَهْدِكَ بِمَنْكَ عَلَيْنَا وَ لُطْفِكَ لَنَا فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ أَنْ تَغْفِرَ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ تَكْفِرَ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَ تَوْفِنَا مَعَ الْأَبْرَارِ رَبَّنَا وَ آتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَ لَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِعَادَ رَبَّنَا آمَنَّا بِكَ وَ وَفِينَا بِعَهْدِكَ وَ صَدَقْنَا رُسُلَكَ وَ اتَّبَعْنَا وُلاهُ الْأَمْرِ مِنْ بَعْدِ رُسُلِكَ وَ وَالَيْنَا أَوْلِيَاءَكَ وَ عَادَيْنَا أَعْدَاءَكَ فَكَتَبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ وَ أَحْشَرْنَا مَعَ الْأَيْمَةِ الْهُدَاهِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ الرَّسُولِ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ آمَنَّا يَا رَبِّ بِسَرِّهِمْ وَ عَلَانِيَتِهِمْ وَ شَاهَدِهِمْ وَ غَائِبِهِمْ وَ مَشَاهِدِهِمْ وَ بَحِيَّتِهِمْ وَ مَيْتِهِمْ وَ رَضِينَا بِهِ أَيْمَةً وَ سَادَةً وَ قَادَةً لَا نَبْتَغِي بِهِمْ بَدَلًا وَ لَا نَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِمْ وَلَا يُجِجُ أَيْدَاءُ رَبَّنَا فَأَحِينَا مَا أَحْيَيْتَنَا عَلَى مُوَالَاتِهِمْ وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِهِمْ وَ التَّسْلِيمِ لَهُمْ وَ الرَّدِّ إِلَيْهِمْ وَ تَوْفِنَا إِذَا تَوَفَّيْتَنَا عَلَى الْوَفَاءِ لَكَ وَ لَهُمْ بِالْعَهْدِ وَ الْمِيثَاقِ وَ الْمُوَالَاهِ لَهُمْ وَ التَّصَدِيقِ وَ التَّسْلِيمِ لَهُمْ غَيْرِ جَاحِدِينَ وَ لَا نَاكِلِينَ وَ لَا مُكَذِّبِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ وَ بِالَّذِي فَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ جَمِيعًا أَنْ تُبَارِكَ لَنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا الَّذِي أَكْرَمْتَنَا فِيهِ بِالْوَفَاءِ لِعَهْدِكَ الَّذِي عَهَدْتَ إِلَيْنَا وَ الْمِيثَاقِ الَّذِي وَاثَقْتَنَا بِهِ مِنْ مُوَالَاهِ أَوْلِيَاءِكَ وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكَ وَ تَمَنَّ عَلَيْنَا بِنِعْمَتِكَ وَ تَجَعَّلَهُ عِنْدَنَا مُسْتَقَرًّا ثَابِتًا وَ لَا تَسْلُبْنَاهُ [تَسْلُبْنَاهُ] أَيْدَاءًا وَ لَا تَجَعَّلَهُ [تَجَعَّلَهُ] عِنْدَنَا مُسْتَوْدَعًا فَإِنَّكَ قُلْتَ فَمُسْتَقَرٌّ وَ مُسْتَوْدَعٌ فَاجْعَلْهُ مُسْتَقَرًّا ثَابِتًا وَ ارزُقْنَا نَصْرَ دِينِكَ مَعَ وَلِيِّ هَادٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ قَائِمًا رَشِيدًا هَادِيًا مَهْدِيًا مِنَ الضَّلَالَةِ إِلَى الْهُدَى وَ اجْعَلْنَا تَحْتَ رَأْيَتِهِ وَ فِي زَمْرَتِهِ شُهَدَاءَ صَادِقِينَ مَقْتُولِينَ فِي سَبِيلِكَ وَ عَلَى نُصْرِهِ دِينِكَ. (١) ل.

ص: ٢٦٢

## ۸- دعای عید فطر، قربان و جمعه

ابوحمره ثمالی نقل می کند که امام باقر علیه السلام فرمودند: وقتی آماده خارج شدن (برای ادای نماز جمعه یا عید فطر یا قربان) شدی، این دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ مِنْ تَهَيُّاً فِي هَذَا الْيَوْمِ أَوْ تَعَباً أَوْ أَعْيَداً وَاسْتَعْدَّ لَوْفَادِهِ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَحَيَاةٍ تَزْرِيهِ وَنَوَافِلِهِ فَإِلَيْكَ يَا سَيِّدِي كَأَنْتَ وَفَادَتِي وَتَهَيُّتِي وَإِعْدَادِي وَاسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رِفْدِكَ وَحَيَاةٍ تَزْرِيكَ وَنَوَافِلِكَ اللَّهُمَّ صِلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ عَلَيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَصِيِّ رَسُولِكَ وَصَلِّ يَا رَبُّ عَلَيَّ أُمَّةِ الْمُؤْمِنِينَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَ عَلَيَّ وَ مُحَمَّدٍ وَ جَعْفَرٍ وَ مُوسَى وَ عَلَيَّ وَ مُحَمَّدٍ وَ عَلَيَّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحَجَّهِ صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

پس می گویی:

اللَّهُمَّ افْتَحْ لَهُ فَتْحاً يَسِيراً وَ انصُرْهُ نَصراً عَزِيزاً اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَ سُنَّةَ رَسُولِكَ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَهُ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلِهِ كَرِيمِهِ تُعْزُبُ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُدِلُّ بِهَا النُّفَاقَ وَ أَهْلَهُ وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ وَ تَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ اللَّهُمَّ مَا أَنْكَرْنَا مِنْ حَقِّ فَعَرَّفْنَاهُ وَ مَا قَصَرْنَا عَنْهُ فَبَلِّغْنَاهُ.

آنگاه فرمودند:

و در حق آن حضرت دعا می کنی و دشمن او را نفرین می نمایی و حاجت خود را می خواهی و آخرین کلام تو این عبارت باشد:

اللَّهُمَّ اسْتَجِبْ لَنَا اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مَمَّنْ يُذَكَّرُ فَيَذَكَّرُ.

ص: ۲۶۳

متن دعای منقول از امام هشتم علیه السلام که برای روز عید فطر، هنگام رفتن برای ادای نماز عید، وارد شده چنین است:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ وَجْهْتُ وَجْهِي وَإِلَيْكَ فَوَّضْتُ أَمْرِي وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ اللَّهُ أَكْبَرُ كَمَا هَدَانَا اللَّهُ أَكْبَرُ إِلَهُنَا وَمَوْلَانَا اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا أَوْلَانَا وَحُسْنِ مَا أَبْلَانَا اللَّهُ أَكْبَرُ وَلَيْسَ الَّذِي اجْتَبَانَا اللَّهُ أَكْبَرُ رَبُّنَا الَّذِي بَرَّأَنَا اللَّهُ أَكْبَرُ الَّذِي أَنْشَأَنَا اللَّهُ أَكْبَرُ الَّذِي بِقُدْرَتِهِ هَدَانَا اللَّهُ أَكْبَرُ الَّذِي خَلَقَنَا فَسَوَّانَا اللَّهُ أَكْبَرُ الَّذِي بَدَلَنِي حَبَانَا اللَّهُ أَكْبَرُ الَّذِي مِنْ فِتْنَتِهِ عَافَانَا اللَّهُ أَكْبَرُ الَّذِي بِالْإِسْلَامِ اصْطَفَانَا اللَّهُ أَكْبَرُ الَّذِي فَضَّلَنَا بِالْإِسْلَامِ عَلَى مَنْ سَوَّانَا اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَكْبَرُ سُلْطَانًا اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَعْلَى بُرْهَانًا اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَجَلُّ سُبْحَانًا اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَقْدَمُ إِحْسَانًا اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَعَزُّ أَرْكَانًا اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَعْلَى مَكَانًا اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَسْنَى شَأْنًا اللَّهُ أَكْبَرُ نَاصِرٌ مَنْ اسْتَنْصَرَ اللَّهُ أَكْبَرُ ذُو الْمَغْفِرَةِ لِمَنْ اسْتَغْفَرَ اللَّهُ أَكْبَرُ الَّذِي خَلَقَ وَصَوَّرَ اللَّهُ أَكْبَرُ أَمَاتَ وَأَقْبَرَ اللَّهُ أَكْبَرُ الَّذِي إِذَا شَاءَ أَنْشَرَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَعْلَى وَأَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَقْدَسُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَأَطْهَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ رَبُّ الْخَلْقِ وَالْبَرِّ وَالْبَحْرِ اللَّهُ أَكْبَرُ كَمَا يُحِبُّ رَبُّنَا أَنْ يُكَبِّرَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَصَيْفِيكَ وَنَجِيكَ وَأَمِينِكَ وَحَبِيبِكَ وَصَيْفُوتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَخَلِيلِكَ وَخَاصَّتِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ الَّذِي هَدَيْتَنَا بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ وَعَلَّمْتَنَا بِهِ مِنَ الْجَهَالَةِ وَبَصَّرْتَنَا بِهِ مِنَ الْعَمَى وَأَقَمْتَنَا بِهِ عَلَى الْمَحَجَّةِ الْعُظْمَى وَسَبِيلِ التَّقْوَى وَكَمَا أَرَشَدْتَنَا وَأَخْرَجْتَنَا بِهِ مِنَ الْعَمْرَاتِ إِلَى جَمِيعِ الْخَيْرَاتِ وَأَنْفَذْتَنَا بِهِ مِنْ شَفَا جُرْفِ الْهَلَكَاتِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلِ وَأَكْمَلِ وَأَشْرَفِ وَأَكْبَرِ وَأَطْهَرَ وَأَطْيَبِ وَأَتَمَّ وَأَعَمَّ وَأَزْكَى وَأَنْمَى وَأَحْسَنَ وَأَجْمَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ

شَرَّفَ بُيَانَهُ وَعَظَّمَ بُرْهَانَهُ وَأَعْلَى مَكَانَهُ وَكَرَّمَهُ فِي الْقِيَامَةِ مَقَامَهُ وَعَظَّمَ عَلَى رُؤُوسِ الْخَلَائِقِ حَالَةَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَقْرَبَ الْخَلْقِ مِنْكَ مَنْزِلَةً وَأَعْلَاهُمْ مِنْكَ مَكَانًا وَأَفْسَحَهُمْ لَكَ مَنَازِلًا وَمَنْزِلَةً وَمَجْلِسًا وَأَعْظَمَهُمْ عِنْدَكَ شَرَفًا وَأَرْفَعَهُمْ مَنْزِلًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْمُتَهَيِّدِينَ وَالْحُجَّجِ عَلَى خَلْقِكَ وَالْأَدْلَاءِ عَلَى سَبِيلِكَ وَالْبَابِ الَّذِي مِنْهُ تُوتَى وَالتَّرَاجِمِ لَوْحِيكَ كَمَا سَيُنَوَّسُ سَيِّدَتِكَ النَّاطِقِينَ بِحِكْمَتِكَ وَالشُّهَدَاءِ عَلَى خَلْقِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ الْمُتَنْظِرِ أَمْرَكَ الْمُتَنْظِرِ لِفَرَجِ أَوْلِيَائِكَ اللَّهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ وَارْتُقْ بِهِ الْفَتْقَ وَأَمِتْ بِهِ الْحَيَورَ وَأَظْهِرْ بِهِ الْعِدَالَ وَزَيِّنْ بِطَوْلِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ وَأَيِّدْهُ بِنَصْرِكَ وَانصُرْهُ بِالرُّعْبِ وَقُوِّ نَاصِيَةَ رَهْمٍ وَاخْذُلْ خَازِلَهُمْ وَدَمِّمْ عَلَى مَنْ نَصَبَ لَهُمْ وَدَمَّرْ عَلَى مَنْ غَشَّاهُمْ وَاقْصِمْ بِهِمْ رُؤُوسَ الضَّالِّهِ وَشَارِعَهُ الْبِدْعَ وَمُمِيتَهُ السُّنَّةَ وَالْمُتَعَزِّزِينَ بِالْبَاطِلِ وَأَعِزِّ بِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ وَأَذِلَّ بِهِمُ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ وَالْمُخَالِفِينَ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى جَمِيعِ الْمُرْسَلِينَ وَالنَّبِيِّينَ الَّذِينَ بَلَّغُوا عَنْكَ الْهُدَى وَاعْتَقَدُوا لَكَ الْمَوَاقِفَ بِالطَّاعَةِ وَدَعَوْا الْعِبَادَ إِلَيْكَ بِالنَّصِيحَةِ وَصَبَرُوا عَلَى مَا لَقُوا مِنَ الْأَذَى وَالتَّكْذِيبِ فِي جَنْبِكَ اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِمْ وَعَلَى ذُرَارِيِّهِمْ وَأَهْلِ بُيُوتَاتِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمُ الطَّاهِرَاتِ وَجَمِيعِ أَشْيَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ جَمِيعًا فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي هَذَا الْيَوْمِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ اللَّهُمَّ اخْضِصْ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ الْمُبَارَكِينَ السَّامِعِينَ الْمُطِيعِينَ لَكَ الَّذِينَ أَذْهَبَتْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَنَوَامِي بَرَكَاتِكَ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

اگر نتوانستی قبل از نماز همه دعا را بخوانی، مقدار باقی مانده را پس از نماز قضا کن. (۱)

### ۱۰- دعای صبح روز بیست و یکم ماه رمضان

امام صادق علیه السلام در صبح روز بیست و یکم ماه مبارک رمضان پس از ادای نماز صبح، در حال سجده این دعا را خواندند:

لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مُقَلَّبُ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَالِقُ الْخَلْقِ بِلا حَاجَةٍ فَيْكَ إِلَيْهِمْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مُبْدِئُ الْخَلْقِ لَا يَنْقُصُ عَنْ مُلْكِكَ شَيْءٌ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ دَيَّانُ الدِّينِ وَ جَبَّارُ الْجَبَابِرَةِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مُجْرِي الْمَاءِ فِي الصَّخْرَةِ الصَّمَاءِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مُجْرِي الْمَاءِ فِي النَّبَاتِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مُكُونُ طَعْمِ الثَّمَارِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مُحْصِي عِدَدِ الْقَطْرِ وَ مَا تَحْمِلُهُ السَّحَابُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مُحْصِي عِدَدِ مَا تَجْرِي بِهِ الرِّيحُ فِي الْهَوَاءِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مُحْصِي مَا فِي الْبِحَارِ مِنْ رَطْبٍ وَ يَابِسٍ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مُحْصِي مَا يَدْبُ فِي ظُلُمَاتِ الْبِحَارِ وَ فِي أَطْبَاقِ الثَّرَى أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ أَوْ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ وَ أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ سَمَّيْتَكَ بِهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ مِنْ نَبِيٍّ أَوْ صِدِّيقٍ أَوْ شَهِيدٍ أَوْ أَحَدٍ مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أَجَبْتَ وَ إِذَا سُئِلَ بِهِ أُعْطِيَ وَ أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ وَ بَرَكَاتِكَ وَ بِحَقِّهِمْ الَّذِي أَوْجَبْتَهُ عَلَى نَفْسِكَ وَ أَنْتَلَّهْمُ بِهِ فَضْلَكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ الدَّاعِي إِلَيْكَ بِإِذْنِكَ وَ سِرَّاجِكَ السَّاطِعِ بَيْنَهُ.

ص: ۲۶۶



حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ مُؤَيِّدًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوْلًا وَ عَرَضًا وَ تَجْعَلَهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ مِنَ الْأَيْمَةِ الْوَارِثِينَ  
 اللَّهُمَّ انصُرْهُ وَ انتصِرْ بِهِ وَ اجْعَلِ النَّصْرَ مِنْكَ عَلَى يَدِهِ وَ اجْعَلِ النَّصْرَ لَهُ وَ الْفَتْحَ عَلَيَّ وَ جِهَهُ وَ لَا تُوجِّهِ الْأَمْرَ إِلَى غَيْرِهِ اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ  
 دِينِكَ وَ سُنَّةَ نَبِيِّكَ حَتَّى لَا يَسْتَخْفَى بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَهُ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمِهِ تُعْزُبُ بِهَا  
 الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ وَ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي  
 الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ وَ اجْمَعْ لَنَا خَيْرَ الدَّارَيْنِ وَ اقْضِ عَنَّا جَمِيعَ مَا تُحِبُّ فِيهِمَا وَ اجْعَلْ لَنَا فِي ذَلِكَ الْخَيْرَةَ بِرَحْمَتِكَ وَ  
 مِنْكَ فِي عِرَاقِيهِ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ وَ زِدْنَا مِنْ فَضْلِكَ وَ يَدِكَ الْمَلَأَى فَيَأْنِ كُلُّ مُعْطٍ يُنْقِصُ مِنْ مَلِكِهِ وَ عَطَاؤُكَ يَزِيدُ فِي  
 مَلِكِكَ. (۱)

## ۱۲- دعا در روز عاشورا

حدیثی که عبدالله بن سنان در مورد اعمال روز عاشورا از امام صادق علیه السلام نقل کرده و ما قسمت هایی از آن را در  
 بخش دوم کتاب آوردیم، شامل دعاهایی است که متون آنها را در این جا عیناً نقل می کنیم. می گوید: پس از خواندن چهار  
 رکعت نماز- به ترتیبی که بیان شد - و ابلاغ سلام و درود به حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام و فرزندان و نزدیکان  
 ایشان و پس از لعن کشندگان ایشان، قدم هایی به عنوان «سعی» از مکانی که هستی حرکت می کنی و اذکاری را که گفته  
 شد به زبان می آوری. سپس در مکان نماز خود می ایستی و می گویی:

اللَّهُمَّ عَذِّبِ الْفَجْرَةَ الَّذِينَ شَاقُّوا رَسُولَكَ وَ حَارَبُوا أَوْلِيَاءَكَ وَ عَبَدُوا غَيْرَكَ وَ اسْتَحْلَوْا مَحَارِمَكَ وَ الْعَنِ الْقَادَةَ وَ الْأَتْبَاعَ وَ مَنْ  
 كَانَ مِنْهُمْ فَحَبِّ وَ أَوْضِعْ مَعَهُمْ أَوْ رَضِي بِفِعْلِهِمْ لَعْنَا كَثِيرًا اللَّهُمَّ وَ عَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ل.

ص: ۲۶۸



اجْعَلْ صِلَواتِكَ عَلَيْهِمْ وَاسْتَنْقِذْهُمْ مِنْ أَيْدِ الْمُنافِقِينَ وَ الْمُضَلِّينَ وَ الْكُفْرَةَ الْجاحِدِينَ وَ افْتَحْ لَهُمْ فَتْحاً يَسيراً وَ أْتِحْ لَهُمْ رُوحاً وَ فَرَجاً قَرِيباً وَ اجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ عَلى عَدُوِّكَ وَ عَدُوِّهِمْ سُلْطاناً نَصيراً.

سپس دو دست خود را بالا- بگیر و در حالی که به دشمنان آل محمّد صلی الله علیه و آله و سلم اشاره می کنی، به حالت قنوت، بخوان:

اللَّهُمَّ إِنَّ كَثيراً مِنَ الْأُمَّةِ ناصَبَتِ الْمُستَحْفَظِينَ مِنَ الْأَئِمَّةِ وَ كَفَرَتِ بِالْكِلمَةِ وَ عَكَفَتِ عَلى الْقادَةِ الظَّلمَةِ وَ هَجَرَتِ الْكِتابَ وَ السُّنَّةَ وَ عَدَلَتِ عَنِ الْحَبْلِينَ اللَّذِينَ أَمَرَتْ بِطاعَتِهِما وَ التَّمسُّكَ بِهِما فَأَماتَتِ الْحَقَّ وَ حادَتِ عَنِ الْقَصِدِ وَ مالأتِ الْأَحْزابَ وَ حَرَفَتِ الْكِتابَ وَ كَفَرَتِ بِالْحَقِّ لَمَّا جاءَها وَ تَمَسَّكَتِ بِالْباطِلِ لَمَّا اعْتَرَضَها فَضَيَّعَتِ حَقِّكَ وَ أَضَلَّتْ خَلْقَكَ وَ قَتَلَتِ أَوْلادَ نَبِيِّكَ وَ خَيْرَةَ عِبادِكَ وَ حَمَلَةَ عِلْمِكَ وَ وَرَثَةَ حِكْمَتِكَ وَ وَحِيكَ اللَّهُمَّ فَزَلِزِلِ أَقدامَ أَعْدائِكَ وَ أَعْداءَ رَسولِكَ وَ أَهْلَ بَيْتِ رَسولِكَ اللَّهُمَّ وَ أَخْرِبْ ديارَهُمْ وَ أَفْلِلْ سِلاحَهُمْ وَ خالِفْ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ وَ قُتِّ فِي أَعْضادِهِمْ وَ أَوْهِنْ كَيْدَهُمْ وَ اضْرِبْهُمْ بِسِيفِكَ الْقاطِعِ وَ ارْمِهِمْ بِحَجْرِكَ الدامِغِ وَ طَمِّمْهُمْ بِالْبلاءِ طَمًّا وَ قُمَّمْهُمْ بِالْعذابِ قَمًّا وَ عَذِّبْهُمْ عذاباً نَكَراً وَ خُذْهُمْ بِالسُّنَنِ وَ المَثَلاتِ الَّتِي أَهَلَكْتَ بِها أَعْداءَكَ إِنَّكَ ذُو نِقْمَةٍ مِنَ الْمُجْرِمِينَ اللَّهُمَّ إِنَّ سَيِّئَتِكَ ضائِعَةٌ وَ أَحكامَكَ مُعْظَلَةٌ وَ عِتْرَةَ نَبِيِّكَ فِي الْأَرْضِ هائِمَةٌ اللَّهُمَّ فَأَعِنِ الْحَقَّ وَ أَهْلَهُ وَ اقْمَعِ الْباطِلَ وَ أَهْلَهُ وَ مَنْ عَلَيْنَا بِالنَّجاءِ وَ اهْدِنَا إِلى الْإيمانِ وَ عَجِّلْ فَرَجَنا وَ انظِمْهُ بِفَرَجِ أَوْلِيائِكَ وَ اجْعَلْهُمُ لَنَا وُدًّا وَ اجْعَلْنا لَهُمْ وَفِداً اللَّهُمَّ وَ أَهْلِكَ مَنْ جَعَلَ يَوْمَ قَتْلِ ابْنِ نَبِيِّكَ وَ خَيْرِ رَسولِكَ عَيْداً وَ اسْتَهَلَّ بِهِ فَرِحاً وَ مَرِحاً وَ خُذْ آخِرَهُمْ كَشِما أَخَذْتَ أَوْلَهُمْ وَ أَضْعِفِ اللَّهُمَّ الْعَذابَ وَ التَّنْكِيلَ عَلى ظالِمى أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ وَ أَهْلِكَ أَشِيعَهُمْ وَ قادِئَهُمْ وَ أَبْرِ حُمائَهُمْ وَ جَماعَتَهُمُ اللَّهُمَّ وَ

ضَاعِفَ صَلَوَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ عَلَى عِتْرَةِ نَبِيِّكَ الْعِتْرَةِ الضَّائِعَةِ الْخَائِفَةِ الْمُسْتَدْلِهِ بِقِيَّتِهِ مِنَ الشَّجَرَةِ الطَّيِّبَةِ الزَّاكِيَةِ الْمُبَارَكَةِ  
وَأَعْلَى اللَّهُمَّ كَلِمَتَهُمْ وَأَفْلَاحَ حُجَّتِهِمْ وَاكْشِفِ الْبَلَاءَ وَاللَّوَاءَ وَخَنَادِسَ الْأَبَاطِيلِ وَالْعَمَى عَنْهُمْ وَتَبَّتْ قُلُوبَ شَيْعَتِهِمْ وَحَزَبِكَ  
عَلَى طَاعَتِكَ وَوَلَايَتِهِمْ وَنُصْرَتِهِمْ وَمُؤَالَاتِهِمْ وَأَعْنِهِمْ وَامْنَحُهُمُ الصَّبْرَ عَلَى الْأَذَى فِيكَ وَاجْعَلْ لَهُمْ أَيَّاماً مَشْهُودَةً وَأَوْقَاتاً  
مَحْمُودَةً مَسْعُودَةً يُوشِكُكَ فِيهَا فَرَجُهُمْ وَتُوجِبُ فِيهَا تَمَكِينَهُمْ وَنُصْرَهُمْ كَمَا ضَمِنْتَ لِأَوْلِيَائِكَ فِي كِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ  
قَوْلُكَ الْحَقُّ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ  
دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمناً يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئاً اللَّهُمَّ اكْشِفْ غُمَّتَهُمْ يَا مَنْ لَا يَمْلِكُ كَشْفَ  
الضَّرِّ إِلَّا هُوَ يَا وَاحِدُ يَا أَشْحَدُ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ وَأَنَا يَا إِلَهِي عَبْدُكَ الْخَائِفُ مِنْكَ وَالزَّاجِعُ إِلَيْكَ السَّائِلُ لَكَ الْمُقْبِلُ عَلَيْكَ  
اللَّجَاجِي إِلَى فِنَائِكَ الْعَالِمُ بِأَنَّهُ لَا مَلْجَأَ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ فَتَقَبَّلِ اللَّهُمَّ دُعَائِي وَاسْتَمِعْ يَا إِلَهِي عِلَانِيَّتِي وَنَجْوَايَ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ  
رَضِيَتْ عَمَلُهُ وَقَبِلَتْ نُسُكُهُ وَنَجَّيَتْهُ بِرَحْمَتِكَ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ اللَّهُمَّ وَصَلِّ أَوْلَاً وَآخِرَاً عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ  
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ بِأَكْمَلِ وَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَ  
مَلَائِكَتِكَ وَحَمَلَهُ عَرْشَكَ بِلَا إِلَهٍ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَاجْعَلْنِي يَا  
مَوْلَايَ مِنْ شَيْعَةِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَذُرِّيَّتِهِمُ الطَّاهِرَةِ الْمُتَنَجِّبَةِ وَهَبْ لِي التَّمَسُّكَ بِحَبْلِهِمْ وَالرِّضَا بِسَبِيلِهِمْ  
وَ وَالْأَخْذَ بِطَرِيقَتِهِمْ إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ.

سپس صورت خود را بر زمین (خاک) بگذار و بگو:

يَا مَنْ يَحْكُمُ مَا يَشَاءُ وَيَفْعَلُ مَا يُرِيدُ أَنْتَ حَكَمْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ مَحْمُوداً مَشْكُوراً فَعَجَّلْ يَا مَوْلَايَ فَرَجَهُمْ وَفَرِّجْنَا بِهِمْ فَإِنَّكَ ضَمِنْتَ إِعْزَارَهُمْ بَعْدَ الدَّلَّةِ وَتَكثِيرَهُمْ بَعْدَ الْقَلَّةِ وَإِظْهَارَهُمْ بَعْدَ الْخُمُولِ يَا أَصْدَقَ الصَّادِقِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ فَأَسْأَلُكَ يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي مُتَضَرِّعاً إِلَيْكَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ بَسْطِ أَمْلِي وَالتَّجَاوُزَ عَنِّي وَقَبُولَ قَلِيلِ عَمَلِي وَكَثِيرِهِ وَالتَّزْيَادَةَ فِي أَيَّامِي وَتَبْلِيغِي ذَلِكَ الْمَشْهَدَ وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُدْعَى فَيُجِيبُ إِلَى طَاعَتِهِمْ وَموَالَاتِهِمْ وَنَصْرِهِمْ وَتَرِينِي ذَلِكَ قَرِيباً سَرِيعاً فِي عَافِيهِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

سپس سرت را به سوی آسمان بلند کن و بگو:

أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَكُونَ مِنَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَكَ فَأَعِدْنِي يَا إِلَهِي بِرَحْمَتِكَ مِنْ ذَلِكَ.

آنگاه فرمودند:

ای ابن سنان این عمل از چقدر حج و چقدر عمره مستحبی که مال خود را برای ادای آنها خرج کنی و بدنت را به زحمت بیندازی و از خانواده و فرزندان جدا شوی، بافضیلت تر است! (۱)

### ۱۳- دعای دیگر در روز عاشورا

نقل دیگری از عبدالله بن سنان در مورد اعمال خاصّ روز عاشورا رسیده که آن را نیز در این جا می آوریم. می گوید: در روز عاشورا خدمت مولایم ابی عبدالله جعفر بن محمد علیهما السلام رسیدم در حالی که رنگ (چهره) ایشان تغییر کرده و اشک هایشان همچون درّ بر گونه هایشان سرازیر بود. عرض کردم: ای آقای من! گریه شما به خاطر ۷.

ص: ۲۷۱

۱- بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۰۴ تا ۳۰۷.

چیست؟ خداوند چشمانتان را گریان نکند. ایشان به من فرمودند:

آیا نمی دانی که در یک چنین روزی حسین علیه السلام به شهادت رسیده است؟!

آنگاه پس از بیان مطالبی فرمودند:

ای عبدالله بن سنان، بهترین عملی که می توانی در این روز انجام دهی این است که لباس های پاکی بپوشی و دکمه های آن را باز نگه داری و آستین هایش را تا آرنج بالا بزنی و پاهایت را برهنه کنی. سپس به یک زمین خالی که هیچکس تو را نبیند یا داخل خانه ات می روی در اواسط روز (حوالی ظهر) و چهار رکعت نماز با دو سلام می خوانی. در رکعت اول حمد و «قل یا ایها الکافرون» و رکعت دوم حمد و «قل هو الله احد» و رکعت سوم حمد و سوره احزاب و رکعت چهارم حمد و منافقین را می خوانی. سپس سلام می دهی و رو به سوی قبر ابی عبدالله علیه السلام می کنی و قتلگاه ایشان را پیش روی خود مجسم می نمایی و ذهن و بدن خود را (از هر فکر و عمل دیگری) فارغ می سازی و حواست را کاملاً جمع می کنی. سپس بر قاتل آن حضرت هزار بار لعنت می فرستی. به ازای هر لعنتی هزار کار خوب برایت نوشته می شود و هزار کار بد از نامه اعمال محو می گردد و هزار درجه در بهشت بالا می روی. سپس از محلی که در آن نماز خواندی، هفت بار سعی می کنی (قدم بر می داری) و در هر بار از سعی خود، هفت بار می گویی:

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ رَضِيَ بِقَضَاءِ اللَّهِ وَتَسْلِيمًا لِمَرِهِ.

و حال تو در ضمن انجام این کار حال مادر فرزند مرده غمگین و متأسف باشد که حزن و اندوه در او دیده می شود. وقتی از انجام این کار فراغت یافتی، در همان محلی که نماز خوانده بودی، می ایستی و هفت بار می گویی: اللَّهُمَّ عَذِّبِ الَّذِينَ حَارَبُوا رُسُلَكَ وَ شَاقُّوكَ وَ عَبَدُوا غَيْرَكَ وَ اسْتَحَلُّوا مَحَارِمَكَ وَ العن القادة وَ الأتباع وَ مَنْ كَانَ مِنْهُمْ وَ مَنْ رَضِيَ بِفِعْلِهِمْ لَعْنَا كَثِيرًا.

ص: ۲۷۲

اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَن أَهْلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَ اسْتَنْقِذْهُمْ مِنْ أَيْدِي الْمُنَافِقِينَ وَ الْكُفَّارِ وَ الْجَاهِدِينَ وَ اٰمِنِينَ عَلَيْهِمْ وَ افْتَحْ لَهُمْ فَتْحًا يَسِيرًا وَ اجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ عَلٰى عَدُوِّكَ وَ عَدُوِّهِمْ سُلْطٰنًا نَّصِيرًا.

آنگاه در حال قنوت بگو:

اللَّهُمَّ إِنَّ الْأُمَّةَ خَالَفَتِ الْأُمَّةَ وَ كَفَرُوا بِمَا كَلِمَهُ وَ أَقَامُوا عَلٰى الضَّلَالَةِ وَ الْكُفْرِ وَ الرَّدَى وَ الْجَهَالَةِ وَ الْعَمَى وَ هَجَرُوا الْكِتَابَ الَّذِي أَمَرْتَ بِمَعْرِفَتِهِ وَ الْوَصِيَّةِ الَّذِي أَمَرْتَ بِطَاعَتِهِ فَأَمَاتُوا الْحَقَّ وَ عَيَّدُوا عَنِ الْقِسْطِ وَ أَضَلُّوا الْأُمَّةَ عَنِ الْحَقِّ وَ خَالَفُوا السُّنَّةَ وَ يَدَّلُوا الْكِتَابَ وَ مَلَكُوا الْأَحْزَابَ وَ كَفَرُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ وَ تَمَسَّكُوا بِالْبَاطِلِ وَ ضَيَّعُوا الْحَقَّ وَ أَضَلُّوا خَلْقَكَ وَ قَتَلُوا أَوْلَادَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ خَيْرَةَ عِبَادِكَ وَ أَصْفِيَاءِكَ وَ حَمَلَهُ عَرْشَكَ وَ خَزَنَةَ سِرِّكَ وَ مَنْ جَعَلْتَهُمُ الْحُكَّامَ فِي سَمَاوَاتِكَ وَ أَرْضِكَ اللَّهُمَّ فَزَلِّلْ أَقْدَامَهُمْ وَ أَخْرِبْ دِيَارَهُمْ وَ اكْضِفْ سِلَاحَهُمْ وَ أَيِّدِيَهُمْ وَ أَلْقِ الْإِخْتِلَافَ فِيمَا بَيْنَهُمْ وَ أَوْهِنْ كَيْدَهُمْ وَ اضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ الصَّارِمِ وَ حَجِّرْكَ الدَّمَغِ وَ طَمِّمْهُمُ بِالْبَلَاءِ طَمًّا وَ اَرْمِهِمُ بِالْبَلَاءِ رَمِيًّا وَ عَذِّبْهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا نُّكْرًا وَ اَرْمِهِمُ بِالْغَلَاءِ وَ خُذْهُمْ بِالسُّنَنِ الَّذِي أَخَذْتَ بِهَا أَعْدَاءَكَ وَ أَهْلِكْهُمْ بِمَا أَهْلَكْتَهُمْ بِهِ اللَّهُمَّ وَ خُذْهُمْ أَخَذَ الْقُرَى وَ هِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ اللَّهُمَّ إِنَّ سُدُوكَ ضَائِعَةٌ وَ أَحْكَامَكَ مُعْطَلَةٌ وَ أَهْلَ نَبِيِّكَ فِي الْأَرْضِ هَائِمَةٌ كَالْوَحْشِ السَّائِمَةِ اللَّهُمَّ أَعْلِ الْحَقَّ وَ اسْتَنْقِذِ الْخَلْقَ وَ اٰمِنِينَ عَلَيْنَا بِالنَّجَاهِ وَ اِهْدِنَا لِلْإِيمَانِ وَ عَجِّلْ فَرَجَنَا بِالْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ اجْعَلْهُ لَنَا رِذَاءً وَ اجْعَلْنَا لَهُ رِفْدًا اللَّهُمَّ وَ أَهْلِكَ مَنْ جَعَلَ قَتْلَ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ عَيْدًا وَ اسْتَهْلَ فَرْحًا وَ سُورًا وَ خُذْ آخِرَهُمْ بِمَا أَخَذْتَ بِهِ أَوْلَهُمُ اللَّهُمَّ أَضْعِفِ الْبَلَاءَ وَ الْعَذَابَ وَ التَّنْكِيلَ عَلٰى الظَّالِمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ وَ عَلٰى

ظالمى آل بيت نبيك صلى الله عليه وآله وسلم نكالا و لعنه و أهلك شيعتهم و قادتهم و جماعتهم اللهم ارحم العترة الضائعة  
المقتولة الدليلة من الشجرة الطيبة المباركة اللهم اعل كلمتهم و افلاج حجتهم و ثبت قلوبهم و قلوب شيعتهم على مواليتهم و  
انصرتهم و اعنهم و صبرهم على الأذى فى جنحك و اجعل لهم أياما مشهورة و أياما معلومة كما ضمنت لأولياك فى كتابك  
المنزل فإنيك قلت و عىد الله الذين آمنوا منكم و عملوا الصالحات ليستخلفنهم فى الأرض كما استخلف الذين من قبلهم و  
ليمكنن لهم دينهم الذى ارتضى لهم و ليبدلنهم من بعد خوفهم أمنا اللهم اعل كلمتهم يا لا إله إلا أنت يا لا إله إلا أنت يا لا إله  
إلا أنت يا أرحم الراحمين يا حى يا قيوم فإني عبدك الخائف منك و الراجع إليك و السائل لديك و المتوكل عليك و اللاجى  
بفنايك فتقبل دعائى و اسمع نجواى و اجعلنى ممن رضيت عمله و هديته و قبلت نسكته و انتجيت برحمتك إنك أنت العزيز  
الوهاب أسألك يا الله بلا إله إلا أنت ألما تفرق بينى و بين محمد و آل محمد الأئمة صلوات الله عليهم أجمعين و اجعلنى من  
شيعه محمد و آل محمد.

در اين قسمت اخير فرمودند:

آل محمد صلى الله عليه وآله وسلم را يكى يكى اسم مى برى تا به حضرت قائم عليه السلام برسى.

يعنى به عنوان مثال بايد در دعا چنين گفت:

و اجعلنى من شيعه محمد و على و فاطمه و الحسن و الحسين و على بن الحسين و محمد بن على و جعفر بن محمد و موسى بن  
جعفر و على بن موسى و محمد بن على و على بن محمد و الحسن بن على و الحجة القائم المهدى عليه السلام.

و أدخلنى فيما أدخلتهم فيه و أخرجنى مما أخرجتهم منه.

ص: ٢٧٤

سپس گونه های خود را بر زمین (خاک بگذار و بگو:

يَا مَنْ يَحْكُمُ بِمَا يَشَاءُ وَيَعْمَلُ مَا يُرِيدُ أَنْتَ حَكَمْتَ فِي أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ مَا حَكَمْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ مَحْمُوداً مَشْكُوراً وَعَجَلُ فَرْجِهِمْ  
وَ فَرْجُنَا بِهِمْ فَإِنَّكَ ضَمِنْتَ إِعْزَازَهُمْ بَعْدَ الذَّلَّةِ وَ تَكْتِيرَهُمْ بَعْدَ الْقَلَّةِ وَ إِظْهَارَهُمْ بَعْدَ الْخُمُولِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ أَسْأَلُكَ يَا إِلَهِي وَ  
سَيِّدِي بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ أَنْ تُبَلِّغَنِي أَمَلِي وَ تَشْكُرَ قَلِيلَ عَمَلِي وَ أَنْ تَزِيدَنِي فِي أَرْيَامِي وَ تُبَلِّغَنِي ذَلِمَتَكَ الْمَشْهَدَ وَ تَجْعَلَنِي مِنَ  
الَّذِينَ دُعِيَ فَأَجَابَ إِلَى طَاعَتِهِمْ وَ مُوَالَاتِهِمْ وَ أَرِنِي ذَلِكَ قَرِيباً سَرِيعاً إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

سپس فرمودند:

سرت را بلند کن که این عمل از یک حج و یک عمره بافضیلت تر است. (۱)

### ۱۴- دعای امام رضا علیه السلام

متن دعایی که امام رضا علیه السلام به یونس بن عبدالرحمن درباره امام عصر علیه السلام تعلیم دادند، مطابق نقل دوم مرحوم  
سید بن طاووس در کتاب «جمال الاسبوع» چنین است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ادْفَعْ عَنِّي وَ لِي وَ خَلِيفَتِيكَ وَ حُجَّتِيكَ عَلَى خَلْقِكَ وَ لِسَانِكَ الْمُعَبَّرِ عَنْكَ بِإِذْنِكَ النَّاطِقِ  
بِحُكْمَتِكَ وَ عَيْنِكَ النَّاطِرَةِ فِي بَرِّيَّتِكَ وَ شَاهِدِ (۲) عَلَى عِبَادِكَ، الْجَحْجَاحِ الْمُجَاهِدِ الْمُجْتَهِدِ عَبْدِكَ الْعَائِدِ بِكَ اللَّهُمَّ وَأَعِذْهُ مِنْ  
شَرِّ مَا خَلَقْتَ وَ ذَرَاتٍ وَ بَرَاتٍ وَ أَنْشَأْتَ وَ صَوَّرْتَ وَ أَحْفَظُهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ  
بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيحُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ وَ أَحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ آبَاءَهُ أُمَّتِكَ وَ دَعَائِمَ دِينِكَ د.

ص: ۲۷۵

۱- بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۰۹ تا ۳۱۲.

۲- ظاهراً باید الشاهد صحیح باشد.

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَاجْعَلْهُ فِي وِدِّعَتِكَ الَّتِي لَا تَضِيْعُ وَفِي جِوَارِكَ الَّتِي لَا يُحْتَقَرُ (١) وَفِي مَنَعِكَ وَعِزِّكَ الَّتِي لَا يُقْهَرُ  
وَأَمِنَهُ بِأَمَانَتِكَ الْوَثِيقِ الَّتِي لَا يُخَذَلُ مِنْ أَمْنَتِهِ بِهِ وَاجْعَلْهُ فِي كَنَفِكَ الَّتِي لَا يُضَامُ مَنْ كَانَ فِيهِ وَانصُرْهُ بِنَصْرِكَ الْعَزِيزِ وَأَيَّدْهُ  
بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ وَقُوَّةِ بَقْوَتِكَ وَأَرْدِفْهُ بِمَلَائِكَتِكَ اللَّهُمَّ وَالِ مَيْنِ وَالْإِلهِ وَعَادِ مَيْنِ عَادَاهُ، وَالْبِسِيهِ دِرْعِيكَ الْحَصِيئَةَ وَحِفَّهُ  
بِمَلَائِكَتِكَ حَفَاً اللَّهُمَّ وَبَلِّغْهُ أَفْضَلَ مَا بَلَّغْتَ الْقَائِمِينَ بِقِسْطِكَ مِنْ أَتْبَاعِ النَّبِيِّنَ اللَّهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ وَارْتُقْ بِهِ الْفَتْقَ وَأَمْتْ بِهِ  
الْجُورَ وَأَظْهِرْ بِهِ الْعِدْلَ وَزَيِّنْ بِطُولِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ وَأَيَّدْهُ بِالنَّصِيرِ وَانصُرْهُ بِالرُّعْبِ وَافْتِحْ لَهُ فَتْحاً يَسِيراً وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ عَلَى  
عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِ سُلْطَاناً نَصِيراً. اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الْقَائِمَ الْمُنْتَظَرَ، وَالإِمَامَ الَّتِي بِهِ تَنْتَصِرُ وَأَيَّدْهُ بِنَصْرِ عَزِيزٍ وَفَتْحَ قَرِيبٍ وَوَرْتَهُ مَشَارِقِ  
الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا الَّتِي بَارَكَتْ فِيهَا وَأَحْيَ بِهِ سُنَّةَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى لَا يَسْتَخْفَى بِشَيْءٍ مِنَ الْحَبِّ مَخَافَهُ أَحَدٍ مِنَ  
الْخَلْقِ وَقُوَّةِ نَاصِرِهِ وَاخْذُلْ خَاذِلَهُ وَدَمِّدْ عَلَى مَنْ نَصَبَ لَهُ وَدَمِّرْ عَلَى مَنْ غَشَّهُ اللَّهُمَّ وَقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَعُمَيْدَهُ وَدَعَائِمَهُ وَ  
الْقَوَامَ بِهِ وَأَقْصِمْ بِهِ رُؤُوسَ الضَّلَالَةِ وَشَارِعَةَ الْبِدْعَةِ وَمُمِيتَةَ الشُّنَّةِ وَمُقَوِّبَةَ الْبَاطِلِ وَأَذِلُّلْ بِهِ الْجَبَّارِينَ، وَأَبْرِزْ بِهِ الْكَافِرِينَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ  
جَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا وَ أَيْنَ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَسَيِّئِهَا وَجَبَلِهَا حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دَيَّاراً (٢)  
وَلَا تُبْقِيَ لَهُمْ آثَاراً اللَّهُمَّ وَطَهِّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ وَأَشْفِ مِنْهُمْ عِبَادَكَ وَأَعِزِّ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَحْيِ بِهِ سُنَنَ الْمُرْسَلِينَ وَدَارِسَ حُكْمِ ت.

ص: ٢٧٤

١- در بحار الانوار «لا يُخْفَرُ» آمده است.

٢- در بحار الانوار «دِسَاراً» آمده است.



النَّبِيِّنَ، وَحَدِّدْ بِهِ مَا مُجِي مِنْ دِينِكَ وَبَدِّلْ مِنْ حُكْمِكَ حَتَّى تُعِيدَ دِينَكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيدًا صَاحِبًا مَحْضًا لَا عِوَجَ فِيهِ وَلَا بِدْعَةَ مَعَهُ حَتَّى تُبَيِّنَ (١) بِعَدْلِهِ ظُلْمَ الْجَوْرِ وَتُطْفِئَ بِهِ نِيرَانَ الْكُفْرِ وَتُظْهِرَ (٢) بِهِ مَعَاذَ الْحَقِّ وَمَجْهُوْلَ الْعَيْدِلِ وَتُوضِّحَ بِهِ مُشْكِلَاتِ الْحُكْمِ اللَّهْمْشِ وَإِنَّهُ عَيْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَأَصْطَفَيْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ وَاصْطَفَيْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ وَائْتَمَّنْتَهُ عَلَى غَيْبِكَ وَعَصَيْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَبَرَّأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ وَصَدَّرْتَهُ عَنِ الدَّنَسِ وَسَلَّمْتَهُ مِنَ الرَّيْبِ اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَوْمَ حُلُولِ الطَّامَةِ أَنَّهُ لَمْ يُذْنِبْ وَ لَمْ يَأْتِ حُوبًا وَ لَمْ يَزْتَكِبْ لَكَ مَعْصِيَةً وَ لَمْ يُضَيِّعْ لَكَ طَاعَةً وَ لَمْ يَهْنِكْ لَكَ حُرْمَةً وَ لَمْ يُبَدِّلْ لَكَ فَرِيضَةً وَ لَمْ يُعَيِّرْ لَكَ شَرِيْعَةً وَ أَنَّهُ الْإِمَامُ التَّقِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ الطَّاهِرُ النَّقِيُّ الْوَفِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ وَ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَ وُلْدِهِ وَ أَهْلِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ أُمَّتِهِ وَ جَمِيعَ رَعِيَّتِهِ مَا تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ وَ تَسْرُرُ بِهِ نَفْسُهُ وَ تَجْمَعُ لَهُ مُلْكُ الْمَمْلَكَاتِ كُلِّهَا قَرِيبَهَا وَ بَعِيدَهَا وَ عَزِيزَهَا وَ ذَلِيلَهَا حَتَّى يَجْرِيَ حُكْمُهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ وَيَغْلِبَ بِحَقِّهِ عَلَى كُلِّ بَاطِلٍ اللَّهُمَّ وَ اسْلُكْ بِنَا عَلَى يَدَيْهِ مِنْهَاجَ الْهَمْدِ وَ الْمَحَبَّةِ الْعُظْمَى وَ الطَّرِيقَةَ الْوَسْطَى الَّتِي يَرْجِعُ إِلَيْهَا الْغَالِي وَ يَلْحَقُ بِهَا التَّيَالِي اللَّهُمَّ وَقَوْنَا عَلَى طَاعَتِهِ وَ تَبَتْنَا عَلَى مُشَايَعَتِهِ وَ ائْمَنَّا عَلَيْهِ بِمُنَابَعَتِهِ وَ اجْعَلْنَا فِي حَزْبِهِ الْقَوَامِينَ بِأَمْرِ الصَّابِرِينَ مَعَهُ الطَّالِبِينَ رِضَاكَ بِمُنَاصَبَتِهِ حَتَّى تَحْشُرْنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ مُقَوِّيهِ سُلْطَانِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ ذَلِكَ كُلَّهُ مِنَّا لَكَ خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَ شُبْهَةٍ وَ رِيَاءٍ ت.

ص: ٢٧٧

١- در بحار الانوار «تبيين» آمده است.

٢- در بحار الانوار «تظهر» آمده است.

وَسِيْمَعِهِ حَتَّى لَا نَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَكَ وَلَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ وَحَتَّى تُحِلَّنَا مَحَلَّهُ وَتَجْعَلَنَا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ وَلَا تَبْتَلِنَا فِي أَمْرِهِ بِالسَّأْمَةِ  
وَالكَسَلِ وَالْفِتْرَةِ وَالْفَشْلِ وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ وَتُعِزُّ بِهِ نَصِيرَ وَلِيِّكَ وَلَا تَسْتَبِدِلْ بِنَا غَيْرَنَا فَإِنَّ اسْتِبْدَالَكَ بِنَا غَيْرَنَا عَلَيْكَ  
يَسِيرٌ وَهُوَ عَلَيْنَا كَبِيرٌ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ وَصِلْ عَلَيَّ وَوَلَاهِ عَهْدِهِ وَبَلِّغْهُمْ آمَالَهُمْ وَزِدْ فِي آجَالِهِمْ وَانصُرْهُمْ وَتَمِّمْ  
لَهُمْ (١) مَا أَسْنَدْتَ إِلَيْهِمْ مِنْ أَمْرِ دِينِكَ وَاجْعَلْنَا لَهُمْ أَعْوَانًا وَعَلَى دِينِكَ أَنْصَارًا وَصِلْ عَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَيْمَةَ الرَّاشِدِينَ اللَّهُمَّ  
فِيَانَهُمْ مَعَادِنُ كَلِمَاتِكَ وَخِزَانُ عِلْمِكَ وَوَلَاهُ أَمْرِكَ وَخَالِصِيَّتِكَ مِنْ عِبَادِكَ وَخَيْرِيَّتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَأَوْلِيَاؤِكَ وَسَيِّئَاتِكَ  
أَوْلِيَاءِكَ وَصِفَاتِكَ وَأَوْلَادُ أَصْفِيَاءِكَ صِلُواؤِكَ وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ اللَّهُمَّ وَشَرِّكَاهُ فِي أَمْرِهِ وَمُعَاوِنُوهُ  
عَلَى طَاعَتِكَ الَّذِينَ جَعَلْتَهُمْ حِصْنَهُ وَسَلَاحَهُ وَمَفْزَعَهُ وَأُنْسَهُ الَّذِينَ سَلَمُوا عَنِ الْأَهْلِ وَالْأَوْلَادِ وَتَجَافَوْا الْوَطْنَ وَعَطَّلُوا الْوَثِيرَ مِنْ  
الْمِهَادِ قَدْ رَفَضُوا تِجَارَاتِهِمْ وَأَضْرَبُوا بِمَعَايِشِهِمْ وَفَقَدُوا فِي أُنْدِيَّتِهِمْ بَغِيرَ غَيْبِهِ عَنْ مِصْرِهِمْ وَحَالَفُوا الْبَعِيدَ مِمَّنْ عَاضَدَهُمْ عَلَى  
أَمْرِهِمْ وَخَالَفُوا الْقَرِيبَ مِمَّنْ صَدَّ عَنْ وَجْهِهِمْ وَاتْتَلَفُوا بَعْدَ التَّدَابُرِ وَالتَّقَاتُحِ فِي دَهْرِهِمْ وَفَطَعُوا الْأَسْبَابَ الْمُتَنَصِّمَةَ بِعَاجِلِ حُطَامِ  
مِنَ الدُّنْيَا فَاجْعَلْهُمْ اللَّهُمَّ فِي حِرْزِكَ وَفِي ظِلِّ كَنْفِكَ وَرُدِّ عَنْهُمْ يَأْسَ مَنْ قَصِدَ إِلَيْهِمْ بِالْعِدَاوَةِ مِنْ خَلْقِكَ وَاجْزِلْ لَهُمْ مِنْ  
دَعْوَتِكَ مِنْ كِفَايَتِكَ وَمُعُونَتِكَ لَهُمْ وَتَأْيِيدِكَ وَنَصْرِكَ إِيَّاهُمْ مَا تُعِينُهُمْ بِهِ عَلَى طَاعَتِكَ وَأَزْهِقْ بِحَقِّهِمْ بَاطِلَ مَنْ أَرَادَ إِطْفَاءَ  
نُورِكَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَامْلَأْ بِهِمْ كُلَّ أَقْفٍ مِنَ الْأَفَاقِ وَقَطْرِ مِنَ الْأَقْطَارِ قِسْطًا.

ص: ٢٧٨

وَ عَدْلًا وَ رَحْمَةً (۱) وَ فَضْلًا وَ اشْكُرْ لَهُمْ عَلَى حَسَبِ كَرَمَتِكَ وَ جُودِكَ وَ مَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَى الْقَائِمِينَ بِالْقِسْطِ مِنْ عِبَادِكَ وَ اذْخِرْ لَهُمْ مِنْ ثَوَابِكَ مَا تَرْفَعُ لَهُمْ بِهِ الدَّرَجَاتِ اِنَّكَ مَا تَشَاءُ وَ تَحْكُمُ مَا تُرِيدُ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ (۲) ت.

ص: ۲۷۹

---

۱- در بحارالانوار «مَرَحْمَةً» آمده است.

۲- این دعای شریف در بحارالانوار، ج ۹۵، از ص ۳۳۲ تا ۳۳۶، به نقل از جمال الاسبوع ذکر شده است.

۱- قرآن کریم

۲- البلد الامین، تقی الدین ابراهیم بن علی عاملی کفعمی، چاپ سنگی.

۳- ابواب الجنّات فی آداب الجمعات (آئین جمعه)، سیّد محمّد تقی موسوی اصفهانی، قم: مدرسه الامام المهدی علیه السلام، ۱۳۶۳ شمسی.

۴- الاحتجاج، ابو منصور احمد بن ابی طالب الطبرسی، نجف اشرف: دار النعمان، ۱۳۸۶ قمری.

۵- الارشاد، شیخ مفید، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ قمری.

۶- اقبال الاعمال، سیّد بن طاووس، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ شمسی.

۷- اقرب الموارد، سعید شرتونی.

۸- البرهان فی تفسیر القرآن، سیّد هاشم حسینی بحرانی، قم: دارالکتب العلمیه، ۱۳۳۴ شمسی.

۹- التفسیر، ابو نصر محمّد بن مسعود بن عیّاش سمرقندی، تهران: المکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۸۰ قمری.

۱۰- التّوحید، شیخ صدوق، بیروت: دارالمعرفه.

۱۱- التّهدیب، شیخ طوسی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲ شمسی.

۱۲- بحار الانوار، محمّدباقر مجلسی، تهران: المکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۷ قمری.

۱۳- بصائر الدّرجات، ابو جعفر محمّد بن حسن صفّار، بیروت: مؤسسه النعمان، ۱۴۱۲ قمری.

۱۴- پیوند معنوی با ساحت قدس مهدوی، صدرالاسلام همدانی، تهران: انتشارات بدر، ۱۳۶۱ شمسی.

- ۱۵- تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، شیخ محمد بن محمد رضا قمی مشهدی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۷ شمسی.
- ۱۶- تفسیر نور الثقلین، عبد علی بن جمعه العروسی الحویزی، قم: المطبعة العلمیه، ۱۳۸۲ قمری.
- ۱۷- تنبیه الخواطر و نزاهه التواظر، ورام بن ابی فراس، قم: مکتبه الفقیه (افست نسخه دارالتعارف بیروت، ۱۳۷۶ قمری).
- ۱۸- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شیخ صدوق، قم: انتشارات اخلاق، ۱۳۷۷ شمسی.
- ۱۹- جمال الاسبوع بکمال العمل المشروع، سیدبن طاووس، تهران: آفاق، ۱۳۷۱ شمسی.
- ۲۰- حدیث بندگی و دلبردگی، عبدالکریم سروش، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۸ شمسی.
- ۲۱- حدیث دو سفیر، سید مجتبی بحرینی، تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۳ شمسی.
- ۲۲- راز پنهانی و رمز پیدایی، دکتر سید محمد بنی هاشمی، تهران: انتشارات نیک معارف، ۱۳۸۴ شمسی.
- ۲۳- سلوک منتظران، دکتر سید محمد بنی هاشمی، تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۳ شمسی.
- ۲۴- سه رساله درباره حجه بن حسن العسکری (عج)، محمد باقر مجلسی، با مقدمه سید محمود میردامادی، اصفهان: کانون پژوهش، ۱۴۱۶ قمری.
- ۲۵- شرح فصوص الحکم (متن: ابن عربی، شرح: قیصری)، انتشارات بیدار، ۱۳۶۳ شمسی.
- ۲۶- صحیفه کامله سجادیه، امام زین العابدین علیه السلام، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۶ شمسیم.
- ۲۷- صحیفه مهدویّه، ترجمه محمد حسین رحیمیان، قم: دارالثقلین، ۱۳۷۹ شمسی.
- ۲۸- العروه الوثقی، سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، تهران: المکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۵۸ شمسی.
- ۲۹- عیون اخبار الرضا علیه السلام، شیخ صدوق، تهران: انتشارات جهان.
- ۳۰- غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد بن محمد آمدی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸ شمسی.
- ۳۱- الغیبه، ابن ابی زینب محمد بن ابراهیم نعمانی، تهران: مکتبه الصدوق.
- ۳۲- فرهنگ نوین (ترجمه القاموس العصری)، سید مصطفی طباطبایی، تهران: انتشارات کتابفروشی اسلامیّه، ۱۳۵۸ شمسی.
- ۳۳- فلاح السائل. سیدبن طاووس، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۳۴- الکافی، محمّد بن یعقوب کلینی، تهران: دارالکتب الاسلامیّه، ۱۳۴۸ شمسی.

۳۵- کامل الزیارات، جعفر بن محمّد بن قولویه قمی، قم: نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ قمری.

۳۶- کرامات الحسینیه علیه السلام، جلد ۲، علی میرخلف زاده، قم: انتشارات مهدی یار، ۱۳۷۹ شمسی.

ص: ۲۸۱

- ۳۷- کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ قمری.
- ۳۸- کنز الغنائم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام (همراه با «نورالابصار» و «سراج القبور»)، سید محمد تقی موسوی اصفهانی، اصفهان: انتشارات مشعل، ۱۳۸۰ شمسی.
- ۳۹- لسان العرب، ابن منظور، بیروت: دار صادر، ۲۰۰۰ میلادی.
- ۴۰- اللهوف علی قتلی الطفوف، سید بن طاووس، تهران: انتشارات جهان، ۱۳۴۸ شمسی.
- ۴۱- مثنوی، جلال الدین محمد بلخی رومی، تهران: کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۳۸ شمسی.
- ۴۲- مجمع البحرین، طریحی، تهران: انتشارات المکتبه المرتضویه، ۱۳۹۵ قمری.
- ۴۳- محاسبه النفس، سید بن طاووس، تهران: المکتبه المرتضویه، ۱۳۵۱ شمسی.
- ۴۴- مرآه العقول، محمد باقر مجلسی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۹ شمسی.
- ۴۵- مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ قمری.
- ۴۶- المصباح، کفعمی، قم: انتشارات رضی، ۱۴۰۵ قمری.
- ۴۷- مصباح المتهجد، شیخ طوسی، مؤسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۱ قمری.
- ۴۸- معانی الاخبار، شیخ صدوق، بیروت: دارالمعرفه، ۱۳۹۹ قمری.
- ۴۹- المعجم الوسیط، ابراهیم مصطفی و ... استانبول: المکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۲ قمری.
- ۵۰- مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی.
- ۵۱- المفردات فی غریب القرآن، راغب اصفهانی، تهران: المکتبه المرتضویه، ۱۳۷۳ قمری.
- ۵۲- مکارم الاخلاق، حسن بن فضل طبرسی، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۲ قمری.
- ۵۳- مکیال المکارم، سید محمد تقی موسوی اصفهانی، قم: المطبعه العلمیه، ۱۳۹۷ قمری.
- ۵۴- من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، قم: جامعه مدرّسین حوزه علمیه، ۱۴۱۳ قمری.
- ۵۵- منهاج الصالحین، آیه الله سیستانی، قم: انتشارات ستاره، ۱۴۱۶ قمری.

۵۶- مهج الدعوات، سيدبن طاووس، تهران: مؤسسه آفاق، ۱۳۸۰ شمسی.

۵۷- نجم الثاقب، ميرزا حسين نوري، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۷۷ شمسی.

۵۸- نهج البلاغه، صبحي صالح، بيروت: ۱۳۸۷ قمری.

۵۹- وسائل الشيعه الى تحصيل مسائل الشريعة، بيروت: دار احياء التراث العربي، ۱۳۸۹ قمری.

ص: ۲۸۲



- ۱- گوهر قدسی معرفت، قطع رقعی، ۲۳۲ صفحه
- ۲- معرفت امام عصر علیه السلام، قطع وزیری، ۴۳۲ صفحه
- ۳- شمیم آشنایی، قطع رقعی، ۲۲۴ (خلاصه کتاب معرفت امام عصر علیه السلام)
- ۴- آفتاب در غربت
  - \* شکر نعمت، قطع رقعی، ۱۱۶ صفحه
  - \* نعمت آفتاب قطع رقعی، ۲۴۰ صفحه
  - \* غربت آفتاب قطع رقعی، ۱۳۶ صفحه
  - \* یاری آفتاب قطع رقعی، ۱۷۶ صفحه
- ۵- آشنای غریب، قطع رقعی، ۳۲۰ (خلاصه کتاب آفتاب در غربت)
- ۶- سلوک منتظران، قطع رقعی، ۳۴۴ صفحه
- ۷- راز پنهانی و رمز پیدایی، قطع وزیری، ۳۹۲ صفحه
- ۸- پیمان غدیر، قطع رقعی، ۶۴ صفحه
- ۹- بیعت با مهدی علیه السلام، قطع رقعی، ۱۶۰ صفحه
- ۱۰- کتاب عقل (۱-۳)، قطع وزیری، ۵۵۰ صفحه
- ۱۱- در ضیافت ضریح، قطع وزیری، ۴۷۶ صفحه

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

